گزیده‌ای از:

مجموعه قوانین و مقررات

سال ۱۳۸۷

معاونت حقوقی و امور مجلس
(دفتر قوانین و مقررات)

سال ۱۳۸۷

ردیف	عنوان قانون	تاریخ تصویب	صفحه
۱	تصویب‌نامه درخصوص الحاق تبصره (۳) به بند (ت) ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی بند (الف) ماده (۲۶) قانون برگزاری مناقصات	۱۳۸۶/۲/۱۹	۱
۲	آیین‌نامه اجرایی تبصره (۴) ماده (۹) قانون جامع حمایت از حقوق معلولان	۱۳۸۷/۱/۵	۲
۳	اصلاح در ماده (۴) آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده (۱۲۷) تنفیذی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران	۱۳۸۶/۱۰/۱۰	۵
۴	دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار موضوع ماده (۱۷۰) قانون کار	۱۳۸۷/۱/۵	۷
۵	تصویب‌نامه درخصوص عدم نیاز به اخذ مجوز از دستگاههای موضوع ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران نسبت به واردات کالا به کشور به استثنای کالاهای ممنوعه	۱۳۸۷/۱/۱۱	۱۱
۶	اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست	۱۳۸۷/۱/۱۴	۱۲
۷	اصلاح ماده ۷ آیین‌نامه اجرایی بند (م) تبصره (۲) قانون بودجه سال ۱۳۸۶ کل کشور	۱۳۸۶/۹/۲۷	۱۳
۸	اصلاح ماده (۳۷) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی	۱۳۸۷/۲/۱	۱۴

	قانون رسیدگی به تخلفات اداری		
۹	اصلاح آیین‌نامه اجرایی قانون انتقال زندانها و مراکز تأمینی و تربیتی موجود به خارج از شهرها ـ مصوب ۱۳۸۰	۱۳۸۷/۲/۱۴	۱۵

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۳۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۱/۵

آیین‌نامه اجرایی قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت

ماده۱ـ در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف ـ قانون: قانون بازنشستگی پیش از موعد کارکنان دولت ـ مصوب ۱۳۸٦ـ

ب ـ سنوات خدمات قابل قبول: سنواتی است که طبق قوانین و مقررات مربوط از لحاظ احراز شرایط بازنشستگی جزو سنوات خدمت ملاک محاسبه قرار می‌گیرد.

پ ـ وزارت: وزارت امور اقتصادی و دارایی.

ماده۲ـ کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی در صورت دارا بودن حداقل بیست و پنج (۲۵) سال سابقه خدمت قابل قبول (بدون رعایت شرط سنی) می‌توانند در مهلت پیش‌بینی شده در قانون با ارایه درخواست کتبی مبنی بر بازنشستگی پیش از موعد و موافقت دستگاه متبوع با استفاده از حداکثر پنج (۵) سال سال سنوات ارفاقی تا سقف سی‌سال بازنشسته شوند.

تبصره۱ـ بانوان شاغل که فاقد شرط سابقه خدمت مقرر در این ماده می‌باشند، به شرط داشتن حداقل بیست (۲۰) سال سنوات خدمت قابل قبول می‌توانند با ارایه درخواست کتبی و موافقت دستگاه متبوع با استفاده از حداکثر پنج (۵) سال سنوات ارفاقی بازنشسته شوند.

تبصره۲ـ افرادی که در طول مدت اجرای قانون شرایط موضوع ماده (۲) این آیین‌نامه را احراز و بصورت مکتوب در خواست خود را ارایه نمایند و مطابق ماده (۳) این آیین‌نامه تا پایان ۱۳۸۹/٦/۵ با درخواست بازنشستگی آنها موافقت شود، مشمول این آیین‌نامه خواهندبود.

ماده۳ـ بمنظور بررسی درخواستی بازنشستگی پیش از موعد در انطباق با برنامه‌های جامع نیروی انسانی دستگاههای دولتی، رییس دستگاه یا بالاترین مقام مسئول دستگاه اجرایی می‌تواند کارگروهی مرکب از مدیران واحدهای ذی‌ربط دستگاه متبوع تشکیل دهد. درخواستهای مشمولان قانون پس از اعلام نظر مدیر بلافصل متقاضی در کارگروه مورد

رسیدگی قرار می‌گیرد.

تبصره ـ تصمیمات کارگروه در صورت وجود اعتبار لازم و پس از تأیید بالاترین مقام دستگاه قابل اجرا خواهدبود.

ماده٤ـ پاداش پایان خدمت کارکنان رسمی مشمول قانون با رعایت مفاد قانون پرداخت پاداش پایان خدمت و بخشی از هزینه‌های ضروری به کارکنان دولت ـ مصوب ۱۳۷۵ ـ و اصلاحات بعدی آن و با احتساب سنوات ارفاقی توسط دستگاه متبوع مستخدم محاسبه و پرداخت می‌شود.

تبصره۱ـ در مورد مستخدمان پیمانی مطابق آیین‌نامه استخدام پیمانی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۵۲۲۸۲/ت٦٦٤ مورخ ۱۳٦۸/٦/۱۵ و اصلاحات بعدی آن و در مورد مشمولان قانون کار مطابق احکام مندرج در قانون کار توسط دستگاه متبوع مستخدم عمل خواهد شد.

تبصره۲ـ پاداش پایان خدمت بانوان متقاضی با کمتر از بیست و پنج (۲۵) سال سابقه خدمت به میزان سنوات خدمت قابل قبول (بدون احتساب سنوات ارفاقی) محاسبه و پرداخت خواهد شد.

ماده۵ ـ وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مکلفند در سال ۱۳۸٦ اعتبار لازم برای پرداخت کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی براساس آخرین حقوق و مزایای مشمول کسر کسور بازنشستگی را به صورت یکجا و نیز مابه‌التفاوت حقوق بازنشستگی بابت سنوات ارفاقی آنان را (همان سال) به ترتیب مقرر در تبصره (۱) ماده واحده قانون محاسبه و به وزارت اعلام کند. وزارت موظف است اعتبار اعلام شده را از سر جمع اعتبارات دستگاهها کسر و به حساب صندوقهای بازنشستگی ذی‌ربط واریز نماید.

ماده٦ ـ از سال ۱۳۸۷ تا پنج (۵) سال پس از مهلت اجرای قانون، اعتبار لازم برای پرداخت کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی براساس آخرین حقوق و مزایای مشمول کسور بازنشستگی بطور یکجا و با اعمال ضریب (۱/۱) محاسبه و در ردیف بودجه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، همچنین مابه‌التفاوت

حقوق بازنشستگی بابت سنوات ارفاقی آن دسته از کارکنانی که تا سال قبل بازنشسته شده‌اند در ردیف جداگانه‌ای ذیل بودجه وزارت پیش‌بینی خواهد شد.

وزارت موظف است سهم هر یک از صندوقهای بازنشستگی را سالانه به حساب صندوقهای بازنشستگی ذی‌ربط واریز نماید.

تبصره ـ وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مکلفند کسور بازنشستگی و حق بیمه سهم مستخدم و کارفرما بابت سنوات ارفاقی را بطور یکجا به صندوقهای بازنشستگی پرداخت نمایند.

ماده۷ـ کارکنانی که با استفاده از سنوات ارفاقی بازنشسته می‌شوند پس از بازنشستگی از امتیازاتی که در سایر قوانین و مقررات برای کارکنان بازنشسته در نظر گرفته شده یا می‌شود بهره‌مند خواهندشد.

ماده۸ ـ شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی می‌توانند کارکنان واجد شرایط را صرفاً از محل منابع مالی خود و براساس مفاد این آیین‌نامه بازنشسته کنند.

ماده۹ـ منظور از کارکنان قراردادی در آیین‌نامه، اشخاص زیر هستند:

الف ـ مستخدمان موقت شرکتهای دولتی، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی.

ب ـ آن دسته از مستخدمان متناظر کارکنان پیمانی شاغل در وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی دارای مقررات خاص که به موجب قرارداد به استخدام درآمده‌اند.

ج ـ کارکنانی که براساس تصویب‌نامه شماره ۱۷۵۹۸ مورخ ۱۳۶۲/۳/۲۲ به صورت خرید خدمت با رعایت قوانین و مقررات مربوط در دستگاههای مشمول این قانون اشتغال دارند.

د ـ آن دسته از کارکنان مشمول قانون که براساس مجوزهای قانونی با انعقاد قرارداد در خدمت دستگاههای یادشده بوده‌اند و کسور بازنشستگی یا حق بیمه (اعم از سهم مستخدم و کارفرمای) آنها طبق مقررات به صندوقهای بازنشستگی مربوط پرداخت گردیده است.

تبصره ـ کارکنان ثابت یا عناوین مشابه دستگاههای مزبور برای استفاده از تسهیلات قانون در حکم مستخدم رسمی هستند.

ماده۱۰ـ دستگاههای مشمول موظفند فهرست کارکنان مشمول قانون را با قید

مشخصات استخدامی هر یک از آنان، میزان سنوات ارفاقی و پاداش پایان خدمت پرداختی به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی در فواصل شش ماهه ارسال کنند.

ماده۱۱ـ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است هر سال گزارش اجرای قانون را به هیئت وزیران ارایه نماید.

ماده۱۲ـ درخصوص مستخدمان شاغل در مشاغل سخت و زیان‌آور و جانبازان مقررات مربوط ملاک عمل خواهدبود.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸٦/۱۲/۲٦ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده‌است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۳۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۱/۵

آیین‌نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی

ماده۱ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم سند رسمی انتقال عین اراضی و املاک اعم از قطعی، شرطی، هبه، معاوضه، صلح، وقف و وصیت، مطابقت مشخصات ملک و مالک (مندرج در سند مالکیت) با دفتر املاک و بازداشت نبودن ملک را از اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع آن استعلام و پس از اخذ پاسخ، با رعایت سایر مواد این آیین‌نامه مبادرت به تنظیم اسناد مذکور نمایند و شماره و تاریخ پاسخ استعلام را در سند تنظیمی قید کنند.

پاسخ استعلام ثبت باید حاوی نام و مشخصات آخرین مالک، شماره پلاک ثبتی، ثبت، صفحه و دفتر املاک، شماره چاپی سند مالکیت و مراتب بازداشت یا عدم بازداشت ملک مورد استعلام باشد. چنانچه ملک در دفتر املاک ثبت نشده باشد، اداره ثبت محل مکلف است وضعیت ثبتی را اعلام نماید.

تبصره۱ـ استعلام یادشده، مطابق برگه مخصوصی است که حاوی اطلاعات موصوف بوده و توسط سازمان ثبت اسناد و املاک کشور به صورت اوراق بهادار تهیه و به دفاتر اسناد رسمی تحویل می‌شود.

تبصره۲ـ اعتبار پاسخ استعلام، در مواردی که دفتر اسناد رسمی و اداره ثبت در یک شهر قرار دارند، یک ماه و در غیر این صورت ٤٥ روز از تاریخ صدور خواهد بود.

تبصره۳ـ دفاتر اسناد رسمی نمی‌توانند پاسخ استعلام ثبتی را که به عنوان دفترخانه دیگری صادر گردیده است، مستند ثبت معامله قرار دهند و رأساً باید استعلام نمایند.

ماده۲ـ چنانچه پس از ارسال پاسخ استعلام به دفتر اسناد رسمی در مدت اعتبار پاسخ مذکور، دستور مرجع ذی‌صلاح قضایی یا ثبتی مبنی بر بازداشت ملک یا نظریه قطعی وزارت مسکن و شهرسازی یا وزارت جهاد کشاورزی حسب مورد مبنی بر موات بودن و یا شمول ماده (٥٦) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع، به اداره ثبت محل وقوع ملک واصل گردد، اداره مذکور مکلف است فوراً مراتب را رأساً یا از طریق اداره ثبت

محل استقرار دفترخانه به دفتر یادشده کتباً ابلاغ نماید.

ماده۳ـ دفاتر اسناد رسمی درخصوص گواهی پایان ساختمان و عدم خلاف، ملزم به رعایت تبصره (۸) اصلاحی ماده (۱۰۰) قانون شهرداری ـ مصوب ۱۳۵۸/٦/۲۷ شورای انقلاب ـ قبل از تنظیم سند انتقال املاک موضوع تبصره مذکور می‌باشند.

ماده٤ـ دفاتر اسناد رسمی موظفند هنگام تنظیم سند رسمی انتقال اراضی و املاک واقع در خارج از محدوده و حریم شهر، اعلام نظر اداره جهاد کشاورزی شهرستان مربوط مبنی بر عدم شمول مقررات قانون مرجع تشخیص اراضی موات و ابطال اسناد آن و یا عدم شمول ماده (٥٦) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را اخذ و شماره و تاریخ آن را در سند تنظیمی قید نمایند. ادارات جهاد کشاورزی مکلفند با رعایت مفاد تبصره ماده (۱) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی و ماده (۷) این آئین‌نامه، نسبت به ارجاع موضوع به سازمان‌های ذی‌ربط (حسب مورد سازمان امور اراضی یا سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور) و یا ادارات وابسته اقدام و اعلام نظر نمایند.

تبصره۱ـ دفاتر اسناد رسمی موظفند به منظور تعیین موقعیت پلاک ثبتی مورد انتقال از جهت داخل یا داخل از محدوده و حریم شهر قرارداشتن آن، از سازمان مسکن و شهرسازی استعلام نمایند.

تبصره۲ـ در صورت وجود سابقه مبنی بر اعلام نظر نسبت به موات نبودن ملک از مرجع ذی‌ربط یا در صورتی که برای مورد معامله سند مالکیت به صورت اراضی کشاورزی، باغ مشجر و یا دارای اعیانی صادر شده و یا مستندات و پاسخ استعلام قبلی مؤید آن باشد، نیاز به اخذ نظر مجدد در این خصوص نخواهد بود.

ماده٥ ـ وزارت جهادکشاورزی تا پایان مهلت قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و به شرح بند (ج) ماده (٦٨) قانون مذکور، باید کلیه اراضی موات واقع در خارج از محدوده و حریم شهر و همچنین اراضی مشمول ماده (٥٦) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع را به اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک منعکس نموده و در مورد آنها تقاضای صدور سند مالکیت نماید.

ماده٦ ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند، هنگام تنظیم سند نقل و انتقال عین اراضی و

املاک، مفاصا حساب مالیاتی و حسب مورد بدهی موضوع ماده (۳۷) قانون تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۵٤ـ را از انتقال دهنده مطالبه و شماره آن را در سند تنظیمی قید نمایند، مگر اینکه انتقال‌گیرنده ضمن سند تنظیمی متعهد به پرداخت بدهی احتمالی انتقال‌دهنده گردد که در این صورت متعاملین نسبت به پرداخت آن مسئولیت تضامنی خواهند داشت. در صورت اخیر، دفاتر اسناد رسمی موظفند تصویر سند تنظیمی را جهت وصول مطالبات موصوف تا پایان ماه بعد به ادارات امور مالیاتی و تأمین اجتماعی محل مربوط ارسال نمایند.

تبصره ـ ادارات مذکور موظفند طبق مقررات، پس از تاریخ وصول تصویر اسناد مذکور در صورتی که مورد معامله دارای بدهی باشد، مراتب را ضمن صدور برگ تشخیص و تعیین میزان قطعی بدهی تا تاریخ ثبت سند رسمی به نشانی مندرج در سند تنظیمی به هر یک از متعاملین ابلاغ نمایند.

ماده۷ـ ادارات و سازمان‌های مذکور در بندهای ذیل ماده (۱) قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام تقاضای ذی‌نفع و یا ارایه استعلام دفتر اسناد رسمی، گواهی وصول تقاضا یا استعلام، حاوی پلاک ثبتی ملک مورد استعلام را به مراجعه‌کننده تسلیم و یا برای دفتر اسناد رسمی ذی‌ربط ارسال و حداکثر ظرف ۲۰ روز از تاریخ صدور گواهی وصول تقاضا و یا استعلام، پاسخ آن را اعلام نمایند. نظر مخالف مراجع مذکور باید روشن و با ذکر علت و مستند به دلایل قانونی و اعلام نظر موافق نیز باید صریح و بدون قید و شرط باشد. در غیر این صورت یا در صورت عدم ارایه پاسخ در مهلت مقرر، ثبت سند با تصریح موضوع در سند تنظیمی بلامانع خواهد بود.

تبصره ـ در صورتی که مراجعه‌کننده مدعی عدم صدور پاسخ لازم ادارات مربوط در ظرف مدت مقرر باشد، دفتر اسناد رسمی موضوع را از اداره ذی‌ربط استعلام خواهد نمود.

ماده۸ ـ دفاتر اسناد رسمی هنگام تنظیم سند، موظفند در صورت عدم وصول پاسخ استعلامات و یا ارایه پاسخ مشروط و مبهم یا مقید، منتقل‌الیه را از آثار و تبعات سند تنظیمی مطلع و مسئولیت تضامنی متعاملین در پاسخگویی کلیه تعهدات قانونی و بدهی‌های مربوط به مورد معامله که تا زمان تنظیم سند طبق قوانین محقق و مسلم بوده را صریحاً در سند قید و ثبت نمایند.

ماده۹ـ هرگونه انتقال بلاعوض اراضی و اعیان به نفع دولت و شهرداری‌ها و نیز

تنظیم اسنادی که موجب تغییر مالکیت عین نمی‌گردد از قبیل اجاره، رهن و تقسیم‌نامه (غیر از حبس)، از پرداخت عوارض و اخذ هرگونه گواهی و اعلام نظر به استثنای پاسخ استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک محل وقوع ملک معاف می‌باشد، لکن دفاتر اسناد رسمی مکلفند نشانی محل وقوع ملک را طبق اظهار متعاملین در سند تنظیمی قید نموده و حداکثر تا پایان ماه بعد تصویر سند تنظیمی را حسب مورد به اداره امور مالیاتی یا اداره تأمین اجتماعی شهر مربوط ارسال نمایند.

ماده۱۰ـ اداره امور مالیاتی محل مکلف است در اجرای تبصره (۱) ماده (۱۲۳) اصلاحی قانون ثبت موضوع ماده (۱۰) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ـ مصوب ۱۳۸٤ـ، ارزش معاملاتی ملک مورد معامله را به دفتر اسناد رسمی استعلام کننده اعلام نماید.

ماده۱۱ـ چنانچه به درخواست متعاملین سند نقل و انتقال تلفن ثابت و همراه در دفاتر اسناد رسمی تنظیم و ثبت گردد، شرکت مخابرات ایران موظف است پس از ارایه سند مذکور نسبت به تغییر نام مالک مبادرت نماید.

ماده۱۲ـ دفاتر اسناد رسمی مکلفند قبل از تنظیم سند نقل و انتقال ماشین‌های چاپ، لیتوگرافی و صحافی موافقت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را اخذ و پس از انجام معامله، خلاصه نقل و انتقال را در شناسنامه مالکیت مربوط درج و تصویر سند تنظیمی را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارسال نمایند. شناسنامه مذکور طبق نمونه‌ای است که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری سازمان ثبت اسناد و املاک کشور حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ این آئین‌نامه، تهیه و در اختیار مالکان ماشین‌های یادشده قرار می‌گیرد.

تبصره ـ تا زمانی که شناسنامه مالکیت موضوع این ماده تهیه و در اختیار مالک قرار داده نشده است، تنظیم سند با ارایه موافقت‌نامه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بلامانع خواهد بود.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸٦/۱۲/۲٦ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۳۶۹ مورخ ۱۳۸۷/۱/۵

آیین‌نامه چگونگی رفع اختلاف بین دستگاه‌های اجرایی از طریق ساز و کارهای داخلی قوه مجریه

ماده۱ـ اصطلاحات مندرج در این آیین‌نامه در معانی زیر به کار می‌روند:

الف ـ دستگاه اجرایی: هر یک از دستگاه‌های موضوع ماده (۱۶۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب ۱۳۸۳ـ که زیرمجموعه قوه مجریه می‌باشند و در این آیین‌نامه حسب مورد به دستگاه ستادی، دستگاه زیرمجموعه و دستگاه استانی تقسیم می‌شوند.

ب ـ دستگاه ستادی: وزارتخانه و مؤسسه دولتی که زیر نظر وزارتخانه یا مؤسسه دولتی دیگری نباشد.

ج ـ دستگاه زیرمجموعه: کلیه تشکیلات اداری و نیز واحدهای سازمانی که تابعه یا وابسته به یک دستگاه ستادی می‌باشند.

د ـ دستگاه استانی: هر یک از دستگاه‌های زیرمجموعه که مأموریت استانی دارد.

هـ ـ اختلاف: اختلاف‌نظر دستگاه‌های اجرایی در برداشت از قوانین و مقررات و یا اختلاف ناشی از تداخل وظایف قانونی آنها و همچنین اختلاف آنها در مورد اموال و حقوق مالی.

ماده۲ـ اختلاف بین دستگاه‌های زیرمجموعه یک دستگاه ستادی که توسط رؤسای دستگاه‌های زیرمجموعه با استفاده از اختیارات قانونی آنها مرتفع نشود، حسب مورد به وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه ستادی منعکس می‌گردد تا در حدود اختیارات و مسئولیت‌های قانونی آنان مورد تصمیم‌گیری قرارگیرد.

تبصره ـ در مواردی که حل و فصل اختلاف موضوع این ماده در جهت وضعیت مطلوب، نیاز به تصمیم‌گیری هیئت‌وزیران داشته باشد، مانند تغییر بهره‌بردار اموال غیرمنقول دو مؤسسه دولتی زیرمجموعه یک دستگاه ستادی یا شرکت و دستگاه ستادی مربوط (موضوع مواد (۱۱۷) و (۱۱۸) قانون محاسبات عمومی کشور ـ مصوب ۱۳۶۶ـ) پیشنهاد

لازم مستقیماً توسط وزیر یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه ستادی به هیئت وزیران ارایه خواهد شد.

ماده۳ـ اختلافات بین دستگاه‌های استانی که توسط رؤسای دستگاه‌های مذکور با استفاده از اختیارات قانونی آنان مرتفع نشود، به استاندار استان مربوط منعکس می‌گردد تا در حدود اختیارات قانونی وی و راهکارهای مندرج در قوانین از جمله ماده (۸۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ـ مصوب ۱۳۸۰ـ مورد تصمیم‌گیری قرار گیرد. در مواردی که حل و فصل این اختلافات نیاز به تصمیم‌گیری هیئت‌وزیران داشته باشد موضوع توسط استاندار همراه با نظریه مستدل و مستند استانداری به معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور منعکس و با پیشنهاد معاونت مزبور همراه با نظریه حقوقی و ارایه راهکار در هیئت‌وزیران مطرح خواهد شد.

تبصره ـ اختلاف بین استانداری‌ها در صورتی که به یک دستگاه‌های اجرایی دیگر ارتباطی نداشته باشد، توسط وزارت کشور در حدود اختیارات قانونی رفع خواهد شد، در غیر این صورت به ترتیب مقرر در ماده (٤) این آیین‌نامه اقدام می‌گردد.

ماده٤ـ اختلافات بین دو یا چند دستگاه ستادی توسط وزرا و رؤسای دستگاه‌های یادشده در چارچوب اختیارات قانونی آنان مرتفع می‌گردد. چنانچه اختلافات دستگاه‌های مزبور توسط وزراء یا رؤسای آنان مرتفع نشود، مراتب به معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور منعکس می‌گردد تا در حدود اختیاراتی که مطابق اصل (١٢٤) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به وی محول شده است با اتخاذ تدابیر لازم و از طریق راهکارهای قانونی رفع اختلاف گردد. در مواردی که برای حل و فصل موضوع اختلاف در جهت وضعیت مطلوب، نیاز به تصمیم‌گیری هیئت‌وزیران باشد، همچنین در مواردی که حل اختلاف طبق قوانین مستلزم تصمیم‌گیری هیئت‌وزیران است، پیشنهاد معاونت یادشده همراه با نظریه حقوقی مستدل و ارایه راهکار در هیئت‌وزیران مطرح خواهد شد.

ماده۵ ـ اختیارات هیئت‌وزیران مندرج در این آیین‌نامه و همچنین اصلاح این آئین‌نامه، به وزرای عضو کمیسیون لوایح هیئت دولت تفویض می‌گردد. جلسه کمیسیون یادشده برای رسیدگی به اختلافات موضوع این آئین‌نامه، با دعوت از وزراء و رؤسای

دستگاه‌های ستادی طرف اختلاف برگزار می‌شود. ملاک تصمیم‌گیری موافقت اکثریت وزرای عضو کمیسیون می‌باشد و مصوبات کمیسیون در صورت تأیید رییس جمهور، با رعایت ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت قابل صدور است.

ماده٦ ـ در مورد اختیارات خاص رییس جمهور راجع به امور برنامه و بودجه و امورداری و استخدامی کشور موضوع اصل (١٢٦) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در صورتی که اختلاف به ترتیب مذکور در مواد (۳) و (٤) حل نشود، مراتب همراه با نظریه معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور برای حل اختلاف و تصمیم‌گیری به‌رییس جمهورر منعکس خواهد شد.

ماده۷ـ اختلافاتی که در قوانین برای رسیدگی آنها مرجع یا مراجع خاصی پیش‌بینی گردیده (مانند اختلافات مالیاتی و کارگری و کارفرمایی و اختلاف موضوع ماده (٦٩) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت) مشمول این آیین‌نامه نبوده و به ترتیب مقرر در قوانین مربوط تصمیم‌گیری خواهد شد.

ماده۸ ـ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ ابلاغ این آئین‌نامه، شیوه‌نامه طرح اختلاف نزد مراجع مذکور در مواد (۲)، (۳) و (٤) این آئین‌نامه را به همراه فرم‌های مربوط (از جمله فرم نحوه تعیین نمایندگان دستگاه اجرایی ذی‌ربط و اختیارات آنها و نیز فرم ارجاع اختلافات به‌مراجع یادشده و نحوه تصمیم‌گیری مراجع مزبور) تهیه و در اجرای اصول (١٢٤)، (١٣٤) و (١٣٩) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به کلیه دستگاه‌های مشمول این آیین‌نامه ابلاغ خواهد نمود.

ماده۹ـ دستگاه‌های اجرایی مکلفند گزارشی از دعاوی و اختلافات خود با سایر دستگاه‌های اجرایی را که تا تاریخ ١٣٨٦/٢/١١ در مراجع قضایی مطرح بوده است با ذکر ارزش خواسته، مرحله رسیدگی (بدوی، تجدیدنظر و سایر مراحل رسیدگی) میزان هزینه داوری، هزینه کارشناسی (پرداخت و یا تعهد شده) و تاریخ آغاز طرح اختلاف در مراجع قضایی، حسب مورد به مراجع مربوط در این آیین‌نامه منعکس نمایند تا براساس این آیین‌نامه مورد بررسی و حل و فصل قرارگیرد. به محض رفع یا حل اختلاف، دستگاه اقامه‌کننده دعوی نسبت به استرداد دعوی از مراجع قضایی اقدام خواهد نمود.

ماده۱۰ــ رؤسای دستگاه‌های ستادی و استانداران تصمیماتی را که در چارچوب مواد (۲)، (۳) و (٤) این آیین‌نامه اتخاذ نموده یا می‌نمایند به ترتیب و در مهلت مندرج در شیوه‌نامه موضوع ماده (۸) برای معاونت حقوقی و امور مجلس رییس‌جمهور ارسال می‌نمایند.

همچنین در صورتی که مراجع مذکور برای تصمیم‌گیری نیازمند استعلام از معاونت یادشده باشند، مراتب را همراه سوابق امر و نظریه طرف‌های اختلاف در ماهیت امر به معاونت مزبور منعکس می‌نمایند.

ماده۱۱ ـ در مواردی که رفع اختلاف موضوع این آیین‌نامه مستلزم بررسی هر یک از کارشناسان دستگاه‌های اجرایی علاوه بر وظایف اصلی آنان و خارج از ساعات اداری باشد، حق‌الزحمه کارشناسی به ترتیب مقرر در قوانین و مقررات مربوط پرداخت خواهد شد. همچنین در مواردی که رفع اختلاف در اموال و حقوق مالی به‌تشخیص مراجع مذکور در این آیین‌نامه نیازمند اظهارنظر کارشناس رسمی دادگستری باشد مراتب به کارشناس رسمی مربوط ارجاع خواهد شد و حق‌الزحمه آن برابر تعرفه مصوب پرداخت می‌گردد.

ماده۱۲ــ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور مکلف است سالیانه گزارش جامعی از عملکرد موضوع این آیین‌نامه را به هیئت‌وزیران ارایه نماید.

ماده۱۳ــ کلیه مصوبات و بخشنامه‌های مغایر صادره تا تاریخ ابلاغ این آئین‌نامه، لغو و مفاد این آئین‌نامه جایگزین آنها می‌گردد.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸٦/۱۲/۲٦ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۳۷۷ مورخ ۱۳۸۷/۱/۱۸

آیین‌نامه اجرایی ماده (۹۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

ماده ۱ــ در این آیین‌نامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند:

الف ـ وزارت : وزارت رفاه و تأمین اجتماعی.

ب ـ وزارت بهداشت: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.

پ ـ معاونت برنامه‌ریزی: معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور.

ت ـ شاخص مشارکت عادلانه مردم: نسبت کل هزینه‌های سلامت صرف شده خانوارهای گروههای مختلف درآمدی به درآمد بالاتر از فقر شدید، شاخص یادشده برای سنجش دستاورد نظامهای سلامت در ایجاد مشارکت عادلانه خانوارها در تأمین مالی هزینه‌های بهداشتی و درمانی به کار می‌رود.

تبصره ـ وزارت موظف است در اردیبهشت هر سال خط فقر شدید را تعیین و اعلام نماید.

ث ـ شاخص سهم مردم از هزینه سلامت: نسبت میزان پرداخت مستقیم خانوارها در امر سلامت هنگام دریافت خدمات، براساس گزارش درآمد هزینه خانوار مرکز آمار ایران، به کل هزینه‌های بخش سلامت این شاخص برای سنجش میزان مشارکت کلی مردم در تأمین منابع مالی نظام سلامت به نسبت سایر تأمین‌کنندگان منابع به کار می‌رود.

ج ـ شاخص سهم منابع عمومی: هزینه‌های پرداخت شده از منابع عمومی به کل هزینه‌های بخش سلامت شامل کلیه هزینه‌هایی که برای سلامتی از منابع مختلف تأمین می‌شود به استثنای هزینه‌هایی که هنگام دریافت خدمات تشخیصی و درمانی بطور مستقیم توسط مردم پرداخت می‌شود.

چ ـ خانوارهای آسیب‌پذیر از هزینه‌های غیرقابل تحمل سلامت: خانوارهایی که مبلغی بیش از چهل درصد (۴۰٪) مازاد درآمد خود ـ نسبت به حد امرار معاش ـ را صرف هزینه‌های سلامت می‌نمایند.

ح ـ میزان خانوارهای آسیب‌پذیر از هزینه‌های غیرقابل تحمل سلامت: تعداد خانوارهای موضوع بند (چ) این ماده نسبت به تعداد کل خانوارهای کشور.

خ ـ ظرفیت پرداخت خانوار: براساس فرمول « هزینه کل سالانه منهای خط فقر شدید» محاسبه می‌شود.

د ـ خط فقر شدید: بر مبنای آیین‌نامه چتر ایمنی رفاه اجتماعی، موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۰۸٦۷/ت۳۲۳٤۳هـ مورخ ۱۳۸٤/٤/۸ محاسبه خواهدبود.

ماده۲ـ به منظور امکان نظارت و ارزشیابی شاخصهای موضوع این آیین‌نامه و پیش‌بینی اعتبارات لازم، مرکز آمار ایران مکلف است با همکاری وزارت و وزارت بهداشت هر ساله قبل از تدوین لایحه بودجه، شاخصهای مذکور را به تفکیک ملی و استانی، طی یک گزارش تحلیلی به معاونت برنامه‌ریزی اعلام نماید.

تبصره۱ـ مرکز آمار ایران با همکاری وزارت و وزارت بهداشت مکلف است هزینه‌های سلامت را در چارچوب تعاریف و استانداردهای بین‌المللی حسابهای ملی سلامت متناسب با مفاد این آیین‌نامه هر سال قبل از تنظیم لایحه بودجه سالانه برآورد و به تفکیک ملی و استانی اعلام نماید.

تبصره۲ـ مرکز آمار ایران موظف است نسبت به لحاظ نمودن اطلاعات لازم برای محاسبه شاخصهای یادشده براساس نیاز و با همکاری وزارت بهداشت و وزارت در پرسشنامه خانوار در سطوح ملی و استانی اقدام نماید.

ماده۳ـ فرانشیز خدمات تشخیصی و درمانی موضوع ماده (۱۰) قانون بیمه همگانی خدمات درمانی ـ مصوب۱۳۷۳ـ هر ساله همزمان و متناسب با تعیین حق بیمه و تعرفه‌های سال بعد براساس هزینه خدمات پس از تأیید شورای عالی بیمه خدمات درمانی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده٤ـ وزارت بهداشت مکلف است با همکاری وزارت و مشاوره با انجمنها، گروههای تخصصی و سازمان نظام پزشکی دستورالعملهای اقدامات تشخیصی و درمانی را با اولویت خدمات پر هزینه و شایع (هر سال حداقل ۲۰ مورد) تدوین و برای تصویب شورای عالی یادشده ارایه نماید. مبنای بازپرداخت هزینه‌های درمانی توسط سازمانهای

بیمه‌گر، رعایت دستورالعملهای مصوب شورای عالی یادشده خواهدبود.

ماده۵ ـ به منظور پرداخت سهم خدمات درمانی خانوارهای آسیب‌پذیر از هزینه‌های غیرقابل تحمل سلامت، معاونت برنامه‌ریزی با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و وزارت رفاه و تأمین اجتماعی اعتبار لازم را در لایحه بودجه سنواتی به هیئت وزیران پیشنهاد نماید.

ماده٦ ـ کلیه بیمارستانها و مراکز تشخیصی و درمانی وابسته به دانشگاههای علوم پزشکی و مراکز خدمات بهداشتی و درمانی سازمان تأمین اجتماعی و نیروهای مسلح و سایر مراکز وابسته به دستگاههایی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می‌کنند، همچنین مراکز درمانی و تشخیصی طرف قرارداد با بیمه‌ها، مکلفند دارو و لوازم مصرفی و تجهیزات لازم برای درمان بیماران بستری در بیمارستان را فراهم کنند و اقلام مصرفی این موارد را در صورتحساب سازمانهای بیمه‌گر لحاظ و صرفاً فرانشیز بستری را از بیمه‌شده اخذ نمایند.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۵ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۳۷۷ مورخ ۱۳۸۷/۱/۱۸

دستورالعمل چگونگی تشکیل و نحوه اداره شورای عالی کار موضوع ماده (۱۷۰) قانون کار

ماده۱ـ در اجرای ماده (۱٦۷) قانون کار ـ مصوب ۱۳٦۹ـ شورای عالی کار که در این دستورالعمل به اختصار شورا نامیده می‌شود متشکل از اعضای زیر است:

الف ـ وزیر کار و امور اجتماعی به عنوان رییس شورا.

ب ـ دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسایل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب هیئت وزیران که یک نفر از آنان از اعضای شورای عالی صنایع انتخاب خواهد شد.

ج ـ سه نفر از نمایندگان کارفرمایان (یک نفر از بخش کشاورزی)، با معرفی کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان.

د ـ سه نفر از نمایندگان کارگران (یک نفر از بخش کشاورزی) با معرفی کانون عالی شورای اسلامی کار.

هـ ـ وزیر رفاه و تأمین اجتماعی.

و ـ رییس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران.

تبصره ـ در صورت عدم تشکیل یا فقدان اعتبار هر یک از کانونهای عالی یادشده، انتخاب نماینده کارفرمایان و کارگران در اجرای تبصره (۲) ماده (۱۳٦) قانون کار با وزیر کار و امور اجتماعی خواهد بود.

ماده۲ـ جلسات شورا، در وزارت کار و امور اجتماعی تشکیل می‌گردد. در صورت ضرورت حسب مورد با نظر وزیر کار و امور اجتماعی در محل دیگری تشکیل خواهد شد.

ماده۳ـ جلسات عادی شورا هر ماه حداقل یک بار بنا به دعوت و به ریاست وزیر کار و امور اجتماعی تشکیل می‌گردد. در موارد ضروری، جلسات فوق‌العاده بنا به تشخیص رییس شورا یا تقاضای سه نفر از اعضای شورا تشکیل خواهد شد.

ماده٤ـ هر یک از کانونهای یادشده باید علاوه بر اعضای اصلی، سه نفر به عنوان

عضو علی‌البدل به شورا معرفی نمایند. به طوری که به ازای هر عضو اصلی همواره یک عضو علی‌البدل جایگزین گردد.

تبصره۱ـ در صورتی که در خلال عضویت، هر یک از اعضای اصلی این ماده فوت نماید و یا شرایطی را که به اعتبار آن برای نمایندگی شورا معرفی شده‌اند از دست بدهند، مانند استعفا، بازنشستگی، خاتمه خدمت، خروج از عضویت کانون عالی مربوط و نظایر آنها، غیبت غیرموجه در دو جلسه متوالی یا سه جلسه متناوب در طول سال تقویمی، عضویت آنها در شورا خاتمه یافته و برای باقیمانده مدت، عضو یا اعضای جدید مطابق این ماده به ترتیب فهرست معرفی‌شدگان انتخاب می‌شوند.

تبصره۲ـ در صورت مرخصی و عدم حضور اعضای اصلی در جلسه، اعضای علی‌البدل با داشتن حق رأی شرکت خواهند کرد.

تبصره۳ـ کانونهای عالی موضوع بندهای « ج» و « د» ماده (۱) می‌توانند قبل از اتمام دوره عضویت هر یک از نمایندگان یادشده، به عضویت وی خاتمه داده و فرد دیگری را برای باقیمانده مدت عضویت معرفی نمایند.

ماده۵ ـ اعضای شورا مرکب از (۱۱) نفر می‌باشند و جلسات آن با حضور حداقل (۷) نفر از اعضا رسمیت خواهد داشت مشروط بر اینکه در هر جلسه دو نفر از گروه کارگر و دو نفر از گروه کارفرما حضور داشته باشند. مصوبات شورا با اکثریت آراء اعضای حاضر در جلسه معتبر خواهد بود.

ماده٦ ـ مدت عضویت هر یک از نمایندگان کارفرمایان یا کارگران (اعم از اصلی یا علی‌البدل) در شورا دو سال است و انتخاب مجدد آنها مجاز است.

ماده۷ـ دبیر شورا با پیشنهاد وزیر کار و امور اجتماعی و تصویب شورا تعیین می‌گردد.

تبصره ـ شورا دارای یک دبیرخانه دایمی، تحت سرپرستی دبیرشورا خواهد بود که تهیه و تنظیم دستور جلسات و همچنین صورت‌جلسات، دعوت از اعضاء، تنظیم امور دفتری، انجام مکاتبات لازم، حفظ و نگهداری و ثبت اوراق و اسناد و تهیه توضیحات لازم برای دستور جلسات و اعلام آگهی تصمیمات شورا را عهده‌دار خواهد بود.

ماده۸ ـ تشکیلات موردنیاز دبیرخانه شورا به پیشنهاد دبیر شورا تعیین و نیازهای پرسنلی و پشتیبانی توسط وزارتخانه یادشده تأمین می‌شود.

تبصره۱ـ دبیر شورا موظف است خلاصه مذاکرات و تصمیمات شورا را در صورت‌جلسه قید و آن را به امضای اعضا برساند. آن بخش از مصوبات شورا که برای افراد ایجاد حق و یا تکلیف می‌نماید، در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، برای اطلاع درج می‌گردد.

تبصره۲ـ دبیر شورا دستورجلسات را با نظر رییس شورا تنظیم و حداقل (۷۲) ساعت قبل از تشکیل جلسه به اطلاع اعضاء می‌رساند. دبیر شورا می‌تواند حسب ضرورت از افراد صاحب‌نظر دعوت به عمل آورد. افراد یادشده بدون داشتن حق رأی و فقط به منظور اظهارنظر کارشناسی در جلسه شرکت خواهند نمود.

ماده۹ـ شورا می‌تواند در موارد ضروری و به منظور انجام بررسی‌های لازم نسبت به مسایلی که نیاز به کارشناسی دارد، اقدام به تشکیل کارگروههای تخصصی نماید.

ماده۱۰ـ حق حضور اعضای شورا و کارگروههای تخصصی آن در بودجه سالانه وزارت کار و امور اجتماعی پیش‌بینی و پرداخت خواهد شد.

ماده۱۱ـ از تاریخ ابلاغ این دستورالعمل، دستورالعمل قبلی لغو می‌گردد.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۷/۱/۵ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۳۹۶ مورخ ۱۳۸۷/۲/۹

اصلاح ماده (۳۷) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری مصوب ۱۳۸۷/۲/۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۲/۱ بنا به پیشنهاد معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور و به استناد ماده (۲۷) قانون رسیدگی به تخلفات اداری ـ مصوب ۱۳۷۲ـ تصویب نمود:

ماده (۳۷) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به تخلفات اداری، موضوع تصویب‌نامه شماره ۴۳۳۷۲/ت۲۷۶۶۰هـ مورخ ۱۳۸۱/۹/۱۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

«**ماده۳۷ـ** هیئت عالی نظارت موضوع ماده (۲۲) قانون، مرکب از سه نفر از نمایندگان موضوع ماده (۳۴) این آیین‌نامه به پیشنهاد معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور و تصویب هیئت وزیران و یک نماینده از قوه قضاییه به ریاست معاون یادشده یا معاون یا نماینده وی تشکیل می‌شود.»

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۰۰ مورخ ۱۳۸۷/۲/۱۴

قانون تفسیر ماده (۴۱) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب۱۳۸۴ مصوب ۱۳۸۷/۱/۲۵

موضوع استفساریه:

ماده واحده ـ آیا منظور از «سی سال خدمت» در مورد ایثارگران این است که بدون احتساب امتیازات ایثارگران شاغل با فرض خدمت کمتر از سی سال از شمول حکم ماده (٤١) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ١٣٨٤/٨/١٥ مستثنی می‌باشند؟

نظر مجلس:

«ایثارگران قبل از سی سال خدمت بدون احتساب امتیازات ایثارگری شاغل، از حکم ماده (٤١) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ١٣٨٤/٨/١٥ مستثنی می‌باشند.»

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ١٣٨٧/٢/٤ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۱۶ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱

قانون شمول قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب۱۳۶۷ بر جانبازان و آزادگان انقلاب و جنگ تحمیلی و معلولین عادی نیروهای نظامی و انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۰

ماده واحده ـ مفاد قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی ایران و جنگ تحمیلی و معلولین عادی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور مصوب ۱۳۶۷/۹/۱ شامل جانبازان و آزادگان انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و معلولین عادی نیروهای نظامی و انتظامی و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح و سازمانهای وابسته نیز خواهد بود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ دهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۸ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۱۶ مورخ ۱۳۸۷/۳/۱

قانون تفسیر اجراء تعرفه آموزشی در محاسبه آب بیمارستانهای آموزشی و درمانی مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۱

موضوع استفساریه:

ماده واحده ـ آیا بیمارستانهای آموزشی، درمانی دولتی و تأمین اجتماعی مشمول مفاد بند (ط) تبصره (۷) قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور مصوب ۱۳۸۰/۱۲/۲۲ می‌شود؟

نظر مجلس:

آری.

قانون استفساریه فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ یازدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۱۸ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۲۱ مورخ ۱۳۸۷/۳/۷

قانون اصلاح ماده ۱۴ قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳ مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۵

ماده واحده ـ وزیر جهادکشاورزی و سرپرست کمیته امداد امام خمینی(ره) به‌عضویت در ترکیب ماده (١٤) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۳/۲/۲۱ اضافه می‌گردند.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ پانزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۳۰ مورخ ۸۷/۳/۲۱

قانون الحاق یک تبصره به ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب۱۳۵۴ و ماده (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب۱۳۶۶ و ماده (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب۱۳۷۰ مصوب ۱۳۸۷/۲/۱۸

ماده واحده ـ متن زیر به عنوان تبصره به ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب۱۳۵٤/٤/۳ و ماده (۱۵۳) قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳٦٦/۷/۷ و ماده (۱۷۱) قانون مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۷/۲۱ اضافه می‌شود:

تبصره ـ هرگاه مستمری‌بگیر بازنشسته یا ازکارافتاده به مدت شش ماه مستمری بازنشستگی یا ازکارافتادگی کلی خود را مطالبه ننماید، بازماندگان واجد شرایط وی حق دارند موقتاً مستمری و یا حقوق وظیفه قانونی خود را تقاضا و دریافت کنند. درصورتی که معلوم شود شخص مذکور در حال حیات است وضع مستمری او به حالت اول اعاده می‌گردد. بازنشستگان کلیه صندوقهای بازنشستگی کشور نیز مشمول این تبصره خواهند بود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ هجدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۳/۲ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۳۹ مورخ ۸۷/۴/۱

اصلاحیه ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی ماده (۹۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۷/۳/۲۸

نظر به اینکه در ماده (۳) آیین‌نامه اجرایی ماده (۹۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع تصویب‌نامه شماره ۷۱۹/ت۳۳۴۹۳ک مورخ ۱۳۸۷/۱/۱۰ عبارت « موضوع ماده (۹)» به اشتباه « موضوع ماده(۱۰)» تحریر شده است مراتب جهت اصلاح اعلام می‌شود.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۴۸ مورخ ۸۷/۴/۱۱

شیوه‌نامه رسیدگی و رفع اختلاف دستگاههای اجرائی(موضوع ماده (۸) تصویب‌نامه شماره ۲۱۲۷۶۷/ت۳۷۵۵۰ک مورخ ۱۳۸۶/۱۲/۲۷) مصوب ۸۷/۴/۵

با توجه به اصول (۱۲٤) و (۱۳٤) قانون اساسی و در اجرای مواد (۸)، (۹) و (۱۰) آئین‌نامه چگونگی رفع اختلاف بین دستگاههای اجرائی از طریق ساز و کارهای داخلی قوه مجریه (موضوع تصویب‌نامه شماره۲۱۲۷٦۷/ت۳۷۵۵۰ک مورخ ۱۳۸٦/۱۲/۲۷ کمیسیون اصل (۱۳۸)) و با توجه به بند «۲۲» ضوابط اجرایی بودجه سال ۱۳۸۷ کل کشور (موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۱۱۹٤۷/ت۳۹۳٦۵هـ مورخ ۱۳۸٦/۱۲/۲۸ هیأت‌وزیران) شیوه‌نامه ذیل به کلیه دستگاههای اجرائی جهت اجرا ابلاغ می‌گردد.

فصل یک ـ کلیات

ماده۱ـ تعاریف؛ معنی اصطلاحات بکاررفته در این شیوه‌نامه به شرح ذیل است:

آیین‌نامه: آئین‌نامه «چگونگی رفع اختلافات فیمابین دستگاههای اجرایی از طریق سازوکارهای داخلی قوه مجریه» (موضوع تصویب‌نامه شماره ۲۱۲۷٦۷/ت۳۷۵۵۰ک مورخ ۱۳۸٦/۱۲/۲۷)

دستگاه متقاضی: دستگاه اجرایی که طبق شرایط آیین‌نامه، با رعایت این شیوه‌نامه درخواست رسیدگی نسبت به موضوع اختلاف را از مرجع اختلاف می‌نماید.

دستگاه طرف اختلاف: دستگاه اجرائی که براساس درخواست نامه دستگاه متقاضی به عنوان دستگاه طرف اختلاف معرفی می‌شود.

رسیدگی: بررسی موضوع اختلاف توسط مرجع رفع اختلاف حسب تقاضای دستگاه متقاضی، با استفاده از راهکارهای قانونی و سازوکارهای داخل قوه مجریه بویژه براساس اختیارات قانونی مقامات ذیربط قوه مجریه و هیأت دولت.

مرجع رفع اختلاف: مرجع رسیدگی و رفع اختلاف مندرج در مواد ۳، ۲ و٤ آیین‌نامه که حسب مورد استاندار، رئیس دستگاه ستادی و معاونت حقوقی و امور مجلس رئیس

جمهور خواهدبود.

معاونت: معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری.

طرفین اختلاف: دستگاههای متقاضی و طرف اختلاف.

دستگاه مرتبط: دستگاه اجرائی که با توجه به شرح وظایف و اختیارات قانونی آن و حسب تشخیص مرجع رفع اختلاف در موضوع مطروحه، ذینفع، دخیل یا مطلع باشد

تبصره ـ تعریف سایر اصطلاحات به ترتیبی است که در آئین‌نامه ذکر شده‌است.

پیوستها:

پیوستهای این شیوه‌نامه به ترتیب ذیل عبارت است از:

پیوست شماره یک: درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف

پیوست شماره دو: اختیارنامه تعقیب **درخواستنامه** رسیدگی و رفع اختلاف و دفاع

پیوست شماره سه: شناسه مراجع رفع اختلاف

پیوست شماره چهار: اعلامیه تکمیل درخواست نامه

پیوست شماره پنج: اعلامیه رد درخواست‌نامه رسیدگی به جهت عدم رفع نقص

پیوست شماره شش: ابلاغیه درخواست نامه رسیدگی به دستگاه **طرف اختلاف**

پیوست شماره هفت: اعلامیه تمدید مهلت

پیوست شماره هشت: اعلامیه رد درخواست رسیدگی به جهت عدم صلاحیت

پیوست شماره نه: نظرخواهی از دستگاه مرتبط

پیوست شماره ده: اعلامیه دعوت به جلسه

پیوست شماره یازده: صورتجلسه رسیدگی

پیوست شماره دوازده: تصمیم‌نامه مرجع رفع اختلاف

ماده۲ـ معاونت، نمونه درخواست نامه و سایر پیوست‌ها رادر پایگاه اطلاع‌رسانی الکترونیک در دسترس کلیه دستگاههای اجرایی قرار داده و مراجع رفع اختلاف و طرفین اختلاف طبق نمونه‌ها اقدام خواهند کرد.

ماده۳ـ دستگاههای اجرایی باید قبل از طرح درخواست نامه رسیدگی از مرجع رفع اختلاف، بدواً با توجه به نظریه واحد یا کارشناس حقوقی و در حدود اختیارات مقامات اجرایی و اداری خود نسبت به اتخاذ تصمیم جهت حل و فصل موضوع اقدام نمایند.

فصــل دوم ـ طرح درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف و چگونگی تکمیل آن

ماده٤ـ در مواردیکه علی‌رغم انجام اقدامات موضوع ماده (۳)، اختلاف دستگاههای مربوطه رفع نگردد دستگاه متقاضی با تکمیل «درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف» (طبق پیوست شماره یک) از مرجع رفع اختلاف، درخواست رسیدگی می‌نماید.

ماده۵ ـ امضاء مکاتبات و نمونه‌ها (به استثناء درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف و اختیارنامه تعقیب درخواست نامه که باید به امضاء بالاترین مقام دستگاه اجرایی حسب مورد برسد) بر عهده معاون مربوط بالاترین مقام اجرایی دستگاه متقاضی است که به عنوان نماینده به مرجع رفع اختلاف معرفی می‌شود.

تبصره: کلیه دستگاههای اجرایی باید ظرف یکماه از ابلاغ این شیوه‌نامه یک کارشناس مجرب و مطلع از مفاد شیوه‌نامه را نیز به عنوان رابط خود با مرجع رفع اختلاف مربوطه معرفی کنند.

ماده٦ ـ دستگاه متقاضی پس از تکمیل درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف (به‌شیوهٔ مندرج در ذیل درخواست نامه رسیدگی) ـ (پیوست شماره یک) مدارک ذیل را باید ضمیمه درخواست نامه نماید:

ـ اختیارنامه تعقیب درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف و دفاع (طبق پیوست شماره دو).

ـ لایحه متضمن شرح مستندات و ادلهٔ مثبت خواسته.

ـ تصویر کلیه اسناد و ادله ذکر شده درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف

ـ تصویر کلیه مقررات و مستندات قانونی که در درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف به آنها استناد شده‌است.

ـ تصویر اسناد و ادله حاکی از اقدامات موضوع ماده (۳) اسناد فوق‌الذکر باید ممهور به مهر دستگاه متقاضی گردیده باشد.

ماده۷ـ دستگاه متقاضی درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف را پس از تکمیل و همراه مدارک ضمیمه به دبیرخانه مرکزی مرجع رفع اختلاف تسلیم و رسیدی مشتمل بر تاریخ ثبت اولیه دریافت خواهدنمود. چنانچه مرجع رفع اختلاف، نقصی در نحوه تکمیل درخواست نامه و ضمائم تسلیمی دستگاه متقاضی مشاهده نماید قبل از ثبت پرونده،

به‌موجب اعلامیه تکمیل درخواست نامه (طبق پیوست شماره چهار) ضمن بیان نقص یا نقایص، لزوم تکمیل درخواست نامه ظرف مهلت مقرر در اعلامیه را به معاون یا مقام مجاز متذکر خواهدشد. چنانچه دستگاه مربوطه ظرف مهلت مقرر نسبت به تکمیل پرونده اقدام ننماید و یا با ذکر دلیل موجه درخواست تمدید مهلت نکند، مرجع رفع اختلاف به موجب اعلامیه « رد درخواست نامه رسیدگی به جهت عدم رفع نقص» (طبق پیوست شماره پنج) مراتب را به دستگاه متقاضی ابلاغ خواهدنمود.

چنانچه مرجع رفع اختلاف درخواست نامه و ضمائم آن را کامل تشخیص دهد، نسبت به تشکیل و ثبت پرونده اقدام نموده و به پرونده مزبور، شناسه رقمی اختصاص خواهدداد. این شناسه به ترتیب مرکب از شناسه مرجع رفع اختلاف (براساس شناسه‌های اختصاص یافته به دستگاههای اجرایی مندرج در پیوست شماره سه) و سال طرح درخواست نامه و شماره عددی اختصاصی به پرونده ثبت شده (از سمت چپ به راست) خواهدبود. کلیه مکاتبات مربوط به پرونده باید با درج شناسه مربوط انجام شود.

ماده۸ ـ مرجع رفع اختلاف برای کلیه درخواستها و پرونده‌ها دفتر ثبت اوقات تشکیل داده و به محض ثبت هر درخواست نامه، اوقات مربوط به رسیدگی اعم از اوقات احتیاطی و اوقات رسیدگی را تعیین و درج خواهدکرد.

تبصره ـ در مواردیکه مرجع رفع اختلاف استاندار می‌باشد مسئول رسیدگی به امور فوق مسئول دفتر استاندار و در مواردیکه مرجع رفع اختلاف رئیس دستگاه ستادی یا معاونت است مسئول رسیدگی و انجام امور فوق دفاتر حقوقی مربوط خواهدبود.

ماده۹ـ مرجع رفع اختلاف پس از تکمیل و ثبت پرونده، ابلاغیه درخواست نامه رسیدگی به دستگاه طرف اختلاف (طبق پیوست شماره شش) را همراه با نسخه‌ای از درخواست نامه و مدارک ضمیمه آن به دستگاه طرف اختلاف ارسال می‌نماید تا ظرف مهلت ۳۰روز از تاریخ وصول نسبت به تکمیل و ارسال دفاعیه متضمن لایحه دفاعیه، اختیارنامه تعقیب درخواست رسیدگی و رفع اختلاف و دفاع و مستندات و ادله مثبت دفاع یا ادعا و راهکار موردنظر اقدام نماید. در صورت لزوم و با درخواست دستگاه طرف اختلاف و تشخیص مرجع رفع اختلاف می‌توان مدت مقرر را بموجب اعلامیه تمدید مهلت (طبق پیوست شماره هفت) تمدید کرد.

تبصره ـ در مواردی که بنابه تشخیص مرجع رفع اختلاف، فوریت پرونده اعمال ترتیب دیگری در تکمیل درخواست نامه و رسیدگی را اقتضاء نماید مراتب مطابق نظر مرجع رفع اختلاف انجام خواهدشد.

فصل سوم ـ نحوه رسیدگی و رفع اختلاف

ماده۱۰ـ مرجع رفع اختلاف ابتدا با توجه به آئین‌نامه درخصوص صلاحیت خود جهت رسیدگی بررسی و رسیدگی کرده و در مواردیکه رسیدگی به اختلاف را در قلمرو اختیارات قانونی خود نداند با صدور اعلامیه رد درخواست رسیدگی به جهت عدم صلاحیت (طبق پیوست شماره هشت) مراتب را به دستگاه متقاضی ابلاغ می‌نماید.

ماده۱۱ـ در صورت لزوم بنا به تشخیص مرجع رفع اختلاف از دستگاه یا دستگاههای مرتبط با موضوع (طبق پیوست شماره نه) نظرخواهی و رونوشت آن برای طرفین ارسال خواهدشد.

ماده۱۲ـ چنانچه رسیدگی به موضوع بنا به تشخیص مرجع رفع اختلاف مستلزم حضور طرفین و ارائه توضیح در جلسه مشترک باشد، مرجع رفع اختلاف به موجب اعلامیه « دعوت به جلسه» (طبق پیوست شماره ده) طرفین اختلاف را برای حضور در جلسه با قید تاریخ، محل و دستور جلسه دعوت می‌نماید. عدم حضور هریک از طرفین مانع از شنیدن اظهارات طرف حاضر نخواهدبود. خلاصه مباحث مؤثر صورت گرفته در صورتجلسه رسیدگی (طبق پیوست شماره یازده) درج و به امضاء نماینده طرفین اختلاف و رئیس جلسه خواهد رسید.

ماده۱۳ـ در مواردی که ادامه روند اجرایی موجود در موضوع مورد اختلاف به‌تشخیص مرجع و مقامات زیر موجب بروز وضعیت یا خسارات غیرقابل جبران گردد با رعایت قوانین و مقررات مربوط، به ترتیب زیر عمل خواهدشد؛

الف) در مواردی که مرجع رفع اختلاف رئیس دستگاه ستادی است بنا به تشخیص و دستور وی روند اجرایی موجود ممکن است تا زمان مورد نظر متوقف شود.

ب) در مواردیکه موضوع در استانداری رسیدگی می‌شود در صورت اختیار قانونی استاندار طبق نظر وی عمل خواهد شد و در صورتیکه نیاز به تصمیم مرجع دیگری باشد مراتب جهت اقدام مقتضی به معاونت منعکس خواهدشد.

ج) در مواردیکه موضوع توسط معاونت مورد رسیدگی است و طرفین درخصوص توقف روند اجرایی موجود توافق ندارند مراتب به ترتیبی که معاونت تشخیص دهد انجام خواهدشد.

فصل چهارم ـ صدور تصمیم نامه

ماده١٤ـ پس از اختتام رسیدگی، تصمیم‌نامه مرجع رفع اختلاف که باید متضمن موارد ذیل باشد (طبق پیوست شماره دوازده) صادر می‌گردد:

١ـ دستگاههای طرف اختلاف ٢ـ موضوع اختلاف ٣ـ گردشکار رسیدگی و اقدامات صورت گرفته برای رسیدگی و رفع اختلاف ٤ـ وقایع موضوعی و ادله اثبات آن ٥ ـ احکام قانونی ناظر بر موضوع ٦ ـ مفاد تصمیم‌نامه و اقداماتی که بر مبنای استنادات صورت گرفته باید توسط طرفین انجام گیرد ٧ـ تعیین روش اجرای تصمیم‌نامه و مرجع اجراء.

ماده١٥ـ در مواردیکه رفع نهایی اختلاف طبق مقررات در صلاحیت مرجع قانونی دیگری (مانند هیأت وزیران) است تصمیم‌نامه مرجع رفع اختلاف همراه با ارائه راهکار به‌مرجع مربوطه اعلام می‌گردد.

ماده١٦ـ رؤسای دستگاه ستادی و استانداران در رسیدگی به پرونده‌های مطروحه، در موارد ابهام، اجمال، تعارض یا اختلاف برداشت از قوانین و مقررات مراتب را همراه با نظریه حقوقی دستگاه متبوع از معاونت استعلام کرده و بر مبنای آن اقدام خواهندکرد.

ماده١٧ـ تصمیم نامه تنظیمی پس از ثبت در دبیرخانه به تعداد طرفین به علاوه یک نسخه تکثیر و با امضای مرجع رفع اختلاف به طرفین اختلاف ابلاغ می‌شود.

ماده١٨ـ طرفین اختلاف باید ظرف یکماه از تاریخ ابلاغ تصمیم نامه را اجرا و نتیجه را به مرجع رفع اختلاف منعکس نمایند.

ماده١٩ـ در مواردی که رسیدگی و صدور تصمیم‌نامه توسط مراجع موضوع ماده (٢) و (٣) آئین‌نامه انجام می‌گیرد مراجع مزبور در اجرای ماده (١٠) آئین‌نامه رونوشتی از تصمیم‌نامه را به معاونت ارسال می‌نمایند و در پایان هرسال نیز گزارشی متضمن تعداد پرونده‌های در حال رسیدگی، پرونده رسیدگی شده و جمع ارزش مالی پرونده‌های اخیرالذکر را تهیه و به معاونت اعلام خواهند نمود.

شیوه تکمیل نمونه درخواست نامه رسیدگی و رفع اختلاف

ـ در قسمت مرجع رفع اختلاف، پس از مشخص نمودن مرجع صالح رفع اختلاف براساس احکام آئین‌نامه و ذکر عنوان دستگاه متبوع مرجع مزبور، نام و نام خانوادگی مرجع مزبور به عنوان مخاطب درخواست نامه قید می‌شود.

ـ در قسمت دستگاه متقاضی و دستگاه طرف اختلاف، عنوان قانونی دستگاه متقاضی و دستگاه طرف اختلاف، نشانی اقامتگاه دستگاهها و نشانی واحد حقوقی آنها به نحوی که مکاتبه با آنها به سهولت و درستی صورت گیرد و نام و نام خانوادگی بالاترین مقام اجرایی دستگاه مربوطه قید می‌شود. چنانچه طرفین اختلاف ازدستگاههای زیرمجموعه یک وزارتخانه یا مؤسسه دولتی نباشند مشخصات وزارتخانه یا مؤسسه دولتی متبوع نیز قید می‌گردد.

ـ در قسمت موضوع اختلاف: نوع اختلاف اعم از برداشت متفاوت از حکم یا احکام قانونی، تداخل وظایف و اختیارات قانونی یا اختلاف در اموال و حقوق مالی تصریح گردد. چنانچه اختلاف راجع‌به برداشت از قوانین و مقررات یا ناشی از آن باشد حکم قانونی مورد اختلاف باید صریحاً قید گردد.

چنانچه اختلاف در یکی از موارد فوق، موجب اختلاف در سایر موارد باشد، قید تمام موارد اختلاف اعم از اصلی و تبعی ضروری است.

در مواردی که اختلاف مربوط به اموال و حقوق مالی است، ارزیابی ریالی آن توسط دستگاه متقاضی بر مبنای معیارهای متعارف و واقعی توسط واحد مالی دستگاه متقاضی قید می‌گردد. در مواردیکه اختلاف مربوط به برداشت از قوانین و یا تداخل وظائف و اختیارات باشد میزان اثربخشی از حیث بار مالی یا تشکیلاتی یا از نظر جمعیتی و جغرافیائی و اختیارات و کارکرد مورد عمل قید می‌شود.

ـ قسمت دلایل و مستندات باید مشتمل بر بیان ادله مجوز قانونی اقدامات صورت گرفته مرتبط با موضوع اختلاف، سوابق و اسناد ناظر بر رابطه قانونی یا قراردادی منجر به‌اختلاف و مشخصات دلیل مثبت سمت صاحب امضاء مجاز دستگاه متقاضی باشد.

ـ در قسمت گردشکار اختلاف: خلاصه‌ای مشتمل بر مدت، زمینه‌ها و چگونگی بروز اختلاف، اقدامات صورت گرفته جهت رفع اختلاف و نتیجه آن، علل عدم رفع اختلاف، بخصوص سابقه طرح اختلاف در سایر مراجع اعم از مراجع قضایی و غیرقضایی و نیز آثار

اجرایی ناشی از وجود اختلاف قید می‌گردد.

ـ در قسمت نظریه حقوقی دستگاه متقاضی، باید نظریه مستند و مستدل دستگاه متضمن اثبات وقایع موضوعی و حکمی مورد ادعا به نحوی که مثبت خواسته مطروحه دستگاه متقاضی باشد به نحو مختصر و موجز بیان شود.

با توجه به اینکه تأکید به استفاده از اختیارات قانونی مقامات اجرایی و هیأت وزیران جهت رفع اختلاف می‌باشد لازم است نظریه دستگاه متضمن راهکار پیشنهادی رفع اختلاف نیز باشد.

در این قسمت همچنین خواسته اصلی دستگاه متقاضی به نحوی که تصمیم‌گیری درخصوص آن به طور قطعی منجر به رفع اختلاف گردد به نحو صریح و منجز قید می‌شود.

ـ در قسمت صاحب امضاء مجاز نام و نام خانوادگی و سمت بالاترین مقام اجرایی دستگاه نیز قید خواهد شد.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۷۶ مورخ ۸۷/۵/۱۵

قانون تفسیر قانون اصلاح مواد (۹) و (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۸۶/۱۱/۲۹

موضوع استفساریه:

ماده واحده ـ با توجه به متن مواد (۹) و (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و لایحه اصلاحیه دولت برای تسری آن به قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران که نامی از صندوق خاصی نیاورده است و منظور کلیه صندوقهای بازنشستگی است و همچنین ماده (٤) آئین‌نامه اجرائی مصوب هیأت وزیران به شماره ۸۷۹٤/ت۳۰۳۷۰ هـ مورخ بیست و هفتم اردیبهشت ماه سال ۱۳۸۳ که به سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای ذی‌ربط تصریح کرده است، آیا مراد قانونگذار در قانون فوق‌الذکر و تبصره آن از بیمه‌شدگان واحدها و کارگاههای تولیدی و صنعتی در مواد (۹) و (۱۰)، بیمه‌شدگان تحت پوشش کلیه صندوقهای بازنشستگی می‌باشد؟

نظر مجلس:

بلی.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز دوشنبه مورخ بیست و نهم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/٤/۸ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده‌شد.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۷۶ مورخ ۸۷/۵/۱۵

قانون اصلاح قانون تأمین‌اجتماعی و برخی قوانین مربوط به منظور تشویق کارفرمایان به تأدیه دیون معوقه سنواتی بابت حق‌بیمه و بیمه بیکاری کارکنان مصوب۸۷/۱/۲۵

مـاده۱ــ قـانون دریافـت جـرائم‌نقـدی از کارفرمایـان‌کارگاههـای مشـمول قـانون تأمین‌اجتماعی که ظرف مهلت مقرر نسبت به ارسال صورت مزد و حقوق بیمه‌شدگان وحق بیمه مربوطه اقدام نمی‌نمایند- مصوبه ۱۳۷۳- با اصلاحات بعدی آن، به شـرح زیـر اصـلاح می‌شود:

الف ـ تبصره (۱) ماده (۱) قانون به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

تبصره ۱ـ کارفرمایانی که از تنظیم و ارسال صورت مـزد و حقـوق بیمـه شـدگان بـه ترتیب مذکور در این قانون و آئین‌نامه موضوع ماده (۳۹) قانون تأمین اجتمـاعی خـودداری کنند یا به ترتیبی که با موافقت قبلی سازمان مزبور معین می‌شوددر مورد ارسال صورت مزد یا حقوق عمل نکنند، ملزم به پرداخت جریمه نقدی به میـزان ده درصـد (۱۰٪) مبلـغ حـق بیمه همان ماه می‌باشند.

ب ـ تبصره (۲) ماده (۱) قانون فـوق و اصـلاحات بعـدی آن بـه شـرح زیـر اصـلاح می‌گردد

تبصره ۲ـ کارفرمایانی که در موعد مقرر در این قانون یا قسمتی از حـق بیمـه و بیمـه بیکاری مربوط به هرماه را پرداخت ننماید، علاوه بـر تأدیـه اصـل حـق بیمـه و بیمـه بیکاری ملزم به پرداخت جریمه نقدی به میزان دو درصد (۲٪) تمام یا کسر بدهی قطعی پرداخت نشده به ازاء هر ماه تاخیر می‌باشند.

ج ـ تبصره (۳) ماده (۱) قانون حذف می‌گردد

د ـ ماده(۲) قانون فوق به شرح زیراصلاح می‌گردد

ماده۲ـ کارفرمایانی که تا پایان اسفندماه سـال ۱۳۸٦ دارای بـدهی حـق بیمـه و بیمـه

بیکاری به سازمان تأمین اجتماعی می‌باشند در صورتی که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون در مورد ترتیب پرداخت اصل بدهی قطعی شده با سازمان یاد شده توافق نمایند، از بخشودگی جرائم مربوط به شرح زیر برخوردار خواهند بود

۱ـ در صورت پرداخت بدهی‌های معوقه ظرف یک سال از تاریخ توافق با سازمان، از بخشودگی معادل صددرصد (۱۰۰٪) جرائم مربوط برخوردار خواهند شد

۲ـ در صورت پرداخت بدهی‌های معوقه ظرف هجده ماه از تاریخ توافق با سازمان، از بخشودگی معدل هشتاد و پنج درصد (۸۵٪) جرائم مربوط برخوردار خواهند شد

۳ـ در صورت پرداخت بدهی‌های معوقه ظرف مدت بیست و چهارماه از تاریخ توافق با سازمان، بخشودگی معادل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) جرائم مربوط برخوردار خواهندشد

٤ـ در صورت پرداخت بدهی‌های معوقه ظرف مدت سی ماه از تاریخ توافق با سازمان، از بخشودگی معادل شصت درصد (٦۰٪) جرائم مربوط برخوردار خواهندشد

۵ـ در صورت پرداخت بدهی‌های معوقه حداکثر ظرف مدت سی و شش ماه از تاریخ توافق با سازمان، از بخشودگی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) جرائم مربوط برخوردار خواهندشد

هـ ـ تبصره ماده (۲) قانون فوق حذف و متن زیر به عنوان تبصره‌های (۱) و(۲) به ماده یاد شده اضافه می‌گردد

تبصره۱ـ در خصوص بدهی‌هایی که به استناد تبصره (٤) ماده واحده قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳٦۱ و با تصویب هیات مدیره سازمان به بیش از سی و شش قسط تقسیط می‌گردد، کلیه اقساطی که در دوره سه ساله اولیه مورد تقسیط قرار می‌گیرد به شرح بند (۵) ماده (۲) مشمول بخشودگی جرائم بوده و نسبت به باقیمانده اقساط، نحوه بخشودگی جرائم طبق ضوابطی خواهدبود که به تصویب هیات مدیره سازمان تأمین اجتماعی خواهدرسید.

تبصره۲ـ در صورت تقسیط بدهی چنانچه کارفرما هر یک از اقساط مقرر را تا سررسید قسط بعدی پرداخت نکند، بدهی تبدیل به حال شده و جرائم نسبت به مانده بدهی از تاریخ تبدیل به حال طبق تبصره(۲) ماده (۱) این قانون دریافت خواهدشد

بدیهی است جرائم مطالبه شده قبلی نیز به نسبت مانده قابل وصول می‌باشد.

و ـ ماده (۳) قانون فوق به شرح زیر اصلاح و تبصره آن حذف می‌گردد:

ماده۳ـ کارفرمایانی که قبل از صدور اجرائیه اقدام به پرداخت کامل بدهی خود نمایند از چهل درصد (٤٠٪) جرائم مربوط معاف خواهندبود و در خصوص کارگاههای دارای بحران مالی میزان معافیت طبق تصویب هیات مدیره سازمان تأمین اجتماعی تا شصت درصد (٦٠٪) قابل افزایش خواهدبود

ز ـ متن زیر جایگزین ماده (۷) قانون فوق می‌گردد:

ماده۷ـ جرائم کلیه بدهی‌های گذشته کارفرمایان از تاریخ تصویب این قانون مطابق تبصره (۲) ماده (۱) همین قانون محاسبه و اخذ خواهدگردید

ماده۲ـ قانون معافیت از پرداخت سهم بیمه کارفرمایانی که حداکثر پنج نفر کارگر دارند مصوب ۱۳٦۱ با اصلاحات بعدی آن به شرح ذیل اصلاح می‌گردد

الف ـ در متن تبصره (۲) ماده واحده قانون مذکور عبارت « برای همیشه از مزایای این قانون و خدمات دولتی محروم خواهدشد» به عبارت «ملزم به پرداخت جریمه‌ای معادل سه برابر مزایای بهره‌مند شده از این بابت خواهدبود» تغییر یابد

ب ـ تبصره (۵) ماده واحده قانون یاد شده حذف می‌شود

ماده۳ـ در قانون تأمین اجتماعی متن زیر به عنوان تبصره(۵) ذیل ماده (٤) قانون تأمین اجتماعی الحاق می‌گردد

تبصره۵ ـ در مواردی که کارفرمایان موضوع بند(٤) ماده (۲) قانون تأمین‌اجتماعی مصوب ۱۳٥٤/٤/۳ اشخاص حقیقی باشند و همچنین مدیران اشخاص حقوقی غیردولتی می‌توانند با پرداخت حق بیمه سهم بیمه شده و کارفرما به ترتیب مقرر در ماده (۲۸) قانون مذکور و اصلاحات بعدی آن از تاریخ اشتغال به کار در کارگاه در زمره مشمولین قانون مذکور قرار گیرند

آئین‌نامه اجرائی این تبصره شامل نحوه احتساب سوابق‌خدمت و پرداخت حق بیمه‌های معوقه بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی به تصویب هیات وزیران خواهدرسید

قانون فوق مشتمل بر سه‌ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و پنجم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/٤/۸ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۷۶ مورخ ۸۷/۵/۱۵

قانون اصلاح ماده (۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰ مصوب ۸۷/۴/۱۶

ماده واحده ــ ماده (۵) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (ماده۷۱ مکرر قانون محاسبات عمومی کشور) مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

ماده۵ ــ متن زیر به عنوان ماده (۷۱ مکرر) به قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳٦٦/٦/۱ الحاق می‌گردد:

ماده۷۱مکرر ــ پرداخت هرگونه وجهی توسط وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی موضوع ماده (۲) این قانون به دستگاههای اجرائی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیرنقدی به جز در مواردی که در مقررات قانونی مربوط تعیین شده یا می‌شود ممنوع است.

هدایای نقدی که با رعایت ماده (٤) این قانون برای مصارف خاص به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی اهداء می‌شود باید تنها به حساب بانکی مجاز که توسط خزانه‌داری کل کشور برای دستگاههای مذکور افتتاح شده یا می‌شود واریز گردد. مصرف وجوه مذکور با رعایت هدفهای اهداءکننده برابر آئین‌نامه‌ای خواهدبود که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد، هدایایی که به طور غیرنقدی به وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی اهداء می‌گردد، مشمول مقررات اموال دولتی خواهدبود و شرکتهای دولتی این‌گونه موارد را باید طبق اصول حسابداری در دفاتر خود ثبت نمایند. هدایای اهداء شده به سازمان بهزیستی کشور و کمیته امداد امام خمینی (ره) هدایای خاص تلقی می‌شود و چنانچه اهداءکننده هدف خود را اعلام نکند با نظر شورای مشارکت مردمی با سازمان بهزیستی و کمیته امداد امام خمینی (ره) به مصرف خواهدرسید. اجراء تعهدات معموله قبل از تصویب این قانون بلامانع است.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ شانزدهم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/٤/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۷۶ مورخ ۸۷/۵/۱۵

آیین نامه اجرایی بند (م) ماده (۱۶) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۸۷/۵/۷

وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۳/۱۹ بنا به پیشنهاد شماره ۲۲۱۰۰/ص/۸٦ مورخ ۱۳۸٦/۱۱/۲۰ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱٦٤۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخ ۱۳۸٦/۱۰/۱۰ آیین‌نامه اجرایی بند (م) ماده (۱٦) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ـ را به شرح زیر تصویب نمودند:

ماده۱ـ در اجرای بند (م) ماده (۱٦) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ـ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی مکلف است با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سازمان ثبت احوال کشور و سازمانهای فعال در حوزه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی نسبت به تشکیل پایگاه اطلاعاتی نظام جامع تامین اجتماعی براساس مقررات این آیین‌نامه اقدام نماید.

ماده۲ـ سازمانهای تأمین اجتماعی، بازنشستگی کشوری، بیمه خدمات درمانی، بهزیستی کشور و صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و عشایر و کمیته امداد امام خمینی(ره)، صندوقهای بازنشستگی و رفاه کارکنان صنعت نفت، صندوق پس‌انداز و بازنشستگی شرکت مخابرات ایران، صندوق بازنشستگی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صندوق بازنشستگی بیمه مرکزی ایران، صندوق بازنشستگی شرکت بیمه ایران، صندوق بازنشستگی شهرداری تهران، صندوق بازنشستگی شرکت ملی فولاد ایران، صندوق بازنشستگی، وظیفه و پس‌انداز کارکنان کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، صندوق حمایت و بازنشستگی آینده‌ساز، صندوق بازنشستگی هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران، صندوق بازنشستگی سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، صندوق بازنشستگی صنایع مس ایران، صندوق بازنشستگی وزارت جهاد کشاورزی، صندوق بازنشستگی وظیفه، از کارافتادگی و پس‌انداز کارکنان بانکها، بنیاد شهید و امور ایثارگران، بنیاد پانزده خرداد، بنیاد مستضعفان و

جمعیت هلال‌احمر جمهوری اسلامی ایران موظفند نسبت به جمع‌آوری و تجمیع اطلاعات حوزه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی حوزه فعالیت و افراد تحت پوشش خود براساس دستورالعمل وزارت رفاه و تأمین اجتماعی اقدام نموده و بطور مستمر به روز نمایند و تا زمان برقراری امکان ارتباط بر خط تغییرات اطلاعات را بصورت ماهانه در اختیار وزارت رفاه و تامین اجتماعی قرار دهند.

ماده۳ـ وزارت رفاه و تامین اجتماعی مکلف است ترتیباتی اتخاذ نماید تا خروجی پایگاه اطلاعاتی نظام جامع تأمین اجتماعی حسب وظایف دستگاههای اجرایی در اختیار آنها قرار گیرد.

ماده٤ـ سازمان تامین اجتماعی نیروهای مسلح موظف است ظرف شش ماه اقدام به تشکیل پایگاه اطلاعاتی نظام جامع تأمین اجتماعی در سطح نیروهای مسلح نموده و اطلاعات مورد تقاضای وزارت رفاه و تأمین اجتماعی را در اختیار وزارتخانه یاد شده قرار دهد.

ماده۵ ـ وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلف است نسبت به برقراری ارتباط امن بین وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و سازمانهای فعال در حوزه‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی ظرف یک ماه پس از ابلاغ این تصویب‌نامه اقدام نماید.

ماده ٦ ـ سازمان ثبت احوال کشور مکلف است بمنظور تایید و صحه‌گذاری اطلاعات هویتی موجود در پایگاه اطلاعاتی نظام جامع تأمین اجتماعی و نیز شناسایی افراد خارج از پوشش‌های بیمه‌ای، حمایتی و امدادی، همکاری لازم را حسب درخواست وزارت رفاه با وزارتخانه یاد شده معمول دارد.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۷/۵/۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۹۲ مورخ ۸۷/۶/۴

قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئوولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۸۷/۲/۳۱

ماده۱ـ کلیه دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی و ریلی اعم از این که اشخاص حقیقی یا حقوقی باشند مکلفند وسائل نقلیه مذکور را در قبال خسارت بدنی و مالی که در اثر حوادث وسایل نقلیه مزبور و یا یدک و تریلر متصل به آنها و یا محمولات آنها به اشخاص ثالث وارد می‌شود حداقل به مقدار مندرج در ماده (٤) این قانون نزد یکی از شرکتهای بیمه که مجوز فعالیت در این رشته را از بیمه مرکزی ایران داشته باشد، بیمه نمایند.

تبصره۱ـ دارنده از نظر این قانون اعم از مالک و یا متصرف وسیله نقلیه است و هرکدام که بیمه نامه موضوع این ماده را تحصیل نماید تکلیف از دیگری ساقط می‌شود.

تبصره۲ـ مسؤولیت دارنده وسیله نقلیه مانع از مسؤولیت شخصی که حادثه منسوب به فعل یا ترک فعل او است نمی‌باشد. در هر حال خسارت وارده از محل بیمه‌نامه وسیله نقلیه مسبب حادثه پرداخت می‌گردد.

تبصره۳ـ منظور از خسارت بدنی، هر نوع دیه یا ارش ناشی از صدمه، شکستگی، نقص عضو، ازکارافتادگی (جزئی یا کلی ـ موقت یا دائم) یا دیه فوت شخص ثالث به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون است. هزینه معالجه نیز چنانچه مشمول قانون دیگری نباشد، جزء تعهدات بیمه موضوع این قانون خواهدبود.

تبصره٤ـ منظور از خسارت مالی، زیانهایی می‌باشد که به سبب حوادث مشمول بیمه موضوع این قانون به اموال شخص ثالث وارد شود.

تبصره۵ ـ منظور از حوادث مذکور در این قانون، هرگونه سانحه‌ای از قبیل تصادم، تصادف، سقوط، واژگونی، آتش‌سوزی و یا انفجار وسایل نقلیه موضوع این ماده و نیز خسارتی است که از محمولات وسایل مزبور به اشخاص ثالث وارد شود.

تبصره٦ ـ منظور از شخص ثالث، هر شخصی است که به سبب حوادث وسایل نقلیه

موضوع این قانون دچار زیانهای بدنی و یا مالی شود به استثناء راننده مسبب حادثه.

ماده۲ـ شرکتهای بیمه مکلفند طبق مقررات این قانون آئین‌نامه‌های مربوط به آن، با دارندگان وسایل نقلیه موضوع ماده (۱) این قانون قرارداد بیمه منعقد نمایند.

ماده۳ـ از تاریخ انتقال وسیله نقلیه کلیه تعهدات ناشی از قرارداد بیمه موضوع این قانون به منتقل‌الیه وسیله نقلیه منتقل می‌شود و انتقال گیرنده تا پایان مدت قرارداد بیمه، بیمه‌گذار محسوب خواهدشد.

ماده٤ـ حداقل مبلغ بیمه موضوع این قانون در بخش خسارت‌بدنی معادل حداقل ریالی دیه یک مرد مسلمان در ماههای حرام و در بخش خسارت مالی معادل حداقل دو و نیم درصد (۲/۵٪) تعهدات بدنی خواهدبود. بیمه‌گذار می‌تواند برای جبران خسارتهای بدنی و مالی بیش از حداقل مزبور، بیمه اختیاری تحصیل نماید.

تبصره۱ـ در صورتی که در یک حادثه، مسؤول آن به پرداخت بیش از یک دیه به هر یک از زیان‌دیدگان محکوم شود، بیمه‌گر موظف به پرداخت تمامی دیه‌های متعلقه خواهدبود.

تبصره۲ـ بیمه‌گر موظف است در ایفاء تعهدات مندرج در این قانون خسارت وارده به زیان‌دیدگان را بدون لحاظ جنسیت و مذهب تا سقف تعهدات بیمه‌نامه پرداخت نماید. مبلغ مازاد بر دیه تعیین‌شده از سوی محاکم قضائی، به‌عنوان بیمه حوادث محسوب می‌گردد.

ماده۵ ـ بیمه‌گر ملزم به جبران خسارتهای وارد شده به اشخاص ثالث تا حد مذکور در بیمه‌نامه خواهدبود. در حوادث رانندگی منجر به جرح یا فوت که به استناد گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه علت اصلی وقوع تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز باشد بیمه‌گر موظف است خسارت زیان‌دیده را بدون هیچ شرطی پرداخت نماید و پس از آن می‌تواند جهت بازیافت یک درصد (۱٪) از خسارتهای بدنی و دو درصد (۲٪) از خسارتهای مالی پرداخت شده به مسبب حادثه مراجعه نماید. در صورتی که به موجب گزارش کارشناس تصادفات راهنمایی و رانندگی یا پلیس راه علت اصلی وقوع تصادف یکی از تخلفات رانندگی حادثه‌ساز باشد گواهینامه راننده مسبب حادثه از یک تا سه ماه توقیف می‌شود و رانندگی در این مدت ممنوع و در حکم رانندگی بدون

گواهینامه است.

تبصره ــ مصادیق و عناوین تخلفات رانندگی حادثه‌ساز به پیشنهاد وزیر کشور و تصویب هیأت وزیران مشخص می‌شود.

ماده٦ ــ در صورت اثبات عمد راننده در ایجاد حادثه توسط مراجع قضائی و یا رانندگی در حالت مستی یا استعمال مواد مخدر یا روانگردان مؤثر در وقوع حادثه، یا در صورتی که راننده مسبب فاقد گواهینامه رانندگی باشد یا گواهینامه او متناسب با نوع وسیله نقلیه نباشد شرکت بیمه موظف است بدون اخذ تضمین، خسارت زیان‌دیده را پرداخت نموده و پس از آن می‌تواند به قائم‌مقامی زیان‌دیده از طریق مراجع قانونی برای استرداد تمام یا بخشی از وجوه پرداخت شده به شخصی که موجب خسارت شده است مراجعه نماید.

ماده٧ــ موارد زیر از شمول بیمه موضوع این قانون خارج است:

١ـ خسارت وارده به وسیله نقلیه مسبب حادثه.

٢ـ خسارت وارده به محمولات وسیله نقلیه مسبب حادثه.

٣ـ خسارت مستقیم و یا غیرمستقیم ناشی از تشعشعات اتمی و رادیواکتیو.

٤ـ خسارت ناشی از محکومیت جزائی و یا پرداخت جرائم.

ماده٨ ــ تعرفه حق بیمه و نحوه تقسیط و تخفیف در حق بیمهٔ بیمه موضوع این قانون با رعایت نوع و خصوصیات وسیله نقلیه و فهرست تخلفات حادثه‌ساز و ضریب خسارت این رشته توسط بیمه مرکزی ایران تهیه و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران خواهدرسید.

ماده٩ــ پوشش‌های بیمه موضوع این قانون محدود به قلمرو جمهوری اسلامی ایران می‌باشد مگر آن‌که در بیمه‌نامه به نحو دیگری توافق شده باشد.

ماده١٠ــ به منظور حمایت از زیان‌دیده‌گان حوادث رانندگی، خسارتهای بدنی وارد به اشخاص ثالث که به علت فقدان یا انقضاء بیمه‌نامه، بطلان قرارداد بیمه، تعلیق تأمین بیمه‌گر، فرار کردن و یا شناخته نشدن مسؤول حادثه و یا ورشکستگی بیمه‌گر قابل پرداخت نباشد یا به طورکلی خسارتهای بدنی خارج از شرایط بیمه‌نامه (به استثناء موارد مصرح در ماده (٧)) توسط صندوق مستقلی به نام صندوق تأمین خسارتهای بدنی پرداخت خواهد

شد.

مدیر صندوق به پیشنهاد رئیس کل بیمه مرکزی ایران و تصویب مجمع عمومی و با حکم رئیس مجمع عمومی منصوب می‌گردد. مجمع عمومی صندوق با عضویت وزراء امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، کار و امور اجتماعی و دادگستری و رئیس کل بیمه مرکزی ایران حداقل یک بار در سال تشکیل می‌شود. بودجه، ترازنامه و خط مشی صندوق به تصویب مجمع خواهد رسید. متن کامل ترازنامه صندوق از طریق روزنامه رسمی و یکی از جراید کثیرالانتشار منتشر خواهد شد.

تبصره۱ـ میزان تعهدات صندوق برای جبران خسارتهای بدنی معادل مبلغ مقرر در ماده (٤) این قانون و تبصره ذیل آن خواهد بود.

تبصره۲ـ مرکز صندوق تهران است و در صورت لزوم می‌تواند با تصویب مجمع عمومی صندوق در مراکز استانها شعبه ایجاد یا نمایندگی اعطاء نماید.

تبصره۳ـ هزینه‌هایی که بیمه مرکزی ایران برای اداره صندوق متحمل می‌گردد حداکثر تا سه درصد (۳٪) از درآمدهای سالانه صندوق از محل منابع درآمد آن پرداخت خواهد شد.

ماده۱۱ـ منابع مالی صندوق تأمین خسارتهای بدنی به شرح زیر است:

الف ـ پنج درصد (۵٪) از حق بیمه بیمه اجباری موضوع این قانون.

ب ـ مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه بیمه اجباری که از دارندگان وسایل نقلیه‌ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری نمایند وصول خواهد شد. نحوه وصول و تقسیط مبلغ مذکور و سایر ضوابط لازم این بند به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب مجمع عمومی صندوق خواهد رسید.

ج ـ مبالغی که صندوق پس از جبران خسارت زیان‌دیدگان بتواند از مسؤولان حادثه وصول نماید.

د ـ درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه صندوق

هـ ـ بیست درصد (۲۰٪) از جرائم وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور.

و ـ بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه.

ز ـ جرائم موضوع ماده (۲۸) این قانون.

ح ـ کمکهای اعطائی از سوی اشخاص مختلف.

تبصره۱ـ در صورت کمبود منابع مالی صندوق، دولت موظف است در بودجه سنواتی سال بعد کسری منابع صندوق را تأمین نماید.

تبصره۲ـ درآمدهای صندوق از مالیات و هرگونه عوارض معاف می‌باشد.

تبصره۳ـ صندوق از پرداخت هزینه‌های دادرسی و اوراق و حق‌الاجراء معاف می‌باشد.

تبصره٤ـ اسناد مربوط به مطالبات و پرداختهای خسارت صندوق تأمین خسارتهای بدنی در حکم اسناد لازم‌الاجراء است.

تبصره۵ ـ عدم پرداخت حقوق قانونی صندوق تأمین خسارتهای بدنی از سوی شرکتهای بیمه در حکم دخل و تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی می‌باشد.

تبصره ٦ ـ مصرف درآمدهای صندوق در مواردی به جز موارد مصرح در این قانون ممنوع بوده و در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه عمومی می‌باشد.

تبصره۷ـ به منظور ترویج فرهنگ بیمه و پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی آن دسته از دارندگان وسایل نقلیه مشمول بیمه اجباری موضوع این قانون که ظرف مدت چهار ماه از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون نسبت به خرید بیمه‌نامه اقدام نمایند از پرداخت جریمه موضوع بند « ب» این ماده معاف خواهند بود.

ماده۱۲ـ صندوق مجاز است موجودی‌های نقدی مازاد خود را نزد بانکها سپرده‌گذاری و یا اوراق مشارکت خریداری نماید مشروط بر آنکه سرمایه‌گذاری‌های مذکور به نحوی برنامه‌ریزی و انجام شود که همواره امکان پرداخت خسارت کامل به زیان‌دیدگان مشمول تعهدات صندوق وجود داشته باشد.

ماده۱۳ـ چگونگی اداره صندوق به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران و با تأیید وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده١٤ـ اشخاص ثالث زیان‌دیده حق دارند با ارائه مدارک لازم برای دریافت خسارت به طور مستقیم حسب مورد به شرکت بیمه مربوط و یا صندوق تأمین خسارتهای بدنی مراجعه نمایند. دستورالعمل اجرائی این ماده توسط بیمه مرکزی ایران تهیه و به

پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده۱۵ـ بیمه‌گر موظف است حداکثر پانزده روز پس از دریافت مدارک لازم، خسارت متعلقه را پرداخت نماید.

ماده۱٦ـ در حوادث رانندگی منجر به صدمات بدنی غیر از فوت، بیمه‌گر وسیله نقلیه مسبب حادثه و یا صندوق تأمین خسارتهای بدنی حسب مورد موظفند پس از دریافت گزارش کارشناس راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه و در صورت لزوم گزارش سایر مقامات انتظامی و پزشکی قانونی بلافاصله حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از دیه تقریبی را به اشخاص ثالث زیان‌دیده پرداخت‌نموده و باقی‌مانده آن را پس از معین شدن میزان قطعی دیه بپردازند.

تبصره ـ در حوادث رانندگی منجر به فوت، شرکت‌های بیمه می‌توانند در صورت توافق با راننده مسبب حادثه و ورثه متوفی، بدون نیاز به رأی مراجع قضائی، دیه و دیگر خسارت‌های بدنی وارده را پرداخت نمایند.

ماده۱۷ـ در حوادث رانندگی منجر به خسارت مالی، پرداخت خسارت به صورت نقدی و با توافق زیان‌دیده و شرکت بیمه مربوط صورت می‌گیرد. در صورت عدم توافق طرفین در خصوص میزان خسارت قابل پرداخت، شرکت بیمه موظف است وسیله نقلیه خسارت‌دیده را در تعمیرگاه مجاز و یا تعمیرگاهی که مورد قبول زیان‌دیده باشد تعمیر نموده و هزینه‌های تعمیر را تا سقف تعهدات مالی مندرج در بیمه‌نامه مذکور پرداخت نماید.

تبصره ـ در صورتی که اختلاف از طرق مذکور حل و فصل نشود موضوع بدون رعایت تشریفات آئین دادرسی در کمیسیون حل اختلاف تخصصی مرکب از یک نفر قاضی با معرفی رئیس دادگستری محل یک نفر کارشناس بیمه با معرفی اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران ایران و تأیید بیمه مرکزی ایران و یک نفر کارشناس رسیدگی به تصادفات با معرفی پلیس راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و رأی این کمیسیون قطعی و ظرف بیست (۲۰) روز قابل اعتراض در دادگاههای عمومی است. ضوابط مربوط به نحوه تشکیل این کمیسیونها توسط وزارت دادگستری و با همکاری بیمه مرکزی ایران و نیروی انتظامی تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد رسید.

ماده۱۸ـ شرکتهای بیمه مکلفند خسارت مالی ناشی از حوادث رانندگی موضوع این قانون را در مواردی که وسایل نقلیه مسبب و زیان‌دیده در زمان حادثه دارای بیمه‌نامه معتبر بوده و بین طرفین حادثه اختلافی وجود نداشته باشد، حداکثر تا سقف تعهدات مالی مندرج در ماده (٤) این قانون بدون أخذ گزارش مقامات انتظامی پرداخت نمایند.

ماده۱۹ـ حرکت وسایل نقلیه موتوری زمینی بدون داشتن بیمه‌نامه موضوع این قانون ممنوع است. کلیه دارندگان وسایل مزبور مکلفند سند حاکی از انعقاد قرارداد بیمه را هنگام رانندگی همراه داشته باشند و در صورت درخواست مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه ارائه نمایند. مأموران راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون را تا هنگام ارائه بیمه‌نامه مربوط در محل مطمئنی متوقف نموده و راننده متخلف را به پرداخت جریمه تعیین شده ملزم نمایند. آئین‌نامه مربوط به نحوه توقیف وسایل نقلیه فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون توسط وزارت کشور با همکاری وزارتخانه‌های راه و ترابری و دادگستری و بیمه مرکزی ایران تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره۱ـ بیمه مرکزی ایران و شرکت‌های بیمه موظفند ترتیبی اتخاذ نمایند که با الصاق برچسب یا استفاده از ابزارهای مناسب دیگر، امکان شناسایی وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه‌نامه موضوع این قانون، برای مأموران راهنمایی و رانندگی و یا پلیس راه تسهیل گردد. دارندگان وسایل نقلیه مذکور ملزم به به‌کارگیری ابزارهای فوق می‌باشند.

تبصره۲ـ دادن بار یا مسافر و یا ارائه هرگونه خدمات به دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر، از سوی شرکتها و مؤسسات حمل و نقل بار و مسافر درون‌شهری و برون‌شهری ممنوع است. نظارت بر حسن اجراء این تبصره بر عهده وزارتخانه‌های کشور و راه و ترابری می‌باشد تا حسب مورد شرکتها و مؤسسات متخلف را به مراجع ذی‌صلاح معرفی و تا زمان صدور رأی از ادامه فعالیت آنها جلوگیری به عمل آورند.

تبصره۳ـ ارائه هرگونه خدمات به دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی فاقد بیمه‌نامه شخص ثالث معتبر، توسط راهنمایی و رانندگی، دفاتر اسناد رسمی و سازمانها و نهادهای مرتبط با امر حمل و نقل ممنوع می‌باشد. دفاتر اسناد رسمی مکلفند هنگام تنظیم هرگونه

سند در مورد وسایل نقلیه موتوری زمینی موضوع این قانون، مشخصات بیمه‌نامه شخص ثالث آنها را در اسناد تنظیمی درج نمایند.

ماده۲۰ـ دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی که از خارج وارد ایران می‌شوند در صورتی که خارج از کشور مسؤولیت خود را نسبت به حوادث ناشی از وسایل نقلیه موضوع این قانون به موجب بیمه‌نامه‌ای که از طرف بیمه مرکزی ایران معتبر شناخته می‌شود بیمه نکرده باشند، مکلفند هنگام ورود به مرز ایران مسؤولیت خود را بیمه نمایند. همچنین دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی ایرانی که از کشور خارج می‌شوند موظفند هنگام خروج، مسؤولیت خود را در مقابل خساراتیکه بر اثر حوادث وسیله نقلیه مذکور به سرنشینان آن وارد شود تا حد دیه یک مرد مسلمان در ماههای حرام بیمه نمایند در غیر این‌صورت از تردد وسایل مزبور توسط مراجع ذی‌ربط جلوگیری به عمل خواهد آمد.

ماده۲۱ـ محاکم قضائی موظفند در حوادث رانندگی منجر به خسارت بدنی، بیمه‌نامه شخص ثالثی را که اصالت آن از سوی شرکت بیمه ذی‌ربط کتباً مورد تأیید قرار گرفته است تا میزان مندرج در بیمه‌نامه به عنوان وثیقه قبول نمایند.

ماده۲۲ـ محاکم قضائی مکلفند در جلسات رسیدگی به دعاوی مربوط به حوادث رانندگی، حسب مورد شرکت بیمه ذی‌ربط و یا صندوق تأمین خسارت‌های بدنی را جهت ارائه نظرات و مستندات خود دعوت نمایند و پس از ختم دادرسی یک نسخه از رأی صادره را به آنها ابلاغ کنند.

ماده۲۳ـ ادارات راهنمایی و رانندگی و پلیس راه موظفند نسخه‌ای از گزارش مربوط به حوادث رانندگی منجر به خسارات بدنی ناشی از وسایل نقلیه موضوع این قانون را علاوه بر ذی‌نفع، حسب مورد به بیمه‌گر مربوط و یا صندوق تأمین خسارتهای بدنی ارسال نمایند.

ماده۲٤ـ نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران موظف است ترتیبی اتخاذ نماید که امکان دسترسی به بانکهای اطلاعاتی آن نیرو در ارتباط با مواردی از قبیل مشخصات وسایل نقلیه موتوری زمینی، گواهینامه‌های صادر شده و همچنین سوابق تخلفات و تصادفات رانندگان، از طریق سیستم رایانه‌ای برای بیمه مرکزی ایران و شرکتهای بیمه‌گر فراهم گردد.

ماده۲۵ـ شرکتهای بیمه مجاز به فعالیت در رشته بیمه موضوع این قانون موظفند با

استفاده از تجهیزات و سیستم‌های رایانه‌ای مناسب، کلیه اطلاعات مورد نیاز بیمه مرکزی ایران در رابطه با بیمه‌نامه‌های صادرشده و خسارتهای مربوط به آنها را به صورت مستمر به بیمه مرکزی ایران منتقل نمایند.

ماده۲٦ـ بیمه مرکزی ایران موظف است ترتیبی اتخاذ نماید که امکان دسترسی به اطلاعات مذکور در مواد (٢٤) و (٢٥) این قانون برای کلیه شرکتهای بیمه ذی‌ربط و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران فراهم گردد.

ماده۲۷ـ شرکتهای بیمه موظفند بیست درصد (٢٠٪) از سود عملیات بیمه‌ای خود در بخش بیمه شخص ثالث وسایل نقلیه موضوع این قانون را به حسابی که از طرف بیمه مرکزی ایران تعیین می‌شود واریز نمایند. بیمه مرکزی ایران موظف است باهمکاری وزارت راه و ترابری و راهنمایی و رانندگی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، مبالغ مذکور را در اموری که موجب کاهش حوادث رانندگی و خسارتهای ناشی از آن می‌شود هزینه نماید. نحوه تعیین سود عملیات بیمه‌ای رشته‌های مذکور به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. وضع هرگونه عوارض دیگر بر بیمه موضوع این قانون ممنوع می‌باشد.

ماده۲۸ـ بیمه مرکزی ایران موظف است بر حُسن اجرا این قانون نظارت نماید و در صورت عدم اجراء مفاد آن از سوی هر یک از شرکتهای بیمه، حسب مورد متخلف را به پرداخت جریمه نقدی حداکثر تا مبلغ ده برابر حداقل تعهدات بدنی موضوع ماده (٤) این قانون ملزم نموده و یا با تأیید شورای عالی بیمه پروانه فعالیت شرکت مذکور را در یک یا چند رشته بیمه برای مدت حداکثر یک سال تعلیق نماید و یا با تأیید شورای عالی بیمه و تصویب مجمع عمومی بیمه مرکزی ایران پروانه فعالیت آن شرکت را در یک یا چند رشته بیمه به طور دائم لغو کند. جریمه موضوع این ماده به حساب صندوق تأمین خسارتهای بدنی واریز خواهدشد.

تبصره ـ در کلیه موارد بیمه مرکزی ایران نظر مشورتی و تخصصی اتحادیه (سندیکای) بیمه‌گران ایران را قبل از صدور حکم اخذ خواهدنمود. چنانچه اتحادیه (سندیکا) ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت نامه بیمه مرکزی ایران کتباً نظر خود را اعلام نکند بیمه مرکزی ایران رأساً اقدام خواهدنمود.

ماده۲۹ـ آئین‌نامه‌های اجرائی این قانون ظرف سه ماه توسط بیمه مرکزی ایران تهیه و به پیشنهاد وزیر امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهدرسید. تا زمانی که آئین‌نامه‌های جدید به تصویب نرسیده باشد آئین‌نامه‌های قبلی که مغایر با مفاد این قانون نباشد لازم‌الاجراء است.

ماده۳۰ـ قانون بیمه مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث (مصوب۱۳٤۷) و کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون لغو می‌گردد. هرگونه نسخ یا اصلاح مواد این قانون باید صریحاً در قوانین بعدی قید شود.

قانون فوق مشتمل بر سی ماده و بیست و پنج تبصره در جلسه مورخ شانزدهم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم(۸۵) قانون‌اساسی جمهوری‌اسلامی‌ایران تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پنج سال، در تاریخ ۱۳۸۷/۵/۱٦ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۹۴ مورخ ۸۷/۶/۶

آئین نامه علایم ایمنی در کارگاهها مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۵

فصل اول ـ اهداف،تعاریف و کلیات

هدف: هدف از تهیه و تدوین این آیین‌نامه، استانداردسازی و ساماندهی انواع علایم ایمنی در قالب تابلوهای علایم و اتیکتهای ایمنی در کلیه کارگاهها و محیط‌های کاری می‌باشد، به نحوی که در هر محلی که این علایم نصب می‌شوند، معانی مشابهی را به اذهان القا نمایند. این آیین‌نامه نحوه طراحی، کاربرد و استفاده از علایم ایمنی را مشخص می‌نماید.

دامنه شمول: دامنه کاربرد آیین‌نامه علایم ایمنی، در کارگاههای مشمول قانون کار می‌باشد که در این مقررات سعی شده کلیه علایم ایمنی عمومی کاربردی در کارگاهها تحت پوشش قرار گیرد تا با بکارگیری آنها بتوان تا حد امکان خطراتی که ممکن است در محیط‌های کاری وجود داشته‌باشد را به کارگران و عموم افرادی که به نحوی در آن محیط حضور می‌یابند، گوشزد نمود.

تعاریف: مفاهیم و تعاریف برخی از اصطلاحات بکاررفته در متن این آیین‌نامه به شرح ذیل می‌باشد:

۱ـ تابلوی علایم ایمنی: سطحی است استاندارد متشکل از کلمات، عبارات و تصاویری برای هشدار و اعلام خطر به کارگران یا سایر افرادی که به نحوی در معرض خطرات بالقوه و بالفعل محیط کار می‌باشند، یا حاوی توضیحاتی در مورد عواقب و پیامدهای حاصل از آن خطرات و یا بیانگر دستورالعملهای ایمنی به آنان در زمینه چگونگی فرار از موقعیتهای خطرناک بوده که این علایم بصورت دائمی و گاهی بصورت موقت در قسمتهای مختلف کارگاه و در حین پروسه‌های کاری نصب می‌شوند.

۲ـ اتیکت: سطحی است استاندارد عموماً از جنس مقوا، پلاستیک یا ورق نازک فلزی که معمولاً بر روی قطعه‌ای از تجهیزات یا ماشین‌آلات چسبانیده، آویزان و یا پرچ

می‌شود و برای مشخص کردن و هشدار خطر موجود یا احتمال وجود شرایط خطرناک بکار می‌رود.

۳ـ کلمه اعلان: عبارتی است که برای جلب توجه فوری مخاطبین وکارگران بکار رفته، در قسمت بالایی تابلوی علامت یا اتیکت درج شده و معرف ماهیت اصلی علامت مربوطه، شدت نسبی خطر و سطح آسیب احتمالی می‌باشد.

٤ـ نشان ویژه یا سمبل اعلان ایمنی: یک مثلث متساوی الاضلاع که در بخش میانی آن یک علامت تعجب بکاررفته است.

۵ ـ کادر اعلان خطر: کادر اصلی تابلو یا اتیکت ایمنی است که در قسمت بالای آن بوده معمولاً متشکل از کلمه اعلان و سمبل اعلان ایمنی می‌باشد و به نحوی رنگ اصلی تابلو یا اتیکت را نیز در بر می‌گیرد.

٦ ـ کادر پیام نوشتاری: قسمتی از تابلوی علامت یا اتیکت ایمنی که با کلمات یا عباراتی کوتاه، شرایط خطرناک خاصی را گوشزد کرده، عواقب و پیامدهای حاصل از آن را بیان نموده یا به مخاطبان دستورالعملی را ارائه می‌دهد.

۷ـ کادر تصویری: بخشی از تابلوی علامت یا اتیکت ایمنی که متشکل از توصیف و نمایش تصویری از خطر مربوطه بوده و برای مشخص کردن شرایط خطرناک بکار می‌رود یا روشهای اجتناب از قرارگیری در معرض خطر را به تصویر می‌کشد، الزام به انجام عمل یا اقدام خاصی را بیان می‌کند و یا حاوی یک دستورالعمل ایمنی می‌باشد.

۸ ـ فاصله مشاهده ایمن: حداکثر فاصله‌ای که فرد بتواند تابلوی علامت یا اتیکت ایمنی مدنظر را با دقت لازم خوانده و فرصت انجام عکس‌العمل مناسب و یا پیروی از پیام ایمنی موجود در آن را داشته باشد.

تقسیم بندی تابلوهای علایم ایمنی: تابلوی علایم ایمنی براساس نوع پیام و بکارگیری رنگها به گروههای زیر تقسیم بندی می‌شوند:

۱ـ علایم خطر

۲ـ علایم هشدار دهنده

۳ـ علایم احتیاط

٤ـ علایم دستورالعملهای ایمنی

۵ ـ علایم آگاه کننده

٦ـ سایر علایم کاربردی از جمله: علایم خطرات بیولوژیکی، علایم خطرات تشعشعی، علایم نشاندهنده جهت، علایم ایمنی حریق، علایم ترافیکی و راهنمایی و رانندگی و علایم خروج اضطراری.

تقسیم‌بندی اتیکت‌های ایمنی: اتیکتهای ایمنی به پنج گروه اصلی زیر تقسیم‌بندی می‌شوند:

۱ـ اتیکت‌های خطر

۲ـ اتیکت‌های احتیاط

۳ـ اتیکت‌های هشداردهنده

٤ـ اتیکت‌های خطرات بیولوژیکی

۵ ـ اتیکت‌های خطرات تشعشعی

فصل دوم ـ مقررات مربوط به نحوه طراحی، ساخت و نصب تابلوی علایم و اتیکتهای ایمنی

ماده۱ـ تابلوی علایم و اتیکت‌های ایمنی ابزاری است برای پیشگیری از حوادث، آسیبها یا بیماری‌های ناگهانی و غیرمترقبه برای کارگران یا افرادی که در معرض خطرات یا شرایط، تجهیزات و عملیات خطرناک محیط‌های کاری قرار دارند که می‌بایست طبق مقررات این آیین‌نامه طراحی، ساخت و نصب شده و براساس موارد زیر بکار می‌روند (نمونه‌هایی از این علایم در بخش ضمایم آورده شده‌است):

الف ـ در علایم خطر باید از کلمه اعلان «خطر» در بالای علامت ایمنی استفاده شود و این علایم بایستی در مواقعی که خطر بسیار جدی افراد را تهدید می‌کند، بکار می‌روند که بیانگر موقعیتی است که بصورت بالفعل خطرناک بوده و بطور آنی و غیرمنتظره منجر به مرگ یا صدمات شدید و بسیار جدی به افراد خواهدشد. این علایم نشان دهنده یک خطر قطعی می‌باشد.

ب ـ در علایم هشدار دهنده باید از کلمه اعلان « هشدار» در بالای علامت ایمنی

استفاده شود که بیانگر موقعیتی است که بصورت بالقوه خطرناک بوده و در صورت عدم اجتناب می‌تواند منجر به مرگ یا آسیب دیدگی جدی به افراد شود. به طور کلی هرگاه احتمال وقوع خطری مابین سطوح « خطر» و « احتیاط» باشد، باید علامت ایمنی « هشدار» بکار گرفته شود.

پ ـ در علایم احتیاط باید از کلمه اعلان « احتیاط» در بالای علامت ایمنی استفاده شود که بیانگر موقعیتی است که بصورت بالقوه خطرناک بوده و در صورت عدم پیشگیری، ممکن است منجر به ایجاد آسیبهای جزئی، خفیف و نه چندان جدی به افراد شود.

ت ـ در علایم آگاه کننده باید از کلمه اعلان « توجه» در بالای علامت استفاده شود. این علایم بایستی بیانگر خط‌مشی ایمنی کارگاه برای حفاظت از منابع انسانی و مادی بوده و حاوی اطلاعاتی عمومی برای افراد باشد تا دچار سردرگرمی و سوءتفاهم در برخی از موقعیتها نشوند.

ث ـ محتوای علایم دستورالعملهای ایمنی باید بیانگر و یادآور آموزش دستورالعملهای عمومی مرتبط با کار ایمن بوده، روند انجام صحیح کار را به افراد گوشزد نموده و موقعیت و محل تجهیزات و ابزار ایمنی و کمکهای اولیه را نشان دهد. این علایم بایستی در محلهایی که نیاز به دستورالعملها و پیشنهادات عمومی در ارتباط با معیارهای ایمنی می‌باشد، بکار گرفته شود.

ج ـ نصب علایم خطرات بیولوژیکی برای نشان دادن حضور بالقوه یا بالفعل خطر مواد و عوامل زیست محیطی که قابلیت به مخاطره انداختن سلامتی افراد و شیوع بیماریهای مسری را دارند و بر روی وسایل، تجهیزات، ظروف، اماکن و مواد آلوده به این عوامل، الزامی است.

چ ـ نصب علایم خطرات امواج تشعشعی در موقعیتهایی که خطرات حاصل از تابش امواج ایکس، آلفا، بتا، گاما و یا سایر پرتوهای یونیزان که بر سلامت بدن اثر سوء و مرگبار دارند، وجود دارد و نیز بر روی تجهیزات، محتویات، محلها و وسایل و ابزاری که با این پرتوها آلوده شده‌اند، ضروری است.

ح ـ علایم نشان دهنده جهت مجزای از علایم راهنمایی و رانندگی بوده و باید برای

نشان دادن جهت مکانهای مختلف در کارگاه بکار روند.

خ ـ علایم ایمنی حریق باید حاوی اطلاعاتی مربوط بـه امکانـات و تجهیـزات اطفـاء حریق، نحـوه کـاربرد آنهـا در مواقـع لـزوم و راههـای خـروج اضـطراری در زمـان وقـوع آتش‌سوزی باشند. در صورت استفاده از کلمه « حریق» به عنـوان کلمـه اعـلان، بایسـتی در قسمت بالای تابلو بکار رود. علایم ایمنی حریق شامل علایم ترکیبی که کلمـه اعـلان آنهـا یکی از عبارات خطر، هشدار، احتیاط، توجه و یا سایر کلمات اعلان خطر، به همراه عبارات یا اشکال ایمنی مربوط به پیشگیری از آتش‌سوزی و حریق در پایین کادر اصـلی مـی‌باشـد، می‌شود.

د ـ علایم ترافیکی و راهنمایی و رانندگی بایستی در کارگاههایی کـه در آنهـا وسـایل نقلیه جابجا می‌شوند (طبق ضوابط مربوط به مقررات راهنمایی و رانندگی)، برای جابجـایی ایمن این وسایل و حفظ سلامتی افراد پیاده‌رو در تمامی محلهای مورد نیاز استفاده شوند.

ذ ـ علایم خروج اضطراری باید به منظور راهنمایی و خـروج سـریع افـراد در هنگـام وقوع سوانح و حوادث در کارگاه‌ها به سمت مکانهای منتهی به مسـیرها و دربهـای خـروج اضطراری از محل وقوع حادثه بکار روند.

تبصره۱ـ کاربرد اتیکتهای ایمنی پنج‌گانه مـذکور در فصـل اول مشـابه علایـم ایمنـی هم‌نامشان می‌باشد.

تبصره۲ـ استفاده از هر یک از علایم فوق‌الذکر به جای دیگری ممنوع می‌باشد.

ماده۲ـ رنگهای بکاررفته در یک علامت ایمنی، معرف ماهیت اصلی علامـت مربوطـه و شدت و نوع خطری که افراد در معرض آن هستند، بوده و بایسـتی هـر یـک از رنگهـای مشخص شده زیر بعنوان رنگ اصلی در تابلوی علایم و اتیکتهای ایمنی مربوطه بکار روند:

الف ـ قرمز: به عنوان رنگ اصلی برای مشخص کردن تـابلوی علایـم و اتیکـت‌هـای خطر و نیز در مواقع لزوم بعنوان رنگ زمینه علایم ایمنی حریق.

ب ـ نارنجی: بعنوان رنگ اصلی برای مشخص کـردن تـابلوی علایـم و اتیکـت‌هـای هشداردهنده و نیز علایم ایمنی خطرات بیولوژیکی.

پ ـ زرد: به عنوان رنگ اصلی برای مشخص کردن تابلوهـای علایـم و اتیکـت‌هـای

احتیاط.

ت ـ سبز: به عنوان رنگ اصلی در علایم دستورالعملهای ایمنی، علایم مربوط به نشان‌دادن محل تجهیزات و امکانات کمکهای اولیه و علایم نشان‌دهنده جهت خروج اضطراری.

ث ـ آبی: به عنوان رنگ اصلی در علایم آگاه کننده.

ج ـ ارغوانی: برای مشخص کردن علایم خطرات تشعشعی و تابشی.

تبصره ـ در مواردی که در قسمت کادر تصویری علایم ایمنی فوق‌الذکر از اشکال هندسی دایره و مثلث با رنگهای قرمز، آبی و زرد استفاده می‌شود (که ممکن است در برخی مواقع رنگ آنها با رنگ اصلی تابلوی علامت یا اتیکت ایمنی هم تفاوت داشته‌باشد)، در اینصورت:

الف ـ اگر ممنوعیت از انجام عملی مدنظر باشد بایستی نشانه تصویری عمل مربوطه به رنگ سیاه روی یک دایره با زمینه سفید و حاشیه و خط مورب (از چپ به راست) به رنگ قرمز استفاده شود.

ب ـ اگر الزام به انجام عملی مدنظر باشد بایستی نشانه تصویری عمل مربوطه به رنگ سفید روی یک دایره با زمینه آبی بکار گرفته شود.

ج ـ در صورت نشان دادن وجود یک خطر خاص بایستی نشانه تصویری خطر مربوطه به رنگ سیاه روی یک مثلث با زمینه زرد و حاشیه سیاه استفاده شود.

بخش اول ـ مقررات مربوط به نحوه طراحی تابلوی علایم و اتیکت‌های ایمنی

ماده۳ـ تابلوی علایم و اتیکت‌های ایمنی باید حاوی اطلاعات دقیق، کافی و آموزنده بوده و به راحتی قابل درک باشد. همچنین لازم است کلمه اعلان و کلمات و عبارات کادر پیام نوشتاری به زبان فارسی باشد.

تبصره ـ در صورت لزوم استفاده از زبان و خط بیگانه بسته به تشخیص مسئولین اجرای این مقررات خواهدبود، لیکن رعایت اولویت خط فارسی بر خط بیگانه در کلیه تابلوهای علایم ایمنی الزامی است.

ماده٤ـ پیام نوشتاری روی تابلوهای علایم و اتیکت‌های ایمنی باید بیانگر محتوای

علامت ایمنی و حتی‌الامکان کوتاه و مختصر و فقط حاوی جزئیات ضروری بوده و از چند کلمه محدود و کلیدی نیز تجاوز نکند. این پیام بایستی ساده، گویا، صریح و روشن بوده، به آسانی قابل خواندن باشد و به سهولت و به موقع به مخاطبین منتقل گردد.

تبصره ـ عبارات کادر پیام نوشتاری علایم ایمنی باید حتی‌الامکان معرف و بیانگر پیشنهادات و راهکارهایی با جملات مثبت باشد تا جملات منفی.

ماده۵ ـ دوباره نویسی و تکرار مطالب کادر نوشتاری تابلوی علایم ایمنی ممنوع است.

ماده٦ ـ به جهت اینکه ممکن است در برخی مواقع کارگران یا افرادی که در معرض خطرات قرار می‌گیرند بی‌سواد بوده و یا با زبان کاربردی بر روی علایم آشنایی نداشته باشند، استفاده از تصاویر در کنار متون و کلمات الزامی است، مگر در مواردیکه به تشخیص مسئولین مربوطه، ضرورتی در بکارگیری تصویر وجود نداشته‌باشد.

ماده۷ـ تصاویر بکاررفته باید به شکل ساده، قابل درک و سازگار با بقیه قسمتهای تابلوی علامت یا اتیکت رسم شوند.

تبصره۱ـ به منظور درک بهتر علایم و اتیکت‌ها باید حتی‌الامکان اشکال گرافیکی مشابه بدن و دست و پای انسان، اشیاء، قسمتهایی از ماشین‌آلات و یا شمای کلی ماشین مربوطه را بکار برد.

تبصره۲ـ در نمایش تصویری بخشی از بدن انسان، باید حتی‌المقدور عضو یا اعضایی که در معرض خطر بوده یا درگیر انجام کار و یا خطر خاصی می‌باشند، نشان داده شوند.

ماده۸ ـ در تمامی مواردی که لازم است در یک علامت ایمنی بیش از یک تصویر انسانی به کار برده شود، برای تمرکز بر روی تصویری که در موقعیت خطرناکتری می‌باشد و به منظور جلب توجه مخاطبین، باید آن را بصورت توپر ترسیم نمود.

تبصره۱ـ برای ترسیم فردی که حضور وی برای تکمیل تصویر ضروری بوده ولی مستقیماً با خطر سروکار ندارد، باید از همان فرمت توخالی استفاده شود.

تبصره۲ـ در مواقعی که هر دو تصویر انسانی بکاررفته در علامت ایمنی در معرض خطرات یکسانی می‌باشند، باید با استفاده از تصاویر گرافیکی مناسب به گونه‌ای آنها را

طراحی نمود که قابل تمیز و تشخیص از یکدیگر باشند.

ماده۹ـ برای نمایش ماشین‌آلات یا اجزای آنها بـه منظـور نشـان دادن کامـل جزئیـات گرافیکی باید از تصاویر توخالی استفاده کرد، بخصـوص در مـواقعی کـه نمـایی از تصـویر انسانی در مجاورت ماشین‌آلات رسم شده باشد. همچنین بـرای نشـان دادن اهمیـت بیشـتر یک جزء و یا برجسته نمودن خطرات خاص آن، باید در طراحی ماشین، جزء مـدنظر را بـا خطوط ضخیم تری نسبت به بقیه خطوط ترسیم نمود.

ماده۱۰ـ در مواقعی که یک خطر کلی توسط ماشین‌آلات موجود می‌باشد و یا کل بدن در معرض خطر خاصی قرار می‌گیرد، لازم است کلیات ماشین مربوطه یا شمای کلـی بـدن انسان به تصویر کشیده شود. در سایر موارد، در نمایش تصویری بدن انسـان و ماشـین‌آلات باید تا حدممکن وارد جزئیات گردید تا مخاطبان بتواننـد عضـو در معـرض خطـر در بـدن انسان و یا جزء تولیدکننده خطر در ماشین‌آلات را به سهولت تشخیص دهند، بخصوص در مواردیکه نمایش کلی ماشین‌آلات یا شمای بدن انسان بوضـوح بیـانگر موقعیـت و طبیعـت خطر مربوطه نباشد.

ماده۱۱ـ در کلیه علایم و اتیکت‌های ایمنی باید از توضیح متنی در قسمت کـادر پیـام نوشتاری استفاده شود، مگر اینکه تصویر بکاررفته به اندازه کافی گویا و بیـانگر خطـر و یـا پیام مربوطه باشد. در هر صورت عبارات توضـیحی ارائـه شـده بـر روی تـابلوی علایـم و اتیکت‌ها بایستی در کادری جداگانه قرار گیرد، به گونه‌ای که روی سمبل و نشانه تصـویری را نپوشاند.

ماده۱۲ـ در طراحی تابلوی علایم و اتیکت‌های ایمنی بایستی سعی شود هـر تصـویر نشان‌دهنده یک خطر بوده و از اشاره به چند خطر در قالب یک تصویر اجتناب گردد، مگـر درمواردیکه خطرات، بسیار مشابه و در ارتباط با یکدیگر باشند.

بخش دوم ـ مقررات مربوط به نحوه ساخت تابلوی علایم و اتیکت‌های ایمنی

ماده۱۳ـ کلیه تابلوهای علایم ایمنی، بایستی دارای گوشه‌های گـرد و ضـخیم بـوده و فاقد لبه‌های تیز، تراشه، گره و یا سایر برآمدگی‌های برنده باشند.

ماده۱٤ـ تابلوی علایم ایمـنی بایـد در مقابـل ضـربه مقـاوم بـوده و جـنس آنهـا و

روکشـهایشان به گونه‌ای باشد که طبیعتاً طول عمر و ماندگاری بالایی داشته باشد.

ماده۱۵ـ پایه‌های نگهدارنده بکاررفته برای نصب تابلوها باید از جنسی بادوام سـاخته شده و جهت جلوگیری از هرگونه خطر سقوط از استحکام لازم برخوردار بوده و در مقابـل نیروهای وارده استاتیکی و دینامیکی احتمالی دارای مقاومت لازم باشد.

تبصره ـ در مور تابلوهای موقت، الزامی به استفاده از مصالح مقاوم نیست، اما رعایـت نکات ایمنی ضروری می‌باشد.

ماده۱٦ـ تهیه تابلوی علایم و اتیکت‌های ایمنی بر روی سطوح شیشـه‌ای و یـا سـایر سطوح شکننده ممنوع است مگر آنکه از جـنس شیشـه‌هـای نشـکن بـوده یـا دارای شـبکه محافظ داخلی باشند.

ماده۱۷ـ استفاده از مصالح قابل احتراق مانند چوب، کاغـذ و پلاسـتیکهای بـا قابلیـت اشتعال سریع، در ساخت تابلوهای ایمنی دارای ادوات الکتریکـی ممنـوع بـوده و سـیمها و تجهیزات مربوطه باید دارای روکش و عایق مناسب باشند.

ماده۱۸ـ طول و عرض تابلوی علایم ایمنی بایستی با هم متناسـب بـوده و در ضـمن اندازه آنها با در نظر گرفتن فاصله مشاهده ایمن و متناسب بـا موقعیـت ماشـین‌آلات، ابـزار، تجهیزات و سایر وسایل کاربردی در کارگاه باشد.

ماده۱۹ـ استفاده از تابلوها و اتیکتهای عمودی نسبت به نمونه‌های افقی آن ارجحیـت دارد، اگرچه بکارگیری نمونه‌های افقی نیز در صورت اقتضای شرایط قابل قبول می‌باشد.

بخش سوم ـ مقررات مربوط به نحوه نصب تابلوی علایم و اتیکتهای ایمنی

ماده۲۰ـ کلیه تابلوهای علایم ایمنی بایستی به نحو مطمئن در محلهای مـدنظر نصـب شوند.

ماده۲۱ـ در نصب تابلوها جهت اتصال آنها به پایه باید از بستهای مخصوص به همراه پیچ و مهره‌های گالوانیزه مربوطه استفاده نمود که سرو ته پیچ و مهره‌ها و یا سایر وسـایل و ادوات مخصوص بستن و محکم کردن این تابلوها، بایستی به نحوی جایگذاری شـوند کـه ایجاد خطر نکنند.

ماده۲۲ـ بطور کلی حد زیرین ارتفاع تابلوهای علایم ایمنی کـه ممکـن اسـت از زیـر

آنها عبور و مرور افراد صورت گیرد نباید کمتر ۲/۱ متر از سطح زمین باشد، مگر در موارد خاصی که به اقتضای شرایط و به تشخیص مسئول ایمنی کارگاه بتوان ارتفاع کمتری برای آن در نظرگرفت، لیکن ارتفاع کمتر نباید باعث ایجاد مخاطره برای افراد شود.

ماده۲۳ـ کلیه تابلوهای علایم ایمنی باید در محلی نصب شوند که در هر موقع از شبانه‌روز برای کارگران و افراد در معرض خطر، به سهولت قابل دید باشند.

تبصره۱ـ تابلوهای علایم ایمنی برحسب شرایط و با توجه به نوع کاربرد و محل نصب آن باید بصورت روزرنگ، شبرنگ و یا ساخته شده از مواد بازتابنده نور بوده و یا دارای لامپ روشنایی باشد.

تبصره۲ـ در صورتی که بر اثر عدم وجود روشنایی کافی در محیط کار، تابلوهای علایم نصب شده به راحتی قابل رویت نباشند، لازم است بصورت جداگانه از وسایل روشنایی مناسبی استفاده شود.

تبصره۳ـ در هیچ یک از تابلوهای علایم ایمنی نمی‌توان از نورپردازی غیرالکتریکی همچون شعله آتش استفاده‌کرد، مگر در موارد خاص مانند پالایشگاههای مواد نفتی و با کسب مجوز از مسئولین اجرایی ذیربط.

ماده۲٤ـ تابلوی علایم و اتیکتهای ایمنی بایستی در محل نصب شده از آسیبهای احتمالی، خراشیدگی و سایش، امواج ماورای بنفش، گرد و غبار، پاشش مواد شیمیایی و روغنها، رنگ پریدگی و سایر آسیبها محافظت شوند. در صورتیکه ناگریز به استفاده از تابلوی علایم یا اتیکتهای ایمنی در شرایط فوق‌الذکر باشند، باید در تهیه و ساخت آنها از مواد مقاوم استفاده شود.

ماده۲۵ـ پایه‌ها، لوله‌ها، بستها، پیچ و مهره‌ها و صفحات تابلوی علایم ایمنی باید در مقابل خوردگی و زنگ زدگی محافظت شوند.

ماده۲٦ـ تابلوهای علایم ایمنی باید تا حدممکن نزدیک به خطرات مربوطه و در فاصله مشاهده ایمن نصب گردند، به نحوی که مخاطب فرصت انجام عکس‌العمل و اقدام مناسب را داشته‌باشد.

ماده۲۷ـ نصب بیش از ۳تابلو از علایم ایمنی مختلف، در یک مکان و در مجاورت

یکدیگر ممنوع می‌باشد. (وجود تابلوهای علایم ایمنی فراوان و بیش از اندازه موجب بی اعتنایی و عدم بذل توجه کافی مخاطبین می‌گردد).

ماده۲۸ـ تابلوهای علایم ایمنی بایستی در معابر و گذرگاههای منتهی به محل خطر بطور مطمئن نصب شوند تا افراد قبل از ورود به محل خطرناک و مواجهه با آن از وجود خطر احتمالی مطلع شده و اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه را به انجام رسانند.

ماده۲۹ـ نصب تابلوی علایم ایمنی در محل‌های خطرناک مانند لبه پرتگاهها، انبارها، محلهای عبور و مرور، محل ذخیره مواد خطرناک و سایر مکانهایی که احتمال وقوع حادثه را داشته‌باشد، الزامیست.

ماده۳۰ـ نصب تابلوی علایم ایمنی بر روی تیرهای برق یا درختان، صخره‌ها و سایر عناصر طبیعی و نیز در محل پنجره یا درب، روزنه‌ها، بازشوها و نورگیرها، کانالهای تهویه و همچنین در مسیرهای عبور کارگران مانند: پلکانها، نردبانها و راههای خروج اضطراری که مانع عبور و مرور افراد می‌گردد، ممنوع بوده، همچنین نصب آنها باید به گونه‌ای باشد که هیچ بخشی از سطح یا پایه آنها مانع استفاده از هر نوع پله فرار و خروجی‌ها نگردد.

ماده۳۱ـ ترسیم تابلوهای علایم ایمنی با رنگ و یا مواد دیگر بطور مستقیم روی دیوار یا سایر عناصر ساختمانی و طبیعی مانند درخت و صخره بصورتی که قابل برچیدن نباشد، ممنوع است.

ماده۳۲ـ چیدمان وسایل و ماشین‌آلات درون کارگاهی بایستی به نحوی باشد که مانع رویت کامل تابلوهای علایم ایمنی نگردد.

ماده۳۳ـ قرارگرفتن هرگونه مانعی درمقابل تابلوی علایم ایمنی در محوطه بیرونی و بازکارگاه از جمله: درخت، بوته، علف هرز و پوشال، وسایل نقلیه، ابزار و ماشین‌آلاتی که منجر به عدم دید کامل این تابلوها می‌شوند، ممنوع است.

ماده۳٤ـ تابلوهای علایم ایمنی باید به گونه‌ای نصب شوند که احتمال هرگونه سقوط و یا جابجایی آنها بصورت کنده‌شدن، لرزش یا چرخش توسط جریان هوا و یا کارکرد دستگاهها وجود نداشته‌باشد.

ماده۳۵ـ در نصب تابلوهای علایم ایمنی باید از ایجاد سکوها، سوراخها و درزهای

غیرمعمول که محل جمع شدن گرد و غبار و بوجودآمدن لانه پرندگان و انبار تجهیزات و وسایل اضافی شود، اجتناب کرد.

ماده۳٦ـ بر روی تابلوهای علایم ایمنی و یا در نزدیکی و مجاورت مکانهایی که این علایم نصب می‌شوند، نبایستی جملات یا عباراتی نوشته شود و یا پوسترها، اطلاعیه‌ها و اعلامیه‌ها یا پارچه نوشته‌هایی قرار گیرند که مانع دیده شدن تابلوی علامت ایمنی شده و یا مطالب روی آنها با مفهوم علامت ایمنی تناقضی داشته‌باشند.

ماده۳۷ـ اتیکت‌ها بایستی در مواقع ضروری بر روی بخش‌های خطرناک ماشین‌آلات و تجهیزات، نصب و تا زمان حضور خطر بصورت دائمی بر روی آنها استفاده شوند. در سایر مواقع تنها بعنوان یک ابزار موقتی برای هشدار شرایط، ابزار، تجهیزات و تشعشعات خطرناک بوده و نبایستی آنها را به عنوان یک ابزار پیشگیری و هشدار کامل در نظر گرفت.

ماده ۳۸ـ اتیکتهای ایمنی دائمی نصب شده بر روی موقعیت‌های خطرساز و هشداردهنده ماشین‌آلات بایستی از جنسی باشند که دوام کافی داشته و از رنگ ثابتی برخوردار باشند که انتخاب مواد مصرفی در تهیه آنها و نیز روش چسبانیدن آنها در محلهای مورد نظر باید براساس شرایط محیطی و سایر مقتضیات مکانی که دستگاه مدنظر در آن قراردارد، صورت پذیرد.

ماده۳۹ـ در مواقعی که از اتیکتها به عنوان ابزار موقتی برای هشدار خطر استفاده می‌شود، ضروری است سریعاً نسبت به علایم ایمنی دائمی در محلهای مورد نیاز اقدام گردد.

ماده٤۰ـ در خصوص اتیکتهای بکاررفته بر روی دستگاهها و ماشین‌آلات، بایستی رنگ اصلی اتیکت ایمنی مخالف رنگ سطحی که بر روی آن چسبانیده می‌شود، باشد. در غیر اینصورت باید از اتیکتهایی استفاده شود که دارای خطوط حاشیه‌ای با رنگی مخالف با سطح مدنظر می‌باشند.

ماده٤۱ـ اتیکت‌ها باید به محلی که تا حدممکن و ایمن به خطرات مربوطه نزدیک بوده و بر روی موقعیتهای خطرساز و هشداردهنده ماشین‌آلات و یا در منطقه کنترل ماشین و با یک ابزار مناسب همچون: زنجیر، سیم و ریسمان آویخته شوند. در مواقع لزوم باید

برای استحکام بیشتر در مکان مدنظر چسبانیده و یا آنها را پرچ نمود تا از جابجایی و گم‌شدن غیر عمدی آنها جلوگیری شود.

ماده۴۲ـ نصب بیش از حد اتیکتها بر روی ماشین‌آلات، بویژه در محلهایی که از ضرورت چندانی برخوردار نمی‌باشد، ممنوع بوده و بکارگیری بیش از ۷اتیکت ایمنی در یک منطقه خاص از هر ماشینی مجاز نمی‌باشد، مگر در صورتیکه به تشخیص مسئولین مربوطه ماهیت کار با ماشین مربوطه اقتضای بکارگیری اتیکتهای بیشتری را بنماید.

تبصره ـ در مواردی که با توجه به خطرات موجود بر روی دستگاه، تعداد اتیکتهای مورد نیاز بیش از ۷عدد پیش‌بینی می‌شود، در مورد خطراتی که از اهمیت کمتری برخوردار بوده و در ضمن اتیکت‌گذاری هم نشده‌اند بایستی در کتاب راهنمای همراه ماشین‌آلات به آنها اشاره شود و همچنین باید از اتیکتی مبنی بر همین مطلب یعنی: « به کتاب راهنمای کاربران مراجعه نمایید.» بر روی دستگاه استفاده نمود.

ماده۴۳ـ کلیه سازندگان ماشین‌آلات مکلفند در هنگام تهیه اتیکتهای ایمنی نصب شده بر روی ماشین‌آلات، تاریخ تعویض آن را در حاشیه اتیکت مربوطه درج نمایند.

تبصره۱ـ کلیه کارفرمایان مکلفند قبل از به پایان رسیدن تاریخ مصرف درج شده بر روی اتیکتها نسبت به تعویض آنها از طریق کارخانه یا شرکت تولیدکننده یا عرضه‌کننده ماشین‌آلات مربوطه و یا سایر مراجع ذیصلاح اقدام نمایند.

تبصره۲ـ در مواردیکه کارفرمایان نسبت به نصب اتیکتهای ایمنی جدید در محلهای مورد نیاز بر روی ماشین‌آلات اقدام می‌کنند، مکلفند تاریخ تعویض اتیکتها را نیز مشخص نمایند.

تبصره۳ـ در صورتی که برحسب شرایط، اتیکت ایمنی بکاررفته مدتی قبل از زمان انقضاء، ناخوانا شده و یا از بین رفته‌باشد، کارفرما مکلف است در اسرع وقت نسبت به تعویض آن و سفارش اتیکتی جدید اقدام نماید.

فصل سوم ـ الزامات قانونی و وظایف کارگر و کارفرما

ماده۴۴ـ استفاده از تابلوهای علایم و اتیکتهای ایمنی در کلیه محلها، ماشین‌آلات و مکانهای که امکان حذف و از بین بردن و یا کنترل خطرات از سایر روشها (مثل: کنترلهای

مهندسی، استفاده از سیستم‌های ایمن، حفاظ‌گذاری و ...) برای کارفرما مقدور نمی‌باشد، ضروری است.

ماده٤٥ـ نصب علائم و اتیکتهای ایمنی ذکر شده در این مقررات نمی‌تواند جانشین اقدامات لازم دیگر جهت کنترل و پیشگیری مانند نظارتهای مهندسی، اصلاح روشهای کاری و ایجاد شرایط کار بی‌خطر شود، لذا کارفرمایان مکلفند کلیه موارد ایمنی را رعایت کرده و در صورت نیاز از علایم ایمنی استفاده کنند.

ماده٤٦ـ کارفرما موظف است نظارت نماید تا تابلوی علایم طبق مقررات در محل خود نصب و نگهداری شوند.

ماده٤٧ـ کلیه علایم ایمنی جدید و نیز علایم قبلی که قرار است جایگزین شوند، باید مطابق با مندرجات مفاد این آیین‌نامه باشند.

ماده٤٨ـ کارفرما مکلف است به نحو مقتضی آموزشهای لازم نسبت به مفهوم کلیه علایمی که در نقاط مختلف کارگاه نصب شده‌اند را به کارگران ارائه داده و نیز اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه‌ای که در زمان مواجهه با علامتهای ایمنی برای جلوگیری از وقوع خطر ضروری می‌باشد را به آنان بیاموزد.

ماده٤٩ـ کلیه تولیدکنندگان و فروشندگان تجهیزات و ماشین‌آلات داخل کشور و نیز واردکنندگان ماشین‌آلات خارجی بایستی اطلاعاتی را که به درک بهتر مفاهیم اتیکتهای ایمنی کاربردی بر روی قسمتهاو اجزای خطرناک و مورد نیاز ماشین‌آلات کمک می‌نماید را همراه مدارک راهنما، برگه‌های اطلاع‌رسانی، برشورها و کتابچه‌های دستورالعمل کار با آنها به خریداران ارائه نمایند.

ماده٥٠ ـ با توجه به جنس خاص اتیکتها، ارائه نسخه‌ای اضافی از اتیکتهای ایمنی کاربردی بر روی محصول یا دستگاه به همراه سایر مدارک مربوطه توسط تولیدکنندگان داخلی الزامی می‌باشد.

ماده٥١ ـ در مکانهایی که از علایم ایمنی، حفاظها و یا سایر ابزار حفاظتی مناسب بر روی ماشین‌آلات استفاده‌شده، الزامی به کاربرد اتیکتها نمی‌باشد.

ماده٥٢ ـ با تغییر شرایط و از بین رفتن احتمال خطر یا شرایط خطرساز در کارگاه و

یا پایان مراحل کار لازم است به منظور جلوگیری از گمراه شدن کارگران، علایم نصب‌شده، سریعاً بطور ایمن پوشانده‌شده و یا جمع‌آوری گردند.

ماده۵۳ ــ کارفرما مکلف است تابلوی علایم و اتیکتهای ایمنی را در زمانهای لازم تمیزکرده و به دقت از آنها نگهداری نماید تا محتوای آنها به آسانی قابل رؤیت باشد.

ماده٥٤ ــ کلیه کارگران موظف به حفظ و نگهداری از علایم ایمنی تهیه شده توسط کارفرما در حیطه وظایف و مسئولیتهای خویش می‌باشند.

ماده۵۵ ــ کارفرما مکلف است تابلوی علایم و اتیکتهای ایمنی را در مواقع لزوم، تعمیر و یا تعویض نماید.

ماده٥٦ ــ بازدید از تابلوها توسط مسئول مربوطه به منظور پایداربودن، استحکام و ایمنی تابلو و سازه آن باید حداقل در مراحل زیر انجام گیرد:

الف ـ قبل از شروع به استفاده از آن

ب ـ پس از هرگونه تغییرات و ایجاد وقفه در استفاده از آن

ج ـ پس از وقوع باد شدید، طوفان، زلزله و عوامل مشابه که استحکام و پایداری تابلوها مورد تردید قرارگیرد.

ماده۵۷ ــ در خصوص دربهای خروج اضطراری ، این دربها بایستی با علامتهای خروج واضح و قابل‌رؤیت مشخص شوند و فاقد هرگونه نشانه یا علامتی غیر از علامت خروج باشند. همچنین دربهای مجاور دربهای اصلی خروج اضطراری که به سمت مسیرهای خروجی منتهی نمی‌شوند، بایستی مشخص شده و بر روی آنها از علایم نشان‌دهنده این امر استفاده‌شود.

ماده۵۸ ــ از تاریخ تصویب و اجرای این آیین‌نامه، طراحی، چاپ، انتشار، واردات و ساخت هرگونه تابلوی علامت یا اتیکت ایمنی مربوط به کارگاههای مشمول قانون کار منوط به کسب مجوز از شورای عالی حفاظت فنی (مدیرکل بازرسی کار به عنوان دبیرشورای عالی حفاظت فنی) خواهدبود.

تبصره ــ نظافت، تعمیر و تعویض تابلوی علایم ایمنی در صورتیکه مغایرتی با مشخصات مجوز نداشته‌باشد، نیازی به اخذ مجوز جدید ندارد.

ماده۵۹ ــ براساس ماده ۹۵ قانون کار جمهوری اسلامی ایـران کارفرمایـان مکلـف بـه رعایت مفاد این آیین‌نامه بوده و کارگران نیز برابر تبصره۲ ماده فوق‌الذکر موظف به رعایـت مفاد تابلوی علایم و اتیکتهای ایمنی می‌باشند.

ماده۶۰ ــ این آیین‌نامه مشتمل بر ۶۰ ماده و ۱۸تبصره و به استناد مواد ۸۵ و ۹۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۵/۳۱ شورای عالی حفاظـت فنـی مـورد تأیید و در تاریخ ۸۶/۱۱/۱۵ به تصویب وزیـر کـار و امـور اجتمـاعی (آقـای دکتـر محمـد جهرمی) رسیده‌است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۹۴ مورخ ۸۷/۶/۶

آئین نامه حفاظتی تاسیسات الکتریکی در کارگاهها مصوب ۱۳۸۷/۱/۳۱

هدف:

هدف از تدوین این آیین‌نامه به روزرسانی و تطبیق مواد آن با شرایط روز صنایع، پیشرفت تکنولوژی و ایمن‌سازی محیط کارگاه‌ها به منظور پیشگیری از حوادث منجر به صدمات جانی و خسارات مالی و حفظ و صیانت نیروی کار و منابع مادی می‌باشد.

فصل اول ـ تعاریف و اصطلاحات:

اضافه جریان:

هر جریان بیش از جریان نامی تجهیزات یا بیش از جریان قابل تحمل یک هادی که ناشی از اضافه بار، اتصال کوتاه یا عیب سیستم اتصال به زمین باشد.

باتری:

یک سیستم الکتروشیمیایی است که انرژی الکتریکی دریافتی را به صورت شیمیایی ذخیره کرده و سپس آن را به صورت انرژی الکتریکی بازپس می‌دهد.

برق‌دار:

وسیله‌ای که اتصال الکتریکی به منبع اختلاف پتانسیل دارد.

بی‌برق:

هر وسیله‌ای که هیچ اتصال الکتریکی با منبع اختلاف پتانسیل نداشته و دارای بار الکتریکی نیست.

تابلو برق:

مجموعه‌ای از ورودی و خروجی‌های برق و وسایل اضافه جریان خودکار که در داخل جعبه یا کابینت قرار داشته و برخی از انواع آن‌ها کلیدهایی برای کنترل روشنایی، گرما یا مدارات توان دارند.

تاسیسات الکتریکی:

مجموعه‌ای از تجهیزات الکتریکی مرتبط با هم بوده که برای یک هدف خاص طراحی

گردیده‌اند.

تجهیزات الکتریکی:

تمامی مدارها، وسایل، دستگاه‌ها، مصرف کننده‌ها و هر وسیله مشابه دیگر که به عنوان بخشی از تأسیسات الکتریکی بکار رفته یا در ارتباط با این تأسیسات هستند.

تجهیزات سرویس‌دهی:

تجهیزات ضروری که معمولاً شامل یک قطع کننده مدار، کلیدها، فیوزها و لوازم جانبی آن‌ها بوده و به ورودی مصرف‌کننده ساختمان و یا هر سازه دیگر متصل است و وظیفه آن کنترل اصلی و قطع تغذیه می‌باشد.

زمین:

هرگونه اتصال هادی عمدی یا تصادفی یک مدار الکتریکی یا تجهیزات به زمین یا به برخی بدنه‌های هادی که به جای زمین (ارت) عمل می‌کنند، حکم زمین را دارد.

زمین مؤثر:

اتصال به زمین عمدی از طریق یک اتصال زمین یا اتصالاتی با امپدانسی به حد کافی پایین بوده که ظرفیت مناسب برای حمل جریان را دارد تا از ایجاد ولتاژهایی که ممکن است منجر به ایجاد خطر برای تجهیزات متصل به آن یا افراد می‌شود، جلوگیری نماید.

سپر (شیلد):

لایه فلزی زمین شده روی کابل است که از تأثیر میدان الکتریکی کابل به خارج از آن جلوگیری می‌کند و یا کابل را در برابر تأثیر عوامل الکتریکی خارجی محافظت می‌کند.

سیستم سیم‌کشی:

به مجموعه‌ای متشکل از کابل‌ها، سیم‌ها، شین‌ها و همچنین قسمت‌های نگهدارنده آن‌ها شامل لوله‌های توکار، روکار، داکت‌ها، سینی‌ها و کانال‌ها سیستم سیم‌کشی اطلاق می‌شود.

قسمت‌های برق‌دار:

تمام قسمت‌های هادی جریان مانند سیم‌ها، ترمینال‌ها و تمام اجزای تجهیزات الکتریکی که فاقد عایق‌بندی مناسب باشند.

قطع کننده مدار:

وسیله‌ای است که از آن برای باز و بسته‌کردن مدار به روش دستی استفاده می‌شود و در صورت عبور جریان اضافی مدار را به طور خودکار از منبع ولتاژ قطع می‌کند.

قوس الکتریکی:

تخلیه الکتریسته در اثر شکست عایق الکتریکی بین دو هادی با اختلاف پتانسیل بالا که باعث آزادشدن انرژی حرارتی و نور می‌شود.

کلید محافظ جان (وسیله جریان تفاضلی ـ RCD) :

وسیله قطع و وصل مکانیکی یا مجموعه‌ای از وسایل است که اگر جریان تفاضلی (تفاضل جریان مدار با جریان مرجع) در شرایط معین به مقدار مشخص برسد، کنتاکت‌ها را باز می‌کند.

ورودی اصلی برق:

نقطه تحویل انرژی الکتریکی به کارگاه می‌باشد.

وسایل قطع:

وسیله یا گروهی از وسایل که توسط آن‌ها، هادی‌های یک مدار از منبع تغذیه جدا می‌شوند.

وسیله فرمان الکتریکی:

وسیله‌ای است که توسط آن فرمان‌های لازم برای عملکرد مناسب دستگاه الکتریکی در شرایط مختلف و قطع و وصل آن اعمال می‌گردد.

ولتاژ فشار قوی:

ولتاژ بالای ۱۰۰۰ ولت تحت عنوان ولتاژ فشار قوی شناخته می‌شوند.

فصل دوم ـ مقررات عمومی:

ماده۱ـ نصب، تنظیم، آزمایش، نگهداری و تعمیرات کلیه تجهیزات الکتریکی فقط باید توسط افراد متخصص و ماهر انجام شود.

ماده۲ـ تجهیزات الکتریکی کارگاه باید با استانداردهای الکتریکی مطابقت داشته باشند.

ماده۳ـ تجهیزات و ملزومات مورد استفاده برای هر نوع عملیات برقی باید متناسب با آن کاربرد خاص باشد.

ماده٤ـ طراحی شبکه توزیع برق باید به گونه‌ای باشد که احتمال برقراری اتصال کوتاه و عبور جریان اضافی وجود نداشته‌باشد.

ماده۵ ـ قبل از بکارگیری کلیه تجهیزات الکتریکی باید از صحت عایق بندی الکتریکی قسمت‌های برق‌دار آن‌ها اطمینان حاصل شود.

ماده٦ ـ تجهیزات الکتریکی باید متناسب با اثرات خاص شرایط جوی و محیطی بکارگرفته شود.

ماده۷ـ انتخاب و بکارگیری تجهیزات الکتریکی باید به گونه‌ای باشد که اثرات قوس الکتریکی (آرک) مهار گردیده و باعث بروز خطر نشود.

ماده۸ ـ رعایت دستورالعمل‌های کارخانه سازنده برای نصب، راه‌اندازی، نگهداری و تعمیرات تجهیزات الکتریکی الزامی است.

ماده۹ـ تجهیزاتی که برای قطع جریان الکتریکی مدار بکار می‌روند، باید با ولتاژ و جریان نامی آن مطابقت داشته باشند.

ماده۱۰ـ هیچ یک از تجهیزات الکتریکی بخصوص سیم‌ها و هادی ها نباید در معرض عوامل شیمیایی خورنده، گازها، بخارات، رطوبت، مواد قابل اشتعال و انفجار، مایعات یا عوامل دیگر قرار گیرند؛ مگراینکه به طور مشخص برای کار در چنین محیط‌هایی طراحی و ساخته شده‌باشند.

ماده۱۱ـ در زمان اجرای عملیات ساختمانی باید تجهیزات الکتریکی از صدمات ناشی از شرایط فیزیکی و جوی محافظت شوند.

ماده۱۲ـ کلیه تجهیزات الکتریکی شامل شین‌ها، ترمینال‌ها، سیم‌کشی‌ها و عایق‌ها باید کاملاً سالم بوده و نباید با رنگ، گچ، گرد و غبار، مواد پاک کننده، مواد ساینده و یا دیگر مواد آلوده شوند.

ماده۱۳ـ قسمت‌هایی از تجهیزات و وسایل الکتریکی که در حال کارکرد عادی، قوس الکتریکی، جرقه، شعله با فلز مذاب تولید می‌کنند، باید محصور شده و از هرگونه مواد

منفجره و قابل اشتعال دور باشند.

ماده۱٤ــ در محل ورود به اتاق‌ها یا محل‌های حفاظت شده که قسمت‌های برق‌دار در دسترس دارند، باید علایم هشداردهنده مبنی بر ممنوع بودن ورود افراد غیرمجاز نصب شود.

ماده۱۵ــ کلیه تابلوهای برق، جعبه تقسیم‌ها و تجهیزات مشابه دیگر باید دارای علایم هشدار دهنده مناسب باشند.

ماده۱٦ــ برای کلیه قسمت‌های برق‌دار با ولتاژ فشار قوی اعم از روکش‌دار و بدون روکش باید حفاظ فلزی متصل به سیستم اتصال به زمین برای جلوگیری از قوس الکتریکی تعبیه گردد.

ماده۱۷ــ باید در ورودی مدار توزیع برق کارگاه وسیله مناسبی برای قطع کامل برق تجهیزات تعبیه شود.

ماده۱۸ــ به دلیل امکان گرم شدن زیاد و جرقه‌زنی فیوزها و قطع کننده‌های مدار، نگهداری مواد قابل اشتعال و انفجار در مجاورت آن‌ها ممنوع است.

ماده۱۹ــ تابلوهای برق، جعبه تقسیم‌ها و نظایر آن باید به گونه‌ای نصب شود که از نفوذ و تجمع آب در داخل آنها جلوگیری شود.

ماده۲۰ــ موتورهای الکتریکی، وسایلی که با موتور کنترل می‌شوند و سیم‌های مدارهای انشعابی موتورهای الکتریکی باید در برابر افزایش دمای ناشی از اضافه بار موتور یا معایب مربوط به روشن‌شدن موتور محافظت شوند.

ماده۲۱ــ در محل استقرار افرادی که در نزدیکی کنترل کننده یا قسمت‌های برق‌دار موتور کار می‌کنند، باید سکو یا کفپوش عایق مناسب در نظر گرفته شود.

ماده۲۲ــ کارفرما مکلف به اخذ تاییدیه سالیانه صحت عملکرد سیستم اتصال به زمین (الکترود ارت ـ دستگاه‌ها ـ همبندی‌ها و دیگر تجهیزات و متعلقات) از وزارت کار و امور اجتماعی می‌باشد.

فصل سوم ـ سیم کشی:

ماده۲۳ــ دسترسی به کانال‌های تأسیسات برق باید به راحتی امکان پذیر باشد.

ماده۲٤ـ سیم‌ها و کابل‌های برق در کانال‌ها باید به گونه‌ای نصب شوند که تعقیب مسیر آن‌ها آسان باشد.

ماده۲۵ـ در پوش ورودی کانالهای تاسیساتی زیرزمینی باید به گونه‌ای قرار گیرد که احتمال جابجائی و لغزش آنها وجود نداشته‌باشد.

ماده۲٦ـ درپوش کانال‌های تاسیساتی در سطح کارگاه باید تحمل وزن افراد و وسایل نقلیه عبوری را داشته باشد.

ماده۲۷ـ شرایط داخل کانال باید از لحاظ تهویه، نور، حرارت و رطوبت مناسب باشد.

ماده۲۸ـ ورودی‌ها، دیوارها و کف کانال‌های تاسیسات برق باید از مصالحی ساخته شود که مانع از نفوذ و تجمع آب در کانال گردد.

ماده۲۹ـ بدنه کانال‌های تاسیسات برقی باید از مصالحی ساخته شود که تحمل فشارهای جانبی و غیره را داشته باشد.

ماده۳۰ـ در کانال‌های تاسیساتی آدم رو باید کابل‌ها و تجهیزات برقی براساس اصول فنی و ایمنی نصب شده باشند.

ماده۳۱ـ به منظور جلوگیری از وقوع خطرات احتمالی و امدادرسانی، بکارگیری کارگران به تنهایی در کانالها ممنوع می‌باشد.

ماده۳۲ـ ورود به کانال‌های برق بدون هماهنگی با واحد برق یا مسؤول برق به هر عنوان ممنوع است.

ماده۳۳ـ اتصال سیم‌ها به یکدیگر و ترمینال‌ها باید یک اتصال مطمئن بوده و قسمت لخت‌هادی برق به نحو ایمن عایق‌بندی گردد.

ماده۳٤ـ کلیدهای روشنایی باید در محلی نصب گردد که شخص برای روشن کردن چراغ، در معرض تماس احتمالی با قسمت‌های برق‌دار یا قسمت‌های متحرک تجهیزات دیگر قرار نگیرد.

ماده۳۵ـ بکار بردن سیم‌های برق خارج از استاندارد رنگ سیم‌ها اکیداً ممنوع است.

رنگ سیم فاز: قرمز یا مشکی یا قهوه‌ای.

رنگ سیم نول: آبی

رنگ سیم اتصال به زمین: زرد سبز یا ترکیب زرد و سبز.

ماده۳٦ـ کلیه سیم‌ها و کابل‌های برق باید به لحاظ نوع، رنگ، جنس و سطح مقطع به گونه‌ای انتخاب شود که کاربرد آن به سادگی قابل تشخیص باشد.

ماده۳۷ـ تجهیزات سیستم اتصال به زمین نباید برای اهداف دیگر بکار گرفته شوند.

ماده۳۸ـ استفاده از سیم ارت به جای سیم نول و بالعکس تحت هر شرایطی ممنوع است.

ماده۳۹ـ قطع کننده مدار نوع دستگیره‌ای باید روی تابلو کلیدها عمودی نصب شده و در وضعیت ON دستگیره در موقعیت بالا باشد.

ماده٤۰ـ حصارها و بدنه فلزی تجهیزات الکتریکی باید اتصال به زمین مؤثر داشته باشند.

ماده٤۱ـ کلیه اجزای فلزی سیم‌کشی و نیز سپر (شیلد) حفاظ‌های فلزی کابل‌ها باید اتصال زمین موثر داشته‌باشد.

ماده٤۲ـ عبور هرگونه سیم وکابل از داخل کانال‌های مخصوص تهویه و کانال‌های خروج ذرات گرد وغبار یا بخارات قابل اشتعال ممنوع است.

ماده٤۳ـ استفاده از سیم‌کشی‌های موقت در کارگاه‌های ساختمانی، با رعایت اصول ایمنی و صرفاً در زمان تخریب، ساخت، تعمیرات و تغییرات مجاز است و بلافاصله پس از اتمام کار بایستی کلیه سیم‌کشی‌های موقت جمع‌آوری شود.

ماده٤٤ـ سیم‌کشی‌های موقت باید در ارتفاع مناسبی نصب و یا به روش مطمئن دیگری استفاده شود تا از تماس تصادفی افراد و تجهیزات با آن‌ها جلوگیری گردد.

ماده٤٥ـ سیم‌کشی‌های موقت در مدارهای فشار ضعیف برای محل‌های عبور و مرور باید حداقل ۳متر ارتفاع داشته‌باشد.

ماده٤٦ـ کلیه سیم‌ها و کابل‌های نصب شده در ارتفاع، سقف و دیوارها باید در فواصل مناسبی تثبیت شوند تا از آویزان شدن آن‌ها جلوگیری شود.

ماده٤۷ـ کلیه چراغ‌های مورد استفاده برای روشنایی موقت باید در برابر تماس اشیاء و افراد و شکستن حفاظت شوند.

ماده٤٨ـ پریزهای مورد استفاده در مدارهای سیم‌کشی موقت باید از نوع ارت‌دار بوده و به سیستم اتصال به زمین مطمئن و مؤثر وصل شوند.

ماده٤٩ـ بدنه فلزی تابلوهای برق بایستی مجهز به سیستم اتصال به زمین بوه و در قفل‌دار داشته‌باشد و پیرامون آن‌ها کفپوش یا سکوی عایق مؤثر نصب گردد.

ماده٥٠ ـ برای دسترسی آسان و ایمن به کلیه قسمت‌های تابلوهای برق با عرض زیاد، باید در جهت‌های مختلف، درهایی باشد که از تماس تصادفی جلوگیری شود.

ماده٥١ ـ برای جلوگیری از صدمه دیدن کابل‌ها در اثر ساییده شدن به لبه‌های تیز ورودی به تابلوها، جعبه تقسیم‌ها و دستگاه‌ها باید از کلمپ‌های لاستیکی استفاده شود.

ماده٥٢ ـ در کلیدهای چاقویی، جریان ورودی باید به پایه ثابت وصل شده و تیغه‌های متحرک همواره به جریان برگشتی فاز متصل باشد، به نحوی که هیچ‌گاه در حالت باز تیغه‌ها برق‌دار نباشد.

ماده٥٣ ـ کلیدهای چاقویی باید به صورت عمودی نصب شود، به نحوی که پایه متحرک در سمت پایین باشد.

ماده٥٤ ـ از سیم‌های رابط نباید به عنوان سیم‌کشی دایم استفاده نمود.

ماده ٥٥ ـ عبور سیم‌های رابط از زیر کفپوش‌ها و محل‌هایی که احتمال ساییدگی، ضربه، بریدگی و معیوب شدن آن‌ها وجود دارد، ممنوع است.

ماده٥٦ ـ سیم‌های رابط نباید در معرض صدمات ناشی از تماس با لبه‌های در و پنجره و بست‌ها قرار گیرند.

ماده٥٧ ـ سیم‌های رابط باید پیوسته و یک تکه باشند.

ماده٥٨ ـ سیم‌های رابط باید توسط تجهیزات ایمن نظیر دوشاخه و سه شاخه به وسایل و پریزها متصل گردیده و احتمال کشیدگی سیم نیز وجود نداشته‌باشد.

ماده٥٩ ـ لامپ‌های مخصوص روشنایی محوطه بیرونی کارگاه‌ها باید پایین‌تر از هادی‌های برق‌دار، ترانسفورماتورها یا تجهیزات الکتریکی دیگر نصب شود مگر اینکه فواصل مناسب و ایمن بین آن‌ها و تجهیزات و خطوط برق‌دار رعایت گردد.

ماده٦٠ ـ در کارگاه‌هایی که استفاده از وسایل سیار الکتریکی ضروری است، باید به

تعداد کافی پریز ثابت در نقاط مناسبی که دسترسی آسان و ایمن به آن‌ها میسر باشد، تعبیه شود.

فصل چهارم ـ تجهیزات الکتریکی:

ماده٦١ ـ تجهیزات الکتریکی که برای خنک کردن آن‌ها از جریان طبیعی هوا و اصول همرفت استفاده می‌شود، باید طوری نصب شوند که دیوارها یا تجهیزات مجاور مانع عبور جریان هوا از قسمت‌های مذکور نشوند.

ماده٦٢ ـ باید بین دیوارهای مجاور، پایین و بالای تجهیزات الکتریکی فضای کافی برای جابه‌جایی هوا وجود داشته‌باشد.

ماده٦٣ ـ دستگاه‌های الکتریکی سیار باید دارای دسته‌هایی از جنس عایق باشند.

ماده٦٤ ـ تجهیزات الکتریکی باید دارای یک صفحه مشخصات (پلاک) قابل رؤیت باشند. که نام تولیدکننده، علامت تجاری یا علایم تشریحی دیگر مانند نوع، اندازه، ولتاژ، ظرفیت جریان و سایر مشخصات نامی در آن درج شده‌باشد.

ماده٦٥ ـ همه وسایل قطع‌کننده مدارها یا موتورهای الکتریکی باید دارای پلاک مخصوص بوده به گونه‌ای که مشخص شود هر یک از آن‌ها مربوط به کدام دستگاه است.

ماده٦٦ ـ قرار دادن هرگونه مواد و اشیاء و همچنین استراحت افراد حتی به صورت موقت در محل استقرار تابلوهای برق و پست‌ها ممنوع است.

ماده٦٧ ـ در جاهایی که احتمال وارد آمدن صدمات فیزیکی به تجهیزات الکتریکی و پست‌های برق وجود دارد، نصب حفاظ و حصار با پایداری و مقاومت مناسب و فاصله کافی الزامی است.

ماده٦٨ ـ رعایت فاصله مناسب برای محل استقرار و استراحت افراد تا پست‌های برق و تجهیزات الکتریکی الزامی است.

ماده٦٩ ـ قسمت‌های برق‌دار تجهیزات الکتریکی باید به یکی از روش‌های قراردادن در یک تابلوی مناسب و ایمن یا قراردادن داخل یک اتاق یا محفظه قفل‌دار و یا محصور کردن توسط دیوارها و یا جداکننده‌های دایمی به طوری که از دسترس افراد متفرقه دور باشد، در برابر تماس تصادفی محافظت شوند.

ماده۷۰ـ در اطراف تجهیزات الکتریکی باید فضای مناسبی برای عملکرد ایمن، تعمیر و نگهداری آن‌ها وجود داشته‌باشد.

ماده۷۱ـ برای دسترسی به فضای اطراف تجهیزات الکتریکی باید حداقل یک درب ورودی مناسب که به طرف بیرون بازشود، تعبیه گردد.

ماده۷۲ـ فضای اطراف تجهیزات سرویس‌دهی، تابلو کلیدها و مراکز کنترل باید از روشنایی کافی برخوردار باشد.

ماده۷۳ـ کنترل روشنایی در اتاق‌های تجهیزات الکتریکی باید به صورت دستی انجام شود.

ماده۷٤ـ روزنه‌ها یا منافذ ترانسفورماتورها و تجهیزات مشابه دیگر باید طوری طراحی شوند که در صورت ورود اشیاء خارجی از طریق آن‌ها به داخل محفظه فلزی امکان برخورد با قسمت‌های برق‌دار وجود نداشته‌باشد.

ماده۷۵ـ در ورودی حصارها، اتاق‌ها و ساختمانهایی که محل نصب یا عبور تجهیزات الکتریکی فشار قوی می‌باشند، باید قفل بوده و کلید آن در اختیار مسؤول برق باشد.

ماده۷٦ـ فضای کار در اطراف تجهیزات الکتریکی با ولتاژ فشار قوی، باید به اندازه‌ای باشد که احتمال قوس الکتریکی (آرک) وجود نداشته باشد.

ماده۷۷ـ محل ورودی به مکان نگهداری تجهیزات الکتریکی باید به نحوی باشد که عبور و مرور افراد به آسانی میسر باشد.

ماده۷۸ـ سیستم روشنایی فضاهای کار تجهیزات الکتریکی با ولتاژهای فشار قوی باید طوری طراحی و تعبیه شود که در حین تعویض لامپ‌ها یا تعمیرات، افراد برق کار در معرض خطرات ناشی از قسمت‌های برق‌دار قرار نگیرند.

ماده۷۹ـ وسیله قطع مدار الکتریکی باید طوری باشد که وضعیت باز (OFF) یا بسته (ON) بودن آن به سادگی تشخیص داده شود.

ماده۸۰ ـ کلیه تجهیزات الکتریکی باید به وسایل قطع جریان اضافی مجهز شوند.

ماده۸۱ ـ وسایل قطع جریان اضافی باید متناسب با مداری باشد که روی آن نصب می‌شوند.

ماده۸۲ ـ وسایل قطع جریان اضافی فقط باید مدار مربوط به خود را قطع کنند.

ماده۸۳ ـ وسایل قطع جریان اضافی باید در مکان مناسبی قرار گیرند که دسترسی سریع به آن‌ها امکان پذیر بوده و در معرض صدمات فیزیکی نباشند.

ماده۸٤ ـ استفاده از کلید محافظ جان (RCD) به عنوان جایگزین سیستم اتصال به زمین برای حفاظت در برابر برق گرفتگی ممنوع است و فقط به عنوان حفاظت مضاعف می‌توان از آن‌ها استفاده نمود؛ مگر در مواردی که در این آیین‌نامه به صراحت بیان شده‌است.

ماده ۸۵ ـ نصب کلیدهای محافظ جان (RCD) باید متناسب با نوع حفاظت مورد نظر باشد.

ماده۸٦ ـ کلیدهای محافظ جان (RCD) باید قبل از استفاده و پس از نصب در فواصل زمانی معین و منظم آزمایش شوند تا از صحت عملکرد آن‌ها اطمینان حاصل شود.

ماده ۸۷ ـ تمام تجهیزات سیار الکتریکی، باید به یک کلید محافظ جان (RCD) مناسب مجهز شوند.

ماده ۸۸ ـ در صورت بکارگیری کلید محافظ جان سیار (RCD) باید طول سیم کلید تا حدامکان کوتاه بوده و از هیچ سیم اضافی دیگری استفاده نشود.

ماده۸۹ ـ در مکان‌های مرطوب باید از کلیدهای محافظ جان (RCD) به عنوان حفاظت مضاعف به همراه سیستم اتصال به زمین استفاده کرد.

ماده۹۰ـ وسایل فرمان الکتریکی دستی باید به نحوی نصب گردد که به سهولت در دسترس بوده و تماس تصادفی با قسمت‌های برق‌دار امکان پذیر نباشد.

ماده۹۱ـ وسایل فرمان الکتریکی دستی باید مجهز به سرپوش یا در باشد تا از قطع و وصل تصادفی آن‌ها ممانعت بعمل آید.

ماده۹۲ـ وسیله قطع کننده موتور باید در معرض دید و فاصله مناسب از کاربر نصب شود.

ماده۹۳ـ وسیله قطع کننده موتور باید قادر به قطع کامل موتور از تمام سیم‌های تغذیه باشد.

ماده۹٤ـ کلید قطع کننده تجهیزات الکتریکی نباید به سیم اتصال به زمین را قطع کند.

ماده۹۵ـ هر موتور الکتریکی باید یک وسیله قطع کننده جداگانه داشته‌باشد و فقط در شرایط زیر می‌توان از یک وسیله قطع مشترک استفاده‌کرد:

الف ـ تعدادی موتور الکتریکی قسمت‌های مشخصی از یک ماشین را راه‌اندازی می‌کنند.

ب ـ تعدادی موتور الکتریکی توسط یک مجموعه از وسایل حفاظتی، محافظت شوند.

فصل پنجم ـ سایر مقررات:

ماده۹٦ـ در مسیر عبور برق فشار قوی، نصب علایم هشدار دهنده « برق فشار قوی» الزامی است.

ماده۹۷ـ استفاده از چراغ‌های دستی با ولتاژ بیش از ۵۰ولت ممنوع می‌باشد، مگر این‌که به کلیدهای محافظ جان (RCD) مناسب تجهیز شوند.

ماده۹۸ـ سرپیچ لامپ‌های الکتریکی باید به گونه‌ای باشد که قبل از باز نمودن کامل لامپ، احتمال تماس بدن با هیچ یک از قسمت‌های برق‌دار وجود نداشته‌باشد.

ماده۹۹ـ استفاده از لامپ‌های الکتریکی سیار صرفاً در صورتی مجاز است که تأمین روشنایی ثابت و مناسب امکان پذیر نباشد.

ماده۱۰۰ـ لامپ‌های الکتریکی سیار باید مجهز به دستگیره و نگهدارنده عایق مناسب باشد.

ماده۱۰۱ـ لامپ‌های الکتریکی سیار که برای مکان‌های مرطوب و خیس بکاربرده می‌شود، باید از نوع ضد آب باشد.

ماده۱۰۲ـ در کلیه مکان‌هایی که احتمال بروز آتش‌سوزی و سرایت آن وجود دارد، ترانسفورماتورهای روغنی را باید درون مکان مسقف و ایمن قرار داد.

ماده۱۰۳ـ اتاق ترانسفورماتورها باید طوری ساخته شود که از دسترس افراد متفرقه محفوظ بوده و کلیدها و قفل‌ها به‌گونه‌ای باشد که به راحتی از داخل باز شود.

ماده۱۰٤ـ اتاق ترانسفورماتورها باید تهویه مناسب داشته‌باشد.

ماده۱۰۵ـ هیچ‌گونه لوله یا داکت متفرقه نباید از اتاق ترانسفورماتورها عبور کند و

همچنین قراردادن وسایل اضافی در اتاق مذکور ممنوع است.

ماده۱۰۶ـ شارژ، نگهداری و تعمیر باتری فقط باید در مکان‌هایی که دارای تهویه مناسب هستند، انجام شود.

ماده۱۰۷ـ در تمام ورودی‌های اتاق باتری باید علایم هشداردهنده مبنی بر ممنوعیت سیگار کشیدن و روشن کردن آتش تا شعاع ۸متری نصب شوند.

ماده۱۰۸ـ باتری‌ها باید طوری نگهداری شوند که از خروج فیوم‌ها، گازها و یا مایع الکترولیت و نفوذ آن‌ها به مکان‌های دیگر جلوگیری شود.

ماده۱۰۹ـ قفسه‌ها و سینی‌های موجود در اتاق باتری باید دارای استحکام کافی بوده و یک روکش مقاوم در برابر الکترولیت داشته‌باشد.

ماده۱۱۰ـ به محض مشاهده اسید یا خوردگی در محل نگهداری و شارژ باتری‌ها باید سریعاً نسبت به رفع نقص اقدام نمود.

ماده۱۱۱ـ در نزدیکی محل شارژ باتری باید تجهیزات کمک‌های اولیه برای شستن سریع چشم‌ها و بدن تأمین شود.

ماده۱۱۲ـ برای جلوگیری از خطرات ناشی از الکتریسته ساکن، باید رطوبت نسبی هوا بیش از ۵۰درص (درجه هیدرومتریک) باشد و بدنه فلزی دستگاه‌ها به سیستم اتصال به زمین وصل شود.

ماده۱۱۳ـ در مکان‌هایی که احتمال تجمع بارهای الکتریکی ساکن وجود دارد، باید اتصال زمین مناسب برای هدایت این بارها به زمین تأمین شود.

ماده۱۱٤ـ برای جلوگیری از خطرات ناشی از الکتریسته ساکن در محل‌هایی که مایعات از مخزن‌های ذخیره به تانکرها یا بارکش‌ها و بالعکس انتقال داده می‌شوند، باید بدنه فلزی مخزن ذخیره توسط یک هادی به بدنه فلزی تانکر یا بارکش وصل شده و هر دو به زمین متصل شوند.

ماده۱۱۵ـ در اماکنی که گرد و غبار و پودرهای بسیار نرم در حال انتقال می‌باشد، باید محل انباشت بارهای الکتریکی ساکن به وسیله آشکارسازها مشخص و با سیستم اتصال به زمین مؤثر به زمین وصل گردد.

ماده۱۱٦ـ در رنگ پاشی با پیستوله باید پیستوله و کلیه اشیای فلزی که رنگ یا لعـاب با آن‌ها پاشیده می‌شود و نیز اتاقک رنگ، مخزن رنگ و وسایل تهویه به سیسـتم اتصـال بـه زمین وصل شوند.

ماده۱۱۷ـ روشنایی محیط‌های قابل اشتعال و انفجار باید از خارج محیط تامین گـردد و در غیر اینصورت چراغهای مذکور از نـوع ضـد انفجـاری بـوده و در برابـر آسـیب‌هـای مکانیکی حفاظت شوند.

ماده ۱۱۸ـ در محیط‌هایی که خطر انفجار وجود دارد، کلیه کلیدها و کنتـرل‌کننـده‌هـا، مدارهای فرمان، فیوزها و تمام دستگاه‌های خودکار باید خارج از محدوده خطر قرار گیرند.

ماده۱۱۹ـ در محیط‌هایی که خطر انفجار وجود دارد، نباید از وسایل الکتریکـی سـیار استفاده شود مگر اینکه از نوع ضد انفجار باشد.

این آئین‌نامه مشتمل بر پنج فصل و صد و نوزده ماده می‌باشد که به استناد مـواد ۸۵ و ۹۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران در جلسه مورخ۸٦/۱۲/۲۲ به تصـویب شـورای عـالی حفاظت فنی رسیده و در مورخ ۸۷/۱/۳۱ به تصویب وزیرکار و امور اجتماعی رسیده‌است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۹۴ مورخ ۸۷/۶/۶

آیین نامه اجرایی ماده (۴۵) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت – مصوب ۱۳۸۴ – مصوب ۱۳۸۷/۵/۳۱

ماده۱ـ مستخدمان رسمی مازاد بر نیاز موضوع ماده (٤٥) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت ـ مصوب۱۳۸٤ـ آن دسته از مستخدمانی هستند که بنا به اعلام واحد محل خدمت و تشخیص بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط یا مقام مجاز از طرف وی، به ادامه خدمت آنان نیاز نباشد.

تبصره ـ تشخیص مازاد برنیازبودن کارکنان موضوع این ماده موکول به نظر کارگروهی است که توسط بالاترین مقام دستگاه مربوط تشکیل می‌شود.

ماده۲ـ دستگاههای اجرایی موظفند پس از اخذ تأییدیه خزانه‌داری کل کشور مبنی بر وجود منابع اعتباری لازم برای بازخریدی، نسبت به آگاه کردن افرادی که طبق شرایط مندرج در ماده (۱) این آیین‌نامه به عنوان مستخدم مازاد شناخته شده‌اند، به طریق مقتضی اقدام و اطلاعات لازم را درخصوص میزان وجوه تشویقی بازخریدی متعلقه، حسب مورد در اختیار آنان قرار دهند.

ماده۳ـ دستگاههای اجرایی موظفند علاوه بر وجوهی که براساس مقررات فعلی به کارکنان بازخرید شده پرداخت می‌شود، به کارکنان دارای مدرک تحصیلی لیسانس و بالاتر که براساس ماده (٤٥) قانون یادشده بازخرید می‌شوند معادل شصت (٦٠) روز آخرین حقوق و مزایای مستمر و برای کارکنان فوق دیپلم و پایین‌تر معادل هفتاد و پنج (۷۵) روز آخرین حقوق و مزایای مستمر به عنوان وجوه تشویقی بازخریدی پرداخت نمایند.

تبصره۱ـ مبنای محاسبه حقوق و فوق‌العاده شغل در وجوه تشویقی کارکنانی که حقوق و فوق‌العاده شغل آنان کمتر از میزان حداقل حقوق موضوع لایحه قانونی مربوط به حداکثر و حداقل حقوق مستخدمین شاغل و بازنشسته و آماده به خدمت ـ مصوب۱۳۵۸ شورای انقلاب ـ می‌باشد، حداقل حقوق موضوع لایحه قانونی مذکور خواهدبود.

تبصره۲ـ درصورت تمایل مستخدمین ایثارگران برای استفاده از ضوابط این

آیین‌نامه، وجوه تشویقی بازخریدی آنان پس از محاسبه روشهای موضوع بندهای (الـف) و (ب) این ماده به میزان پانزده درصد (۱۵٪) افزایش خواهدیافت.

ماده٤ـ وجوه تشویقی بازخریدی موضوع ایـن آیـین‌نامـه در دسـتگاههای خـارج از شمول قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنـان دولـت ـ مصـوب ۱۳۷۰ـ و قـانون مـدیریت خدمات کشوری ـ مصوب ۱۳۸٦ـ براساس پیشنهاد این دستگاهها و تأیید معاونـت توسـعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور قابل پرداخت می‌باشد.

تبصره ـ در هر صورت میـزان وجـوه تشـویقی موضـوع ایـن مـاده در دسـتگاههای یادشده نباید از وجوه تشویقی بازخریدی مستخدمین رسـمی مـازاد مشـابه در دسـتگاههای مشمول قانون نظام هماهنگ کارکنان دولت تجاوز نماید.

ماده٥ ـ محاسبه وجوه بازخریـدی تشـویقی مسـتخدمان مشـمول قـانون راجـع بـه خدمات نیمه وقت بانوان ـ مصوب ۱۳٦۲ـ که خدمت نیمه وقت داشته یا دارند براساس سـه چهارم سنوات مذکور صورت می‌گیرد.

ماده٦ ـ در محـاسبه وجوه تشـویقی بازخریدی موضوع این آیین‌نامه کسـر سـال بـه نسبت ماه‌های خدمت، ملاک عمل قرار می‌گیرد

ماده۷ـ کارکنانی که طبق مقررات این آیین‌نامه، بازخرید مـی‌شـوند، بـه شـرط عـدم دریافت کسور پرداخت شده قبلی و استمرار تأدیه کسور اعم از سهم خود و سـهم کارفرمـا می‌توانند کماکان تابع صندوق مربوط باقی بمانند.

تبصـره ـ کسـور بازنشسـتگی، پـس از بازخریـدی بـر مبنـای آخـرین حقـوق و فوق‌العاده‌های مشمول کسور بیمه و بازنشستگی زمان اشتغال می‌باشد کـه بایـد همـه ماهـه متناسب با افزایش ضریب حقوق سالانه کارکنان دولت به صندوق مربـوط، در کـل (شـامل سهم مستخدم و سهم دولت) توسط مستخدم بازخرید شده پرداخت شود.

ماده۸ ـ مستخدمانی که در اجرای قانون رسیدگی به تخلفات اداری ـ مصوب ۱۳۷۲ـ یا مقررات انضباطی مشابه، محکوم به بازخرید خدمت یا بازنشسـتگی شـده یـا مـی‌شـوند، مشمول دریافت وجوه تشویقی موضوع این آیین‌نامه نیستند.

ماده۹ـ افرادی که قبل از تصویب این آیـین‌نامـه، بازخریـد یـا بازنشسـته شـده‌انـد، مشمول این آیین‌نامه نیستند.

ماده۱۰ــ دستگاههای اجرایی، موظفند فهرست اسامی مستخدمانی را که در اجرای این آیین‌نامه، بازخرید می‌شوند هر سه ماه یکبار به معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور اعلام کنند.

ماده۱۱ــ اجرای این آیین‌نامه با رعایت تبصره بند (٤) تصویب‌نامه شماره ۳۵۰۹۵/ت۳۹۹۱٦هـ مورخ ۱۳۸۷/۳/۷ می‌باشد.

ماده۱۲ــ دستگاههای اجرایی مجاز به استفاده از خدمات افراد بازخرید شده موضوع این آیین‌نامه نمی‌باشند.

این تصویب‌نامه درتاریخ ۱۳۸۷/۵/۳۱ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۴۹۵ مورخ ۸۷/۶/۷

قانون شوراهای حل اختلاف مصوب ۸۷/۴/۱۸

مبحث اول: مقررات عمومی

ماده ۱ـ به منظور حل اختلاف و صلح و سازش بین اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی شوراهای حل اختلاف که در این قانون به اختصار شورا نامیده می‌شود، تحت نظارت قوه قضائیه و با شرایط مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد

تبصره ـ تعیین محدوده فعالیت جغرافیایی شورا در هر حوزه قضائی به عهده رئیس همان حوزه قضائی می‌باشد

ماده۲ـ رئیس کل دادگستری استان می‌تواند برای رسیدگی به امور خاص به ترتیب مقرر در این قانون شوراهای تخصصی تشکیل دهد

مبحث دوم: ترکیب اعضاء و چگونگی انتخاب

ماده۳ـ هر شورا دارای سه نفر عضو اصلی و دو نفر عضو علی‌البدل است و می‌تواند برای انجام وظایف خود دارای یک دفتر باشد که مسؤول آن توسط رئیس شورا پیشنهاد و ابلاغ آن از سوی رئیس کل دادگستری استان یا معاون ذی‌ربط وی صادر می‌شود

ماده٤ـ در هر حوزه قضائی یک یا چند نفر قاضی دادگستری که قاضی شورا نامیده می‌شوند مطابق مقررات این قانون انجام وظیفه می‌نمایند. قاضی شورا می‌تواند همزمان عهده‌دار امور چند شورا باشد.

ماده۵ ـ قاضی شورا با ابلاغ رئیس قوه‌قضائیه از میان قضات شاغل منصوب خواهدشد و احکام انتصاب سایر اعضاء شورا پس از احراز شرایط توسط رئیس قوه قضائیه و یا شخصی که توسط ایشان تعیین می‌گردد، صادر می‌شود

مبحث سوم: شرایط عضویت

ماده٦ ـ اعضاء شورا باید متدین به دین مبین اسلام بوده و دارای شرایط زیر باشند:

الف ـ تابعیت جمهوری اسلامی ایران

ب ـ اعتقاد و التزام عملی به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ولایت مطلقه فقیه.

ج ـ حسن شهرت به امانت و دیانت و صحت عمل

د ـ عدم اعتیاد به مواد مخدر یا روان‌گردان یا سکرآور

هـ ـ دارا بودن حداقل ۳۵ سال تمام

و ـ دارا بودن کارت پایان خدمت وظیفه عمومی یا معافیت از خدمت

ز ـ دارا بودن مدرک کارشناسی جهت اعضاء شوراهای حل اختلاف شهر

ح ـ متأهل بودن

ط ـ سابقه سکونت در محل شورا حداقل به مدت شش‌ماه و تداوم سکونت پساز عضویت

ی ـ نداشتن سابقه محکومیت مؤثر کیفری و عدم محرومیت از حقوق اجتماعی

تبصره۱ـ برای عضویت در شورا دارندگان مدرک دانشگاهی یا حوزوی در رشته‌های حقوق قضائی یا الهیات با گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی در اولویت هستند.

تبصره ۲ـ برای عضویت در شوراهای مستقر در روستا، داشتن حداقل سواد خواندن و نوشتن الزامی است.

تبصره۳ـ رئیس قوه قضائیه می‌تواند برای صلح و سازش در دعاوی احوال شخصیه اقلیتهای دینی موضوع اصل سیزدهم (۱۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شورای حل اختلاف خاص تشکیل دهد. اعضاء این شورا باید متدین به دین خود باشند.

ماده۷ـ قضات (به استثناء قضات شورا)، کارکنان دادگستری، وکلاء و مشاوران حقوقی و پرسنل نیروی انتظامی و اطلاعاتی تا زمانی که در سمتهای شغلی خود هستند حق عضویت در شورا را ندارند.

مبحث چهارم: صلاحیت شور

ماده۸ ـ در موارد زیر شورا با تراضی طرفین برای صلح و سازش اقدام می‌نماید:

الف ـ کلیه امور مدنی و حقوقی

ب ـ کلیه جرائم قابل گذشت

ج ـ جنبه خصوصی جرائم غیرقابل گذشت

تبصره ــ در صورتی که رسیدگی شورا با درخواست یکی از طرفین صورت پذیرد و طرف دیگر تا پایان جلسه اول عدم تمایل خود را برای رسیدگی در شورا اعلام نماید شورا درخواست را بایگانی و طرفین را به مرجع صالح راهنمایی می‌نماید

ماده۹ــ شورا در موارد زیر رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید

الف ـ در جرائم بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی و امور خلافی از قبیل تخلفات راهنمایی و رانندگی که مجازات نقدی قانونی آن حداکثر و مجموعاً تا سی میلیون (۳۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و یا سه ماه حبس باشد

ب ـ تأمین دلیل

تبصره ــ شورا مجاز به صدور حکم حبس نمی‌باشد.

ماده۱۰ــ دعاوی زیر قابلیت طرح در شورا را حتی با توافق طرفین ندارد

الف ـ اختلاف در اصل نکاح، اصل طلاق، فسخ نکاح، رجوع، نسب

ب ـ اختلاف در اصل وقفیت، وصیت، تولیت

ج ـ دعاوی راجع‌به حجر و ورشکستگی

د ـ دعاوی راجع‌به اموال عمومی و دولتی

هـ ـ اموری که به موجب قوانین دیگر در صلاحیت مراجع اختصاصی یا مراجع قضائی غیر دادگستری می‌باشد.

ماده۱۱ ــ قاضی شورا در موارد زیر با مشورت اعضاء شورای حل اختلاف رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می‌نماید

۱ـ دعاوی مالی در روستا تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و در شهر تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال

۲ـ کلیه دعاوی مربوط به تخلیه عین مستأجره به جز دعوی مربوط به سرقفلی و حق کسب و پیشه

۳ـ صدور گواهی حصر وراثت، تحریر ترکه، مهر و موم ترکه و رفع آن

٤ـ ادعای اعسار از پرداخت محکوم‌به در صورتی که شورا نسبت به اصل دعوی

رسیدگی کرده باشد

مـاده۱۲ــ در کلیـه اختلافـات و دعـاوی‌خـانوادگی و سـایر دعـاوی مـدنی دادگـاه رسیدگی‌کننده می‌تواند با توجه به کیفیت دعوی یـا اخـتلاف و امکـان حـل و فصـل آن از طریق صلح و سازش فقط یک بار برای مدت حداکثر تا دو ماه موضوع را بـه شـورای حـل اختلاف ارجاع نماید

ماده۱۳ــ شورا مکلف است در اجراء ماده فوق برای حل و فصل دعوی یـا اخـتلاف و ایجاد صلح و سازش تلاش کند و نتیجه را اعم از حصول یا عدم حصول سازش در مهلـت تعیین شده به مرجع قضائی ارجاع‌کننده برای تنظیم گـزارش اصـلاحی یـا ادامـه رسـیدگی مستنداً اعلام نماید

ماده۱٤ــ شورا باید اقدامات لازم را برای حفظ اموال صغیر، مجنون، شخص غیررشـید که فاقد ولی یا قیم باشد و همچنین غایـب مفقـودالاثر، مـاترک متوفـای بـلاوارث و امـوال مجهول المالک به عمل آورد و بلافاصله مراتب را به مراجع صالح اعلام کند

شورا حق دخل و تصرف در هیچ یک از اموال مذکور را ندارد

ماده۱۵ــ در صورت اختلاف در صلاحیت محلی شوراها به ترتیب زیر اقدام می‌شود:

الف ـ در مورد شوراهای واقع در یک حوزه قضائی، حل اختلاف با شـعبه اول دادگـاه عمومی همان حوزه است

ب ـ در مورد شوراهای واقع در حـوزه‌هـای قضـائی یـک شهرسـتان یـا اسـتان، حـل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضائی شهرستان مرکز استان است

ج ـ در مورد شوراهای واقع در دو استان، حل اختلاف بـا شـعبه اول دادگـاه عمـومی شهرستان مرکز استانی است که ابتدائاً به صـلاحیت شـورای واقـع در آن اسـتان اظهـارنظر شده‌است

ماده۱٦ــ در صـورت بـروز اخـتلاف در صـلاحیت شـورا بـا سـایر مراجـع قضـائی غیردادگستری در یک حوزه قضائی، حل اختلاف با شعبه اول دادگاه عمومی حوزه قضـائی مربوط است و در حوزه‌های قضائی مختلف یک استان، شعبه حـل اخـتلاف بـا اول دادگـاه عمومی شهرستان مرکز همان استان است. در صورت تحقق اختلاف شورا با مراجع قضـائی

واقع در حوزه دو استان، به ترتیب مقرر در بند « ج» ماده (۱۵) این قانون عمل خواهدشد

ماده۱۷ـ در صورت بروز اختلاف در صلاحیت بین شورا و مرجع قضائی، نظر مرجع قضائی لازم‌الاتباع است

مبحث پنجم ـ ترتیب رسیدگی در شورا

ماده۱۸ـ رسیدگی شورا با درخواست کتبی یا شفاهی به عمل می‌آید. درخواست شفاهی در صورتمجلس قید و به امضاء خواهان یا متقاضی می‌رسد

ماده۱۹ـ درخواست رسیدگی متضمن موارد زیر است:

۱ـ نام و نام خانوادگی، مشخصات و نشانی طرفیت دعوا

۲ـ موضوع خواسته یا درخواست یا اتهام

۳ـ دلایل و مستندات درخواست

ماده۲۰ـ رسیدگی قاضی شورا از حیث اصول و قواعد تابع مقررات قانون آئین‌دادرسی مدنی و کیفری است

تبصره۱ـ اصول و قواعد حاکم بر رسیدگی شامل مقررات ناظر به صلاحیت، حق دفاع، حضور در دادرسی، رسیدگی به دلایل و مانند آن است

تبصره۲ـ مقررات ناظر به وکالت، صدور رأی، واخواهی، تجدیدنظر و هزینه‌دادرسی، از حکم مقرر در ماده فوق مستثنی و تابع این قانون است

ماده۲۱ـ رسیدگی شورا تابع تشریفات آئین دادرسی مدنی نیست

تبصره۱ـ منظور از تشریفات، رسیدگی در این ماده مقررات ناظر به شرایط شکلی دادخواست، نحوه ابلاغ، تعیین اوقات رسیدگی، جلسه دادرسی و مانند آن است

تبصره۲ـ چنانچه خوانده با دعوت شورا در جلسه رسیدگی حاضر نشود و یا لایحه‌ای ارسال نکند و این دعوت مطابق مقررات آئین دادرسی مدنی راجع به ابلاغ نباشد، شورا مکلف است او را با ارسال اخطاریه دعوت کند

ماده۲۲ـ در مواردی که دعوی طاری یا مرتبط با دعوی اصلی از صلاحیت ذاتی شورا خارج باشد رسیدگی به هر دو دعوی در مرجع قضائی صالح به عمل می‌آید

ماده۲۳ـ شورا علاوه بر رسیدگی به دلایل طرفین می‌تواند تحقیق محلی، معاینه محل،

تأمین دلیل را نیز با ارجاع رئیس شورا توسط یکی از اعضاء به عمل آورد

ماده۲٤ـ رسیدگی شورا در امور مدنی مستلزم پرداخت سی‌هزار (۳۰/۰۰۰) ریـال و در امور کیفری پنج هزار (۵۰۰۰) ریال به عنوان هزینه دادرسی است

درآمد حاصل از هزینه دادرسی و موارد دیگر به خزانه واریز و صددرصـد (۱۰۰٪) آن طبق بودجه سالانه به شوراهای حل اختلاف اختصاص می‌یابد تا در جهت تأمین هزینه‌های شورا صرف شود.

مبحث ششم ـ اتخاذ تصمیم و صدور رأی

ماده۲۵ـ در صورت حصول سازش میان طرفین، چنانچه موضوع در صـلاحیت شـورا باشد گزارش اصلاحی صادر و پس از تأیید قاضی شورا به طرفین ابلاغ مـی‌شـود، در غیـر این صورت موضوع سازش و شرایط آن به ترتیبی کـه واقـع شـده اسـت در صـورتمجلس منعکس و مراتب به مرجع قضائی صالح اعلام می‌شود

ماده۲٦ـ در صـورت عـدم حصـول سـازش، چنانچـه موضـوع مطـابق مـاده (۱۲) در صلاحیت شورا باشد قاضی شورا پس از مشورت با اعضاء شورا و أخـذ نظریـه کتبـی آنهـا رأی مقتضی صادر می‌کند و در این صورت تنها نظر قاضی مـلاک اخـذ تصـمیم و صـدور رأی است. نظر اعضاء شورا و مستندات باید ثبت و در پرونده منعکس شود

ماده۲۷ـ طرفین می‌توانند شخصاً در شورا حضور یافته یا از وکیل استفاده نمایند

ماده۲۸ـ رأی صادره از سوی قاضی شورا حضوری است مگر این که محکوم علیه یـا وکیل او در هیچ یک از جلسات رسیدگی با عذر موجه حاضر نشـده و بـه طـور کتبـی نیـز دفاع ننموده باشد و یا اخطاریه ابلاغ واقعی نشده‌باشد

ماده۲۹ـ محکوم علیه غایب حق دارد به رأی غیابی ظرف مهلت بیسـت روز از تـاریخ ابلاغ واقعی، اعتراض نماید این اعتراض واخواهی نامیده می‌شود و قابل رسیدگی است

ماده۳۰ـ گزارش اصلاحی شورا قابل اعتراض نمی‌باشد و قطعی است

ماده۳۱ـ کلیه آراء صادره موضوع مواد (۹) و (۱۱) این قانون ظرف مـدت بیسـت روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر خواهی می‌باشد. مرجع تجدیدنظر از آراء شورا، قاضی شـورا و مرجع تجدیدنظر از آراء قاضی شورا دادگاه عمومی همان حوزه قضائی می‌باشد. چنانچـه

مرجع تجدیدنظر آراء صادره را نقض نماید رأساً مبادرت به صدور رأی می‌نماید

ماده۳۲ـ هرگاه در تنظیم یا نوشتن رأی سهو قلم رخ بدهد مانند از قلم افتادن کلمه‌ای یا اضافه شدن آن و یا اشتباه در محاسبه صورت گرفته باشد تا وقتی که نسبت به آراء مذکور اعتراض نشده‌است، قاضی شورا با درخواست ذی‌نفع رأی را تصحیح می‌کند و رأی تصحیح شده به طرفین ابلاغ خواهدشد. تسلیم رونوشت رأی اصلی بدون رأی تصحیح شده ممنوع است.

ماده۳۳ـ اجراء آراء قطعی در امور مدنی به درخواست ذی‌نفع و با دستور قاضی شورا پس از صدور برگه اجرائیه مطابق مقررات مربوط به اجراء احکام دادگاهها توسط واحد اجراء احکام دادگستری محل به عمل می‌آید

ماده۳٤ـ چنانچه محکوم علیه، محکوم به را پرداخت نکند و اموالی از وی به دست نیاید با تقاضای ذی‌نفع و دستور قاضی مراتب جهت اعمال قانون نحوه اجراء محکومیتهای مالی به اجراء احکام دادگستری اعلام می‌شود

مبحث هفتم ـ سایر مقررات

ماده۳۵ـ عضویت در شورا افتخاری است. لیکن قوه قضائیه به تناسب فعالیت و میزان همکاری قضات، اعضاء و کارکنان شورا پاداش مناسب پرداخت می‌کند

ماده۳٦ـ در صورت فوت یا استعفاء یا عزل اعضاء شورا عضو علی‌البدل با دعوت رئیس حوزه قضائی جایگزین عضو مذکور می‌شود

ماده۳۷ـ در غیاب عضو شورا با دعوت رئیس شورا عضو علی‌البدل عهده‌دار وظیفه وی خواهدشد.

ماده۳۸ـ چنانچه اعضاء شورا در انجام وظایف‌قانونی خود مرتکب تخلف شوند و یا حضور و مشارکت مناسب در جلسات شورا نداشته باشند یا شرایط‌عضویت در شورا را از دست بدهند رئیس حوزه‌قضائی مراتب را مستنداً جهت رسیدگی به‌هیأت تخلفات اعضاء شورا اعلام می‌کند.

ماده۳۹ـ هیأت رسیدگی‌کننده به تخلفات مرکب از نماینده‌ای از سوی دادسرای انتظامی قضات، رئیس شورای حل اختلاف استان و مسؤول حفاظت و اطلاعات دادگستری

استان خواهدبود.

ماده٤٠ـ اعضاء هیأت رسیدگی کننده با ابلاغ رئیس قوه‌قضائیه برای مدت سه سال منصوب می‌شوند و انتخاب مجدد آنان بلامانع است

ماده٤١ـ چنانچه هیأت رسیدگی‌کننده پس از دعوت از عضو شورا و شنیدن اظهارات و دفاعیات وی فقدان یکی از شرایط عضویت یا غیبت غیرمجاز او را احراز نماید حکم به عزل وی صادر می‌کند، این حکم قطعی است

ماده٤٢ـ چنانچه قاضی شورا در انجام وظایف قانونی مربوط به شورا، مرتکب تخلف شود مراتب توسط رئیس حوزه‌قضائی یا هیأت موضوع ماده(٤٠) این قانون به دادسرای‌انتظامی قضات اعلام می‌شود تا مطابق مقررات مربوط به تخلفات و جرائم قضات رسیدگی شود

ماده٤٣ـ چنانچه اعضاء شورا در مقابل دریافت وجه یا سند پرداخت وجه یا مال یا ارائه خدمت به نفع یکی از طرفین اظهارنظر کنند، به مجازات بزه موضوع ماده (٥٨٨) قانون مجازات اسلامی مصوب ١٣٧٥/٣/٢ محکوم خواهندشد

ماده٤٤ـ چنانچه اعضاء شورا در آزمون استخدام قضات، وکالت دادگستری، مشاور حقوقی یا کارشناس رسمی دادگستری پذیرفته شوند و حداقل سه سال سابقه همکاری با شورا داشته باشند و حسن سابقه آنان به تأیید رئیس کل شوراهای حل اختلاف استان برسد مدت کارآموزی آنان به نصف، تقلیل خواهدیافت

ماده٤٥ـ پرونده‌هایی که تا زمان اجراء این قانون منتهی به اتخاذ تصمیم نشده باشد، با رعایت مقررات این قانون در شوراهای حل اختلاف رسیدگی و نسبت به آنها اتخاذ تصمیم خواهدشد.

ماده٤٦ـ چنانچه به اعضاء شورا در مقام انجام وظیفه و یا به مناسبت آن توهین شود، مرتکب به مجازات بزه موضوع ماده(٦٠٩) قانون مجازات اسلامی مصوب ١٣٧٥/٣/٢ محکوم خواهدشد.

ماده٤٧ـ در مواردی که شورا به عنوان داور مورد توافق طرفین به دعاوی و اختلافات رسیدگی می‌کند رعایت مقررات مربوط به داوری مطابق قانون آئین دادرسی مدنی دادگاه

عمومی و انقلاب الزامی است

ماده۴۸ـ جهت تقویت و توسعه شوراها، وزارتخانه‌ها و سازمانها و نهادهـای دولتـی و عمومی و قضائی ملزم به همکاری با این نهاد، به ویژه تـأمین و تخصـیص نیـروی اداری و قضائی لازم از طریق مأمور به خدمت شدن کارکنان دولت در شوراها هستند

ماده۴۹ـ دولت هرساله بودجه موردنیاز شوراها را براساس بودجه پیشنهادی قوه‌قضائیه در قالب ردیف مستقل پیش‌بینی می‌کند، تأمین امکانات اداری و تجهیزات و مکـان و امـور مالی و پشتیبانی شوراهای حل اختلاف به عهده قوه‌قضائیه است.

ماده۵۰ ـ آئین‌نامه اجرائی این قانون ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصـویب توسـط وزیـر دادگستری تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد

ماده۵۱ ـ کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون ملغی‌الاثر اعلام می‌گردد

قانون فوق مشتمل بر پنجاه و یک ماده و ده تبصره در جلسه مورخ هجدهم تیر ماه یکهـزار و سیصد و هشتاد و هفت کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شـورای اسـلامی طبـق اصـل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب گردید و پس از موافقت مجلس با اجراء آزمایشی آن به مدت پـنج سـال، در تـاریخ ۱۳۸۷/۵/۱۶ بـه تأییـد شـورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۰۴ مورخ ۸۷/۶/۱۸

قانون اصلاح سن فرزندان ذکور مشمولین صندوقهای بازنشستگی کشوری، لشکری و تأمین‌اجتماعی و سایر صندوقها در برخورداری از خدمات درمانی

مصوب ۱۳۸۷/۵/۲۰

ماده واحده ـ حدنصاب سن برخورداری از خدمات درمانی برای فرزندان ذکور مشمولین صندوقهای بازنشستگی کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی و سایر صندوقهای بیمه و بازنشستگی از تاریخ تصویب این قانون به شرط عدم اشتغال به کار، به بیست و دو سال افزایش یافته و از سن مذکور به بعد نیز خدمات درمانی کماکان مطابق ضوابط جاری صندوقهای متبوع خواهدبود.

تبصره ـ پس از سن بیست و دو سالگی با کسر و بیست و هفت هزار و پانصد ریال بابت هر فرزند از بیمه‌گذار فرزندان وی می‌توانند از خدمات درمانی آن صندوق بهره‌مند گردند.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیستم مرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۵/۳۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۰۹ مورخ ۸۷/۶/۲۴

آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجراء و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرائی مصوب ۸۷/۶/۱۱

فصل اول ـ تعاریف

ماده۱ـ واژه‌ها و اصطلاحات بکار برده شده در این آئین‌نامه بشرح ذیل تعریف می‌شود:

الف ـ سند لازم‌الاجرا

سند رسمی یا عادی که بدون صدور حکم از دادگاه قابل صدور اجرائیه برای اجراء مدلول سند باشد مانند سند رسمی طلب و چک.

ب ـ سند ذمه

سند حاکی از تعهد مدیون به پرداخت وجه نقد یا پرداخت جنس یا تعهد به فعل معین که در اصطلاحات ثبتی در معنی مقابل اسناد مربوط به معاملات با حق استرداد بکار می‌رود.

ج ـ سند وثیقه

سندی است که دلالت بر عقد رهن یا معامله با حق استرداد یا بیع شرط کند که به موجب آن شخصی (اعم از اینکه مدیون باشد یا نه) عین مال منقول یا غیرمنقول خود را وثیقه انجام عملی قراردهد، خواه آن عمل، رد طلب باشد یا عمل دیگر.

چ ـ دستور اجرا

یعنی دستور به اجرای سند رسمی (و یا در حکم سند رسمی مانند چک) که حسب مورد توسط مراجع صالح ثبت یا سردفتر تنظیم‌کننده سند صادر می‌شود.

ح ـ سند انتقال اجرائی

بعد از مزایده مال مورد مزایده به موجب سند رسمی به برنده مزایده یا بستانکار منتقل می‌شود، آن سند را سند انتقال اجرائی می‌نامند.

خ ـ بازداشت

توقیف کردن اموال جهت اجرای مفاد سند.

د ـ حافظ

کسی که ادارات اجراء اسناد رسمی مال توقیف شده را نزد او به امانت گذارند تا حفظ و نگهداری کند.

ذ ـ صورتجلسه

سندی است که مقامی رسمی در جریان اجرای مفاد سند، عملی را در آن ثبت می‌کند.

رـ کارشناس رسمی

کسی که به مناسب خبره بودن در فنی می‌تواند در مسائل مربوط به فن خود به عنوان صاحب نظر اظهارنظر کند و از مراجع ذی‌صلاح پروانه برای این کار داشته باشد.

ز ـ خبره

صاحب فنی که به جهت مهارت خود در موضوعات مربوط به فن خود صاحب‌نظر باشد.

س ـ مازاد

در اصطلاحات ثبتی مازاد بهای ملکی است که زائد بر مقدار طلب بستانکار مقدم باشد و چون معلوم نیست به ملک مورد بازداشت یا مورد وثیقه بستانکار اول بعد از مزایده برای پرداخت طلب او مازادی داشته باشد، آن را مازاد احتمالی هم نامیده‌اند.

ش ـ اعتراض شخص ثالث

شکایت شخصی است نسبت به عملیات اجرائی که از طرفین پرونده اجرائی نمی‌باشد.

ص ـ اعراض از رهن

یعنی مرتهن از وثیقه‌اش بگذرد. زیرا عقد رهن از سوی مرتهن جائز است و او می‌تواند آن را یک جانبه فسخ کند و حق وثیقه‌اش را ساقط نماید. پس دین با وثیقه او مبدّل به دین بی‌وثیقه می‌شود و سند رهنی او سند ذمه‌ای می‌گردد و مقررات اجراء اسناد ذمه‌ای بر آن مترتب می‌شود.

ض ـ فک رهن

آزاد کردن عین مرهونه از قید رهن، خواه از طریق دادن دین و خواه از طریق ابراء دائن.

ط ـ فسخ سند

یعنی ثبت انحلال سند رسمی معامله در دفتری که آن سند را به ثبت رسانده است، مطابق تشریفات مقرره در قانون ثبت اسناد و املاک.

ظ ـ مزایده

صورت خاصی از فروش مال است که از مبلغ ارزیابی مال شروع‌شده و به پیشنهادکننده بالاترین قیمت واگذار می‌شود.

ع ـ نیابت اجرائی

نیابتی که اجرای ثبت در حدود قوانین و مقررات جهت انجام امور اجرائی به اداره ثبت محل دیگر که اقامتگاه مدیون یا اموال بدهکار در حوزه آن قرار دارد بدهد.

غ ـ هیأت نظارت

هیأتی است مرکب از مدیرکل ثبت استان یا قائم مقام او و دو نفر ازقضات دادگاه تجدیدنظر استان به انتخاب رئیس قوه قضائیه که به کلیه اختلافات و اشتباهات مربوط به امور ثبتی در حوزه قضائی استان رسیدگی می‌نماید.

ف ـ شورای عالی ثبت

عالی‌ترین مرجع رسیدگی اداری در امور ثبتی که برای تجدیدنظر در آراء هیأت نظارت که از دو شعبه املاک و اسناد تشکیل می‌گردد.

ق ـ ممنوع‌الخروج

بدهکاری که به دلیل عدم معرفی مال یا عدم دسترسی به اموال وی به درخواست بستانکار وفق مقررات از خروج وی از کشور جلوگیری می‌شود.

ک ـ حق استرداد

حقی است که به موجب آن مدیون می‌تواند با رد طلب بستانکار مال مورد وثیقه را تحت تصرف کامل خود درآورد.

گ ـ حق‌الاجرا

حقی است به صورت پول که دولت از بابت اجرائیه اسناد رسمی می‌گیرد که پنج

درصد مبلغ مورد اجراست.

ل ـ حق‌الحفاظه

حق‌الزحمه‌ای است که به حافظ برابر مقررات تعلق می‌گیرد.

ن ـ قبض اقساطی

قبوضی است که در معاملات اقساطی و اسناد اجاره به تعداد اقساط مورد تعهد صادر می‌شود.

م ـ حق سکنی

حق انتفاع هرگاه بصورت سکونت منتفع در مسکن متعلق به غیر باشد، آن را حق سکنی گویند.

فصل دوم ـ صدور اجرائیه

ماده۲ـ درخواست اجراء مفاد اسناد رسمی از مراجع ذیل به عمل می‌آید:

الف ـ در مورد اسناد رسمی لازم‌الاجراء نسبت به دیون و اموال منقول و املاک ثبت شده و نیز املاک مورد وثیقه و اجاره (مشمول قانون روابط موجر ومستأجر) اعم از اینکه ملک مورد وثیقه و اجاره ثبت شده یا در جریان ثبت باشد از دفترخانه‌ای که سند را ثبت کرده است. در مورد سایر اسناد راجع به املاکی که ثبت در دفتر املاک نشده است برای اجراء مفاد سند ذینفع باید به دادگاه صالحه مراجعه کند.

ب ـ در مورد وجه یا مال موضوع قبوض اقساطی از ثبت محل و در این مورد باید اصل و تصویر گواهی شدهٔ قبوض اقساطی و سند پیوست تقاضانامه به ثبت محل داده شود. در تهران تقاضانامه اجرای قبوض اقساطی به اجراء داده می‌شود.

ج ـ در مورد مهریه و تعهداتی که ضمن ثبت ازدواج و طلاق و رجوع شده نسبت به‌اموال منقول و سایر تعهدات (به استثنای غیرمنقول) از دفتری که سند را تنظیم کرده‌است و نسبت به اموال غیرمنقول که در دفتر املاک به ثبت رسیده است از دفتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند.

د ـ در مواردی که موجر بعلت عدم وصول وجه قبوض اقساطی تخلیه مورد اجاره را بخواهد باید به دفتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند مراجعه نماید.

ماده۳ـ تقاضانامه طبق فرم مخصوص تنظیم می‌شود و باید شامل نکات زیر باشد:

۱ـ نام، نام خانوادگی، شماره شناسنامه، محل صدور آن، نام پدر، تاریخ تولد، کدملی، محل اقامت درخواست‌کننده اجرائیه یا نماینده قانونی او و شماره دفترخانه‌ای که سند در آن ثبت شده و یا قبوض اقساطی صادر گردیده‌است.

۲ـ نام، نام خانوادگی، شماره شناسنامه، محل صدور، نام پدر، تاریخ تولد، کدملی، محل اقامت متعهد و در صورت فوت متعهد، نام و مشخصات ورثه او. هرگاه بین ورثه محجور یا غایب وجود داشته باشد باید نام و مشخصات نماینده قانونی محجور یا غایب معین گردد و متعهدله یا نماینده قانونی او موظف است ورثه متعهد را معرفی و در این مورد احتیاجی به تسلیم گواهی حصر وراثت نیست. در صورت عجز متعهدله از معرفی ورثه، دفترخانه و اجرای ثبت تکلیفی نخواهد داشت.

۳ـ موضوعی که اجراء آن تقاضا شده‌است، اگر راجع به چگونگی اجراء مورد درخواست توضیحی دارد باید قید کند.

٤ـ تصریح به مطالبه خسارت تأخیر تأدیه در مورد بانکها و مراجعی که قانوناً حق دریافت آن را دارند.

۵ ـ شماره و تاریخ مستند درخواست صدور اجرائیه.

تبصره ـ هرگاه درخواست اجراء از طرف وکیل یا مدیر شرکت یا ولی یا قیم یا سایر نمایندگان قانونی متعهدله به عمل آمده باشد باید مدارکی که سمت متقاضی را محرز بدارد پیوست شود و اگر اختیار انجام تعهد با متعهدله باشد با توجه به ماده ۲۲٦ قانون مدنی باید اخطار یا اظهارنامه رسمی را نیز که طی آن مطالبه به‌عمل آمده پیوست درخواست نامه کند.

ماده٤ـ بستانکار با وثیقه باید در تقاضانامه صدور اجرائیه از دفترخانه نکات ذیل را بنویسد:

۱ـ میزان اصل طلب

۲ـ میزان سود

۳ـ حق بیمه که بستانکار طبق شرط سند پرداخت کرده باشد.

٤ـ میزان خسارت تأخیر تأدیه تا روز درخواست اجرائیه و از تاریخ مزبور به بعد طبق مقررات مربوطه.

تبصره ـ محاسبه سود و خسارت تأخیر تأدیه فیمابین متعهد و متعهدله (در مورد

بانکها و مراجعی که قانوناً حق دریافت آنهار را دارند) تا تاریخ صدور اجرائیه انجام می‌شود و بعد از آن با اداره ثبت مربوطه است.

ماده۵ ــ سر دفتر پس از احراز هویت درخواست‌کننده و اینکه صلاحیت برای درخواست صدور اجرائیه دارد رونوشت سند را در برگ‌های ویژه ظرف ۲٤ ساعت با خط خوانا در سه نسخه (اگر متعهد یک نفر باشد و اگر متعدد باشد یا وثیقه متعلق به متعهد نباشد برای هریک از متعهدین و صاحب وثیقه دو نسخه اضافه می‌شود) تهیه کرده و موضوعی را که باید اجرا شود در محل مخصوص آن نوشته (در صورتی که در صدور آن اشکالی نباشد) ظرف ٤۸ساعت از تاریخ وصول تقاضا برگ‌های اجرائیه را امضا کرده و به‌مهر ویژه (اجراء شود) رسانیده و برای اجراء نزد مسئول اجراء می‌فرستد و رسید دریافت می‌کند، عملیات اجرائی بلافاصله آغاز می‌شود.

(سر دفتر می‌تواند در برگهای اجرائیه مفاد سند را بطور کامل تایپ کامپیوتری نماید).

تبصره اول ــ هرگاه سر دفتر در صدور اجرائیه با اشکالی روبرو شود باید از صدور آن خودداری کرده و با طرح صریح اشکال از ثبت محل استعلام و کسب تکلیف نماید و اداره مذکور مکلف است او را راهنمایی کند و هرگاه ثبت محل هم با اشکال مواجه شود از ثبت استان مربوطه کسب تکلیف خواهد نمود.

تبصره دوم ــ ورقه اجرائیه را فقط نسبت به تعهداتی می‌توان صادر کرد که در سند منجزاً قید شده باشد.

تبصره سوم ــ در مواردی که مرجع صدور اجرائیه اداره ثبت است نیز مدلول این ماده و تبصره‌های مذکور فوق رعایت می‌شود.

ماده٦ ــ نسبت به معاملات املاک یک نسخه اجرائیه از دفترخانه اضافه صادر می‌شود که به وسیله مسئول اجراء به ثبت محل ارسال می‌گردد و ثبت محل مکلف است ظرف سه روز وضع ثبتی ملک و حدود و مشخصات آن را به اجراء اطلاع دهد و تا وصول این اطلاع جز ابلاغ اجرائیه اقدامی نمی‌شود.

ماده۷ــ هرگاه احدی از ورثه قبل از صدور اجرائیه دین مورث خود را پرداخت نماید، پرداخت‌کننده به عنوان قائم‌مقام طلب‌کار می‌تواند علیه سایر وراث نسبت به

سهم‌الارث آنان مبادرت به صدور اجرائیه نماید.

ماده۸ ـ دفاتر اسناد رسمی نیز مکلفند در موقع صدور اجرائیه هر نوع سند لازم‌الاجراء صدور اجرائیه را در ملاحظات ثبت مربوطه با ذکر تاریخ قید و امضاء نمایند.

ماده۹ـ در صورتی که متعهدله فوت کند، هریک از ورثه می‌تواند با ارائه گواهینامه فوت و شناسنامه وراثت خود را اثبات کرده و درخواست صدور یا تعقیب اجرائیه مورث خود را در سهم‌الارث خود بکند ولی پس از اجراء اجرائیه وجه یا مال مورد تعهد به اداره ثبت سپرده می‌شود و تسلیم آن به ورثه موکول به ارائه گواهی حصر وراثت و مفاصا حساب مالیاتی خواهد بود.

ماده۱۰ـ در اسناد وثیقه هرگاه دارنده حق استرداد (اعم از بدهکار اصلی یا منتقل‌الیه) با قید حق بستانکار و ذکر تاریخ انقضاء مدت اسناد با جلب رضای بستانکار حق استرداد خود را واگذار کند اجرائیه باید علیه آخرین منتقل‌الیه صادر و تعقیب گردد.

ماده۱۱ـ هرگاه اجرائیه قبل از اعلام ورشکستگی متعهد صادر و به او ابلاغ و اقدامات اجرائی انجام شده باشد و حکم بدوی ورشکستگی فسخ و این حکم قطعی شود، نیازی به‌تجدید عملیات قانونی انجام شده قبلی نیست.

ماده۱۲ـ با ادعای گم شدن قبوض اقساطی اجرائیه صادر نخواهد شد.

ماده۱۳ـ اجرای ثبت باید اجرائیه‌های واصله را به ترتیب تاریخ‌وصول در دفتر مخصوص ثبت کند.

فصل سوم ـ ابلاغ

ماده۱٤ـ اجراء پس از وصول اجرائیه با رعایت ماده ۱۳ این آئین‌نامه باید آن را در دفاتر لازمه وارد و پرونده برای آن تنظیم و در صورتیکه متعهد مقیم محل حوزه ثبتی مرجع صدور اجرائیه باشد. نام مأمور ابلاغ را در آن نوشته و جهت ابلاغ به مأمور تسلیم کند.

اگر متعهد مقیم حوزه ثبتی دیگر باشد برگهای اجرائی در ظرف ۲٤ ساعت به ثبت محلی که متعهد مقیم آنجا است ارسال می‌شود. در صورت نبودن مأمور ابلاغ در اداره ثبت به (نیروی انتظامی) محل جهت ابلاغ ارسال می‌گردد و در مورد مقیمین در کشورهای بیگانه به وسیله دفتر نظارت و هماهنگی اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت به وزارت امور خارجه ارسال می‌شود که طبق مقررات ابلاغ نمایند.

تبصره ـ سازمان ثبت می‌تواند در امر ابلاغ اجرائیه ـ اخطاریه و سایر اوراق مربوطه از مأمورین شرکت پست یا شرکت‌های غیردولتی از طریق عقد قرارداد برابر مقررات استفاده نماید.

ماده۱۵ـ مأمور اجرا مکلف است ظرف ٤٨ساعت از زمان دریافت اوراق اجرائیه یک نسخه از آن را به شخص متعهد تسلیم و در نسخه دیگر با ذکر تاریخ با تمام حروف رسید بگیرد. اگر متعهد از رؤیت یا امضاء اجرائیه امتناع کند مأمور مراتب را شخصاً و کتباً گواهی خواهدکرد اگر متعهد در اقامتگاه حضور نداشته باشد به یکی از بستگان یا خادمان او که در آن محل ساکن و سن ظاهری او برای تمیز اهمیت برگ اجرائیه کافی باشد ابلاغ می‌کند؛ مشروط بر اینکه بین متعهد و شخصی که برگ را دریافت می‌دارد تعارض منفعت نباشد. اگر اشخاص نامبرده بی‌سواد باشند اثر انگشت آن‌ها باید در ذیل برگ اجرائی و سایر اوراق منعکس شود و هرگاه به جهتی از جهات نتوانند رسید بدهند، مأمور این نکته را با مسئولیت خود قید خواهد نمود و هرگاه این اشخاص در محل نباشند یا رسید ندهند مأمور باید اجرائیه را به اقامتگاه متعهد الصاق کند و مراتب را در نسخه دیگر بنویسد.

الف ـ در مورد شرکت‌ها اوراق اجرائی به مدیر شرکت یا دارنده حق امضاء و در صورت انحلال شرکت به مدیر یا مدیران تصفیه ابلاغ می‌شود چنانچه اشخاص مزبور از رویت یا امضاء اجرائیه امتناع نمایند، مأمور مراتب را شخصاً و کتباً گواهی می‌کند اگر اشخاص فوق در محل حضور نداشته باشند اوراق اجرائی حسب مورد به اقامتگاه شرکت یا نشانی مدیر و یا مدیران تصفیه طبق آگهی انحلال شرکت الصاق خواهد شد.

ب ـ در مورد وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و سازمان‌های وابسته به دولت و مؤسسات عمومی و شهرداری‌ها و بنیاد و نهادها، اوراق اجرائی مستقیماً به وسیله پست سفارشی برای مسئول وزارتخانه یا اداره یا سازمان یا مؤسسه، یا شهرداری فرستاده می‌شود. در این صورت پس از گذشت ده روز از تاریخ تسلیم اوراق اجرائی به پست با رعایت مواد مقرر در آئین دادرسی مدنی اجرائیه ابلاغ شده محسوب است.

ج ـ اگر محل اقامت متعهد سند اداره دولتی یا سازمان‌های وابسته به آن و یا شهرداری معین شده باشد اجرائیه در همان محل وفق مقررات ابلاغ می‌شود.

د ـ در صورتی که نشانی متعهد صندوق پستی باشد یک برگ اجرائیه وسیله پست

سفارشی به صندوق پستی ارسال می‌شود و از تاریخ تسلیم به پست پس از گذشت ده روز اجرائیه ابلاغ شده محسوب می‌شود.

هـ ـ در اسنادی که اقامتگاه متعهد پست الکترونیک نیز قید شده باشد، ابلاغ اجرائیه در اداراتی که از سیستم رایانه استفاده می‌نمایند از طریق ارسال به پست الکترونیک صورت می‌گیرد. در این صورت پس از گذشت ٤٨ ساعت از تاریخ ارسال اجرائیه ابلاغ شده محسوب می‌شود.

تبصره۱ـ مأمور اجرا نباید با کسی که اوراق اجرائیه یا سایر اخطاریه‌ها و اوراق به او ابلاغ می‌شود و یا عملیات اجرائی‌له و علیه او انجام می‌شود، قرابت سببی یا نسبی تا درجه سوم از طبقه دوم داشته و مابین او و شخص موردنظر تعارض منفعت و یا پرونده اجرائی و یا دعوی جزائی و مدنی مطرح باشد.

تبصره۲ـ مأمورین اجرا و ابلاغ باید نام و مشخصات کسی را که اجرائیه به او ابلاغ شده و اینکه چه سمتی با متعهد دارد و محل و تاریخ ابلاغ را با تعیین ساعت و روز و ماه و سال و نام مشخصات خود با جوهر ثابت و عبارت خوانا و با تمام حروف در نسخه‌ای که به شعب اجراء تسلیم خواهند نمود بنویسند و امضاء کنند.

ماده١٦ـ در کلیه اسناد رسمی بایستی اقامتگاه متعاملین به طور وضوح در سند قید شود. اقامتگاه متعاملین همان است که در سند قید شده و مادام که تغییر اقامتگاه خود را قبل از صدور اجرائیه به دفترخانه و قبل از ابلاغ به اجرا با نشانی صحیح با ذکر نام خیابان و کوچه و شماره پلاک شهرداری محل اقامت اعم از خانه، مغازه، محل کار و غیره که بتوان اجرائیه را به آنجا ابلاغ کرد، اطلاع ندهند کلیه برگهای اجرائیه ـ اخطاریه‌های اجرائی به محلی که در سند قید شده ابلاغ می‌شود و متعهد نمی‌تواند به عذر عدم اطلاع، متعذر گردد. دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق مکلفند پس از صدور اجرائیه مراتب را به آخرین نشانی متعهد از طریق پست سفارشی به او اطلاع دهند و برگ‌های اجرائیه را به ضمیمه قبض پست سفارشی با سایر مدارک جهت تشکیل پرونده و ابلاغ اجرائیه و عملیات اجرائی به ثبت محل در قبال اخذ رسید تحویل دهند.

ماده۱۷ـ متعهد مکلف است دلیل اقامت خود را در محلی که به عنوان اقامتگاه جدید خود معرفی می‌نماید به دفترخانه یا اجراء تسلیم و رسید دریافت کند. به اظهاراتی که متکی

به دلیل کتبی از قبیل سند رسمی که دلالت بر تغییر اقامتگاه داشته باشد یا گواهی نیروی انتظامی محل در داخل کشور و کنسولگری یا مأمورین سیاسی ایران در خارج از کشور نباشد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.

ماده۱۸ـ هرگاه محل اقامت متعهد در سند تعیین نشده یا محلی که تعیین گردیده موافق با واقع نباشد و یا به جهاتی محل مزبور از بین رفته و اساساً شناخته نشود اجرائیه یا اخطاریه ظرف ٢٤ ساعت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار محل و اگر در محل روزنامه نباشد، در روزنامه کثیرالانتشار نزدیک‌ترین محل فقط یک مرتبه آگهی خواهدشد و در آگهی مزبور باید تصریح شود که ظرف ده روز پس از انتشار آگهی عملیات اجرائی جریان خواهد یافت و در صورتی که متعهدله، متعهد را معرفی نماید اجرائیه طبق مقررات ابلاغ واقعی خواهد شد.

ماده۱۹ـ هرگاه متعهد قبل از صدور اجرائیه فوت شود و درخواست صدور اجرائیه علیه ورثه به عمل آید اجرائیه در اقامتگاه مورث به آنان ابلاغ واقعی می‌گردد. در صورتی که ابلاغ واقعی در محل مزبور به هریک از آنان میسر نگردد یا کسی که به نحو مزبور ابلاغ واقعی به او ممکن نگردیده اقامتگاه خود را اعلام ندارد و متعهدله نیز نتواند اقامتگاه او را به ترتیبی که ابلاغ واقعی میسر گردد تعیین نماید ابلاغ اجرائیه با رعایت ماده ۱۸ فوق‌الذکر وسیله درج در جراید به عمل می‌آید.

تبصره ـ در صورتی که متعهد پس از صدور اجرائیه و قبل از ابلاغ فوت کند طرز ابلاغ به ورثه به ترتیب مزبور خواهدبود.

ماده۲۰ـ هرگاه متعهد صغیر یا محجور باشد اجرائیه و سایر عملیات اجرائی حسب مورد به ولی یا قیم او ابلاغ می‌شود.

فصل چهارم ـ ترتیب اجراء

ماده۲۱ـ از تاریخ ابلاغ اجرائیه متعهد باید ظرف ده روز مفاد آن را به موقع اجراء بگذارد یا ترتیبی برای پرداخت دین خود بدهد یا مالی معرفی کند که اجرای سند را میسر گرداند.

اگر خود را قادر به اجرای مفاد اجرائیه نداند باید ظرف همان مدت صورت جامع دارائی خود را به مسئول اجراء بدهد و اگر مالی ندارد صریحاً اعلام کند. بدهکاری که در

مدت مذکور قادر به پرداخت دین خود نبوده مکلف است هر موقع که متمکن از پرداخت تمام یا قسمتی از بدهی خود گردد آن را بپردازد.

تبصره ـ مقررات این ماده مانع نمی‌شود که بستانکار هر وقت مالی از مدیون به‌دست آید به تعقیب اجرائیه و استیفای طلب خود اقدام کند.

ماده۲۲ـ قیمت مالی که برای بازداشت معرفی می‌شود باید متناسب با دین بوده و نیز بلامانع بودن آن جهت استیفای موضوع لازم‌الاجراء از هر جهت محرز باشد.

ماده۲۳ـ معرفی مطالبات از طرف متعهد در صورت قبول متعهدله اشکال ندارد هرچند که مطالبات مؤجل باشد.

ماده۲٤ـ ثالث می‌تواند مال خود را برای اجراء اجرائیه معرفی کند. در این صورت پس از بازداشت از طرف اجراء معرفی‌کننده حق انصراف ندارد.

معرفی مال ثالث به توسط مدیون سند وکالتاً از جانب مالک در صورت دلالت صریح وکالتنامه رسمی بر این امر منعی ندارد، در این صورت پس از بازداشت مال، موکل حق ندارد تقاضای استرداد مال مورد بازداشت را بنماید.

ماده۲۵ـ معرفی مال از طرف بدهکار یا ثالث مانع از تقاضای بازداشت اموال دیگر مدیون از طرف متعهدله نخواهدبود مشروط به اینکه فروش آن آسان‌تر باشد، در این صورت پس از بازداشت، معادل آن از اموالی که قبلاً بازداشت شده است رفع بازداشت می‌شود، این تقاضا از طرف متعهدله فقط برای یک مرتبه تا قبل از انتشار آگهی مزایده پذیرفته خواهد شد.

ماده۲٦ـ در صورتی که مال به آسانی قابل فروش باشد نمی‌توان آن را به مال دیگر تبدیل کرد مگر به رضای ذینفع.

ماده۲۷ـ متعهدله می‌تواند قبل از انقضاء مدت مذکور در ماده ۲۱ این آئین‌نامه تقاضای تأمین طلب خود را از اموال متعهد بکند در این صورت اجراء بلافاصله پس از ابلاغ اجرائیه معادل موضوع لازم‌الاجراء را از اموال متعهد بازداشت می‌کند.

ماده۲۸ـ اگر اجرائیه بر تسلیم عین منقول صادر شده باشد و تا ده روز پس از ابلاغ متعهد آن را تسلیم نکند مأمور اجراء عین مزبور و منافع آن را (در صورتی که اجرائیه بر منافع نیز صادر شده‌باشد) به متعهدله تسلیم کرده قبض رسید خواهدگرفت مگر اینکه مال

در تصرف غیر بوده و متصرف نسبت به عین یا منافع آن دعـوی مالکیـت کنـد کـه در ایـن صورت مأمور اجرا متعرض آن نمی‌شود و متعهدله می‌تواند به دادگاه مراجعه کند.

اگر اجرائیه بر تسلیم مال غیرمنقول ثبت شده صـادر شـده باشـد و متصـرف نسـبت به‌منافع آن به استناد حکم دادگاه یا سند رسمی صادر از مالک (که تاریخ آن مقـدم بـر سـند متعهدله باشد) دعوی حق کند مال با رعایت حقوق و تصـرفات مسـتند بـه حکـم یـا سـند رسمی تحویل متعهدله داده می‌شود متعهدله در صورتی که معترض باشد می‌تواند به‌دادگـاه مراجعه کند.

ماده۲۹ـ هرگاه موضوع اجرائیه عین معین منقول بوده و به آن دسترسی نباشد یا مال کلی در ذمه بوده و متعهد از انجام تعهد امتناع ورزد یا مثل آن در خارج یافت نشود متعهدله می‌تواند بهای روز اجراء تعهد را بخواهد در این مورد رئیس ثبت محل بهـای مزبـور را بـه وسیله کارشناس رسمی تعیین و از متعهد خواهدگرفت، مگر اینکه در سند ترتیـب دیگـری بین طرفین مقرر شده باشد که طبق آن عمل می‌شود.

ماده۳۰ـ برگ‌های اجرائیه که از حوزه‌ای به حوزه دیگر ارجاع می‌شود، رئـیس ثبـت محل مکلف است طبق مقررات این آئین‌نامه اقدام کند.

ماده۳۱ـ در هر مورد که نیابت اجرائی طبق ماده ۳۰ این آئین‌نامه داده می‌شـود، ثبـت نیابت‌دهنده مادام که از نتیجه اقدام ثبت مرجوع الیه مطلع نشـده نبایـد عملیـات اجرائـی را خود تعقیب کند و باید مترصد اقدامات مورد نیابت باشد ولی اگر متعهدله مالی را از متعهـد معرفی نماید و برای ثبت نیابت‌دهنده احراز شود که موضوع نیابت توسط ثبت مرجـوع‌الیـه انجام نگردیده توقیف مال معرفی‌شـده اشـکال قـانونی نـدارد و در ایـن صـورت بـه ثبـت مرجوع‌الیه مراتب را بلافاصله اطلاع خواهد داد تا دیگر اقدامی از این جهت به عمل نیاورد.

ماده۳۲ـ ادارات ثبت نمـی‌تواننـد نیابـت اجرائـی از اداره تصـفیه یـا مدیرتصـفیه یـا اجرائیات دارائی و اجرای احکام دادگاه بپذیرند ولی مراجـع مـذکور در حـدود مقـررات و وظایف و صلاحیت خـود مـی‌تواننـد توقیـف امـلاک و مطالبـات و دریافـت سـپرده‌هـای ورشکسته و متعهد را از ادارات ثبت بخواهند.

ماده۳۳ـ شخصی که در اجرا از بدهی متعهد، ضمانت می‌کند باید از عهده آن برآیـد در صورت خودداری، مسئول اجراء مورد ضمانت را بدرخواسـت متعهدلـه برابـر مقـررات

استیفاء خواهدکرد.

ماده۳٤ـ در موردی که اجرائیه برای انجام تعهدی از قبیل تعمیر بنا، قنات، یا تکمیل ساختمان یا بنای جدید یا غرس اشجار و امثال آن، صادرشده و متعهد پس از ابلاغ اجرائیه اقدام به انجام آن ننماید، اداره ثبت متعهد را الزام به انجام تعهد یا پرداخت هزینه‌های لازم برای انجام آن می‌نماید، اگر متعهد اقدام نکند متعهدله می‌تواند با اطلاع اداره ثبت به هزینه خود تعهد مزبور را انجام دهد و اگر کیفیت انجام تعهد یا تعیین میزان هزینه آن محتاج به نظر کارشناس باشد، اداره ثبت یک نفر کارشناس رسمی برای تعیین کیفیت انجام تعهد یا هزینه آن تعیین خواهدکرد، و حق‌الزحمه کارشناس به میزان مناسبی جزء سایر هزینه‌ها از متعهدله توسط اجرای ثبت دریافت می‌گردد و متعهدله حق دارد کلیه هزینه‌ها را از متعهد توسط اجرای ثبت مطالبه و دریافت نماید.

ماده۳۵ـ در مواردی که متعهد قبوض اداره دارائی و شهرداری را راجع به مالیات و عوارض قانونی و یا فیش بانکی که حاکی از تأدیه بدهی به حساب بانکی متعهدله باشد و یا حکم دادگاه را که مشعر بر برائت او باشد ارائه دهد اداره ثبت یا اجرا باید وجوه پرداختی را محسوب و مفاد حکم را اجراء کند و در مورد فیش بانکی تأییدیه آن را از بانک بخواهد.

ماده۳٦ـ هرگاه در سند برای تأخیر انجام تعهد، وجه التزام معین شده باشد مطالبه وجه التزام مانع مطالبه اجراء تعهد نمی‌باشد ولی اگر وجه التزام برای عدم انجام تعهد مقرر شده باشد متعهدله فقط می‌تواند یکی از آن دو را مطالبه کند.

ماده۳۷ـ حق‌الوکاله وکیل در صورت دخالت در تمام اقدامات اجرائی تا مرحله وصول طبق قرارداد منعقده بین طرفین و حداکثر تا میزان مصرح در آئین‌نامه اصلاحی قانون وکالت در صورت تقاضای ذینفع قابل مطالبه و وصول است و در مورد اسناد وثیقه همان مورد وثیقه جوابگوی حق‌الوکاله نیز خواهدبود.

ماده۳۸ـ ابراء ذمه مدیون نسبت به خسارت یا قسمتی از اصل مانع از صدور اجرائیه و ارزیابی و مزایده تمام مورد وثیقه نخواهدبود و در صورت عدم شرکت خریدار در مزایده و واگذاری مورد وثیقه به دائن، مبلغ ابراء شده به مدیون مسترد یا به حساب سپرده ثبت تودیع می‌گردد.

ماده۳۹ـ در مورد مالی که در مقابل مطالباتی وسیله اجرای ثبت توقیف شده باشد، بستانکار بازداشت‌کننده مازاد می‌تواند تمام دیون و هزینه‌های قانونی بازداشت‌کنندگان مقدم و حقوق دولتی را در صندوق ثبت تودیع و تقاضای توقیف مال و استیفای حقوق خود را از آن بنماید. در این صورت از توقیف‌ها رفع اثر نموده و مال بابت کل یا قسمتی از طلب او و مجموع وجوه تودیع شده بلافاصله توقیف و از طریق مزایده به فروش می‌رسد.

تبصره ـ در کلیه پرونده‌های اجرائی که مورد مزایده به بستانکار واگذار می‌شود، بدهکار می‌تواند تا قبل از تنظیم و امضاء سند انتقال اجرائی یا تحویل مال حسب مورد اقدام به پرداخت بدهی خود نماید.

ماده٤٠ـ هزینه آگهی، دستمزد کارشناس، حق‌الحفاظه، حق‌الاجرا و حق مزایده نسبت به اموال منقول و غیرمنقول و سایر هزینه‌های قانونی بعهده متعهد می‌باشد و مانند اصل طلب وصول می‌شود.

در هر مورد که نتوان این هزینه‌ها را از متعهد وصول کرد متعهدله باید آنرا پرداخت نماید در اینصورت پس از فروش مال یا وصول طلب، بموجب همان اجرائیه وصول و به متعهدله داده شود.

فصل پنجم ـ بازداشت اموال منقول

ماده٤١ـ بازداشت اموال متعهد به تقاضای متعهدله صورت می‌گیرد و مأمور اجرا با حضور نماینده دادستان و در صورت لزوم با حضور مأمور نیروی انتظامی و با معرفی متعهدله اقدام به بازداشت اموال متعلق به متعهد می‌نماید و حاضر نبودن متعهد یا بستگان و خادمینش و نیز بسته بودن محلی که مال در آن است مانع بازداشت مال نیست.

ماده٤٢ـ در صورتی که دین و متفرعات تا سی میلیون ریال ارزش داشته باشد و مال معرفی‌شده حسب‌الظاهر بیش از مبلغ مزبور به تشخیص مأمور اجرا ارزش نداشته باشد، بدون نظر کارشناس از اموال مدیون بازداشت خواهدکرد. در غیراینصورت مأمور اجراء در موقع بازداشت اموال نظر کارشناس رسمی را جلب خواهدکرد و از اموال متعهد معادل طلب و یک تا دو عشر اضافه بازداشت می‌کند اگر مال مورد بازداشت غیرقابل تجزیه و بیش از میزان مذکور فوق باشد تمام آن بازداشت می‌شود.

تبصره ـ چنانچه مأمور اجرا نتواند ارزش مال را تعیین نماید از خبره محلی استفاده

می‌شود.

ماده۴۳ـ اموالی که باید بازداشت شود درهمان جایی که هست بازداشت می‌شود در صورت لزوم به جای محفوظی نقل می‌گردد. در هر حال باید مال بازداشت شده به حافظ سپرده شود، در صورت عدم توافق متعهدله در انتخاب حافظ انتخاب او با مأمور اجراء است.

ماده٤٤ـ کسی که مال بازداشت شده را به عنوان حافظ دریافت می‌کند به اعتراض او به بازداشت پس از قبول مال به عنوان حافظ در ادارات ثبت ترتیب اثر داده نخواهدشد.

ماده٤٥ـ حافظ باید به قدر امکان دارائی داشته‌باشد و حتی المقدور بدون نقل مال مورد بازداشت به جای دیگر تعهد حفاظت مال را بکند.

تبصره ـ مأمور اجراء اگر در انتخاب حافظ واجد شرایط امانت و شرایط دیگر راجع به امین تقصیر کند، با حافظ متضامناً مسئول خواهدبود.

ماده٤٦ـ مأمور اجرا نمی‌تواند بدون تراضی کتبی طرفین اموال بازداشت شده را به اشخاص زیر بسپارد:

الف ـ به اقوام و اقربای خود تا درجه سوم از طبقه دوّم.

ب ـ به متعهدله و متعهد و همسر آنان و به اشخاصی که با متعهد و یا متعهدله قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از طبقه دوّم دارند و به مخدوم یا خدمه آنان مگر اینکه شخص دیگری برای حفظ اموال بازداشت شده پیدا نشود.

ماده٤٧ـ مأمور اجرا یک نسخه از صورتمجلس اموال بازداشت شده را به حافظ داده و ذیل صورتمجلس رسید می‌گیرد. مأمور اجرا به تقاضای متعهد یا متعهدله یک نسخه از صورتمجلس اموال را به آنان می‌دهد.

ماده٤٨ـ حافظ حق مطالبهٔ حق الحفاظه (اعم از کرایه محل و غیره) را متناسب با ارزش مال مورد بازداشت دارد. تشخیص تناسب با رئیس ثبت محل می‌باشد و اگر تعلق مال مورد حفاظت به شخص ثالث احراز شود پرداخت حق الحفاظه به عهده معرفی کننده‌است.

در مورد تعیین حق الحفاظه می‌توان از نظر کارشناس رسمی استفاده کرد.

ماده٤٩ـ اگر عملیات اجرائی پایان یابد و صاحب مال از دریافت آن امتناع ورزد و

مراجعه نکند و حافظ هم راضی به ادامه حفاظت نباشد، رئیس ثبت محل از طریق مزایده اقدام به فروش آن نموده و به هر مبلغی که خریدار پیدا کند، به فروش رسانیده و ثمن را در صندوق ثبت بنام مالک آن واریز و از آن محل حق‌الحفاظه پرداخت می‌شود این موضوع بایستی قبل از مزایده طی اخطاری به صاحب مال ابلاغ شود.

ماده۵۰ ــ حافظ در صورت مطالبه مال از طرف اداره ثبت باید آن را تحویل دهد، در صورت امتناع یا تقصیر ضامن است و در حکم مدیون اصلی است و اداره ثبت معادل مال بازداشت شده را از دارائی حافظ استیفاء خواهدکرد و در صورت ضرورت تغییر حافظ به نظر رئیس ثبت می‌باشد.

ماده۵۱ ــ هرگاه مال بازداشت‌شده منافع داشته‌باشد، حافظ باید آن را حفظ و حساب آن را هم بدهد. هرگاه حفاظت مستلزم هزینه فوری قبل از کسب اذن از اداره ثبت باشد حافظ می‌تواند از مال خود داده و با تسلیم مدارک به اداره ثبت احتساب کند یا به تشخیص خود و اطلاع و تأیید مسئول اجرا درصورت داشتن منافع از محل موجود در غیر اینصورت قسمتی از مال مورد حفاظت را صرف نگهداری مابقی کند.

ماده۵۲ ــ در صورتی که بخواهند قسمتی از مال متعهد را بازداشت نمایند و متعهد یا بستگان او غایب باشند باید از بقیه اموال صورت جامعی با قید کلیه مشخصات برداشته و نیز اگر بخواهند مال بازداشت شده را از محلی که اموال دیگر متعهد در آنجاست خارج کنند، باید متعهدله شخص معتبری را برای حفاظت سایر اموال متعهد به اجراء معرفی کند.

ماده۵۳ ــ بازداشت منافع جایز است.

ماده۵٤ ــ بازداشت حقوق مدیون نسبت به سرقفلی جایز است لکن مزایده آن به لحاظ رعایت منافع اشخاص ثالث جایز نیست در صورت بازداشت منافع یا سرقفلی مراتب به اداره ثبت محل جهت ثبت در دفاتر بازداشتی و ابلاغ آن به دفاتر اسناد رسمی مربوطه اعلام می‌گردد.

ماده۵۵ ــ بازداشت حقوق مدیون نسبت به سرقفلی و منافع مانع از این نیست که اگر مال دیگری از متعهد یافت شود به تقاضای ذینفع بازداشت گردد در این صورت هرگاه مال بازداشت شده معادل طلب بستانکار باشد از حقوق رفع بازداشت خواهدشد.

ماده۵٦ ــ هرگاه چند بستانکار علیه یک نفر اجرائیه صادر کندآنکه به نفع او

بازداشت در تاریخ مقدم صورت گرفته است نسبت به وصول طلب از مورد بازداشت حق تقدم دارد.

تبصره ـ اگر اجرائیه‌های متعدد علیه متعهد صادر شده‌باشد و بستانکاران در یک روز درخواست بازداشت اموال متعهد را بنمایند، پس از بازداشت مال‌مورد بازداشت بین بستانکاران به نسبت طلب آنان قسمت می‌شود.

ماده۵۷ ـ قرارداد خصوصی برخلاف ترتیب مذکور در ماده ٥٦ این آئین‌نامه و تبصره آن نسبت به ثالث اعتبار ندارد.

ماده۵۸ ـ در مورد ماده٥٦ مذکور تفاوتی نمی‌کند که اجرائیه‌های متعدد از ثبت صادر شده‌باشد یا اجراء دادگاه و ثبت و یا از سایر مراجع قانونی که حق توقیف مال مدیون را دارند.

ماده۵۹ ـ هرگاه مدیون سند ذمه‌ای، از ثالثی طلب با وثیقه داشته‌باشد بازداشت آن طلب نزد ثالث مذکور جایز است. در این صورت بازداشت کننده قائم‌مقام طلبکار با وثیقه شده و از حقوق دارنده وثیقه طبق مقررات اسناد وثیقه استفاده خواهدکرد.

ماده٦٠ ـ در اجرای اسناد ذمه‌ای علیه ورثه متوفی بازداشت اموال ورثه با رعایت ماده ٢٢٦ قانون امور حسبی جایز است مگراینکه وارث ترکه را رد کرده‌باشد و رد ترکه با رعایت مادتین ٢٤٩ و ٢٥٠ قانون امور حسبی محرز و انجام شده باشد.

ماده٦١ ـ اموال و اشیاء زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی‌شود:

١ـ مسکن متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب النفقه او.

٢ـ لباس، اشیاء، اسباب و اثاثی که برای رفع حوائج متعهد و اشخاص واجب‌النفقه او لازم است.

٣ـ آذوقه موجود به قدر احتیاج سه ماهه متعهد و عائله او.

٤ـ وسائل و ابزار کار کسبه، پیشه وران و کشاورزان متناسب با امرار معاش خود و اشخاص واجب النفقه آنان.

٥ ـ وسیله نقلیه متناسب با نیاز متعهد و اشخاص واجب‌النفقه او.

٦ ـ سایر اموال و اشیائی که به موجب قوانین خاص، غیرقابل توقیف می‌باشد.

تبصره١ـ در صورت فوت متعهد، دیون از کلیه اموال بجامانده از او بدون استثناء

چیزی، استیفاء می‌شود.

تبصره۲ـ در صورت بروز اختلاف نسبت به متناسب بودن اموال و اشیاء موصوف با نیاز اشخاص فوق‌الذکر، رئیس ثبت محل با توجه به وضعیت خاص متعهد و عرف محل، مطابق ماده ۱٦۹ این آئین‌نامه اتخاذ تصمیم خواهدکرد.

ماده٦۲ ـ بازاشت اموال متعلق به شهرداریها و وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی که درآمد و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد با رعایت قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تأمین توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳٦۵/۸/۱۵ و قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداریها مصوب ۱۳٦۱/۲/۱٤ صورت می‌گیرد.

ماده٦۳ ـ بازداشت مال منقولی که در تصرف غیر است و متصرف نسبت به آن ادعای مالکیت می‌کند، ممنوع است.

ماده٦٤ ـ قبل از بازداشت اموال باید صورتی مرتب شود که در آن اسامی و توصیف کلیه اشیاء بازداشت شده نوشته شود و در صورت لزوم کیل و وزن و عدد اشیاء معین شود و در مورد طلا و نقره آلات هرگاه عیار آنها معین باشد در صورتمجلس قید می‌گردد و در جواهر عدد و اندازه و صفات و اسامی آنها معین می‌شود.

در کتب اسم کتاب و مصنف و تاریخ طبع ـ در تصویر و پرده‌های نقاشی موضوع پرده و طول و عرض آنها و اسم نقاش اگر معلوم باشد ـ در نوع مال‌التجاره تعداد عدل تصریح‌می‌شود.

در سهام و کاغذهای قیمتی عدد و قیمت اصلی و نوع آنها در صورت مجلس معین می‌شود و همچنین در صورت ریز اشیاء نو یا مستعمل بودن آنها باید قید گردد.

تبصره۱ـ عدد و کیل و وزن باید با تمام حروف نوشته شود و صورتمجلس باید به امضاء و مهر مأمور اجرا برسد.

تبصره۲ـ اگر در صورت ریز اشیاء، سهو و اشتباهی به عمل آید در آخر صورت تصریح و به امضاء مأمور اجراء و حاضرین می‌رسد. تراشیدن و پاک کردن و نوشتن بین سطرها ممنوع است.

تبصره۳ـ حتی المقدور صورتمجلس روی برگ‌های چاپی تنظیم خواهدشد.

ماده٦٥ ــ مازاد احتمالی مال مورد وثیقه یا توقیف شده قابل بازداشت است مأخذ محاسبه مازاد احتمالی جمع ارقام ذیل است:

الف ـ اصل طلب سود و خسارت تأخیر با رعایت ماده ٣٤ اصلاحی قانون ثبت و سایر مقررات مربوطه.

ب ـ حق مزایده (حق حراج).

ج ـ حق‌الاجرا.

هـ ـ حق‌الوکاله اگر جزء قرارداد مذکور در سند باشد.

و ـ حق بیمه و سایر هزینه‌هائی که بستانکار با وثیقه (و کسی که اصل ملک در مقابل طلب او توقیف شده‌است) پرداخته و برابر مقررات این آئین‌نامه حق وصول آن را از متعهد دارد.

ماده٦٦ ــ هرگاه نسبت به اشیائی که بازداشت می‌شود اشخاص ثالث اظهار حقی نمایند مأمور اجرا اسم مدعی و چگونگی اظهار را قید می‌کند.

ماده٦٧ ــ در مواردی که متعهدله و متعهد یا نماینده دادسرا و گواهان حاضر باشند صورت ریز اشیاء به امضای آنها نیز می‌رسد و هرگاه امتناع از امضاء نمایند مراتب در صورتجلسه قید می‌گردد.

ماده٦٨ ــ اشخاص مذکور در ماده قبل می‌توانند ایرادات خود را در باب صورتمجلس تنظیم شده به مأمور اجراء اظهار نمایند مأمور اجراء آن اظهارات را با جهات رد و قبول آن در صورتمجلس قید می‌نماید.

ماده٦٩ ــ هرگاه اموال منقول در جای محفوظ و معین باشد مأمور اجرا مدخل آن را بسته و مهروموم می‌نماید و هرگاه اشیاء در جای محفوظ و معینی نباشد به هر کدام از اشیاء کاغذی الصاق کرده و مهر می‌کند، متعهدله و متعهد نیز می‌توانند پهلوی مهر مأمور اجراء را مهر نمایند.

ماده٧٠ــ هرگاه طول مدت بازداشت باعث فساد بعضی از اشیاء شود از قبیل فرش و پارچه‌های پشمی و غیره اشیاء مزبور را باید جدا کرده طوری بازداشت نمایند که بتوان سرکشی و مراقبت نمود.

ماده٧١ــ هر یک از متعهدله و متعهد که موقع عملیات بازداشت حاضر باشد و

ایرادی ننماید دیگر حق شکایت از اقدامات مأمور اجراء را نخواهد داشت.

ماده۷۲ـ هرگاه متعهد یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می‌نمایند؛ از اثاث‌البیت آنچه که عادتاً مورد استعمال زنانه است، ملک زن و آنچه عادتاً مورد استعمال مردانه است، ملک شوهر و مابقی مشترک بین زوجین محسوب خواهدشد مگر اینکه خلاف ترتیب فوق ثابت شود.

ماده۷۳ـ هرگاه مالی که بازداشت می‌شود بین متعهد و شخص یا اشخاص دیگر مشاع باشد شرکت بین آنان به نحو تساوی فرض می‌شود مگر اینکه خلاف آن ثابت شود.

فصل ششم ـ بازداشت اموال نزد شخص ثالث

ماده۷٤ـ هرگاه متعهدله اظهارنماید که وجه نقد یا اموال منقول متعهد نزد شخص ثالثی است آن اموال و وجوه تا اندازه‌ای که با دین متعهد و سایر هزینه‌های اجرائی برابری کند بازداشت می‌شود و بازداشت نامه به شخص ثالث ابلاغ واقعی و نیز به متعهد هم طبق مقررات ابلاغ می‌شود اعم از اینکه شخص ثالث شخص حقیقی یا حقوقی و اعم از اینکه دین او حال باشد یا مؤجل.

ماده۷۵ـ هرگاه ثالث مذکور در ماده قبل مصونیت سیاسی داشته‌باشد ارسال بازداشت نامه از طریق دفتر نظارت و هماهنگی اجرای اسناد رسمی سازمان ثبت صورت خواهدگرفت.

ماده۷٦ـ ابلاغ بازداشت نامه به شخص ثالث او را ملزم می‌کند که وجه یا اموال بازداشت شده را به صاحب آن ندهد و الّا معادل آن وجه یا قیمت آن اموال را اداره ثبت از او وصول خواهدکرد این نکته در بازداشت نام باید قید شود.

ماده۷۷ـ هرگاه مال بازداشت شده نزد شخص ثالث وجه نقد یا طلب حال باشد شخص مزبور باید آن را به صورت ثبت سپرده و رسید بگیرد.

ماده۷۸ـ هرگاه شخص ثالثی که مال یا طلب حال متعهد نزد او بازداشت شده‌است از تأدیه آن امتناع ورزد بازداشت اموال او مطابق مقررات این آئین‌نامه خواهدبود.

ماده۷۹ـ هرگاه شخص ثالث منکر وجود تمام یا قسمتی از وجه نقد یا اموال منقول دیگری نزد خود باشد باید ظرف پنج روز از تاریخ ابلاغ بازداشت نامه به شخص او مراتب را به رئیس ثبت اطلاع دهد و الّا مسئول پرداخت وجه و یا تسلیم مال خواهدبود و اداره

ثبت آن وجه را وصول و یا آن مال را از او خواهد گرفت.

ماده۸۰ ــ در صورتی که شخص ثالث منکر وجود مال یا طلب متعهد نزد خود باشد و در ظرف مدت مقرر در ماده فوق بعد از ابلاغ بازداشت نامه اطلاع دهد عملیات اجرائی نسبت به او متوقف می‌شود و متعهدله می‌تواند برای اثبات وجود وجه و مال یا طلب نزد شخص ثالثی که منکر آن بوده به دادگاه صالح مراجعه کند و یا از اموال دیگر متعهد استیفاء طلب خود را بخواهد.

تبصره ــ در مواردی که وجود مال یا طلب نزد شخص ثالث به موجب سند رسمی محرز باشد صرف انکار شخص ثالث مانع از تعقیب عملیات اجرائی نسبت به او نیست.

ماده۸۱ ــ مقررات مواد فوق در صورتی نیز لازم‌الرعایه است که مال الاجاره اموال منقول یا غیرمنقول متعلق به متعهد نزد مستأجر باشد در این صورت باید وجوهی که به تدریج وصول می‌شود تا استهلاک طلب متعهدله به مشارالیه تأدیه گردد و اگر نگهداری موقت وجوه مزبور لازم باشد باید در صندوق ثبت ایداع گردد.

ماده۸۲ ــ بازداشت هزینه سفر مأمورین دولت و حقوق و مزایای نظامیانی که در جنگ هستند، ممنوع است.

ماده۸۳ ــ از حقوق و مزایای کارکنان ادارات، سازمانها و مؤسسات دولتی یا وابسته به دولت و شرکت‌های دولتی و شهرداریها و بانکها و شرکتها و نهادها و بنیادها و بنگاه‌های خصوصی و نظایر آن در صورتیکه دارای کسان واجب‌النفقه باشند ربع والّا ثلث توقیف می‌شود.

تبصره ــ توقیف و کسر یک چهارم حقوق بازنشستگی یا وظیفه افراد موضوع این ماده جایز است مشروط بر اینکه دین مربوط به شخص بازنشسته یا وظیفه بگیر باشد و در مورد نیروهای مسلح طبق قوانین مربوطه به آنان اقدام می‌شود، چنانچه موضوع پیش‌بینی نشده‌باشد بشرح فوق اقدام می‌شود.

ماده۸٤ ــ در مورد ماده قبل پس از ابلاغ بازداشت نامه به اداره متبوع مدیون یا کارگاه رئیس اداره یا مسئول‌کارگاه و مسئول حسابداری (در مؤسساتی که مسئول حسابداری دارد) باید در کسر و فرستادن مبلغ بازداشت شده طبق تقاضا اقدام کند و گرنه برابر مقررات مسئول خواهد بود (این نکته باید در بازداشت نامه نوشته شود).

تبصره ـ در مواردی که بستانکار برای استیفای طلب خود تقاضای بازداشت از موجودی حساب و سپرده بانکی بدهکار را می‌کند بایستی نام، نام خانوادگی و نام پدر و شماره شناسنامه و محل اقامت و شغل بدهکار و حتی‌المقدور شماره حساب را به نحوی که اشکالی برای بانک ایجاد نشود، در تقاضانامه ذکرکند و در بازداشت نامه نیز قید گردد.

فصل هفتم ـ بازداشت اموال غیرمنقول

ماده۸۵ ـ بازداشت اموال غیرمنقول اعم از اصل و مازاد به نحوی که در مواد ٤١و ٤٢ این آئین‌نامه مقرر است به عمل می‌آید و مأمور اجراء صورتی که حاوی مراتب ذیل باشد روی نمونه چاپی برای اموال بازداشت شده ترتیب خواهد داد:

الف ـ تاریخ و مفاد اجرائیه.

ب ـ محل وقوع ملک درشهرستان و بلوک و بخش و کوی و کوچه و شمارهٔ ملک، اگر داشته‌باشد.

ج ـ حدود چهارگانه ملک وتوصیف اجمالی آن.

د ـ مساحت تخمینی ملک.

هـ ـ مشخصات دیگر از قبیل این که مشتمل بر چند قسمت است در صورتی که خانه مسکونی باشد و یا مشتمل بر چند ابنیه و متعلقات است. در صورتی که ملک مزروعی باشد علاوه بر مراتب فوق باید متعلقات آن از قبیل گاو و ماشین‌آلات و توضیحات دیگری که در تسهیل فروش ملک مؤثر باشد در صورت مزبور قید شود.

ماده۸٦ ـ هرگاه حدود یا قسمتی از ملک متنازع فیه باشد مراتب در صورتمجلس قید شده و تصریح می‌شود که طرف منازعه کیست و درکجا تحت رسیدگی است.

ماده۸۷ ـ اجراء مکلف است فوراً بازداشت را به متعهد ابلاغ و به ثبت محل اطلاع داده و صورت وضعیت و جریان ثبتی ملک مورد بازداشت را از اداره ثبت بخواهد، اداره نامبرده در صورتی که ملک ثبت شده باشد در دفتر املاک توقیف شده (دفتر بازداشتی) و در ستون ملاحظات دفتر ثبت املاک، بازداشت را یادداشت می‌نماید و اگر ملک به موجب دفتر املاک و محتویات پرونده ثبتی متعلق به غیر باشد و انتقال آن به متعهد محرز نباشد، ثبت محل فوراً مراتب را به اجرا اطلاع می‌دهد و اجراء از آن رفع بازداشت می‌کند.

ماده۸۸ ـ هرگاه ملک مورد بازداشت ثبت نشده‌باشد مطابق شقوق ذیل رفتار

خواهدشد:

۱ـ هرگاه ملک مزبور از طرف متعهد تقاضای ثبت شده و طبق سند رسمی به غیر منتقل نشده‌باشد و یا اینکه مجهول‌المالک باشد، بازداشت در دفتر بازداشتی قید و در پرونده ثبتی یادداشت می‌شود.

۲ـ هرگاه نسبت به ملک از طرف کسی دیگر تقاضای ثبت شده و به متعهد هم منتقل نشده‌باشد یا اینکه اساساً مورد بازداشت جزو نقاطی که به ثبت عمومی گذارده شده‌نباشد، مراتب به اجرا اطلاع داده می‌شود.

ماده۸۹ ــ پس از ابلاغ بازداشت نامه به صاحب مال، نقل و انتقال از طرف صاحب مال نسبت به مال بازداشت شده ممنوع است و ترتیب اثر نسبت به انتقال بعد از بازداشت مادام که بازداشت باقی است، داده نمی‌شود (هر چند که انتقال با سند رسمی به عمل آمده باشد) مگر در صورت اجازه کسی که مال برای حفظ حق او بازداشت شده است که در این صورت باید اشخاص ذینفع تکلیف ادامه بازداشت ملک یا رفع آن را معین کنند.

ماده۹۰ــ بازداشت مال غیر منقول ثبت نشده به نام مدیون که در تصرف مالکانه غیر است ولو اینکه متعهدله مدعی مالکیت متعهد و یا خود متعهد مدعی مالکیت آن باشد مادام که این ادعا به موجب حکم نهایی به اثبات نرسیده ممنوع است و در مورد املاکی که در دفتر املاک به ثبت رسیده و به موجب آن ملک متعهد شناخته می‌شود، ادعای شخص ثالث اگر چه متصرف آن باشد مسموع نبوده و آن ملک مال متعهد شناخته شده و بازداشت می‌شود.

ماده۹۱ــ بازداشت مال غیر منقولی که نسبت به منافع آن تعهدی به نفع غیر نشده‌است مستلزم بازداشت منافع آن است مگر اینکه حاجت به بازداشت منفعت نباشد. در این صورت باید مراتب در صورت مجلس منعکس شود.

ماده۹۲ــ در بازداشت محصول املاک مزروعی دخالت مأمور اجراء در محصول تا موقع برداشت و تعیین سهم متعهد ممنوع است ولی مأمور اجراء باید برای جلوگیری از تفریط، نظارت و مراقبت کامل نماید.

ماده۹۳ــ در دو مورد زیر متعهد می‌تواند در ظرف مدت بازداشت مال منقول و یا غیرمنقول بازداشت شده را با اطلاع مأمور اجرا بفروشد یا وثیقه بدهد.

الف ـ در مواردی که قبلاً و لااقل در حین وقوع معامله مبلغی را که مال برای استیفای آن بازداشت شده‌است نقداً تأدیه کند در این صورت پس از استیفای حق متعهدله و هزینه اجراء بلافاصله رفع بازداشت خواهدشد.

ب ـ در صورت رضایت کتبی متعهدله در فروش یا وثیقه دادن مال توسط خود متعهد.

ماده۹٤ـ مال غیرمنقول بعد از بازداشت موقتاً در تصرف مالک باقی می‌ماند و متعهد مکلف است مال غیرمنقول را موافق صورت تحویل گرفته و مطابق آن تحویل دهد.

ماده۹۵ـ در صورت بازداشت منافع مال غیرمنقول یا بازداشت محصول درو شده از نظر تعیین حافظ و سایر موارد، تابع این آئین‌نامه خواهد بود.

ماده۹٦ـ هرگاه شخص ثالث نسبت به مال بازداشت‌شده (اعم از منقول و یا غیرمنقول) اظهارحقی نماید در موارد زیر از مزایده خودداری می‌شود:

۱ـ در موردی که متعهدله اعتراض شخص ثالث را قبول کند.

۲ـ در موردی که شخص ثالث سند رسمی مقدم بر تاریخ بازداشت ارائه کند مبنی بر اینکه مال مورد بازداشت به او منتقل شده و یا رهن یا وثیقه طلب اوست.

۳ـ در صورتی که مال قبل از تاریخ بازداشت به موجب قرار تأمین یا دستور اجرای دادگاه یا اجرای ثبت بابت طلب معترض توقیف شده باشد.

٤ـ هرگاه شخص ثالث حکم دادگاه اعم از قطعی یا غیرقطعی بر حقانیت خود ارائه کند.

۵ ـ در صورتی که قبل از بازداشت از معترض قبول تقاضای ثبت به عنوان ملکیت یا وقفیت شده باشد.

٦ ـ در موردی که بر اثر شکایت معترض موضوع قابل طرح در هیأت نظارت یا شورای عالی ثبت تشخیص شده باشد.

در مورد بندهای ۱و ۲ و نیز در مورد بند ٤ در صورت وجود حکم قطعی از مال رفع بازداشت می‌شود و در سایر موارد ادامه عملیات اجرائی موکول به اتخاذ تصمیم نهائی علیه معترض در مراجع مربوط خواهد بود.

متعهدله می‌تواند از مال مورد بازداشت صرفنظر کرده و درخواست بازداشت اموال

دیگر متعهد را بکند.

تبصره۱ـ در صورتی که هر یک از موارد مذکور در این ماده پس از انجام مزایده و قبل از صدور سند انتقال یا تحویل مال منقول تحقق یابد اداره ثبت صورتمجلس مزایده را ابطال و سپس به ترتیب مقرر در ماده فوق عمل خواهد کرد.

تبصره۲ـ در صورتی که مشخصات مال مورد مزایده با مفاد سند یا حکم مستند شخص ثالث تطبیق نکند اعتراض او مانع عملیات اجرائی نیست و شخص ثالث می‌تواند به‌دادگاه مراجعه نماید.

ماده۹۷ـ متعهدله می‌تواند ملک درخواست ثبت نشده متعهد را برای استیفای طلب خود معرفی کند در این صورت پس از مزایده و انقضاء مهلت قانونی برابر مقررات جاری اداره ثبت به برنده مزایده سند انتقال می‌دهد و در آگهی و صورت‌جلسه و سند انتقال قید می‌شود که چون در مورد ملک درخواست ثبت نشده اداره ثبت تکلیفی برای تحویل مورد انتقال ندارد و نیز مسئولیتی از جهت اشکالاتی که ممکن است در حین پذیرش تقاضای ثبت و یا بعد از آن از جهت اعتراض و غیره پیش آید، نخواهد داشت.

انتقال‌گیرنده برابر مقررات جاری بایستی برای درخواست ثبت مراجعه کند و باید کلیه هزینه‌های مربوط به اقدامات اجرائی را که از جهت توقیف ملک به وجود آمده بپردازد و پرونده اجرائی قبلی برابر مقررات تعقیب خواهد شد.

تبصره ـ معرفی ملک مجهول قبل‌از پذیرش تقاضای‌ثبت از جانب متعهد قبول نمی‌شود.

فصل هشتم ـ ارزیابی

ماده۹۸ـ در هر مورد که مالی معرفی می‌شود (اعم از بازداشت برای اسناد ذمه یا معرفی مورد وثیقه توسط هر یک از طرفین معامله، جهت ارزیابی) هرگاه معرفی‌کننده مال به مبلغ ارزیابی معترض باشد فقط می‌تواند ضمن امضاء صورتمجلس اعتراض خود را اظهار کند. هرگاه طرف دیگر هم حاضر و به ارزیابی معترض باشد مکلف است به همین نحو عمل نماید. در صورت عدم‌حضور مراتب ارزیابی حداکثر ظرف سه روز از طرف اجرای ثبت به آنان که حاضر نبودند، ابلاغ می‌شود.

ماده۹۹ـ هزینه ارزیابی به عهده معترض است و اگر هر دو معترض باشند، نصف

به‌عهده هر یک خواهدبود.

ماده۱۰۰ــ در هر مورد که از طرف متعهد یا ثالث مالی در قبال دین معرفی و بازداشت شود متعهدله می‌تواند تا قبل از انتشار آگهی مزایده، مال دیگری برای استیفای طلب خود معرفی کند مشروط به اینکه وصول طلب از این مال آسان‌تر باشد در این صورت مال معرفی شده بازداشت و ارزیابی می‌شود و معادل آن از اموال بازداشت شده سابق رفع بازداشت به عمل می‌آید. هزینه بازداشت و ارزیابی مجدد به عهده متعهدله است.

ماده۱۰۱ــ معترض که ضمن امضاء صورت مجلس به ارزیابی اعتراض کرده باید حداکثر ظرف سه روز به اجراء مراجعه و با اطلاع از میزان دستمزد کارشناس مجدد آن را ایداع و قبض مربوط را تسلیم اجراء کرده و رسید اخذ کند در موردی که طبق ماده ۹۸ این آئین‌نامه نتیجه ارزیابی ابلاغ می‌شود باید در آن میزان دستمزد کارشناس مجدد درج شود هرگاه مخاطب به ارزیابی معترض باشد ظرف ۵ روز از تاریخ ابلاغ باید کتباً اعتراض خود را با پیوست کردن قبض سپرده دستمزد کارشناس به اجراء تسلیم دارد. در صورتی که به ترتیب مقرر فوق اعتراض نرسید ارزیابی قطعی خواهدشد.

تبصره۱ــ در صورت واردبودن اعتراض معترض دستمزد کارشناس مجدد به عهده مدیون است.

تبصره۲ــ در صورتی که یک‌سال از تاریخ قطعیت ارزیابی مال غیرمنقول گذشته باشد، به درخواست هر یک از طرفین تا قبل از تنظیم صورتمجلس مزایده ارزیابی تجدید می‌گردد.

ماده۱۰۲ــ در هر مورد که به نظر کارشناس نخستین اعتراض شود رئیس ثبت محل به قید قرعه از بین سه نفر کارشناس رسمی یک نفر را انتخاب و مراتب را به طرفین و کارشناس منتخب ابلاغ و با تعیین مهلت مناسب به کارشناس اخطار می‌شود که اظهارنظر نماید.

ماده۱۰۳ــ دستمزد ارزیابی با در نظر گرفتن درجه علمی و تجربی کارشناس رسمی یا خبره محلی و محل ارزیابی و نوع مال ارزیابی شده و میزان کار توسط رئیس ثبت محل معین می‌شود.

فصل نهم ــ در وثیقه

ماده۱۰٤ــ هرگاه مورد وثیقه مال منقول باشد بستانکار می‌تواند بلافاصله بعد از ابلاغ اجرائیه درخواست بازداشت آن را بکند.

ماده۱۰۵ــ هرگاه مالی وثیقه برای دین یا ضمانت قرار داده شود و عنوان رهن و معاملات با حق استرداد را نداشته باشد نیز کلیه مقررات اجرائی اسناد رهنی و معاملات با حق استرداد درباره آن مجری خواهدبود.

ماده۱۰٦ــ هرگاه منافع مورد وثیقه به وثیقه‌گیرنده به اجاره واگذار شده باشد اجرائیه‌ای که برای وصول اجرت‌المسمی صادر می‌گردد مانند اجرائیه اسناد ذمه‌ای است و متعهدله می‌تواند درخواست بازداشت سایر اموال متعهد را بکند.

ماده۱۰۷ــ در مواردی که وثیقه‌دهنده غیر از مدیون اصلی است ابلاغ اجرائیه و سایر عملیات اجرائی باید به طرفیت مالک وثیقه و مدیون جریان یابد.

ماده۱۰۸ــ در معاملات رهنی و یا با حق استرداد و وثایق حُسن انجام خدمات معامله‌کننده می‌تواند با قید حق بستانکار مقدم و ذکر تاریخ انقضای سند مقدم مورد معامله را برای وام‌های دیگر وثیقه یا تأمین دهد در صورت فک معامله مقدم، تمام مال مورد معامله در وثیقه بستانکاران بعدی به ترتیب تقدم قرار می‌گیرد، معاملات بعدی باید در همان دفترخانه تنظیم‌کننده سند مقدم واقع شود، سر دفتر مکلف است وقوع معامله مؤخر را با ذکر مشخصات کامل بستانکار معامله مازاد در ملاحظات ثبت سند مقدم نیز قید کند، دارنده حق استرداد اعم از بدهکار اصلی یا منتقل‌الیه می‌تواند با قید حق بستانکار یا بستانکاران و ذکر تاریخ انقضاء مدت حق استرداد خود را واگذار کند در این صورت اجرائیه و عملیات اجرائی باید علیه آخرین منتقل‌الیه صادر و تعقیب گردد مگر اینکه مرتهن از رهن رجوع کند یا از مندرجات سند رهنی و یا سند رسمی دیگر، دفترخانه احراز کند که مقرر بین طرفین این بوده که مرتهن برای وصول طلب خود اجرائیه علیه راهن صادر کند نه منتقل‌الیه، مثل اینکه در سند رهنی شرط شود که راهن حق صلح حقوق و یا واگذاری حق استرداد را ندارد که در این قبیل موارد واگذاری حق استرداد به غیر نسبت به مرتهن مؤثر نبوده و اجرائیه علیه بدهکار اصلی و در صورت فوت علیه قائم‌مقام او صادر و تعقیب خواهد شد.

تبصره ــ تنظیم هر نوع سند بین بدهکار و یک و یا چند نفر از بستانکاران که موجب

شود مدت سند تمدید گردد و یا مبلغ موضوع سند افزایش یابد بدون موافقت بقیه بستانکاران بعدی ممنوع بوده و قابل ترتیب اثر نمی‌باشد.

ماده۱۰۹ـ بستانکار معامله مؤخر می‌تواند پس از انقضای مدت سند مقدم کلیه بدهی موضوع سند مقدم را قبل از صدور اجرائیه سند مذکور پرداخت یا ایداع نماید نحوه پرداخت یا سپردن وجه و صدور گواهی و انعکاس مراتب در پرونده ثبتی ملک به شرح مندرج در ماده ١٤٦ این آئین‌نامه می‌باشد و دفتر تنظیم‌کننده سند، وثیقه بودن مال را در ازاء طلب بستانکار بابت معامله مؤخر و وجوه پرداختی بابت طلب بستانکار مقدم در دفتر قید می‌نماید در این صورت صدور اجرائیه به مأخذ هر دو طلب و متفرعات آن خواهد بود.

ماده۱۱۰ـ بستانکار معامله مؤخر می‌تواند قبل از فروش مال از طریق مزایده یا تنظیم سند انتقال ملک به بستانکار مقدم کلیه بدهی موضوع سند مقدم را پرداخت و یا ایداع نموده و تقاضای استیفای حقوق خود را از اداره ثبت بنماید. در این مورد عملیات اجرایی نسبت به هر دو سند توأماً انجام می‌گیرد و در صورتی که مدت سند بستانکار مؤخر، حال نشده باشد پس از حال شدن موعد، عملیات اجرائی به ترتیب مذکور در ماده ١٤٦ انجام خواهد شد.

ماده۱۱۱ـ بعد از ابلاغ کلیه اجرائیه‌های صادره و اعاده آن، ممیز یا کارشناس اجراء مکلف است با رسیدگی لازم اگر نقصی در ابلاغ اجرائیه وجود نداشته باشد، صحت آن را روی نسخه ابلاغ شده گواهی و به تأیید رئیس یا معاون یا مسئول اجرا برساند.

ماده۱۱۲ـ مرتهن می‌تواند مادام که دین بر ذمه راهن باقی است از رهینه اعراض کند هرگاه اعراض قبل از صدور اجرائیه باشد باید مرتهن در دفتر اسناد رسمی مربوطه حاضر شود و با ذکر توضیح در ملاحظات ثبت سند مراتب قید و به امضاء او برسد، در این صورت با توضیح موضوع اعراض اجرائیه صادر خواهد شد. اگر پس از صدور اجرائیه رهنی اعراض به عمل آید باید مراتب کتباً به اجراء اعلام و رئیس اجراء پس از احراز صحت انتساب تقاضانامه مذکور موضوع را به متعهد ابلاغ کرده و برابر مقررات اسناد ذمه‌ای عمل بنماید.

تبصره ـ با تنظیم صورتمجلس مزایده حق اعراض از رهن از مرتهن ساقط می‌گردد.

ماده۱۱۳ـ هرگاه اعراض از رهن در حین عملیات اجرائی باشد، اجراء مکلف است

مراتب را به دفتر تنظیم‌کننده سند اعلام کند. در این مورد و نیز در موردی که اعراض در دفترخانه اسناد رسمی به عمل می‌آید دفتر اسناد رسمی اطلاعنامه فسخ مربوطه را به‌اداره ثبت ارسال خواهد داشت، اگر موعد سند منقضی نشده باشد به مجرد اعراض مورد رهن آزاد و حق عینی بستانکار به حق ذمی تبدیل می‌گردد و مطالبه وجه و صدور اجرائیه برای وصول آن موکول به انقضاء مدت مذکور در سند معامله خواهد بود. در مورد وراث مدیون و نیز وقتی که راهن متعدد بوده و فک رهن و فسخ موکول به اداء تمام دین شده باشد اعراض از رهن باید نسبت به تمام مرهونه باشد و اعراض از رهن نسبت به سهم یک یا چند نفر از بدهکاران وقتی پذیرفته می‌شود که حق مطالبهٔ دین بدهکارانی که از رهینه آنها اعراض گردیده از سایر بدهکاران اسقاط شده باشد و هرگاه مازاد مرهونه به نفع غیر بازداشت شده باشد در صورت اعراض از رهن بازداشت مازاد به بازداشت اصل تبدیل می‌گردد.

ماده۱۱٤ــ در صورتی که مازاد مال مورد وثیقه از طریق اجرای ثبت یا مراجع صالح قانونی دیگر بازداشت شود به مجرد وصول دستور بازداشت باید مراتب در دفتر بازداشتی ثبت شود و بازداشت به مجرد ابلاغ به مدیون یا ثبت مفاد آن در دفتر بازداشتی تحقق خواهد یافت و هرگاه معامله‌ای که مازاد آن بازداشت شده فسخ شود خود به خود بازداشت مازاد به اصل تبدیل خواهدشد، در هرحال مفاد بازداشت باید بلافاصله به دفتر تنظیم‌کننده سند ابلاغ و دفتر مزبور مکلف است مفاد آن را در ملاحظات ثبت معامله قید کرده و اگر سند معامله به صدور اجرائیه منتهی شده باشد مراتب را به اجراء مربوط اعلام دارد.

ماده۱۱٥ــ هرگاه مقداری از وثیقه قبل یا بعد از صدور اجرائیه تلف شده باشد و بستانکار از مورد وثیقه عدول نکند سند وثیقه به نسبت قیمت جزئی که طبق ارزیابی باقی‌مانده به اعتبار خود باقی است و نسبت به مابقی طبق اسناد ذمه عمل خواهد شد.

ماده۱۱٦ــ در مواردی که موضوع وثیقه قبل از ختم عملیات اجرائی به حکم قوانین خاص به تملک ثالث درمی‌آید و یا به علت عدم تکافوی مورد وثیقه متعهدله به کل طلب خود نمی‌رسد متعهدله می‌تواند برای وصول مانده طلب طبق مقررات اجرائی راجع به اسناد ذمه از طریق اداره ثبت اقدام کند.

ماده۱۱۷ــ هرگاه مورد وثیقه واقعاً یا حکماً تلف شود، سند تابع مقررات اسناد ذمه‌ای

خواهد بود.

ماده۱۱۸ـ تشخیص غیرقابل تجزیه‌بودن مال (منقول و غیرمنقول) مورد معامله یا مورد بازداشت به عهده اجراء است.

ماده۱۱۹ـ انتقال قهری حق استرداد به وراث بدهکار، موجب تجزیه مورد معامله نخواهد بود. هرگاه قبل از صدور اجرائیه یا قبل از خاتمه عملیات اجرائی کلیه بدهی و خسارت قانونی و حق‌الاجرا در صورت صدور اجرائیه از ناحیه احد از وراث مدیون در صندوق ثبت یا مرجع دیگری که اداره ثبت تعیین نماید، تودیع شود، مال مورد معامله در وثیقه وارث مزبور قرار می‌گیرد. در این مورد هرگاه هر یک از وراث به نسبت سهم‌الارث بدهی خود را به وارث مزبور بپردازد، به همان نسبت از مورد وثیقه به نفع او آزاد خواهد شد.

ماده۱۲۰ـ هرگاه بعد از ابلاغ اجرائیه به مدیون وقوع فوت بدهکار مستند به مدرک رسمی اعلام شود اجرا ضمن عملیات اجرائی اطلاعیه‌ای حاوی صدور اجرائیه و اینکه عملیات اجرایی در چه مرحله‌ای است به محل اقامت مدیون متوفی الصاق می‌کند چنانچه ابلاغ اجرائیه به مدیون از طریق درج در روزنامه به عمل آمده باشد اطلاعیه موصوف یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل یا نزدیک به محل، آگهی می‌شود. در این صورت تنظیم صورتمجلس مزایده و یا تنظیم سند انتقال و همچنین ثبت ملک در دفتر املاک به نام خریدار یا بستانکار محتاج به ارائه گواهی حصر وراثت نخواهد بود در مورد فوق هرگاه مال در مزایده به فروش برسد پرداخت مازاد به وراث موکول به ارائه گواهی حصر وراثت و گواهی دارائی است.

تبصره ـ در صورت فوت مدیون در خلال عملیات اجرائی ادامه عملیات موکول به معرفی ورثه از طرف متعهدله خواهد بود.

فصل دهم ـ در مزایده

ماده۱۲۱ـ در اجرای اسناد ذمه‌ای یا وثیقه پس از ارزیابی مال و قطعیت آن با رعایت نکات ذیل آگهی مزایده منتشر می‌گردد:

الف ـ آگهی مزایده اموال غیرمنقول

در آگهی مزایده اموال غیرمنقول نکات زیر تصریح می‌شود:

۱ـ نام و نام خانوادگی مالک.

۲ـ محل و حدود و مقدار و توصیف اجمالی ملک.

۳ـ هرگاه واگذاری منافع در اسناد وثیقه مستند به سند رسمی و در اسناد ذمه‌ای مستند به سند رسمی یا عادی باشد خواه مدت آن منقضی شده یا نشده باشد مراتب با ذکر مال‌الاجاره و آخر مدت اجاره در آگهی مزایده منتشره در روزنامه و آگهی‌های الصاقی قید می‌گردد.

٤ـ تعیین اینکه مورد مزایده مشاع است یا مفروز.

۵ ـ تعیین اینکه ملک ثبت شده است یا نه.

٦ ـ اشاره به اینکه پرداخت بدهی‌های مربوط به آب، برق، گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از اینکه رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است.

۷ـ روز و محل و ساعت شروع و ختم مزایده.

۸ ـ قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود.

ب ـ آگهی مزایده اموال منقول

در آگهی مزایده اموال منقول نکات زیر تصریح می‌شود:

۱ـ نوع اموال مورد مزایده و توصیف اجمالی آن.

۲ـ روز و محل و ساعت شروع و ختم مزایده.

۳ـ قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود.

ماده۱۲۲ـ آگهی مزایده در یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار محل و اگر در محل نباشد در روزنامه کثیرالانتشار نزدیک‌ترین به محل، منتشر و فاصله انتشار تا روز مزایده نباید از ۱۵ روز کمتر باشد و علاوه بر این آگهی، آگهی الصاقی تهیه و به محل وقوع ملک، محل مزایده، ابنیه عمومی از قبیل شهرداری، بخشداری، فرمانداری، نیروی انتظامی، دادگستری و ثبت اسناد محل الصاق می‌شود.

در مورد اموالی که به کمتر از ده‌میلیون ریال به مزایده گذاشته می‌شود، فقط آگهی الصاقی

کافی است.

ماده۱۲۳ــ هرگاه مورد وثیقه چند ملک باشد که در نقاط مختلف کشور قرار دارند آگهی مزایده در همه نقاط مذکور الصاق می‌شود و در آگهی تصریح می‌گردد که جلسه مزایده در اجرای ثبت محل تنظیم سند که شهر .... است تشکیل خواهد شد.

ماده۱۲٤ــ هرگاه مال مورد مزایده بیمه باشد باید در آگهی مزایده این نکته اعلام گردد و در صورتی که مال مورد مزایده به دیگری واگذار می‌شود باید به بیمه‌گر اعلام گردد.

ماده۱۲۵ــ پس از مزایده در صورت وجود مازاد، برندهٔ مزایده می‌تواند وجوه پرداختی موضوع فراز ٦ بند الف ماده ۱۲۱ این آئین‌نامه را از محل مازاد مذکور مسترد نماید. در صورتی که مورد مزایده به بستانکار واگذار می‌شود کلیه هزینه‌های مذکور از بستانکار دریافت و جزء مطالبات وی محسوب خواهد شد و به موجب همان اجرائیه قابل وصول است.

تبصره ــ هرگاه آگهی مزایده برخلاف ماده ۱۲۱ الی ۱۲٤ باشد قبل از تنظیم و امضاء صورتمجلس مزایده به دستور رئیس ثبت آگهی تجدید می‌گردد.

ماده۱۲٦ــ مزایده حضوری است و در یک جلسه از ساعت ۹ تا ۱۲ برگزار می‌شود در صورتی که مال بازداشتی یا مورد وثیقه در جلسه مزایده خریدار پیدا نکند مال با دریافت حق‌الاجرا و حق مزایده به قیمتی که مزایده از آن شروع می‌شود به بستانکار واگذار می‌شود و اگر مازاد بر طلب داشته باشد از بستانکار وصول می‌گردد.

تبصره ــ درصورتی که بستانکار (دارنده وثیقه) قادر به استرداد مازاد بر طلب خود نباشد، در صورت تقاضا به نسبت طلب، از مال مورد مزایده به وی واگذار می‌شود.

ماده۱۲۷ــ اجراء علاوه بر دفاتر اداری لازم دارای دفاتر زیر خواهد بود:

دفتر مختومه و دفتر اوقات مزایده.

ماده۱۲۸ــ رئیس و کارمندان اداره ثبت محل و اجراء مباشرین فروش و نماینده دادستان حق شرکت در مزایده به عنوان مشتری به طور مستقیم یا غیرمستقیم را نخواهد داشت.

ماده۱۲۹ــ شرکت در جلسه مزایده برای عموم آزاد است و جلسه مزایده با حضور

رئیس اداره یا مسئول اجراء و متصدی مزایده و نماینده دادستان تشکیل خواهد شد.

در مزایده اموال منقول مأمور اجرای مربوطه به جای مسئول اجرا یا رئیس اداره شرکت می‌نماید.

ماده۱۳۰ــ مسئول مزایده باید وقت مزایده را در پیش‌نویس آگهی مزایده تعیین، با قید روز و ساعت در دفتر اوقات مزایده یادداشت کند.

ماده۱۳۱ــ حق مزایده (حق حراج) طبق آئین‌نامه مخصوص و سایر مقررات مربوط در صورت انجام‌شدن مزایده دریافت و جزء درآمد عمومی به خزانه‌داری کل تحویل می‌شود.

ماده۱۳۲ ــ مسئول یا متصدی مزایده باید وجوه حاصل از فروش را همه روزه به بانک ملی تحویل داده قبض رسید آن را با صورت فروش فوراً به اجراء تسلیم و رسید بگیرد.

ماده۱۳۳ــ کتب و رسالات و مقالات خطی صاحب اثر قابل بازداشت و مزایده نیست مگر با رضایت وی.

ماده۱۳٤ــ مزایده اموال ضایع‌شدنی و حیوانات که برای استیفای طلب معرفی می‌شود به دستور مسئول اجرا بلافاصله و بدون تشریفات در محل بوسیله مأمور اجرا و با حضور نماینده دادستان و نظر کارشناس رسمی یا خبره محلی به عمل می‌آید.

ماده۱۳۵ــ صورتمجلس مزایده باید به امضاء مسئولین امر و نماینده دادستان و خریدار و نیز مدیون و دائن یا نمایندگان آنان در صورت حضور برسد.

ماده۱۳٦ــ فروش مال به نسیه جایز نیست مگر اینکه متعهدله فروش به نسیه را قبول و مدیون نیز مازاد را نقداً دریافت و یا نسبت به مازاد نسیه را قبول نمایند در هر دو صورت خود مسئول وصول خواهند بود و حق مزایده، نقداً دریافت می‌شود.

ماده۱۳۷ــ تحویل مال منقول به کسی که برابر مقررات در مزایده برنده شده است و وصول حق‌الاجرا و حق مزایده و سایر حقوق قانونی و پرداخت وجه مازاد به مدیون با مسئول اجراء و دستور تهیه پیش‌نویس سند انتقال و ثبت و امضاء آن در دفتر اسناد رسمی طبق مقررات در مورد اموال منقول و غیرمنقول با رئیس ثبت محل می‌باشد.

ماده۱۳۸ــ در موارد زیر فروش از درجه اعتبار ساقط است و باید آگهی مزایده طبق

مقررات تجدید شود:

۱ـ هرگاه فروش در روز و ساعت و یا محلی که در آگهی معین شده به عمل نیاید.

۲ـ هرگاه بدون جهت قانونی مانع خرید کسی شوند و یا بالاترین قیمتی را که پیشنهاد شده است رد کنند.

۳ـ در صورتی که مزایده بدون حضور نماینده دادسرا به عمل آید.

٤ـ در صورتی که مباشرین فروش و کارمندان اداره ثبت در خرید شرکت کرده باشند.

ماده۱۳۹ـ اموال منقول پس از وصول حق‌الاجرا و حق مزایده بلافاصله در جلسه مزایده تحویل خریدار شده و یک نسخه از صورتمجلس مزایده به وی تسلیم می‌شود و اگر قانوناً سند انتقال اجرائی برای مال منقول لازم باشد پیش‌نویس سند انتقال تهیه می‌شود.

ماده۱٤۰ـ در مورد مال غیرمنقول پس از انجام مزایده باید اجرا ظرف ٤۸ ساعت پرونده را فهرست و منگنه کرده پیوست گزارش برای صدور سند انتقال نزد رئیس ثبت بفرستد.

تبصره ـ پس از تنظیم سند انتقال اجرائی در دفتر اسناد رسمی اداره ثبت محل به‌درخواست خریدار یا بستانکار مکلف به تخلیه و تحویل مورد معامله طبق مقررات خواهدبود.

ماده۱٤۱ـ هرگاه بستانکار با وصول قسمتی از طلب خود تقاضای فک رهن از برخی وثایق را بنماید اداره ثبت با وصول حقوق اجرائی براساس میزان وصولی بستانکار مراتب را جهت فک رهن از وثایق مذکور به دفتر اسناد رسمی مربوطه اعلام می‌نماید.

ماده۱٤۲ـ در مورد معاملات رهنی هرگاه بدهکار و راهنین متعدد بوده و تاریخ ابلاغ اجرائیه به آنان متفاوت باشد برای هر یک از آنها تاریخ ابلاغ مؤخر مبداء احتساب ۱۰ روز می‌باشد.

ماده۱٤۳ـ عملیات مزایده جز در موارد ذیل متوقف نخواهد شد:

۱ـ وصول حکم یا دستور موقت یا قرار توقیف عملیات اجرائی.

۲ـ اعتراض به نظریه رئیس ثبت تا صدور رأی هیأت نظارت.

۳ـ رأی هیأت نظارت یا شورای عالی ثبت بر ابطال عملیات اجرائی.

٤ـ پرداخت کلیه مطالبات بستانکار و حقوق اجرائی.

ماده١٤٤ــ هرگاه مورد مزایده رقبات متعدد باشد اگر برای هر یک از رقبات خریدار جداگانه پیدا شود و جمع مبلغ خرید بیشتر از طلب بستانکار باشد اقدام به فروش و تنظیم صورتمجلس خواهد شد و در صورتیکه حاصل فروش بعضی از رقبات کافی برای پرداخت بدهی گردد، از تنظیم صورتمجلس مزایده نسبت به بقیه خودداری می‌شود و در این مورد بدهکار می‌تواند برای فروش یک یا بعضی از رقبات رعایت تقدم را تقاضا کند خرید در این قبیل موارد کلاً نقدی است و خریداران باید وجه نقد تحویل و یا بستانکار معادل طلب خود فروش نسیه را قبول کند که در این صورت شخصاً مسئول وصول طلب از خریدار خواهد بود.

تبصره ــ چنانچه مورد مزایده اموال منقول باشد، درخواست مدیون برای تقدم و تأخر فروش پذیرفته می‌شود.

ماده١٤٥ــ در کلیه معاملات مذکور در ماده ٣٤ اصلاحی قانون ثبت بدهکار می‌تواند با تودیع کلیه بدهی خود اعم از اصل و سود و خسارت قانونی به حساب سپرده ثبت و تسلیم مدارک تودیعی به دفترخانه تنظیم‌کننده سند موجبات فسخ و فک سند را فراهم کند. در صورت صدور اجرائیه گواهی اداره اجراء مبنی بر بلامانع بودن فک و فسخ معامله ضروری خواهد بود. هر بستانکاری که حق بازداشت اموال بدهکار را دارد نیز می‌تواند کلیه بدهی موضوع سند و حقوق اجرائی را پرداخت و تقاضای استیفای حقوق خود را از اداره ثبت بنماید.

ماده١٤٦ــ در کلیه معاملات مذکور در ماده ٣٤ اصلاحی قانون ثبت بستانکاری که حق درخواست بازداشت اموال بدهکار را دارد و بخواهد کلیه بدهی موضوع سند و حقوق اجرائی را (در صورت صدور اجرائیه) بپردازد مورد معامله در ازاء هر دو بدهی و متفرعات قانونی به محض پرداخت مزبور در بازداشت خواهد بود و مراتب در دفتر بازداشتی منعکس می‌شود و در این صورت مراتب ذیل باید رعایت شود:

١ـ در صورت صدور اجرائیه با پرسش از اجراء مربوطه میزان بدهی و خسارات و حقوق اجرائی را تعیین و سپس با ایداع آن در صندوق ثبت قبض آن را به اجراء تحویل و تقاضای فسخ سند را خواهد کرد.

۲ـ اجراء مکلف است در صورتی که تمامی دین و خسارات و حقوق اجرائی پرداخت شده باشد مراتب را برای فسخ سند به دفترخانه اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند اعلام و به واحد ثبتی مربوطه نیز اطلاع بدهد که رقبه مورد معامله به سود تودیع‌کننده وجه بازداشت شده است و در صورتی که پرونده اجرائی تودیع‌کننده مذکور در همان اجراء در جریان باشد بلافاصله مراتب بازداشت را در دفاتر مربوطه منعکس کند و اگر پرونده در آنجا نباشد باید گواهی لازم دایر به تودیع وجه و صدور دستور فسخ با ذکر مبلغ تودیعی و نام پرداخت‌کننده و شماره نامه‌ای که ضمن آن بازداشت به واحد ثبتی اعلام شده صادر و به متقاضی تسلیم دارد.

۳ـ هرگاه نسبت به مورد معامله اجرائیه صادر نشده باشد باید ذینفع با مراجعه به دفتر اسناد رسمی تنظیم‌کننده سند و با اطلاع از بدهی تمام آن را در صندوق ثبت سپرده و رسید آن را به دفترخانه تسلیم دارد، دفتر اسناد رسمی مکلف است اگر تمام دین سپرده شده باشد نسبت به فسخ سند به شرح فوق اقدام و گواهی لازم دایر به ایداع وجه و فسخ معامله با ذکر نام پرداخت‌کننده و مبلغ سپرده صادر و به متقاضی تسلیم دارد.

٤ـ در موردی که پرونده اجرائی در دایرهٔ دیگری در جریان است و یا سند مربوط منتهی به صدور اجرائیه نشده، ذینفع باید گواهی مربوط را به دایرهٔ اجرائی که پرونده در آن دایره در جریان است تسلیم و درخواست بازداشت ملک را بکند. دایرهٔ اخیرالذکر مکلف است بلافاصله دستور بازداشت ملک را صادر کند.

۵ ـ هرگاه مورد معامله در جریان عملیات اجرائی باشد و منتهی به صورت مجلس قطعی مزایده و یا صدور سند انتقال اجرائی نشده باشد. با سپردن وجه از طرف بدهکار یا بازداشت‌کننده مقدم مازاد مورد وثیقه، سند، فسخ و پرونده اجرائی مختومه می‌گردد و مراتب به دفترخانه تنظیم‌کننده سند اعلام می‌گردد که موضوع را در ملاحظات ثبت سند قید نماید.

٦ ـ در موارد مذکور در ماده فوق و ماده ١٤٥ هرگاه منافع مال مورد معامله حق سکنی بوده و به بستانکار منتقل شده باشد باید حق نامبرده تا آخر مدت مذکور در سند رعایت شود.

فصل یازدهم ـ تخلیه و ختم عملیات اجرائی

ماده۱٤۷ـ در انتقال قطعی ملک هرگاه اجرائیه تخلیه صادر گردد و ثالث بـه موجـب سندرسمی اجاره در ملک موردتخلیه سـاکن باشـد اجـراء ثبـت از تخلیـه ملـک خـودداری می‌نماید.

تبصره۱ـ در محل‌هائی که قانون روابط موجر و مستأجر اجـرا مـی‌شـود اجـاره‌نامـه غیررسمی از جهت تخلیه در حکم سند رسمی است.

تبصره۲ـ در مواردیکه سکونت شخص ثالث مستند به سند رسمی یـا عـادی اجـاره نباشد اجرای ثبت مکلف به تخلیه است.

ماده۱٤۸ـ هرگاه مورد وثیقه سهم مشاع از ملک باشـد لـیکن بـا توافـق بـه تصـرف مرتهن در قسمت مفروز از ملک رضایت داده باشند اجرا سند از جهـت تخلیـه مـال مـورد رهن به تخلیه مورد تصرف خواهد بود.

ماده۱٤۹ـ هرگاه در سند وثیقه سلب حق انتقال منافع از متعهد شـده باشـد، تخلـف متعهد مانع تخلیه وثیقه به نفع برنده در مزایده نخواهد بود و لو آنکه ثالث به موجـب سـند رسمی در تاریخ موخر وثیقه را اجاره گرفته باشد.

ماده۱۵۰ـ هرگاه وثیقه پلاک معین و بنای واقع در آن باشد و بعـدا معلـوم شـود کـه قسمتی از بنا روی زمین مجاور که متعلق به غیر است قـرار گرفتـه اسـت تخلیـه و تحویـل قسمتی از بنا که از پلاک مـذکور بـه خـارج تجـاوز کـرده اسـت مـدلول سـند نبـوده و از صلاحیت ادارات ثبت خارج است.

ماده۱۵۱ـ هرگاه موقع تحویل معلوم شود که شخص یا اشخاص ثالث بـدون مجـوز در آن احداث اعیان کرده‌اند تحویل مورد وثیقه به وسیله اجرا ثبت با وضع موجـود اشـکال ندارد.

ماده۱۵۲ـ تحویل اگر به طور مطلق در سند ذکر شده باشد محمول به تخلیه است.

ماده۱۵۳ـ مأمور اجرا در مورد تخلیه ملـک بایـد بـا حضـور نماینـده دادسـتان و در صورت لزوم با حضور مأمور انتظامی طبق مقررات اقدام‌نماید عدم‌حضور متعهد و بسـتگان و خادمینش مانع تخلیه نخواهد بود و اگر اموالی در محـل موردتخلیـه وجـود داشـته باشـد صورت تفصیلی آن را برداشته و حتی‌الامکان در همان محل در مکـان محفـوظی گـذارده و درب آن را مهر و موم می‌کند و یا آن را به متعهدله یا امینی سپرده و رسید دریافت نماید.

تبصره۱ــ در مورد فوق بستانکار یا امین حق مطالبه حق‌الحفاظه را دارد.

تبصره۲ــ پس از اینکه اموال به حافظ سپرده شد، به درخواست متعهدله، اجرا به مالک اموال اخطار می‌نماید که ظرف مدت یک ماه به اجرا مراجعه و اموال خود را تحویل بگیرد والاّ طبق مقررات، اموال ارزیابی و به مزایده گذاشته خواهد شد و وجه حاصله به صندوق ثبت واریز تا در صورت مراجعه و پس از کسر هزینه‌های اجرائی، وجه به مالک اموال مسترد گردد. در صورت عدم وجود خریدار در مزایده، حفاظت کماکان ادامه خواهد یافت.

ماده۱۵٤ــ اداره ثبت محل در موقع تخلیه عین مستاجره و همچنین ختم پرونده‌های اجرائی باید مراتب تخلیه و ختم پرونده را به دفاتر اسناد رسمی مربوطه اعلام دارند که در ستون ملاحظات ثبت دفتر قید و اقدام لازم معمول گردد.

ماده۱۵۵ــ ختم عملیات اجرائی حسب مورد عبارت است از:

الف ـ وصول کلیه طلب بستانکار و حقوق دولتی و هزینه‌های قانونی.

ب ـ تحویل مال منقول به برنده مزایده.

ج ـ تنظیم و امضاء سند انتقال اجرائی اموال غیرمنقول در دفاتر اسناد رسمی.

د ـ تحقق تخلیه یا تحویل در مواردی که اجرائیه برای تخلیه یا تحویل صادر شده باشد.

و ـ اجرای تعهد متعهد.

تبصره ــ در صورتیکه مال از طریق مزایده به شخص ثالث فروخته شود ختم عملیات اجرائی تاریخ تنظیم صورتمجلس مزایده خواهد بود.

فصل دوازدهم ــ هزینه‌های اجرائی

ماده۱۵٦ــ وصول حق‌الاجرا به همان طریقی که برای وصول موضوع تعهد مقرر است به عمل خواهد آمد و رئیس ثبت می‌تواند نظر به مبلغ حق‌الاجرا هر طریق دیگری را که برای وصول مناسب بداند اختیار کند.

ماده۱۵۷ــ حق‌الاجرا از هر اداره یا دایره یا شعبه که وصول می‌شود به حساب درآمد عمومی منظور و یک نسخه از قبض صادر شده به اداره صادرکننده اجرائیه ارسال می‌شود.

ماده۱۵۸ــ در هر پرونده اجرائی برابر ماده ۱۳۱ قانون ثبت و تبصره آن و سایر

مقررات مربوطه (حسب مورد) پس از ابلاغ اجرائیه حق‌الاجرا وصول می‌شود مگر اینکه مرجعی که پرداخت حق‌الاجرا به عهده اوست به موجب مقررات خاصی از پرداخت آن معاف شده باشد.

تبصره۱ـ چنانچه بدهکار از تاریخ ابلاغ اجرائیه ظرف مدت ۱۰ روز مفاد آن را بموقع اجرا بگذارد از پرداخت حق‌الاجرا معاف خواهد بود.

تبصره۲ـ هرگاه بدهکار قبل از تنظیم و امضاء صورتمجلس مزایده نسبت به پرداخت تمام بدهی خود اقدام نماید نصف حق‌الاجرا وصول می‌شود.

ماده۱۵۹ـ هرگاه سند معامله معارض اشتباهاً منتهی به صدور اجرائیه و ابلاغ شده باشد مادام که حکم قطعی بر اعتبار سند صادر نشده است حق‌الاجرا تعلق نمی‌گیرد.

ماده۱٦۰ـ در هر مورد که پس از صدور اجرائیه و ابلاغ به جهت قانونی عملیات اجرائی متوقف یا توقیف شود مادام که رفع توقف یا توقیف نشده باشد حق‌الاجرا تعلق نمی‌گیرد موارد مذکور در تبصره ماده ۱۳۱ قانون ثبت از این حکم مستثنی است.

ماده۱٦۱ـ در مواردی که اجرائیه صادر و ابلاغ شده و سپس به علت احراز ورشکستگی به اداره تصفیه ارجاع می‌شود، حق‌الاجرا تعلق نمی‌گیرد مگر اینکه حکم ورشکستگی نقض و عملیات اجرائی در ثبت به انجام برسد.

ماده۱٦۲ـ به خسارت تأخیر حق‌الاجرا تعلق می‌گیرد و همین طور است حق‌الوکاله اگر جزو مدلول سند باشد.

ماده۱٦۳ـ ابراء ذمه متعهد، بعضاً یا کلاً پس از ابلاغ اجرائیه موجب سقوط ذمه متعهد از حق‌الاجرا نمی‌شود و برابر تبصره ماده ۱۳۱ قانون ثبت باید وصول شود.

ماده۱٦٤ـ در مواردی که تخلیه مورد اجاره هم جزء موضوع لازم‌الاجراء باشد حقوق دولتی برای تخلیه مورد اجاره از میزان مال‌الاجاره سه ماه دریافت خواهد شد اگر بعد از ابلاغ اجرائیه و قبل از تخلیه طرفین سازش نمایند و یا موجر از تخلیه منصرف شود حق‌الاجرا تخلیه باید وصول گردد لیکن در مواقعی که به علت پرداخت شدن اجور از تخلیه عین مستأجر خودداری و ختم عملیات اجرائی موکول به صدور حکم قطعی دادگاه می‌شود مادام که عمل تخلیه انجام نگردیده مطالبه حق‌الاجرای تخلیه مورد نخواهد داشت.

تبصره ـ در غیر موارد اجاره هرگاه موضوع لازم‌الاجراء تحویل یا تخلیه عین مورد

تعهد باشد حق‌الاجرا مقرر در قانون ثبت در صورت معامله قطعی از میزان اجاره سه ماهه دریافت می‌شود و میزان اجاره نسبت به بهای ملک که در سند تعیین شده از قرار صدی دوازده در سال معین می‌شود و نسبت به مواردی که قیمت در سند ذکر نشده ملاک عمل ارزش معاملاتی موضوع قانون مالیات‌های مستقیم خواهد بود و در صورت نبودن قیمت معاملاتی طبق نظر کارشناس ارزیابی خواهد شد.

ماده۱٦٥ـ هرگاه محرز شود که متعهد در تاریخ ابلاغ اجرائیه ورشکسته یا محجور بوده است حق‌الاجرا تعلق نمی‌گیرد.

ماده۱٦٦ـ هرگاه بستانکار درخواست کند که از ابلاغ اجرائیه خودداری شود، فقط در صورتی که محرز باشد اجرائیه پیش از وصول و ثبت تقاضای مذکور در دفتر اداره ثبت صلاحیت‌دار ابلاغ شده است حق‌الاجرا تعلق می‌گیرد.

ماده۱٦٧ـ جز در مورد ماده فوق در هر مورد دیگر که رأی رئیس ثبت یا قائم‌مقام او بر عدم تعلق حق‌الاجرا باشد به مسئول حسابداری و در واحدهای ثبتی که مسئول حسابداری ندارد به حسابدار ابلاغ و نامبرده مکلف است به رأی مزبور اعتراض نماید تا موضوع در هیأت نظارت مطرح و رسیدگی شود رأی هیأت به استناد بند ۸ ماده ۲۵ قانون ثبت اصلاحی سال ۱۳۵۱ قطعی است.

ماده۱٦٨ـ مادام که مزایده صحیحاً واقع نشده حق مزایده تعلق نمی‌گیرد.

فصل سیزدهم ـ شکایت از عملیات اجرائی و طرز رسیدگی به شکایات

ماده۱٦٩ـ عملیات اجرائی بعد از صدور دستور اجرا (مهر اجرا شود) شروع و هر کس (اعم از متعهد سند و هر شخص ذینفع) که از عملیات اجرائی شکایت داشته باشد می‌تواند شکایت خود را با ذکر دلیل و ارائه مدارک به رئیس ثبت محل تسلیم کند و رئیس ثبت مکلف است فوراً رسیدگی نموده و با ذکر دلیل رأی صادر کند. نظر رئیس ثبت به هر حال برابر مقررات به اشخاص ذینفع ابلاغ می‌شود و اشخاص ذینفع اگر شکایتی از تصمیم رئیس ثبت داشته باشند می‌توانند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ شکایت خود را به ثبت محل و یا هیأت نظارت صلاحیت‌دار تسلیم نمایند تا قضیه برابر بند ۸ ماده ۲۵ اصلاحی قانون ثبت در هیأت نظارت طرح و رسیدگی شود.

ماده۱۷۰ـ در مورد اعتراض به نظر رئیس ثبت بایستی رونوشت کامل یا فتوکپی

مدارک ذیل به ضمیمه گزارش جامع و صریح و مشروح ثبت محل از جریان پرونده و موضوع شکایت به نحوی که محتاج به تکرار مکاتبه نباشد به هیأت نظارت فرستاده شود:

۱ـ رونوشت کامل یا فتوکپی اعتراض نامه ذینفع و ضمائم آن به عملیات اجرائی.

۲ـ رونوشت کامل یا فتوکپی گزارش رئیس یا ممیز اجرا که مستند نظر رئیس ثبت بوده است.

۳ـ رونوشت کامل یا فتوکپی نظر رئیس ثبت.

٤ـ رونوشت کامل یا فتوکپی شکایت‌نامه ذینفع و ضمائم آن از نظر رئیس ثبت.

۵ ـ رونوشت کامل یا فتوکپی برگ یا برگ‌هائی از پرونده اجرائی که مربوط به موضوع شکایت است.

ماده۱۷۱ـ هرگاه هیأت نظارت محتاج به توضیحاتی از اجرا یا طرفین قضیه باشد، می‌تواند توضیحات لازم را بخواهد.

ماده۱۷۲ـ پس از تنظیم و امضاء صورتمجلس مزایده، شکایت از عمل اجراء از کسی مسموع نیست. این امر مانع از آن نمی‌شود که هرگاه قبل از تنظیم و امضاء سند انتقال یا تحویل مال، رئیس ثبت محل عمل اجراء را مخالف قانون تشخیص دهد رأی بر تجدید عمل اجرائی داده و رأی صادره برابر ماده ۱٦۹ این آئین‌نامه به اشخاص ذینفع ابلاغ و قابل شکایت و رسیدگی در هیأت نظارت است.

فصل چهاردهم ـ امور متفرقه

ماده۱۷۳ـ مدیرکل ثبت استان می‌تواند وظایف رئیس ثبت را در امور مربوط به اجرای مفاد اسناد رسمی به معاون او و یا کارمند دیگری به موجب ابلاغ مخصوص واگذار کند و این واگذاری از رئیس ثبت سلب صلاحیت نمی‌کند.

تبصره ـ در مدت مرخصی استحقاقی یا استعلاجی رئیس ثبت، معاون او تکالیف رئیس ثبت در کلیه امور مربوطه به اجرای مفاد اسناد رسمی اعم از صدور دستور اجرا و امور مربوطه به سایر عملیات اجرائی را عهده‌دار خواهد بود و نیازی به صدور ابلاغ استانی ندارد ولی در واحدهای ثبتی که فاقد معاون است باید برای عضو ارشد ابلاغ کفالت صادر شود.

ماده۱۷٤ـ در مورد مطالبات وزارت دارائی و سازمان تأمین اجتماعی صلاحیت اقدام

با مراجع مذکور است و ادارات ثبت باید از اقدام اجرائی خودداری کنند.

ماده۱۷۵ـ در مورد مطالبات بانک‌ها تشخیص اینکه از مبلغ پرداختی مدیون چه مقدار بابت اصل طلب می‌باشد با بستانکار است اگر مدیون نسبت به تشخیص بستانکار معترض باشد مرجع رفع اختلاف دادگاه صلاحیت‌دار خواهد بود.

ماده۱۷٦ـ در احتساب مواعد در کلیه فصول این آئین‌نامه روز ابلاغ و روز اقدام محسوب نخواهد شد و اگر آخرین روز مهلت اقدام تعطیل باشد، تعطیل به حساب نمی‌آید و روز بعد از تعطیل آخرین روز مهلت خواهد بود.

ماده۱۷۷ـ قراردادهایی که طرفین نسبت به پرونده اجرائی در حضور مدیر ثبت یا مسئول اجرا یا مأمورین اجرای پرونده در حدود صلاحیت قانونی آن‌ها منعقد می‌نمایند معتبر و قابل ترتیب اثر است.

ماده۱۷۸ـ در اجرای ماده ۷۰۹ قانون مدنی ضامن که در اثر عملیات اجرایی بدهی مضمون‌عنه را پرداخته است وقتی می‌تواند به استناد سند ضمان (مستند پرونده اجرایی) اجرائیه را تعقیب کند که حق مراجعه ضامن به مدیون اصلی در سند مزبور ذکر شده باشد.

ماده۱۷۹ـ اجرائیه برگ وثیقه انبارهای عمومی مطابق ماده ۱۰ تصویب‌نامه انبارهای عمومی اصلاحی در تاریخ ۱۳٤۰/۱۰/۲ روی اوراق اجرائی اسناد وثیقه از ثبت محل صادر می‌گردد و ضمائم درخواست نامه اجرائی و نیز عملیات اجرائی تابع مقررات راجع به انبارهای عمومی خواهد بود.

ماده۱۸۰ـ برای اجرائیه‌های راجع به قانون الحاق ماده ۱۰ مکرر و ۲ تبصره به قانون تملک آپارتمان‌ها مصوب ۱۳۵۱ و اصلاحات بعدی باید اوراق زیر به ضمیمه تقاضانامه اجرایی به اجرای ثبت محل تسلیم شود و در تقاضانامه قید گردد که بدهکار در مدت مقرر گواهی تقدیم دادخواست اعتراض به محکمه را تسلیم نکرده است:

۱ـ تقاضانامه مخصوص صدور اجرائیه.

۲ـ رونوشت اظهارنامه ابلاغ شده به مالک یا استفاده‌کننده.

۳ـ رونوشت مدارک مثبت سمت مدیر یا هیأت مدیران و صورت ریز سهم مالک از هزینه‌های مشترک.

ماده ۱۸۱ـ برای تقاضای صدور اجرائیه بابت عوارض شهرداری موضوع ماده ۷۷

قانون اصلاح پاره‌ای از مواد و الحاق مواد جدید به قانون شهرداری مصوب ۱۳٤٥/۱۱/۲۷
باید اوراق زیر به ثبت محل تسلیم شود:

۱ـ درخواست نامه مخصوص صدور اجرائیه.

۲ـ رونوشت مصدق رأی کمیسیون حل اختلاف.

۳ـ اخطاریه ابلاغ‌شده رأی مذکور به مؤدی.

ماده۱۸۲ـ درمواردی که شهرداری به استناد ماده۷۷ قانون شهرداری مصوب ۱۳۳٤ و مواد ۸ ـ ۱۳ قانون نوسازی و عمران شهری مصوب ۱۳٤۷ و تبصره ۱ آن و مواد دیگر از قانون شهرداری از اداره ثبت درخواست صدور اجرائیه می‌نماید باید دلیل قطعیت رأی مذکور در مواد یادشده را نیز اعلام دارد.

ماده۱۸۳ـ درخواست اجرای چک از ثبت محلی که بانک طرف حساب صادرکننده چک در آن محل واقع است به عمل می‌آید برای صدور اجرائیه درمورد چک باید اوراق زیر به ثبت محل تسلیم شود:

۱ـ تقاضانامه مخصوص صدور اجرائیه.

۲ـ اصل و فتوکپی مصدق چک و برگشتی آن.

تبصره ـ درخواست اجرای چک‌های صادره از شعب بانکهای ایرانی خارج از کشور در اجرای ثبت تهران به عمل می‌آید.

ماده۱۸٤ـ هرگاه چک نسبت به قسمتی از مبلغ آن بدون محل باشد، دارنده چک نسبت به باقی‌مانده حق صدور اجرائیه دارد.

ماده۱۸٥ـ هرگاه گواهینامه‌های متعدد و متعارض از بانک صادر گردد صدور اجرائیه موکول به رفع تعارض از همان بانک است.

ماده۱۸٦ـ دعوی صادرکننده چک درمورد مطالبی که گاهی به عنوان بابت... در متن چک نوشته می‌شود و همچنین مطالب مذکور در ظهر چک درمورد ظهرنویس در اداره ثبت قابل رسیدگی نمی‌باشد و فقط وجه مرقوم در چک قابل صدور اجرائیه در اداره ثبت می‌باشد.

ماده۱۸۷ـ اعلام جرم علیه صادرکننده چک بی‌محل به مقامات صلاحیت‌دار مانع درخواست صدور اجرائیه برای وصول وجه چک از طریق اداره ثبت نخواهد بود مگر اینکه

دستوری در این باره از طرف مقامات قضائی صادر شود.

ماده۱۸۸ــ اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای زیر چک به امضای کسی که حق صدور چک را دارد و هم‌چنین فقدان مهر در اشخاص حقوقی باشد در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد.

ماده۱۸۹ــ دارنده چک که حق تقاضای صدور اجرائیه دارد اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او ظهرنویسی شده یا حامل چک (درمورد چک‌های در وجه حامل).

ماده۱۹۰ــ درصورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف حساب صادرشده باشد صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و به تقاضای بستانکار اجرائیه علیه آنها براساس تضامن صادر می‌شود.

ماده۱۹۱ــ درمواردیکه صاحبان حساب متعدد بوده و چک با امضای احدی از آنان باشد اجرائیه علیه امضاءکننده نسبت به مبلغ چک صادر می‌گردد.

ماده۱۹۲ــ درمورد چک‌های وعده‌دار اجرائیه پس از سررسید صادر خواهد شد.

ماده۱۹۳ــ پس از صدور اجرائیه چک دارنده چک می‌تواند ضمن اعلام انصراف از تعقیب عملیات اجرائی مطالبه استرداد لاشه چک را بکند دراین صورت اگر اجرائیه ابلاغ شده باشد، حق‌الاجرا را باید بپردازد و در این مورد پرونده مختومه محسوب است.

ماده۱۹٤ــ صدور اجرائیه نسبت به آراء داوری بورس اوراق بهادار وفق ماده ۱۸ قانون تأسیس بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳٤٥ و ماده ۱۰ آئین‌نامه اجرائی آن بعمل می‌آید.

ماده۱۹۵ــ هر یک از شرکت‌های تعاونی روستائی و اتحادیه‌های تعاونی روستائی و شرکت‌های تعاونی کشاورزی و اتحادیه‌های تعاونی کشاورزی که درخواست صدور اجرائیه به استناد اسناد تنظیمی با وام‌گیرندگان بر طبق ماده۱۱ قانون تشکیل بانک تعاون کشاورزی ایران مصوب سال ۱۳٤۸ و تبصره ٦۳ ماده واحده قانون بودجه اصلاحی سال ۱۳۵۲ و بودجه سال ۱۳۵۳ کل کشور و اصلاحات بعدی دارند باید یک نسخه از سند تنظیم‌شده طبق فرم مخصوص را به انضمام رونوشت آن به اداره ثبت بفرستند.

اداره ثبت پس از ملاحظه اصل سند و تطبیق رونوشت آن درصورتی که بانک مطالبه

نماید اصل سند را مسترد خواهد نمود.

ماده ۱۹٦ــ درصورتی که استفاده‌کنندگان از آب از پرداخت بهای آب خودداری نمایند، اگر قراردادی بین آنها و سازمان‌ها و شرکت‌های آبیاری که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به دولت است منعقدشده باشد طبق همان قرارداد و درصورت نبودن قرارداد و عدم تواقق برابر رأی کمیسیون مذکور در ماده واحده مصوب سال ۱۳٤٦ قانون وصول بهای آب سازمان‌ها و شرکت‌های تابع وزارت آب و برق که قطعی است اداره ثبت محل برابر این آئین‌نامه به تقاضای مرجع وصول‌کننده آب‌بها اجرائیه صادر خواهد نمود و مرجع متقاضی باید یک نسخه از قرارداد یا رأی کمیسیون و رونوشت مصدق یا فتوکپی آنها را به انضمام مطالبه نامه و تقاضای صدور اجرائیه به اداره ثبت محل ارسال دارد. اصل رأی یا قرارداد پس از مقابله و تصدیق برابری با اصل به متقاضی رد می‌شود.

ماده۱۹۷ــ درمورد تقاضای صدور اجرائیه برای وصول آب بها طبق ماده ۵۳ قانون آب و نحوه ملی‌شدن آن مصوب سال ۱۳٤۷ و مواد ۳۳ و ۳٤ قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳٦۱ و اصلاحات بعدی آن در نقاطی که دستور اجرای قانون داده شده است، مسئول منطقه یا ناحیه آبیاری یک نسخه از اخطاریه ابلاغ‌شده موضوع تبصره٦ ماده مذکور را به انضمام تقاضانامه‌ای که برطبق ماده یادشده تنظیم می‌نماید جهت صدور اجرائیه به اداره ثبت محل خواهد فرستاد.

ماده۱۹۸ــ ادارات ثبت مکلفند وفق ماده ۱۷ آئین‌نامه اجرائی قانون استقلال شرکتهای توزیع نیروی برق در استانها مصوب ۱۳۸٦/۳/۱۳ و ماده ۱۸ آئین‌نامه اجرائی قانون آب و برق خوزستان مصوب ۱۳۳۹ درمورد وصول بهاء برق و سایر مطالبات از مشترکین پس از وصول تقاضا مبادرت به صدور اجرائیه نمایند.

ماده ۱۹۹ــ قراردادهای عادی که بین بانکها و مشتریان در اجرای ماده ۱۵ قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳٦۲ و الحاق چهار تبصره به آن در سالهای ۱۳٦۵ و ۱۳۷٦ مبادله می‌گردد در حکم سند رسمی بوده و درصورتیکه طرفین در مفاد آن اختلافی نداشته باشند با تقاضای بستانکار ادارات ثبت مکلف به صدور اجرائیه و ادامه عملیات اجرائی طبق آئین‌نامه اجرای اسناد رسمی می‌باشند.

ماده ۲۰۰ــ صدور اجرائیه جهت تخلیه فروشگاهها و غرفه‌های احداثی در پایانه‌ها و

مجتمع‌های خدمات رفاهی بین راهی به استناد تبصره ٤ قانون اصلاح قانون تأسیس شرکت‌های سهامی خاص پایانه‌های عمومی وسیله‌نقلیه باربری مصوب ١٣٦٧ و تبصره ٢ ماده ٤ آئین‌نامه موضوع تبصره ٤ قانون فوق‌الذکر مصوب ١٣٧٥/١/٢٦ با اجرای ثبت محل خواهد بود اجرای ثبت مکلف به صدور اجرائیه و تخلیه مورد اجاره طبق مقررات مربوطه خواهدبود.

ماده ٢٠١ـ درمواردیکه متعهد در اجرای ماده ١٧ قانون گذرنامه مصوب سال ١٣٥١ ممنوع‌الخروج گردیده باشد چنانچه شخص ممنوع‌الخروج بنا به ضرورت بخواهد برای یک نوبت حداکثر به مدت ٦ ماه از کشور خارج شود خود یا اشخاص ثالث می‌بایست ملکی را جهت تضمین مراجعت مدیون به کشور معرفی و درصورتیکه ملک در رهن و یا بازداشت نباشد، پس از ارزیابی توسط کارشناس رسمی و قطعیت آن صورتمجلسی با حضور رئیس ثبت، رئیس و یا مسئول اجرا تنظیم و مراتب جهت بازداشت ملک و انعکاس در سوابق ثبتی به اداره ثبت مربوطه اعلام می‌گردد و بدیهی است درصورت مراجعت متعهد و معرفی خود ظرف مهلت مقرر از ملک مذکور رفع توقیف‌شده و ممنوع‌الخروجی برقرار می‌شود در غیراینصورت بدون رعایت مستثنیات دین طلب بستانکار و حقوق اجرایی با فروش ملک مذکور از طریق مزایده استیفاء خواهد شد.

ماده ٢٠٢ـ وظایفی که در این آئین‌نامه به عهده رئیس ثبت محل واگذار شده است در واحدهای ثبتی استان تهران که فاقد اجرا می‌باشد به معاون مدیر کل ثبت استان تهران در اجرای اسناد رسمی محول می‌گردد.

ماده ٢٠٣ـ با تصویب این آئین‌نامه، آئین‌نامه‌های قبلی لغو می‌شود.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۰۹ مورخ ۸۷/۶/۲۴

اصلاحیه مواد۳۴، ۳۵ و ۳۶ آئین‌نامه قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۸۱/۱۱/۹ مصوب ۸۷/۶/۱۹

ماده۳٤ ـ واحد اجرای احکام کیفری هر دادسرا با ریاست دادستان یا معاون وی تشکیل می‌شود و به تعداد لازم دادیار، مدیر اجراء ، متصدی دفتری و مأمور اجراء خواهد داشت. اجرای احکام مدنی تحت ریاست و نظارت دادگاه صادرکننده رأی بدوی می‌باشد و مطابق قانون اجرای احکام مدنی مصوب۱۳٥٦ و سایر قوانین و مقررات مربوط اقدام می‌کند.

در حوزه‌های قضایی بخش، اجرای احکام کیفری با رئیس حوزه قضایی یا دادرس علی‌البدل و اجرای احکام مدنی، تحت ریاست و نظارت رئیس دادگاه نخستین خواهدبود.

تبصره۱ـ به منظور انجام امور اجرای احکام مدنی، مدیران دفاتر قضایی دادگاه‌های عمومی هم زمان دارای ابلاغ مدیر اجراء خواهندشد. مأموران اجراء (دادورزان) زیرمجموعه مدیر دفتر کل می‌باشند.

تبصره۲ـ آن دسته از پرونده‌های موجود واحد اجرای احکام مدنی که در حال اجراء می‌باشد، توسط رؤسای حوزه قضایی به مرحله اجراء رسیده و مختومه می‌شوند و مابقی پرونده‌ها مانند تقسیط مهریه که اجرای آنها نیاز به زمان بیشتری دارد می‌بایست به شعب مربوطه ارسال گردد.

ماده۳٥ـ اجرای احکام ضرر و زیان ناشی از جرم صادره از دادگاه عمومی جزائی به عهده واحد اجرای احکام کیفری دادسرای مربوطه می‌باشد و تحت ریاست دادگاه صادرکننده حکم مطابق مقررات اجرای احکام مدنی انجام می‌پذیرد.

ماده۳٦ـ اجرای احکام کیفری استان، توسط دادسرای شهرستان مرکز استان انجام می‌شود و اجرای احکام مربوط به ضرر و زیان ناشی از جرم، وفق قانون اجرای احکام مدنی (مصوب۱۳٥٦) و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی (مصوب۱۳۷۹) توسط واحد اجرای احکام کیفری همان حوزه انجام می‌گیرد.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۳۱ مورخ۸۷/۷/۲۱

تصویب‌نامه در خصوص تعیین نصاب معاملات موضوع ماده (۳) قانون برگزاری مناقصات ۱۳۸۷/۷/۱۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۷/۱٤ بنا به پیشنهاد شماره ۵٦/۲۱۰۰/۳۹۵۱۸ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۰ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد تبصره (۱) ماده (۳) قانون برگزاری مناقصات ـ مصوب ۱۳۸۳ـ تصویب نمود:

الف ـ نصاب معاملات موضوع ماده (۳) قانون یادشده به شرح زیر تعیین می‌شود:

۱ـ معاملات کوچک: معاملاتی که کمتر از مبلغ سی و پنج میلیون (۳۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال باشد.

۲ـ معاملات متوسط: معاملاتی که مبلغ مورد معامله بیش از سقف مبلغ معاملات کوچک بوده و از مبلغ سیصد و پنجاه میلیون (۳۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تجاوز نکند.

۳ـ معاملات بزرگ: معاملاتی که مبلغ برآورد اولیه آنها بیش از مبلغ سیصد و پنجاه میلیون (۳۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال باشد.

ب ـ نصابهای تعیین شده از تاریخ ابلاغ این تصویب‌نامه و تا زمانی که اصلاح نشده‌است، قابل اجرا خواهند بود.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۴۰ مورخ ۸۷/۸/۱

اصلاح ماده (۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۷/۶/۲۴

وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۱۳۸۷/٦/۲٤ بنا به پیشنهاد شماره ٦۰/٦۷۸۵۱ مورخ ۱۳۸۷/٤/۸ وزارت صنایع و معادن و به استناد ماده (۲۲) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ـ مصوب۱۳۸۲ـ و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱٦٤۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخ ۱۳۸٦/۱۰/۱۰ تصویب نمودند:

در ماده(۱) آیین‌نامه اجرایی ماده (۱۰) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده (۱۱۳) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، موضوع تصویب‌نامه شماره ۸۷۹٤/ت۳۰۳۷۰هـ مورخ ۱۳۸۳/۲/۲۷ بعد از عبارت «واحدهای صنعتی» عبارت «و تولیدی» اضافه می‌شود.

این تصویب‌نامه در تاریخ ۱۳۸۷/۷/۲۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۴۶ مورخ ۸۷/۸/۹

درخصوص قانون تعیین وضعیت شوراهای عالی مصوب ۱۳۸۷/۷/۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام

ماده واحده ــ از تاریخ تصویب این قانون شوراهای ذیل با حفظ اختیارات و وظایف و اعضاء آنها کمافی‌السابق براساس قوانین ذی‌ربط قبلی تشکیل و اداره می‌شوند:

۱ـ شورای‌عالی علوم، تحقیقات و فناوری.

۲ـ شورای‌عالی آموزش و پرورش.

۳ـ شورای‌عالی فضائی.

٤ـ شورای‌عالی فناوری اطلاعات.

۵ ـ شورای انرژی اتمی.

٦ـ شورای‌عالی انرژی.

۷ـ شورای اقتصاد.

۸ ـ شورای‌عالی اشتغال.

۹ـ شورای‌عالی توسعه صادرات غیرنفتی.

۱۰ـ شورای‌عالی رفاه و تأمین اجتماعی.

۱۱ـ شورای‌عالی بیمه.

۱۲ـ شورای‌عالی آب.

۱۳ـ هیأت امناء حساب ذخیره ارزی.

١٤ـ شورای پول و اعتبار.

۱۵ـ شورای‌عالی میراث فرهنگی و گردشگری.

١٦ـ شورای‌عالی استاندارد.

۱۷ـ شورای‌عالی حفاظت محیط‌زیست.

۱۸ـ شورای‌عالی انفورماتیک.

تبصره ــ دولت می‌تواند پیشنهادهای لازم را برای بازنگری در وضعیت شوراها از

حیث اصلاح وظایف، اختیارات و تعداد اعضاء و حذف یا ادغام آنها در یکدیگر را برای افزایش کارآیی و تشکیل مستمر آنها برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیستم فروردین ماه یکهزاروسیصدوهشتادوهفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۷/٦ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۴۶ مورخ ۸۷/۸/۹

اصلاح آیین نامه اجرایی بند ۵ جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷۶ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴ و الحاق دو تبصره به ماده ۷۶ مصوب ۱۳۷۱ ـ مصوب ۱۳۸۰

وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۱۵ بنا به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، موضوع نامه شماره ۱۲/٤۲۹۲ مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۷ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به استناد بند ۵ جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷٦ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷٦ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵٤ و الحاق دو تبصره به ماده ۷٦ مصوب ۱۳۷۱ ـ مصوب ۱۳۸۰ــ و با رعایت تصویب نامه شماره ۱٦٤۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخ ۱۳۸٦/۱۰/۱۰ تصویب نمودند:

آیین نامه اجرایی بند ۵ جزء (ب) ماده واحده قانون اصلاح تبصره ۲ الحاقی ماده ۷٦ قانون اصلاح مواد ۷۲ و ۷۷ و تبصره ماده ۷٦ قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵٤ و الحاق دو تبصره به ماده ۷٦ مصوب ۱۳۷۱ ـ مصوب ۱۳۸۰ ـ موضوع تصویب نامه شماره ۱۵۳٦۵/ت۳٦۰۰۵هـ مورخ ۱۳۸٦/۲/۵ به شرح زیر اصلاح می‌شود:

۱- متن زیر به عنوان جزء ٦ بند (الف) به ماده ۸ اضافه می‌شود:

«٦- معاون اداره کل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تعیین مصادیق خبرنگاری و مباحث مرتبط با این حرفه»

۲- متن زیر به عنوان جزء ٦ تبصره ٦ ماده ۸ اضافه می‌شود:

«٦- مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای تعیین مصادیق خبرگزاری و مباحث مرتبط با این حرفه»

این تصویب نامه در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۶۰ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۶

اساسنامهٔ سازمان تأمین اجتماعی

هیئت وزیران در جلسهٔ مورخ ۱۳۸۷/۳/۲٦ بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و تأیید شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ـ و به استناد ماده (۱۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری ـ مصوب ۱۳۸٦ـ اساسنامه سازمان تأمین اجتماعی را به شرح زیر تصویب نمود:

ماده۱ـ هدف سازمان تأمین اجتماعی که در این اساسنامه به اختصار سازمان نامیده می‌شود، اجرا، تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ متناسب با اهداف نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی همچنین تمرکز وجوه و درآمدهای موضوع قانون تأمین اجتماعی با بکارگیری اصول محاسبات بیمه‌ای در حوزه بیمه و رعایت اصول بنگاه‌داری در حوزه سرمایه‌گذاری با بهره‌گیری از وجوه و ذخایر می‌باشد.

ماده۲ـ موضوع فعالیت سازمان در راستای تحقق اهداف بیمه‌ای مقرر در قوانین و مقررات مربوط از جمله قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و قانون تأمین اجتماعی همچون بازنشستگی، بیکاری، حوادث و بیماریها، غرامت دستمزد، مستمری از کارافتادگی و بازماندگان و همچنین خدمات درمانی و اداره صندوقهای بیمه اجتماعی و درمانی مربوط می‌باشد.

ماده۳ـ سازمان دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری می‌باشد و به صورت مؤسسه عمومی غیردولتی طبق مقررات این اساسنامه و سایر قوانین و مقررات مربوط اداره خواهدشد.

ماده٤ـ مرکز اصلی سازمان در تهران است و می‌تواند در تهران و سایر مناطق کشور شعبه و نمایندگی ایجاد و یا از طریق واگذاری برخی از امور به کارگزاریها با رعایت تبصره (۱) ماده (۱۲) قانون یادشده اقدام نماید.

تبصره ـ سازمان مجاز است با رعایت قوانین و مقررات مربوط برحسب ضرورت

نسبت به تأسیس شعبه یا نمایندگی در خارج از کشور اقدام نماید.

ماده۵– ارکان سازمان عبارتند از:

الف– شورا

ب– هیئت مدیره

پ– مدیرعامل

ت – هیئت نظارت

ماده٦ـ اعضای شورای سازمان عبارتند از:

الف– هشت (۸) نفر نمایندگان دولت به شرح زیر:

۱ ـ رییس جمهور (رییس شورا)

۲ ـ وزیر رفاه و تأمین اجتماعی

۳ـ وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

٤ ـ وزیر کار و امور اجتماعی

۵ ـ وزیر صنایع و معادن

٦ ـ معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس جمهور

۷– معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور

۸– معاون حقوقی و امور مجلس رییس جمهور

ب – چهار (٤) نفر نماینده کارفرمایان به شرح زیر:

۱ـ سه (۳) نفر کارفرمای واحدهای تولیدی، صنعتی و بازرگانی به انتخاب کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایان.

۲ـ یک (۱) نفر کارفرمای واحدهای صنفی و بازرگانی به انتخاب کانون عالی انجمنهای صنفی کارفرمایان.

پ– سه (۳) نفر نماینده بیمه شدگان به شرح زیر:

۱– دو (۲) نفر نماینده بیمه شدگان واحدهای تولیدی، صنعتی و صنفی به انتخاب کانون عالی شوراهای اسلامی کار.

۲ ـ یک (۱) نفر نماینده بیمه‌شدگان واحدهای اداری دولتی به انتخاب اتحادیه

کارمندان دولت مطابق قوانین و مقررات مربوط.

ماده۷ ـ اعضای شورا برای مدت چهارسال انتخاب و جایگزینی پیش از موعد و تجدید انتخاب آنها بلامانع است.

تبصره۱ـ چنانچه هر یک از اعضای شورا برکنار، فوت یا استعفا نماید یا بیش از سه جلسه متوالی با تشخیص رییس شورا بدون عذر موجه غیبت کند جانشین او برای بقیه مدت مقرر به نحو مذکور در این ماده انتخاب خواهدشد.

تبصره۲ـ جلسات شورا با حضور (۱۰) نفر از اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آن با رأی موافق حداقل (۸) عضو حاضر قطعیت خواهدیافت.

ماده۸ – وظایف و اختیارات شورا به شرح زیر می‌باشد:

الف – تصویب خط‌مشی و راهبردهای کلان سازمان.

ب ـ تصویب برنامه و بودجه، صورتهای مالی و عملکرد سالانه سازمان.

پ – تعیین اعضای هیئت مدیره و هیئت نظارت.

ت– تعیین حقوق و مزایا و پاداش اعضای هیئت مدیره، مدیرعامل و حق‌الزحمه هیئت نظارت.

ث ـ تصویب آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز سازمان.

ج ـ بررسی و تصویب تشکیلات کلان سازمان به پیشنهاد هیئت مدیره.

چ ـ تصویب پیشنهاد هیئت مدیره سازمان در خصوص انتخاب مدیرعامل.

ح – پیشنهاد تغییر و یا اصلاح اساسنامه.

خ – بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص سایر مواردی که بنا به پیشنهاد هیئت‌مدیره سازمان در شورا مطرح می‌شود.

تبصره۱ـ نحوه تشکیل و اداره جلسات شورا به موجب آیین‌نامه‌ای خواهدبود که پس از تشکیل اولین جلسه به تصویب شورا می‌رسد.

تبصره۲ـ مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره با دعوت شورا بدون حق رأی در جلسات شورا شرکت می‌کنند.

تبصره۳ـ شورا برای بررسی و اظهارنظر درخصوص مسایل سازمان می‌تواند کارگروه‌های تخصصی داشته‌باشد. ترتیب تشکیل جلسات شورا و کارگروه‌های تخصصی آن طبق آیین‌نامه‌ای خواهدبود که ظرف سه ماه پس از تشکیل اولین جلسه به تصویب شورا می‌رسد.

د ـ پیشنهاد تغییر یا اصلاح قوانین و مقررات بازنشستگی (از جمله نرخ حق بیمه و سن بازنشستگی) براساس شاخصهای جمعیتی امید به زندگی، محاسبات بیمه‌ای جهت تصویب در هیئت وزیران و سیر مراحل قانونی.

ماده۹ـ اعضای هیئت مدیره سازمان متشکل از پنج نفر خواهدبود که با رعایت بند « ب» ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و تبصره (۱) آن با پیشنهاد رییس شورا و تصویب شورا انتخاب می‌شوند.

تبصره۱ـ رییس هیئت مدیره و مدیرعامل توسط رییس شورا برای مدت چهارسال انتخاب خواهندشد.

تبصره۲ـ صدور احکام اعضاء و رییس هیئت مدیره و مدیرعامل به عهده رییس شورا است.

ماده۱۰ـ هیئت مدیره در اولین جلسه از بین اعضای خود یک نفر را به عنوان نایب رییس و یک نفر منشی انتخاب می‌نماید.

ماده۱۱ـ وظایف رییس هیئت مدیره به شرح زیر است:

الف ـ دعوت از اعضای هیئت مدیره جهت تشکیل جلسات.

ب – اداره جلسات هیئت مدیره.

پ ـ انعکاس پیشنهادات هیئت مدیره به شورا و ابلاغ مصوبات شورا و هیئت مدیره به مدیرعامل.

تبصره ـ کارکنان سازمان در صورت عضویت در هیئت مدیره مسئولیت اجرایی نخواهندداشت.

ماده۱۲ـ مدت عضویت اعضای هیئت مدیره چهارسال است. تجدید انتخاب و یا جایگزینی قبل از موعد آنان (در صورت احراز نداشتن شرایط مقرر در قانون) به ترتیب

مقرر در این اساسنامه خواهدبود.

تبصره۱ـ تا زمان انتخاب اعضای هیئت مدیره جدید، هیئت مدیره قبلی در سمت خود انجام وظیفه خواهند نمود.

تبصره۲ـ در صورت استعفاء ، عزل و یا فوت هر یک از اعضای هیئت مدیره، شورا موظف است به ترتیب مقرر در این اساسنامه ظرف یک ماه جانشین وی را تعیین نماید.

ماده۱۳ـ وظایف و اختیارات هیئت مدیره به شرح زیر است:

الف ـ بررسی و تدوین خط‌مشی، راهبردهای کلان و برنامه‌های اجرایی لازم برای دستیابی به اهداف سازمان جهت ارایه به شورا.

ب ـ بررسی و تدوین بودجه، صورتهای مالی و عملکرد سالانه سازمان جهت ارایه به شورا.

پ ـ بررسی و تدوین آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی و سایر آیین‌نامه‌ها و ضوابط مورد نیاز و ارایه آنها به شورا.

ت ـ بررسی و تدوین ساختار و تشکیلات کلان سازمان و ارایه آن به شورا و تصویب تشکیلات تفصیلی سازمان.

ث ـ بررسی و تأیید نحوه استفاده و بهره‌برداری از وجوه و ذخایر سازمان و پیشنهاد آن به شورا.

ج- پیشنهاد نصب و عزل مدیرعامل سازمان به شورا.

چ - تعیین اعضای هیئت مدیره شرکتها و مؤسسات تابعه بدون واسطه.

ح - اعمال اختیارات مجمع عمومی، شورا یا هیئت امنای صندوق‌های بیمه‌ای اجتماعی و درمانی وابسته از جمله صندوق بازنشستگی کشوری، صندوق بیمه خدمات درمانی و صندوق بیمه روستاییان و عشایر.

خ ـ انجام سایر امور لازم برای سازمان در چارچوب این اساسنامه و قوانین مربوط.

تبصره ـ هیئت‌مدیره می‌تواند در صورت لزوم بخشی از اختیارات خود را به مدیرعامل تفویض نماید. این واگذاری رافع مسئولیت هیئت مدیره نخواهدبود.

د ـ پیشنهاد ضوابط مربوط به قراردادهای بیمه‌های تکمیلی و سایر قراردادهای توافقی

به شورا.

ذ ـ انتخاب نمایندگان سازمان جهت حضور در جلسات مجامع مؤسسات و شرکتهایی که تمام یا قسمتی از سهام آنان متعلق به سازمان می‌باشد.

ماده۱٤ـ جلسات هیئت مدیره با حضور حداقل چهارنفر از اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آنها با رأی موافق حداقل سه نفر از اعضای حاضر معتبر خواهدبود.

تبصره ـ نحوه تشکیل و اداره جلسات به موجب آیین‌نامه‌ای خواهدبود که به تصویب هیئت‌مدیره می‌رسد.

ماده۱۵– وظایف و اختیارات مدیرعامل به شرح زیر است:

الف ـ اداره امور جاری سازمان در چارچوب مقررات قانونی، خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و دستورالعملهای مصوب شورا و هیئت مدیره.

ب ـ تهیه و تنظیم برنامه و بودجه، گزارشها و صورتهای مالی و عملکرد سازمان جهت ارایه به هیئت مدیره.

پ– استقرار و عملیاتی نمودن ساختار و تشکیلات مصوب.

ت – صدور احکام اعضاء هیئت مدیره شرکتها و مؤسسات تحت پوشش بدون واسطه پس از تصویب هیئت مدیره سازمان.

ث – صدور حکم مدیرعامل شرکتها و مؤسسات تحت پوشش بدون واسطه پس از تصویب هیئت مدیره آن شرکتها.

تبصره۱ـ مدیرعامل در مقابل اشخاص حقیقی و حقوقی در کلیه مراجع قانونی نماینده سازمان می‌باشد و می‌تواند این اختیار را شخصاً و یا به وسیله نمایندگان یا وکلایی که تعیین می‌کند اعمال نماید.

تبصره۲ـ مکاتبات رسمی، قراردادها و اسناد تعهدآور سازمان با امضاء مدیرعامل و مهر سازمان معتبر خواهدبود.

تبصره۳ـ مدیرعامل می‌تواند با مسئولیت خود، قسمتی از وظایف و اختیاراتش را به مدیران اجرایی سازمان تفویض نماید

ماده۱٦ـ اعضای هیئت نظارت مرکب از سه نفر با رعایت شرایط مندرج در بند «

د» ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی توسط شورا انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

تبصره۱ــ هیئت‌نظارت حق هیچگونه دخالتی در امور اجرایی سازمان را نخواهدداشت و در اجرای وظایف خود جهت دریافت اطلاعات مورد نیاز و رسیدگی به دفاتر و مدارک باید از طریق مدیرعامل اقدام نماید.

تبصره۲ـ مدیرعامل موظف است هرگونه مدارک یا توضیحاتی که مورد درخواست کتبی هیئت نظارت باشد در مهلت‌های قانونی یا تعیین شده در اختیار آنان قراردهد.

تبصره۳ـ اداره امور داخلی هیئت نظارت و طرز تشکیل جلسات آن و نحوه انجام رسیدگی طبق آیین‌نامه‌ای خواهدبود که توسط هیئت یادشده تدوین و تصویب خواهدشد.

تبصره٤ـ انتخاب رییس هیئت نظارت از بین اعضای هیئت نظارت، به عهده رییس شورای سازمان می‌باشد.

تبصره۵ ــ صدور احکام اعضاء و رییس هیئت نظارت پس از طی مراحل مقرر در این اساسنامه به عهده رییس شورا می‌باشد.

تبصره٦ ــ وظایف بازرس قانونی به عهده سازمان حسابرسی می‌باشد که گزارش خود را به هیئت نظارت جهت بررسی و اظهارنظر ارایه خواهند نمود.

ماده۱۷ــ وظایف و اختیارات هیئت نظارت به شرح زیر است:

الف ـ نظارت برحُسن اجرای مفاد اساسنامه و تطبیق عملیات سازمان با مقررات قانونی.

ب ـ اظهارنظر درخصوص ترازنامه و عملکرد تنظیمی قبل از طرح در شورا.

پ- اظهارنظر درخصوص گزارش بازرس قانونی.

ت ـ انجام سایر وظایفی که به موجب این اساسنامه یا قوانین و مقررات در صلاحیت هیئت نظارت می‌باشد.

تبصره ــ چنانچه هیئت نظارت در اداره امور سازمان عملی خلاف قوانین و مقررات یا مغایر مفاد این اساسنامه مشاهده نماید مراتب را به اطلاع شورا خواهد رساند.

ماده۱۸ــ سال مالی سازمان از اول فروردین ماه هر سال آغاز و در پایان اسفندماه

همان سال خاتمه می‌یابد.

ماده۱۹– دارایی‌ها و درآمدهای سازمان عبارتند از:

الف ـ وجوه و دارایی‌های موجود و منافع حاصل از سرمایه‌گذاریهای سازمان.

ب ـ حق بیمه‌های دریافتی و دریافتنی شامل سهم بیمه‌شدگان، سهم کارفرمایان و دولت.

پ ـ وجوه حاصل از خسارات، جرایم و جزاهای نقدی موضوع قوانین و مقررات مربوط یا احکام قطعی دادگاهها.

ت– هدایا و کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخل یا خارج کشور.

ث– بدهی‌ها، کمک‌ها و تعهدات قانونی دولت به سازمان.

ج ـ سایر منابعی که براساس ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و یا قوانین و مقررات مربوط قابل جذب توسط سازمان باشد.

ماده۲۰ـ هیئت مدیره مکلف است تا پایان آذرماه هر سال بودجه پیشنهادی سازمان را برای سال بعد تنظیم و به شورا ارایه نماید و شورا موظف است حداکثر تا پایان بهمن ماه همان سال، بودجه سال بعد را تصویب و به هیئت مدیره ابلاغ نماید.

ماده۲۱ـ ترازنامه سالانه و گزارش مالی سازمان باید حداکثر تا پایان تیرماه جهت ارایه به مراجع قانونی ذی‌ربط تهیه و تسلیم گردد. همچنین گزارش مالی سالانه سازمان مشتمل بر صورتهای مالی تلفیقی حسابرسی شده به همراه گزارش هیئت مدیره در مورد فعالیت و وضعیت عمومی سازمان در سال مورد گزارش باید حداکثر تا پایان آبان ماه سال بعد به هیئت نظارت و شورا ارسال گردد.

تبصره۱ـ صورتهای مالی تلفیقی سالیانه سازمان باید با رعایت استانداردهای حسابداری که توسط مرجع ذی‌صلاح قانونی تدوین شده یا می‌شود تهیه و ارایه گردد.

تبصره۲ـ تصویب صورتهای مالی سازمان توسط شورا به منزله مفاصاحساب مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره برای عملکرد سال مورد نظر می‌باشد.

تبصره۳ـ هیئت نظارت مکلف است نسخه‌ای از نظرات خود در مورد ترازنامه سالانه و گزارشهای مالی و صورت دارایی‌ها و بدهی‌ها را حداکثر ظرف پانزده روز از تاریخ

دریافت آن به هیئت مدیره تسلیم نماید.

تبصره٤ـ هیئت مدیره موظف است ظرف پانزده روز از تاریخ وصول نظرات هیئت نظارت آن را بررسی و توجیهات خود را به شورا تقدیم دارد.

ماده۲۲ـ شورای سازمان موظف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول گزارش عملکرد سالانه و صورتهای مالی و تلفیقی، تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

ماده۲۳ـ هیئت مدیره مکلف است در مقاطع زمانی مناسب (حداقل هر سه سال یک‌بار) گزارش محاسبات فنی (بیمه‌ای) سازمان را که توسط کارشناسان واجد صلاحیت حرفه‌ای تهیه گردیده است به همراه گزارش مالی تلفیقی به شورا ارایه نماید.

ماده٢٤ـ آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی به همراه آیین‌نامه‌های نحوه تشکیل و اداره جلسات شورا، هیئت مدیره و هیئت نظارت و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز سازمان باید ظرف شش ماه پس از ابلاغ این اساسنامه تدوین و به تصویب مراجع ذی‌ربط برسد.

تبصره ـ مادامی که آیین‌نامه‌های مذکور به تصویب نرسیده‌اند آیین‌نامه‌های موجود به قوت خود باقی می‌باشند.

ماده۲۵ـ اعضای شورا، هیئت‌نظارت، هیئت‌مدیره و مدیرعامل نمی‌توانند در معاملاتی که با سازمان یا به حساب سازمان انجام می‌پذیرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم سهیم یا شریک باشند

تبصره۱ـ اعضای شورا، هیئت نظارت، هیئت‌مدیره و مدیرعامل در صورت فعالیت در رشته‌های پزشکی با مجوز شورا در خصوص عقدقرارداد درمانی خارج از وقت اداری جهت ارایه خدمات به بیمه‌شدگان تحت پوشش سازمان مشمول حکم این ماده نمی‌باشند.

تبصره۲ـ پرداخت حق بیمه توسط اشخاص حقیقی و حقوقی به سازمان معامله محسوب نمی‌شود.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۶۰ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۶

اساسنامه صندوق بازنشستگی کشوری

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۳/۲٦ بنا به پیشنهاد شماره ٤١٤٤/ص/٨٦ مورخ ۱۳۸٦/۳/۳۰ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ ـ و ماده (۱۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری ـ مصوب ۱۳۸٦ ـ اساسنامه صندوق بازنشستگی کشوری را به شرح زیر تصویب نمود:

ماده۱ـ نام سازمان بازنشستگی کشوری به موجب تبصره (۲) ماده (۱۲) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ ـ به صندوق بازنشستگی کشوری تغییر نام یافته و در این اساسنامه به اختصار صندوق نامیده می‌شود.

ماده۲ـ هدف صندوق، کمک به اجرا و تعمیم گسترش انواع بیمه‌های اجتماعی و استقرار نظام هماهنگ متناسب با قانون یادشده، همچنین تمرکز وجوه و درآمدهای موضوع قوانین و مقررات بازنشستگی کشور با بکارگیری اصول محاسبات بیمه‌ای در حوزه بیمه و رعایت اصول بنگاه‌داری در حوزه سرمایه‌گذاری با بهره‌گیری از وجوه و ذخایر می‌باشد.

ماده۳ـ موضوع فعالیت صندوق در راستای تحقق اهداف بیمه‌ای مقرر در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و قوانین و مقررات بازنشستگی کشور و قانون مدیریت خدمات کشوری ـ مصوب ۱۳۸٦ ـ ، از جمله پرداخت حقوق بازنشستگی، ازکارافتادگی، حقوق وظیفه و مستمری و همچنین بیمه‌های تکمیلی و سایر تکالیف مقرر و ارایه حمایت‌های قانونی می‌باشد.

ماده٤ـ صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی و اداری می‌باشد و به صورت مؤسسه بیمه اجتماعی وابسته به سازمان تأمین اجتماعی طبق مقررات این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط اداره خواهد شد.

ماده۵ ـ مرکز اصلی صندوق در تهران است و می‌تواند در تهران و سایر مناطق کشور نمایندگی ایجاد و یا از طریق واگذاری برخی از امور به کارگزاری‌ها اقدام نماید.

ماده٦ ـ ارکان صندوق عبارتند از:

الف ـ شورا.

ب ـ هیئت‌مدیره.

پ ـ مدیرعامل.

ت ـ هیئت نظارت.

ماده۷ـ اعمال وظایف، اختیارات و مسئولیتهای شورا و رییس آن به ترتیب به عهده هیئت‌مدیره سازمان تأمین اجتماعی و رییس هیئت‌مدیره سازمان یاد شده می‌باشد.

ماده۸ ـ وظایف و اختیارات شورا به شرح زیر می‌باشد:

الف ـ تصویب خط مشی و راهبردهای کلان صندوق.

ب ـ تصویب برنامه و بودجه، صورتهای مالی و عملکرد سالانه صندوق.

پ ـ نصب و عزل اعضاء هیئت‌مدیره، هیئت نظارت و مدیرعامل صندوق با پیشنهاد مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی.

ت ـ تعیین و تصویب حقوق و مزایا و پاداش اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل و حق‌الزحمه هیئت نظارت در حدودی که شورای حقوق و دستمزد تعیین می‌نماید و با رعایت ماده (٢٤١) قانون تجارت.

ث ـ اتخاذ تصمیم در مورد آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری، استخدامی و سایر آیین‌نامه‌های موردنیاز صندوق و ارایه پیشنهاد به مراجع قانونی جهت تصویب در صورت لزوم.

ج ـ بررسی و تصویب تشکیلات کلان صندوق به پیشنهاد هیئت‌مدیره.

چ ـ تصویب پیشنهاد هیئت‌مدیره صندوق در خصوص انتخاب مدیرعامل.

ح ـ پیشنهاد تغییر و یا اصلاح اساسنامه.

خ ـ بررسی و اتخاذ تصمیم در خصوص سایر مواردی که بنا به پیشنهاد هیئت‌مدیره صندوق در شورا مطرح می‌گردد در چارچوب مفاد این اساسنامه و با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

تبصره۱ـ نحوه تشکیل و اداره جلسات شورا به موجب آیین‌نامه‌ای خواهدبود که پس

از تشکیل اولین جلسه به تصویب مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی می‌رسد.

تبصره۲ـ مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره در صورت دعوت شورا بدون حق رأی در جلسات شورا شرکت می‌کنند.

ماده۹ـ اعضای هیئت‌مدیره صندوق متشکل از پنج (۵) نفر خواهدبود که با رعایت بند « ب» ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و تبصره (۱) آن با تصویب مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی انتخاب می‌شود.

تبصره۱ـ صدور احکام اعضاء و رییس هیئت‌مدیره و مدیرعامل پس از طی مراحل مقرر در این اساسنامه به عهده مدیرعامل سازمان تأمین اجتماعی است.

تبصره۲ـ هیئت‌مدیره در اولین جلسه از بین اعضای خود یک نفر را به عنوان رئیس هیئت‌مدیره، یک نفر نایب رئیس و یک نفر منشی انتخاب می‌نماید که وظایف رئیس هیئت‌مدیره در این زمینه به شرح زیر است:

الف ـ دعوت از اعضای هیئت‌مدیره جهت تشکیل جلسات.

ب ـ اداره جلسات هیئت‌مدیره.

پ ـ انعکاس پیشنهادات هیئت‌مدیره به شورا و ابلاغ مصوبات شورا و هیئت‌مدیره به مدیرعامل.

تبصره۳ـ در غیاب رییس هیئت‌مدیره، کلیه وظایف را نائب رییس بر عهده دارد.

تبصره٤ـ کارکنان صندوق در دوران عضویت در هیئت‌مدیره مسئولیت اجرایی نخواهند داشت.

ماده۱۰ـ مدت عضویت اعضای هیئت‌مدیره چهارسال است. تجدید انتخاب و یا جایگزینی قبل از موعد آنان به ترتیب مقرر در این اساسنامه خواهدبود.

تبصره۱ـ تا زمان انتخاب اعضای هیئت‌مدیره جدید، هیئت‌مدیره قبلی در سمت خود انجام وظیفه خواهند نمود.

تبصره۲ـ در صورت استعفا، عزل، فوت و حجر هریک از اعضای هیئت‌مدیره، شورا موظف است به ترتیب مقرر در این اساسنامه ظرف یک ماه جانشین وی را تعیین نماید.

ماده۱۱ـ وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره به شرح زیر است:

الف ـ بررسی و تأیید خط‌مشی، راهبردهای کلان و برنامه‌های اجرایی لازم برای دستیابی به اهداف صندوق جهت ارایه به شورا.

ب ـ بررسی و تأیید بودجه، صورتهای مالی و عملکرد سالانه صندوق جهت ارایه به شورا.

پ ـ بررسی و تأیید آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی و سایر آیین‌نامه‌ها و ضوابط مورد نیاز و ارایه آنها به شورا.

ت ـ بررسی و تأیید ساختار و تشکیلات کلان صندوق و ارایه آن به شورا و تصویب تشکیلات تفصیلی صندوق.

ث ـ بررسی و تأیید نحوه استفاده و بهره‌برداری از وجوه و ذخائر صندوق و سرمایه‌گذاری و پیشنهاد آن به شورا.

ج ـ پیشنهاد نصب و عزل مدیرعامل صندوق به شورا.

چ ـ پیشنهاد ضوابط مربوط به قراردادهای بیمه‌های تکمیلی و سایر قراردادهای توافقی به شورا.

ح ـ انتخاب نمایندگان صندوق جهت حضور در جلسات مجامع مؤسسات و شرکتهایی که تمام یا قسمتی از سهام آنان متعلق به صندوق می‌باشد.

خ ـ تصویب ساز و کارهای عملیاتی نمودن تصمیمات شورا.

د ـ بررسی و اتخاذ تصمیم درخصوص سایر مواردی که با رعایت قوانین و مقررات مربوط بنا به پیشنهاد هیئت‌مدیره صندوق در شورا مطرح می‌گردد در چارچوب مفاد این اساسنامه.

ذ ـ انجام سایر امور لازم برای صندوق در چارچوب این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط.

تبصره ـ هیئت‌مدیره می‌تواند در صورت لزوم بخشی از اختیارات خود را به‌مدیرعامل تفویض نماید. این واگذاری رافع مسئولیت هیئت‌مدیره نخواهد بود.

ماده۱۲ـ جلسات هیئت‌مدیره با حضور حداقل چهار نفر از اعضاء رسمیت یافته و تصمیمات آنها با رأی موافق حداقل سه نفر از اعضای حاضر معتبر خواهدبود.

تبصره ـ نحوه تشکیل و اداره جلسات به موجب آیین‌نامه‌ای خواهدبود که به‌تصویب

هیئت‌مدیره می‌رسد.

ماده۱۳ـ مدیرعامل صندوق به عنوان بالاترین مقام اداری و اجرایی صندوق، فردی است که خارج از اعضای شورا و هیئت‌مدیره با پیشنهاد هیئت‌مدیره و تصویب شورا با رعایت تبصره (۱) بند « د» ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی برای مدت چهارسال انتخاب خواهد شد و انتخاب مجدد وی بلامانع می‌باشد.

ماده۱٤ـ وظایف و اختیارات مدیرعامل به شرح زیر است:

الف ـ اداره امور جاری صندوق در چارچوب مقررات قانونی، خط مشی‌ها، برنامه‌ها و دستورالعمل‌های مصوب شورا و هیئت‌مدیره.

ب ـ تهیه و تنظیم برنامه و بودجه، گزارشها و صورتهای مالی و عملکرد صندوق جهت ارایه به هیئت‌مدیره.

پ ـ استقرار و عملیاتی نمودن ساختار و تشکیلات مصوب.

ت ـ معرفی نماینده سهام صندوق در مجمع عمومی شرکتهای تابعه و معرفی نماینده صندوق جهت عضویت در هیئت‌مدیره شرکتهای تابعه در صورت اجازه شورا در تأسیس آن.

تبصره۱ـ مدیرعامل در مقابل اشخاص حقیقی و حقوقی در کلیه مراجع قانونی نماینده صندوق بوده و می‌تواند این اختیار را شخصاً و یا به وسیله نمایندگان یا وکلایی که تعیین می‌کند اعمال نماید.

تبصره۲ـ مکاتبات رسمی، قراردادها و اسناد تعهدآور صندوق با امضاء مدیرعامل و مهر صندوق معتبر خواهدبود.

تبصره۳ـ چک‌های صادره با امضای مدیرعامل و مدیر مالی و مهر صندوق معتبر خواهدبود.

تبصره٤ـ مدیرعامل می‌تواند بامسئولیت خود قسمتی از وظایف و اختیاراتش را به‌مدیران اجرایی صندوق تفویض نماید.

ماده۱۵ـ اعضای هیئت نظارت مرکب از سه نفر با رعایت شرایط مندرج در تبصره (۱) بند « د» ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی توسط شورا انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

تبصره۱ـ هیئت نظارت حق هیچگونه دخالتی در امور اجرایی صندوق را نخواهد داشت و در اجرای وظایف خود جهت دریافت اطلاعات موردنیاز و رسیدگی به دفاتر و مدارک باید از طریق مدیرعامل اقدام نماید.

تبصره۲ـ مدیرعامل موظف است هرگونه مدارک یا توضیحاتی که مورد درخواست کتبی هیئت نظارت باشد در مهلت‌های قانونی یا تعیین شده در اختیار آنان قرار دهد.

تبصره۳ـ اداره امور داخلی هیئت نظارت و طرز تشکیل جلسات آن و نحوه انجام رسیدگی، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط هیئت مذکور تدوین و تصویب خواهد شد.

تبصره٤ـ انتخاب رییس هیئت نظارت از بین اعضای هیئت نظارت، به‌عهده رییس شورای صندوق می‌باشد.

تبصره۵ ـ صدور احکام اعضا و رییس هیئت نظارت پس از طی مراحل مقرر در این اساسنامه به عهده رییس شورای صندوق می‌باشد.

تبصره٦ ـ وظایف بازرس قانونی به عهده سازمان حسابرسی می‌باشد که گزارش خود را به هیئت نظارت جهت بررسی و اظهارنظر ارایه خواهد نمود.

ماده١٦ـ وظایف و اختیارات هیئت نظارت به شرح زیر است:

الف ـ نظارت بر حُسن‌اجرای مفاد اساسنامه و تطبیق عملیات صندوق با مقررات قانونی.

ب ـ اظهارنظر درخصوص ترازنامه و عملکرد تنظیمی قبل از طرح در شورا.

پ ـ اظهارنظر درخصوص گزارش بازرس قانونی.

ت ـ انجام سایر وظایفی که به موجب این اساسنامه یا قوانین و مقررات مربوط در صلاحیت هیئت نظارت می‌باشد.

تبصره ـ چنانچه هیئت نظارت در اداره امور صندوق عملی خلاف قوانین و مقررات یا مغایر مفاد این اساسنامه مشاهده نماید مراتب را به اطلاع شورا خواهد رساند.

ماده١٧ـ سال مالی صندوق از اول فروردین هر سال آغاز و در پایان اسفند همان سال خاتمه می‌یابد به استثنای سال اول که از تاریخ شروع فعالیت و در پایان اسفند همان سال خواهدبود.

ماده۱۸ـ دارایی‌ها و درآمدهای صندوق عبارتند از:

الف ـ وجوه و دارایی‌های موجود و منافع حاصل از سرمایه‌گذاریهای صندوق.

ب ـ حق بیمه‌های دریافتی و دریافتنی شامل سهم بیمه‌شدگان، سهم کارفرمایان و دولت و مقرری ماه اول کارکنان.

پ ـ وجوه حاصل از خسارات، جرایم و جزاهای نقدی موضوع قوانین و مقررات مربوطه یا احکام قطعی دادگاهها.

ت ـ هدایا و کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخل یا خارج کشور.

ث ـ بدهی‌ها، کمک‌ها و تعهدات قانونی دولت به صندوق

ج ـ سایر منابعی که براساس ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و یا قوانین و مقررات مربوط قابل جذب توسط صندوق باشد.

تبصره ـ بیش از پنجاه (۵۰٪) درصد منابع بودجه سالانه صندوق از طریق منابع غیردولتی تأمین خواهد شد.

ماده۱۹ـ هیئت‌مدیره مکلف است تا پایان آذر هرسال بودجه پیشنهادی صندوق را برای سال بعد تنظیم و به شورا ارایه نماید و شورا موظف است حداکثر تا پانزده روز پس از ابلاغ بودجه سالانه کشور آن را تصویب و ابلاغ نماید.

ماده۲۰ـ ترازنامه سالانه و گزارش مالی صندوق باید تا پایان تیرماه جهت ارایه به‌مراجع قانونی ذی‌ربط تهیه و تسلیم گردد. همچنین گزارش مالی سالانه صندوق مشتمل بر صورتهای مالی تلفیقی حسابرسی شده به همراه گزارش باید حداکثر تا پایان مهر سال بعد به هیئت نظارت و شورا ارسال گردد.

تبصره۱ـ صورتهای مالی تلفیقی سالیانه صندوق باید با رعایت استانداردهای حسابداری که توسط مرجع ذی‌صلاح قانونی تدوین شده یا می‌شود تهیه و ارایه گردد.

تبصره۲ـ تصویب صورتهای مالی صندوق توسط شورا به منزله مفاصا حساب مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره برای عملکرد مالی سال موردنظر می‌باشد.

تبصره۳ـ هیئت نظارت مکلف است نسخه‌ای از نظرات خود در مورد ترازنامه سالانه و گزارشهای مالی و صورت دارایی‌ها و بدهی‌ها را ظرف پانزده روز از تاریخ دریافت آن به هیئت‌مدیره تسلیم نماید.

تبصره٤ـ هیئت‌مدیره موظف است ظرف پانزده روز از تاریخ وصول نظرات هیئت نظارت آن را بررسی و توجیهات خود را به شورا تقدیم کند.

ماده۲۱ـ شورای صندوق موظف است ظرف یک ماه از تاریخ وصول گزارش عملکرد سالانه و صورتهای مالی و تلفیقی، تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

ماده۲۲ـ هیئت‌مدیره مکلف است در مقاطع زمانی مناسب (حداقل هر سه سال یک بار) گزارش محاسبات فنی (بیمه‌ای) صندوق را که توسط کارشناسان واجد صلاحیت حرفه‌ای تهیه می‌گردد به ضمیمه گزارش مالی تلفیقی به شورا ارایه نماید.

ماده۲۳ـ آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی، اداری و استخدامی به همراه آیین‌نامه‌های نحوه تشکیل و اداره جلسات شورا، هیئت‌مدیره و هیئت نظارت و سایر آیین‌نامه‌های موردنیاز صندوق باید ظرف شش ماه پس از ابلاغ این اساسنامه تدوین و به تصویب مراجع ذی‌ربط برسد.

تبصره ـ مادامی که آیین‌نامه‌های مذکور به تصویب نرسیده‌اند آیین‌نامه‌های موجود به قوت خود باقی می‌باشند.

ماده٢٤ـ اعضای شورا، هیئت نظارت، هیئت‌مدیره و مدیرعامل نمی‌توانند در معاملاتی که باس صندوق یا به حساب صندوق انجام می‌پذیرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم سهیم یا شریک باشند

تبصره۱ـ پرداخت حق بیمه توسط افراد حقیقی و حقوقی به صندوق معامله محسوب نمی‌شود.

ماده۲۵ـ وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی، شهرداری‌ها، عموم بیمه‌گذاران و کارفرمایان موظفند کلیه اطلاعات، اسناد، اوراق و مدارک موردنیاز را در اختیار صندوق قرار دهند.

ماده٢٦ـ تغییر و یا اصلاح این اساسنامه با تصویب هیئت وزیران خواهد بود.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۶۰ مورخ ۱۳۸۷/۸/۲۶

اساسنامه صندوق بیمه خدمات درمانی

هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۳/۲۶ بنا به پیشنهاد وزارت رفاه و تأمین‌اجتماعی و تأیید شورای‌عالی رفاه و تأمین‌اجتماعی و به استناد تبصره (۲) ماده (۱۲) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین‌اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ ـ و ماده (۱۱۳) قانون مدیریت خدمات کشوری ـ مصوب ۱۳۸٦ـ اساسنامه صندوق بیمه خدمات درمانی را به شرح زیر تصویب نمود: ماده۱ـ نام سازمان بیمه خدمات درمانی به موجب تبصره (۲) ماده (۱۲) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین‌اجتماعی ـ مصوب ۱۳۸۳ـ به صندوق بیمه خدمات درمانی اصلاح و در این اساسنامه به اختصار صندوق نامیده می‌شود.

ماده۲ـ هدف صندوق، اجرا، تعمیم و گسترش انواع بیمه‌های خدمات درمانی کارکنان دولت، افراد نیازمند، روستاییان و سایر گروههای اجتماعی متناسب با قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین‌اجتماعی و قوانین و مقررات بیمه خدمات درمانی کشور می‌باشد.

ماده۳ـ موضوع فعالیت صندوق در راستای تحقق اهداف بیمه‌ای مقرر در قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین‌اجتماعی، قانون بیمه همگانی خدمات درمانی کشور و سایر قوانین و مقررات مربوط عبارت است از:

الف ـ اجرا، توسعه و تعمیم بیمه خدمات درمانی در بین تمامی گروههای مشمول به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم.

ب ـ همکاری در مطالعه و ارایه پیشنهاد تعرفه‌های خدمات پیشگیری تشخیصی و درمانی براساس قیمتهای واقعی و مبتنی بر محاسبات فنی بیمه‌ای به منظور تعیین سرانه، اولویت‌بندی و تعیین سطوح خدمات مورد تعهد صندوق از طریق جمع‌آوری و ثبت اطلاعات خدمات ارایه شده به تفکیک خدمات‌دهنده و خدمات‌گیرنده.

پ ـ پژوهش، فرهنگ‌سازی، آموزش و بسترسازی جهت اجرای سیاستهای دولت همچون نظام ارجاع مبتنی بر پزشک خانواده.

ماده٤ـ صندوق دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی بوده و به صورت مؤسسه

بیمه درمانی وابسته به سازمان تأمین‌اجتماعی طبق مقررات این اساسنامه و قوانین و مقررات مربوط اداره خواهد شد.

ماده۵ ــ مرکز اصلی صندوق در تهران است و می‌تواند در تهران و سایر مناطق کشور شعبه و نمایندگی ایجاد و یا از طریق واگذاری برخی از امور به کارگزاریها با رعایت تبصره (۱) ماده (۱۲) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین‌اجتماعی اقدام نماید.

ماده٦ ــ ارکان صندوق عبارتند از:

الف ـ شورا

ب ـ هیئت‌مدیره

پ ـ مدیرعامل

ت ـ هیئت نظارت

ماده۷ــ اعمال وظایف، اختیارات و مسئولیتهای شورا و رییس آن به ترتیب بر عهده هیئت‌مدیره سازمان تأمین‌اجتماعی و رییس هیئت‌مدیره سازمان یادشده می‌باشد.

ماده۸ ــ وظایف و اختیارات شورا به شرح ذیل می‌باشد:

الف ـ تصویب خط‌مشی و راهبردهای کلان صندوق.

ب ـ تصویب برنامه و بودجه، صورتهای مالی و عملکرد سالانه صندوق.

پ ـ انتخاب اعضای هیئت‌مدیره و هیئت‌نظارت.

ت ـ تعیین و تصویب حقوق و مزایا و پاداش اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل در حدودی که شورای حقوق و دستمزد تعیین می‌نماید و با رعایت ماده (۲٤۱) قانون تجارت و تعیین حق‌الزحمه هیئت‌نظارت با رعایت ماده (۷٤) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸٦.

ث ـ اتخاذ تصمیم در مورد آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و سایر آیین‌نامه‌های مورد نیاز صندوق و ارایه پیشنهاد به هیئت‌وزیران برای تصویب در صورت لزوم.

ج ـ نصب و عزل اعضای هیئت‌مدیره و هیئت‌نظارت به پیشنهاد مدیرعامل سازمان تأمین‌اجتماعی.

چ ـ بررسی و تبیین تشکیلات کلان صندوق به پیشنهاد هیئت‌مدیره و ارجاع آن

به‌مراجع ذی‌ربط.

ح ـ تصویب پیشنهاد هیئت‌مدیره صندوق درخصوص انتخاب مدیرعامل.

خ ـ پیشنهاد تغییر و یا اصلاح اساسنامه.

د ـ بررسی و اتخاذ تصمیم درخصوص سایر مواردی که بنا به پیشنهاد هیئت‌مدیره صندوق در شورا مطرح می‌گردد در چارچوب مفاد این اساسنامه و با رعایت قوانین و مقررات مربوط.

تبصره۱ـ نحوه تشکیل و اداره جلسات شورا به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که پس از تشکیل اولین جلسه به تصویب شورا می‌رسد.

تبصره۲ـ مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره در صورت دعوت شورا بدون حق رأی در جلسات شورا شرکت می‌کنند.

ماده۹ـ اعضای هیئت‌مدیره صندوق متشکل از پنج نفر خواهند بود که با رعایت بند «ب» ماده (۱۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین‌اجتماعی و تبصره (۱) ماده قانون یادشده با تصویب شورا انتخاب می‌شود.

تبصره۱ـ صدور احکام اعضاء و رییس هیئت‌مدیره و مدیرعامل پس از طی مراحل مقرر در این اساسنامه به عهده مدیرعامل سازمان تأمین‌اجتماعی است.

تبصره۲ـ هیئت‌مدیره در اولین جلسه از بین اعضای خود یک نفر را به عنوان رییس هیئت‌مدیره انتخاب می‌نماید که وظایف وی در این زمینه به شرح زیر است:

الف ـ دعوت از اعضای هیئت‌مدیره جهت تشکیل جلسات.

ب ـ اداره جلسات هیئت‌مدیره.

پ ـ انعکاس پیشنهادات هیئت‌مدیره به شورا و ابلاغ مصوبات شورا و هیئت‌مدیره به‌مدیرعامل.

تبصره۳ـ کارکنان صندوق در دوران عضویت در هیئت‌مدیره مسئولیت اجرایی نخواهند داشت.

ماده۱۰ـ مدت عضویت اعضای هیئت‌مدیره چهار سال است. تجدید انتخاب و یا جایگزینی قبل از موعد آنان به ترتیب مقرر در این اساسنامه خواهد بود.

تبصره۱ـ تا زمان انتخاب اعضای هیئت‌مدیره جدید، هیئت‌مدیره قبلی در سمت خود انجام وظیفه خواهند نمود.

تبصره۲ـ در صورت استعفا، عزل، حجر و یا فوت هر یک از اعضای هیئت مدیره، شورا موظف است به ترتیب مقرر در این اساسنامه حداکثر ظرف یک ماه جانشین وی را تعیین نماید.

ماده۱۱ـ وظایف و اختیارات هیئت‌مدیره به شرح زیر است:

الف ـ بررسی و تأیید خط‌مشی، راهبردهای کلان و برنامه‌های اجرایی لازم برای دستیابی به اهداف صندوق جهت ارایه به شورا.

ب ـ بررسی و تأیید بودجه، صورتهای مالی و عملکرد سالانه صندوق جهت ارایه به‌شورا.

پ ـ بررسی و تأیید آیین‌نامه‌های مالی، معاملاتی و سایر آیین‌نامه‌ها و ضوابط مورد نیاز و ارایه آنها به شورا.

ت ـ ارایه پیشنهاد ساختار و تشکیلات کلان صندوق و ارایه آن به مراجع ذی‌ربط پس از تأیید شورا.

ث ـ بررسی و تأیید نحوه استفاده و بهره‌برداری از وجوه و ذخایر صندوق و پیشنهاد آن به شورا.

ج ـ پیشنهاد نصب و عزل مدیرعامل صندوق به شورا.

چ ـ انجام سایر امور لازم برای صندوق در چارچوب اساسنامه و قوانین مربوطه.

ح ـ تعیین اعضای هیئت‌مدیره شرکتها و مؤسسات تابعه و وابسته.

تبصره ـ هیئت‌مدیره می‌تواند در صورت لزوم بخشی از اختیارات خود را به‌مدیرعامل تفویض نماید. این واگذاری رافع مسئولیت هیئت‌مدیره نخواهد بود.

خ ـ تصویب ضوابط مربوط به عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی برای ارایه خدمات پیشگیری، تشخیصی و درمانی.

دـ تعیین ضوابط مربوط به نحوه تنظیم و بررسی اسناد و مدارک پزشکان، گروهها و مؤسسات پزشکی طرف قرارداد به منظور تطبیق اسناد مذکور با ضوابط و تعرفه‌های مقرر

جهت پرداخت هزینه‌ها به اشخاص حقیقی و حقوقی.

ماده۱۲ـ جلسات هیئت‌مدیره با حضور حداقل چهار نفر از اعضا رسمیت یافته و تصمیمات آنها با رأی موافق حداقل سه نفر از اعضای حاضر معتبر خواهد بود.

ماده۱۳ـ مدیرعامل صندوق به عنوان بالاترین مقام اداری و اجرایی صندوق، فردی است که خارج از اعضای شورا و هیئت‌مدیره به پیشنهاد هیئت‌مدیره و تصویب شورا برای مدت چهار سال انتخاب خواهد شد و انتخاب مجدد وی بلامانع می‌باشد.

ماده۱٤ـ وظایف و اختیارات مدیرعامل به شرح زیر است:

الف ـ تهیه گزارش عملکرد سالانه، ترازنامه حساب سود و زیان و ارایه آن به هیئت‌مدیره.

ب ـ اداره امور جاری صندوق در چارچوب مقررات قانونی، خط‌مشی‌ها، برنامه‌ها و دستورالعملهای مصوب شورا و هیئت‌مدیره.

پ ـ تهیه و تنظیم گزارشهای دوره‌ای از عملکرد صندوق (هر سه ماه یک بار) جهت ارایه به هیئت‌مدیره.

ت ـ استقرار و عملیاتی نمودن ساختار و تشکیلات مصوب.

ث ـ تهیه و تنظیم بودجه سالانه صندوق و ارایه آن به هیئت‌مدیره.

ج ـ تهیه و تنظیم ضوابط و آیین‌نامه‌های اجرایی.

چ ـ صدور احکام اعضای هیئت‌مدیره شرکتها و مؤسسات تحت پوشش بدون واسطه موجود.

ح ـ صدور حکم مدیرعامل شرکتها و مؤسسات تحت پوشش بدون واسطه موجود.

تبصره۱ـ مدیرعامل در مقابل اشخاص حقیقی و حقوقی در کلیه مراجع قانونی و قضایی نماینده صندوق بوده و می‌تواند این اختیار را شخصاً و یا به وسیله نمایندگان یا وکلایی که تعیین می‌کند اعمال نماید.

تبصره۲ـ مکاتبات رسمی، قراردادها و اسناد تعهدآور صندوق با امضاء مدیرعامل و مهر صندوق معتبر خواهدبود.

تبصره۳ـ چک‌های صادره با امضای مدیرعامل و مدیرمالی و مهر صندوق معتبر

خواهدبود.

تبصره٤ـ مدیرعامل می‌تواند با مسئولیت خود، قسمتی از وظایف و اختیاراتش را به مدیران اجرایی صندوق تفویض نماید.

ماده١٥ـ اعضای هیئت‌نظارت مرکب از سه نفر با رعایت شرایط مندرج در بند «د» ماده (١٧) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تبصره (١) ماده یادشده توسط شورا انتخاب می‌شوند و انتخاب مجدد آنها بلامانع است.

تبصره١ـ هیئت‌نظارت حق هیچگونه دخالتی در امور اجرایی صندوق را نخواهد داشت و در اجرای وظایف خود جهت دریافت اطلاعات مورد نیاز و رسیدگی به دفاتر و مدارک باید از طریق مدیرعامل اقدام نماید.

تبصره٢ـ مدیرعامل موظف است هرگونه مدارک یا توضیحات که مورد درخواست کتبی هیئت‌نظارت باشد در مهلت‌های قانونی یا تعیین شده در اختیار آنان قرار دهد.

تبصره٣ـ انتخاب رییس هیئت‌نظارت از بین اعضای هیئت‌نظارت، به عهده رییس شورا می‌باشد.

تبصره٤ـ صدور احکام اعضا و رییس هیئت‌نظارت پس از طی مراحل مقرر در این اساسنامه به عهده رییس شورا می‌باشد.

تبصره٥ ـ وظایف بازرس قانونی به عهده سازمان حسابرسی می‌باشد که گزارش خود را به هیئت‌نظارت جهت بررسی و اظهارنظر ارایه خواهد نمود.

ماده١٦ـ وظایف و اختیارات هیئت‌نظارت به شرح زیر است:

الف ـ نظارت بر حسن اجرای مفاد اساسنامه و تطبیق عملیات صندوق با مقررات قانونی.

ب ـ اظهارنظر درخصوص ترازنامه و عملکرد تنظیمی قبل از طرح در شورا.

پ ـ اظهارنظر درخصوص گزارش بازرس قانونی.

ت ـ انجام سایر وظایفی که به موجب این اساسنامه یا قوانین و مقررات در صلاحیت هیئت‌نظارت می‌باشد.

تبصره ـ چنانچه هیئت‌نظارت در اداره امور صندوق عملی خلاف قوانین و مقررات یا مغایر مفاد این اساسنامه مشاهده نماید مراتب را به اطلاع شورا خواهد رساند.

ماده۱۷ـ سال مالی صندوق از اول فروردین ماه هر سال آغاز و در پایان اسفند ماه همان سال خاتمه می‌یابد.

ماده۱۸ـ دارایی‌ها و درآمدهای صندوق عبارتند از:

الف ـ وجوه دارایی‌های موجود و منافع حاصل از سرمایه‌گذاریهای صندوق.

ب ـ حق بیمه‌های دریافتی شامل سهم بیمه‌شدگان، سهم کارفرمایان و دولت.

پ ـ وجوه حاصل از خسارات، جرایم و جزاهای نقدی موضوع قوانین و مقررات مربوطه یا احکام قطعی دادگاهها.

ت ـ هدایا و کمکهای اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از داخل یا خارج کشور.

ث ـ بدهی‌ها، کمکها و تعهدات قانونی دولت به صندوق.

ج ـ سایر منابعی که براساس ماده (۷) قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین‌اجتماعی و یا قوانین و مقررات موضوعه قابل جذب توسط صندوق باشد.

چ ـ درآمدهای حاصل از محل ثبت و صدور دفاتر بیمه‌شدگان.

ماده۱۹ـ هیئت‌مدیره مکلف است تا پایان آذرماه هر سال بودجه پیشنهادی صندوق را برای سال بعد تنظیم و به شورا ارایه نماید و شورا موظف است حداکثر تا پانزده روز پس از ابلاغ بودجه سالانه کشور آن را تصویب و ابلاغ نماید.

ماده۲۰ـ ترازنامه سالانه و گزارش مالی صندوق باید حداکثر تا پایان تیرماه جهت ارایه به مراجع قانونی ذی‌ربط تهیه و تسلیم گردد. همچنین گزارش مالی سالانه صندوق مشتمل بر صورتهای مالی تلفیقی حسابرسی شده به همراه گزارش هیئت‌مدیره در مورد فعالیت و وضعیت عمومی صندوق در سال مورد گزارش باید حداکثر تا پایان مرداد ماه سال بعد به هیئت‌نظارت و شورا ارسال گردد.

تبصره۱ـ صورتهای مالی تلفیقی سالانه صندوق باید با رعایت استانداردهای حسابداری که توسط مرجع ذی‌صلاح قانونی تدوین شده یا می‌شود تهیه و ارایه گردد.

تبصره۲ـ تصویب صورتهای مالی صندوق توسط شورا به منزله مفاصا حساب مدیرعامل و اعضای هیئت‌مدیره برای عملکرد مالی سال مورد نظر می‌باشد.

تبصره۳ـ هیئت‌نظارت مکلف است نسخه‌ای از نظرات خود در مورد ترازنامه سالانه و گزارشهای مالی و صورت دارایی‌ها و بدهی‌ها را حداکثر ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت آن به هیئت‌مدیره تسلیم نماید.

تبصره٤ـ هیئت‌مدیره موظف است ظرف مدت پانزده روز از تاریخ وصول نظرات هیئت نظارت آن را بررسی و توجیهات خود را به شورا و وزارت رفاه و تأمین‌اجتماعی تقدیم دارد.

ماده۲۱ـ شورا موظف است حداکثر ظرف مدت یک ماه از تاریخ وصول گزارش عملکرد سالانه و صورتهای مالی و تلفیقی تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

ماده۲۲ـ هیئت‌مدیره مکلف است در مقاطع زمانی مناسب (حداقل هر سه سال یک بار) گزارش محاسبات فنی (بیمه‌ای) صندوق را که توسط کارشناسان واجد صلاحیت حرفه‌ای تهیه گردیده به ضمیمه گزارش مالی تلفیقی به شورا ارایه نماید.

ماده۲۳ـ آیین‌نامه‌های مالی و معاملاتی، باید حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این اساسنامه تدوین و به تصویب مراجع ذی‌ربط برسد.

تبصره ـ مادامی که آیین‌نامه‌های مذکور به تصویب نرسیده‌اند آیین‌نامه‌های موجود به قوت خود باقی است.

ماده۲٤ـ اعضای شورا، هیئت‌مدیره و مدیرعامل و هیئت‌نظارت، نمی‌توانند در معاملاتی که با صندوق یا به حساب صندوق انجام می‌پذیرد به طور مستقیم یا غیرمستقیم سهیم یا شریک باشند.

تبصره۱ـ اعضای شورا، هیئت‌مدیره و مدیرعامل و هیئت‌نظارت در صورت فعالیت در رشته‌های پزشکی با مجوز شورا در خصوص عقد قرارداد درمانی خارج از وقت اداری جهت ارایه خدمات به بیمه‌شدگان تحت پوشش صندوق، مشمول حکم این ماده نمی‌باشند.

تبصره۲ـ پرداخت حق بیمه توسط افراد حقیقی و حقوقی به صندوق معامله محسوب نمی‌شود.

ماده۲۵ـ تغییر و یا اصلاح این اساسنامه با تصویب هیئت‌وزیران خواهد بود.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۸۰ مورخ ۸۷/۹/۲۰

قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۰

ماده واحده ــ اجراء آزمایشی قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۵/۸ کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به مدت یک سال تمدید می‌شود.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه‌شنبه مورخ بیست و هشتم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۲۹ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۸۵ مورخ۸۷/۹/۲۶

قانون اصلاح بند (ح) ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب۱۳۸۳ مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۲

ماده واحده ـ بند (ح) ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ح ـ به منظور اجراء سیاستهای پولی به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود تا در مواقع لزوم به منظور هدایت و کنترل حجم نقدینگی در چارچوب قانون عملیات بانکی بدون ربا ـ مصوب۱۳٦۲/٦/۸ـ با تصویب شورای پول و اعتبار از ابزار اوراق مشارکت استفاده نماید.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و دوم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۹/٦ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۸۵ مورخ۸۷/۹/۲۶

قانون اصلاح ماده (۵۶) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۷/۸/۲۲

ماده واحده ــ ماده (٥٦) قانون الحاق موادی به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸٤/۸/۱۵ به شرح ذیل اصلاح می‌گردد:

ماده٥٦ ــ به منظور تسریع در عملیات اجرائی طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای ملی و طرحهای ملی استانی‌شده شروع‌شده با اولویت پیشرفت فیزیکی بیشتر، به دستگاههای اجرائی طرحهای مندرج در پیوست شماره (۱) قوانین بودجه سنواتی و طرحهای ملی استانی شده، اجازه داده می‌شود پس از تأیید سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نسبت به انعقاد قرارداد تسهیلات مالی با تأمین‌کنندگان منابع مالی مشتمل بر پیمانکار یا سازنده طرح، اشخاص حقیقی یا حقوقی ایرانی، بانکها و سایر مؤسسات اعتباری مالی و پولی در قالب عقود اسلامی مندرج در قانون عملیات بانکی بدون ربا مصوب ۱۳٦۲/٦/۸ اقدام نمایند.

آئین‌نامه اجرائی این ماده مشتمل بر نحوه تضمین بازپرداخت اصل و سود این تسهیلات بنا به پیشنهاد مشترک وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیأت وزیران خواهدرسید. سقف قراردادهای موضوع این ماده حداکثر تا ده درصد (۱۰٪) سقف اعتبارات طرحهای تملک داراییهای سرمایه‌ای مصوب در بودجه سنواتی خواهدبود. بازپرداخت تسهیلات مورد استفاده هر دستگاه از محل اعتبارات مصوب همان دستگاه در سالهای بعد صورت می‌پذیرد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و دوم آبان ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۹/٦ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۸۵ مورخ۸۷/۹/۲۶

اصلاح بند (۱) تصویب‌نامه موضوع تحت پوشش قراردادن اتباع ایرانی فاقد بیمه از بیمه خدمات درمانی مصوب ۱۳۸۷/۹/۳

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۹/۳ بنا به پیشنهاد شماره ۱٤۰٥٤/س/۸۷ مورخ ۱۳۸۷/۸/۱٤ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

در بند (۱) تصویب نامه شماره ۷٤٥۱٥/ت٤۰۳۰۲ک مورخ ۱۳۸۷/٥/۱۳ عبارت « با محوریت پزشک خانواده و نظام ارجاع» حذف می‌شود.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۸۶ مورخ۸۷/۹/۲۸

تصویب‌نامه در خصوص پرداخت دیه شخص ثالث از محل درآمدهای صندوق تأمین خسارتهای بدنی برای پرونده‌های واصل شده از صندوق دیه بیت‌المال مصوب ۱۳۸۷/۹/۱۰

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۹/۱۰ بنا به پیشنهاد شماره ۱۱۱/۰۲/۲۰۶۷۵ مورخ ۱۳۸۷/۹/۲ وزارت دادگستری و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

۱ـ صندوق تأمین خسارتهای بدنی مجاز است در موارد موضوع ماده (۱۰) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث ـ مصوب ۱۳۸۷ـ برای پرونده‌های واصل شده از صندوق دیه بیت‌المال، معادل سقف دوهزار نفر دیه کامل برمبنای ارزش ریالی ارزانترین نوع دیه به هنگام پرداخت، از محل درآمدهای صندوق تأمین خسارتهای بدنی با معرفی وزارت دادگستری برای پرداخت دیه قربانیان سوانح رانندگی پرداخت نماید.

۲ـ نحوه اقدام به موجب موافقتنامه مورخ ۱۳۸٦/۱۱/۱٤ منعقد شده بین وزارت دادگستری و بیمه مرکزی ایران خواهد بود.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۶۰۱ مورخ ۸۷/۱۰/۱۶

قانون تفسیر ماده (۱۸) قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب

موضوع استفساریه:

ماده واحده ـ آیا تشخیص مغایرت بیّن آراء مورد اعتراض با شرع توسط رئیس قوه قضائیه به معنای قبول و تجویز اعاده دادرسی محسوب و کلیه شعب مرجوع‌الیه (دادگاههای عمومی، تجدیدنظر و دیوان عالی کشور و نظامی) مکلف به رسیدگی ماهوی به موضوع و انشاء رأی می‌باشند یا خیر؟

نظر مجلس:

تشخیص رئیس قوه قضائیه به معنای تجویز اعاده دادرسی است و پرونده در مورد آرائی که در سابق از شعب تشخیص صادر گردیده به شعب دیوان عالی کشور و در سایر موارد به مرجع صالح جهت رسیدگی ماهوی و صدور رأی مقتضی ارجاع می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دهم آذرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۸۷/۹/۲۰ به تأیید شورای نگهبان رسید.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۵۹۰ مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۳۰

قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی

ماده۱ـ محصولات صنایع آلوده‌کننده محیط زیست تا زمانی که آلایندگی ادامه دارد به تشخیص و اعلام شورای عالی حفاظت محیط زیست (که تا پانزدهم اسفندماه هرسال برای اجراء در سال بعد ابلاغ می‌گردد) متناسب با درجه آلایندگی تا یک درصد (۱٪) قیمت فروش مشمول پرداخت عوارض می‌شود تا حسب مورد با نظر سازمان حفاظت محیط زیست توسط واحد صنعتی و شهرداریها و دهیاریهای مرتبط، صرف پروژه‌های رفع آلایندگی از کارخانه و جبران خسارات زیست محیطی پیرامونی گردد. آئین‌نامه اجرائی این ماده توسط وزارت صنایع و معادن و سازمان حفاظت محیط‌زیست تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

ماده۲ـ جهت حمایت از صادرات صنعتی، دولت موظف است مبلغی را به منظور جبران بخشی از هزینه‌های صادراتی کالاهای مصرفی و سرمایه‌ای، اجزاء و قطعات و مجموعه‌های تولید و خدمات فنی و مهندسی کشور (که فهرست آن در ابتداء هرسال با پیشنهاد وزارت صنایع و معادن به تصویب شورای عالی صادرات می‌رسد) حداقل معادل حاصل‌ضرب دو سوم ارزش صادرات سال قبل و مابه‌التفاوت نرخ تسهیلات بانکی داخلی با نرخ بین بانکی (نرخ لایبور)، در بودجه‌های سالانه پیش‌بینی و به صادرکنندگان محصولات فوق‌الذکر حداکثر سه ماه از تاریخ صادرات پرداخت نماید. زمان اجراء این ماده از تاریخ ۱۳۸۷/۱/۱ خواهد بود.

تبصره ـ آئین‌نامه اجرائی این ماده توسط وزارت بازرگانی و با همکاری وزارتخانه‌های صنایع و معادن و جهاد کشاورزی و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تهیه و به تصویب هیأت وزیران می‌رسد.

ماده۳ـ دولت موظف است در جهت منطقی شدن تفاوت متوسط سود و کارمزد تسهیلات بانکی با متوسط سود پرداختی به انواع سپرده‌ها (Spread) میزان آنها را به‌گونه‌ای تصویب و ابلاغ نماید تا از تاریخ تصویب این قانون میزان تفاوت فوق‌الذکر تا سقف سه

درصد (۳٪) محدود گردد.

ماده٤ـ اصلاحات زیر در قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران انجام می‌گیرد:

الف ـ یک تبصره به عنوان تبصره (۵) به ماده (٦) به شرح زیر اضافه می‌گردد:

تبصره۵ ـ شورای عالی استاندارد موظف است مسؤولیت نظارت بر اجراء استاندارد کالا و خدمات (به استثناء دارو که به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد) را صرفاً به مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران محول نماید به نحوی که از تاریخ تصویب این قانون هیچ اقدام موازی در این خصوص صورت نگیرد.

ب ـ به منظور متناسب نمودن تعرفه‌های کارمزد ارائه خدمات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران با هزینه‌های واقعی این خدمات، در ردیف (٦) ماده (۲۰) قانون مذکور، عبارت « در سقف هزینه‌های واقعی ارائه هریک از خدمات» بعد از واژه « مؤسسه» اضافه می‌گردد.

ماده۵ ـ شورای اقتصاد موظف است، قیمت برق در ساعتها و فصول اوج و ساعتها و فصول کم‌باری را به‌گونه‌ای تعیین نماید که متوسط قیمت برق واحدهای صنعتی از نرخ در ساعات عادی تجاوز ننماید و منحصراً موجب کاهش مصرف در ساعات اوج گردد.

ماده٦ ـ وزارت نفت مکلف است گاز مورد درخواست واحدهای صنعتی را با اولویت تأمین نموده و قیمت و شرایط تأمین گاز طبیعی (ترش، شیرین، غنی، خشک، متان و اتان) و میعانات گازی برای صنایع پایین‌دستی به عنوان مواد اولیه و یا انرژی (به عنوان خوراک و یا سوخت) را در بخشهای دولتی، تعاونی و خصوصی (اعم از صنایع موجود یا در حال ساخت و یا صنایعی که در آینده احداث خواهد شد و صنایعی که محصولات آنها به‌مصرف داخلی می‌رسد و یا محصولات آنها کلاً یا جزئاً صادر می‌شود) یکسان و به‌گونه‌ای تعیین نماید که تا سال ۱۳۹۰ هجری شمسی حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) گاز تولیدی کشور صرف مواد اولیه صنایع پایین‌دستی داخلی گردد.

عرضه گاز طبیعی (ترش، شیرین، غنی، خشک، متان و اتان) و مایعات و میعانات گازی به قیمتهای متفاوت به صنایع (چه صنایع موجود و چه متقاضیان جدید) که حاکی از

تبعیض بین دو یا چند تولیدکننده بوده و یا حاکی از تبعیض قیمت بین مناطق مختلف به رغم یکسان بودن شرایط باشد، ممنوع است.

وزارت نفت مکلف است هر امتیازی که در قیمت‌گذاری گاز طبیعی (ترش، شیرین، غنی، خشک، متان و اتان) و مایعات و میعانات گازی برای هر بنگاه و یا فعالیت اقتصادی مقرر شده یا می‌شود، عیناً و با اولویت برای بنگاه یا فعالیت اقتصادی مشابه در بخشهای خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی نیز در نظر بگیرد.

وزارت نفت مکلف است ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون، این‌گونه امتیازات موجود را لغو کند و یا تعمیم دهد.

ماده۷ـ یک تبصره به عنوان تبصره (٤) به شرح زیر به ماده (۱۳) قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، مصوب ۱۳۷٤ اضافه می‌گردد:

تبصره٤ـ سازمان حفاظت محیط زیست موظف است به استعلام‌هایی که به منظور صدور پروانه بهره‌برداری واحدهای صنعتی و معدنی صورت می‌پذیرد ظرف مدت یک ماه جواب داده و در صورت عدم موافقت دلایل آن را به استعلام کننده به صورت کتبی ارائه نماید. وزارتخانه‌های صادرکننده پروانه‌های صنعتی موظفند در صورت عدم دریافت پاسخ سازمان، نسبت به صدور پروانه بهره‌برداری اقدام نمایند.

ماده۸ ـ اصلاحات زیر در قانون کار صورت می‌پذیرد:

الف ـ به ماده (۷) قانون کار دو تبصره به شرح زیر اضافه می‌گردد[1]:

۱- **ماده ۷ـ** قرارداد کار عبارتست از قرارداد کتبی یا شفاهی که به‌موجب آن کارگر در قبال دریافت حق‌السعی کاری را برای مدت موقت یا مدت غیرموقت برای کارفرما انجام می‌دهد.

تبصره ۱ـ حداکثر مدت موقت برای کارهایی که طبیعت آنها جنبه غیرمستمر دارد توسط وزارت کار و امور اجتماعی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲ـ در کارهایی که طبیعت آنها جنبه مستمر دارد، در صورتی‌که مدتی در قرارداد ذکر نشود، قرارداد دائمی تلقی می‌شود

تبصره۳ـ قراردادهای با بیش از سی روز باید به صورت کتبی و در فرم مخصوص که توسط وزارت کار و امور اجتماعی در چهارچوب قوانین و مقررات تهیه و در اختیار طرفین قرار می‌گیرد، باشد.

تبصره٤ـ کارفرمایان موظفند به کارگران با قرارداد موقت به نسبت مدت کارکرد مزایای قانونی پایان کار به مأخذ هرسال یک ماه آخرین مزد پرداخت نمایند.

ب ـ بند ذیل به عنوان بند (ح) به متن ماده (۱۰) قانون کار اضافه می‌شود:[1]

ح ـ شرایط و نحوه فسخ قرارداد

ج ـ بند ذیل به عنوان بند (ز) به متن ماده (۲۱) قانون کار اضافه شود:[2]

---

۱ – **ماده ۱۰ـ** قرارداد کار علاوه بر مشخصات دقیق طرفین، باید حاوی موارد ذیل باشد:

الف ـ نوع کار یا حرفه یا وظیفه‌ای که کارگر باید به آن اشتغال یابد.

ب ـ حقوق یا مزد مبنا و لواحق آن

ج ـ ساعات کار، تعطیلات و مرخصیها

د ـ محل انجام کار

هـ ـ تاریخ انعقاد قرارداد

و ـ مدت قرارداد، چنانچه کار برای مدت معین باشد.

ز ـ موارد دیگری که عرف و عادت شغل یا محل، ایجاب نماید.

تبصره ـ در مواردی که قرارداد کار کتبی باشد قرارداد در چهار نسخه تنظیم می‌گردد که یک نسخه از آن به اداره کار محل و یک نسخه نزد کارگر و یک نسخه نزد کارفرما و نسخه دیگر در اختیار شورای اسلامی کار و در کارگاههای فاقد شورا در اختیار نماینده کارگر قرار می‌گیرد.

۲– **ماده ۲۱ـ** قرارداد کار به یکی از طرق زیر خاتمه می‌یابد:

الف ـ فوت کارگر

ب ـ بازنشستگی کارگر

ج ـ از کار افتادگی کلی کارگر

د ـ انقضاء مدت در قراردادهای کار با مدت موقت و عدم تجدید صریح یا ضمنی آن

هـ ـ پایان کار در قراردادهایی که مربوط به کار معین است

ز ـ فسخ قرارداد به نحوی که در متن قرارداد پیش‌بینی گردیده‌است.

د ـ بند (ح) به شرح زیر به ماده (۲۱) قانون کار اضافه می‌شود:

ح ـ کاهش تولید و تغییرات ساختاری در اثر شرایط اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و لزوم تغییرات گسترده در فن‌آوری مطابق با مفاد ماده (۹) قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل و نوسازی صنایع کشور.

هـ ـ براساس ماده (۱۰۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران دولت موظف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب و ابلاغ این قانون نسبت به اصلاح روابط کار در ماده (۲۷) قانون کار و دیگر مواد مربوطه اقدام نماید.

ماده۹ـ به منظور تسریع و گسترش عملیات اکتشاف و بهره‌برداری از معادن و توسعه صنایع معدنی، قانون معادن به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

الف ـ به ماده (۱۹) تبصره زیر اضافه می‌شود:

تبصره ـ هرگونه تصرف و مزاحمت اشخاص حقیقی و حقوقی در محدوده دارای مجوز عملیات معدنی قانونی بدون داشتن حکم از مراجع قضائی جرم محسوب شده و قابل پیگرد قانونی است.

در این موارد نیروی انتظامی موظف است حسب درخواست وزارت صنایع و معادن یا دارندگان مجوز بلافاصله نسبت به رفع تصرف و مزاحمت اقدام و متهم و یا متهمان را به مراجع قضائی معرفی نماید.

ب ـ ماده (۲٤) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

و ـ استعفای کارگر.

تبصره ـ کارگری که استعفاء می‌کند موظف است یک ماه به‌کار خود ادامه داده و بدواً استعفای خود را کتباً به کارفرما اطلاع دهد و در صورتی‌که حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز انصراف خود را کتباً به کارفرما اعلام نماید استعفای وی منتفی تلقی می‌شود و کارگر موظف است رونوشت استعفا و انصراف از آن‌را به شورای اسلامی کارگاه و یا انجمن صنفی و یا نماینده کارگران تحویل دهد.

ماده۲٤ـ جهت تسریع در امر اکتشاف و بهره‌برداری از معـادن، دسـتگاه‌هـای اجرائـی مربوطه مکلفند حداکثر ظرف مدت دو ماه نسبت به استعلام وزارت صنایع و معادن جهـت صدور پروانه اکتشاف در موارد ذیل اعلام نظر نمایند.

ـ حریم قانونی راهها و راه‌آهن.

ـ در داخل شهرها و حریم قانونی آنها.

ـ در حریم قانونی سدها و شبکه توزیع آب و حوضچه‌های سدها و قنوات.

ـ در داخل جنگلها و مراتع.

ـ در حریم اماکن مقدسه و ابنیه تاریخی.

ـ در حریم پادگانها و محل استقرار نیروهای مسلح.

ـ در مناطق موضوع بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیسـت عـدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله موافقت دستگاه‌های مزبور تلقی می‌شود.[۲]

تبصره ـ استعلام برای یک محل فقط یک‌بار و در موقع صدور پروانه اکتشاف توسـط وزارت صنایع و معادن تا حداکثر سه ماه صورت خواهدگرفت.

ج ـ ماده (۲٦) به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده۲٦ـ محدوده مربوط به اکتشاف و استخراج و انباشت و بهره‌برداری مواد معدنی و دفع مواد باطله واقع در منابع ملی بنا به تقاضـای وزارت صـنایع و معـادن توسـط سـازمان جنگلها و مراتع کشور ثبت می‌گردد که مساحت این محدوده در مجوز صادره قید مـی‌شـود و به عرصه عملیاتی معدن مربوط بوده و تا پایان عمر معدن بـه صـورت امـوال عمـومی در اختیار وزارت صنایع و معـادن خواهـدبود و هرگونـه عملیـات خـارج از مـواد منـدرج در مجوزهایی که صادر می‌شود به منزله تصرف در اموال عمومی محسوب می‌شود.

ماده۱۰ـ به منظور تأمین مالی طرحها و فعالیتهای صنعتی و اسـتفاده بهینـه از حسـاب ذخیره ارزی و جهت‌دهی آن به سمت استفاده حداکثر از توان داخلی:

الف ـ بانکها و وزارتخانه‌های تخصصی موضوع بند (د) ماده (۱) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران موظفند، برای اعطاء تسهیلات از حساب ذخیره ارزی، فروش محصول طرحهای صنعتی و معدنی را با قیمت تحویل در بنادر صادراتی کشور (FOB) محاسبه نمایند.

ب ـ بانکها موظفند، تسهیلات ارزی و ریالی (اعم از منابع حساب ذخیره ارزی، وجوه اداره شده، تسهیلات تکلیفی یا منابع داخلی) مورد نیاز از طرحهای صنعتی و معدنی را همزمان بررسی و تسهیلات مصوب را براساس برنامه زمان‌بندی اجراء طرح و پیشرفت کارپرداخت نمایند. در صورت عدم پرداخت تسهیلات مطابق با برنامه زمان‌بندی شده مصوب و متناسب با تأخیر در پرداخت تسهیلات اعطائی قبلی استمهال گردد.

ج ـ اعطاء تسهیلات برای ماشین‌آلات و تجهیزات داخلی طرحهای صنعتی و معدنی از محل منابع حساب ذخیره ارزی مجاز بوده، سرمایه‌گذاران طرحهای صنعتی و معدنی می‌توانند خریدهای داخلی از سازندگان ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی و معدنی را نیز به صورت ارزی انجام دهند.

د ـ در مواردی که جمع ارزش وثایق و آورده سرمایه‌گذار، بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) کل سرمایه‌گذاری پروژه باشد، بررسی توجیه فنی و اقتصادی طرحها توسط بانکها ضرورت نخواهدداشت و باید با وثیقه گرفتن کل طرح، تسهیلات لازم را پرداخت نمایند.

هـ ـ بانک ذی‌ربط موظف است حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ وصول درخواست، پاسخ قطعی خود را در مورد قبول یا عدم قبول طرح اعلام نماید و در صورتی که پاسخ منفی باشد باید دلایل کتباً به متقاضی اعلام شود.

و ـ جهت رعایت مفاد قانون حمایت از ساخت داخلی وزارت صنایع و معادن موظف است حسب استعلام بانکها به پروفرمهای واصله رسیدگی و مراتب تأیید آن را به بانک عامل اعلام نماید.

ماده۱۱ـ دستگاههای اجرائی و سازمانها و شرکتهای دولتی موظفند، با رعایت قانون حداکثر استفاده از توان فنی، مهندسی، تولیدی و صنعتی و اجرائی کشور:

الف ـ خریدهای داخلی (اعم از پروژه‌ای و غیرپروژه‌ای) با ارزش بیش از دومیلیارد

ریال را از طریق گشایش اعتبار ریالی و یا ارزی به نفع سازندگان داخلی انجام دهند.

ب ـ صورت‌وضعیت کارهای انجام شده توسط پیمانکاران و صورتحساب (فاکتور) فروش سازندگان داخلی را ظرف مدت سی روز بررسی و وجوه آن را به ذی‌نفع پرداخت نمایند.

در صورت عدم تأیید صورت وضعیتهای ارائه شده باید مراتب را با ذکر دلیل ظرف سی روز کتباً به ذی‌نفع منعکس نمایند.

ج ـ وزارت رفاه و تأمین اجتماعی موظف است حق بیمه تأمین اجتماعی پیمانکاران طرحهای عمرانی و غیر عمرانی یا بدون مصالح و با مصالح را صرفاً بر مبنای لیست ارائه‌شده توسط پیمانکار دریافت نماید.

ماده۱۲ـ جهت حمایت از تولید داخل، تعرفه قطعات منفصله نیمه ساخته (S.K.D) و قطعات کاملاً منفصله (C.K.D) تلفن همراه، لوازم برقی خانگی و سایر وسایل برقی (به استثنای خودرو و صنایع فن‌آوری پیشرفته (های تک) با تأیید وزارت صنایع) نسبت به تعرفه واردات ساخت کامل(C.B.U) آنها به ترتیب هشتاد درصد (۸۰٪) و ده درصد (۱۰٪) تعیین می‌گردد.

کلیه اقلامی که قبلاً توسط دولت، جداول تعرفه‌ای دراز مدت (دوساله و بیشتر) و یا قوانین خاص برای آنها تدوین و اعلام گشته است با توجه به برنامه‌ریزی قبلی و اقدام احتمالی سرمایه‌گذاران به تشخیص وزارت صنایع و معادن از مفاد این بند مستثنی است.

ماده۱۳ـ در مواردی که تغییر در مصوبه مجمع در مواد (۱)، (۵)، (٦) و (۸) این قانون ضروری دانسته شود، این تغییر با مصوبه قانونی ممکن خواهد بود.

ماده۱٤ـ مدت زمان اجراء آزمایشی این قانون مطابق با مفاد اصل (۸۵) قانون اساسی پنج سال تعیین می‌گردد.

قانون فوق مشتمل بر چهارده ماده در جلسه روز یکشنبه مورخ هفتم مردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش کمیسیون صنایع و معادن تصویب و مواد (۱)، (۵)، (٦) و (۸) آن که مورد ایراد شورای نگهبان قرار گرفته بود با مصوبه جایگزین در مواد (۱) و (٦) و الحاق ماده (۱۳) توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام در تاریخ ۱۳۸۷/۸/۲۵ موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۶۱۷ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۷

اصلاح ماده ۹ آیین نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفتر اسناد رسمی

وزیران عضو کمیسیون لوایح در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۹/۳ بنا به پیشنهاد شماره ۵۸۹۶۹ مورخ ۱۳۸۷/٤/۲۰ وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده ۷ قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی ـ مصوب ۱۳۸۵ ـ و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱٦٤۰۸۲/ت۳۷۳هـ مورخ ۱۳۸٦/۱۰/۱۰ تصویب نمودند:

ماده ۹ آیین نامه اجرایی قانون تسهیل تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی موضوع تصویب نامه شماره ۲۱۲۹٦۲/ت۳۷۸۹۹ک مورخ ۱۳۸٦/۱۲/۲۷ به شرح زیر اصلاح می‌گردد:

ماده ۹- هرگونه انتقال بلاعوض به نفع دولت و شهرداری‌ها از پرداخت عوارض و اخذ هرگونه گواهی به استثنای پاسخ استعلام از اداره ثبت اسناد و املاک محل معاف می‌باشد.

این تصویب نامه در تاریخ ۱۳۸۷/۱۱/۲ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

نقل از روزنامهٔ رسمی شمارهٔ ۱۸۶۳۱ مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۴

آیین‌نامه نحوه اداره و اخذ تصمیمات شورای عالی اجرای سیاستهای کلی اصل (۴۴) قانون اساسی

ماده۱ـ شورای عالی اجرای سیاستهای کلی اصل (٤٤) قانون اساسی که در این آیین‌نامه به اختصار «شورا» نامیده می‌شود، در صورت داشتن موضوع قابل رسیدگی و دستورجلسه، حداقل هر سه ماه یک بار تشکیل می‌شود.

تبصره ـ در موارد نیاز برگزاری جلسات فوق‌العاده بنا به تشخیص رییس‌شورا مجاز است.

ماده۲ـ ریاست شورا بر عهده رییس‌جمهور و در غیاب ایشان بر عهده معاون اول رییس‌جمهور است.

ماده۳ـ جلسات شورا با حضور حداقل دوسوم اعضاء رسمیت می‌یابد و تصمیمات آن با رأی اکثریت حاضرین متضمن نظر موافق دوسوم اعضای حاضر بندهای (۱) تا (٦) ماده (٤١) قانون، معتبر است.

ماده٤ـ مصوبات شورا توسط وزیر امور اقتصادی و دارایی (دبیر شورا) ابلاغ می‌شود. وزیر امور اقتصادی و دارایی سخنگوی شورا نیز است.

ماده۵ ـ دعوت از اعضاء حداقل یک هفته قبل از تشکیل جلسات شورا با امضای دبیر شورا به عمل می‌آید. دستورجلسات و مستندات مربوط به همراه دعوت‌نامه برای اعضاء ارسال می‌شود.

ماده٦ ـ پیشنهاد هر یک از اعضای شورا برای درج در دستورجلسات در صورت تأیید دوسوم اعضاء حاضر شورا، در کمیسیون فرعی شورا موضوع ماده (۱۰) این آیین‌نامه بررسی می‌شود و نظر کمیسیون به شورا منعکس می‌شود.

ماده۷ـ اعضای شورا و دستگاههای ذی‌ربط موظفند در صورت ارائه پیشنهاد برای طرح در شورا، دلایل توجیهی، مدارک و گزارشهای مربوط را به دبیرخانه شورا ارایه نمایند.

ماده۸ ــ دبیرخانه شورا در وزارت امور اقتصادی و دارایی مستقر و وظایف آن به شرح زیر است:

۱ـ تهیه پیش‌نویس نهایی مقررات اجرایی شامل آیین‌نامه‌ها، دستورالعمل‌ها، نظام‌نامه‌ها و ضوابط در ارتباط با وظایف و اختیارات شورا و ارایه آن‌ها به شورا برای تصویب.

۲ـ پیشنهاد خط‌مشی اجرایی سالانه شورا و ارایه آن‌ها به شورا برای اتخاذ تصمیم.

۳ـ بررسی و تهیه گزارشات کارشناسی و تحلیلی مورد نیاز برای طرح در شورا حسب لزوم با استفاده از خدمات مشاوره‌ای.

٤ـ تهیه مفاد دستورجلسات و تنظیم دعوتنامه تشکیل جلسات شورا و صورتجلسات مربوط.

۵ ـ تنظیم مصوبات شورا برای ابلاغ توسط دبیر شورا.

٦ ـ ایجاد و به هنگام سازی بانک اطلاعات مصوبات و تصمیمات شورا.

۷ـ تدوین برنامه‌های فرهنگی ـ تبلیغاتی در چارچوب سیاستهای کلی اصل (٤٤) قانون اساسی و پیشنهاد به شورا.

۸ ـ تدوین شاخص‌های اجرایی پایش و نظارت تحقق اهداف سیاستهای کلی اصل (٤٤) قانون اساسی و پیشنهاد آن‌ها به شورا برای تصویب.

۹ـ پی‌گیری امور محوله به دستگاههای اجرایی در راستای مصوبات شورا و تهیه گزارش‌های پایش لازم در این خصوص برای ارایه به شورا.

۱۰ـ انجام سایر امور محوله از سوی شورا، رییس و یا دبیر آن.

ماده۹ــ دبیر شورا مجاز است با هماهنگی رییس‌شورا از کارشناسان و مسئولان ذیربط برای شرکت در جلسات شورا دعوت نماید.

ماده۱۰ــ دبیرخانه شورا می‌تواند به منظور بررسی موارد ارجاعی، کمیسیون فرعی تشکیل دهد. دستورالعمل نحوه تشکیل و اداره جلسات این کمیسیون به تصویب اعضای آن خواهد رسید.